

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضائل و آداب زیارت مسجد

(ویراست سوم)

مؤسسه مسجد

فضائل و آداب زیارت مسجد

(ویراست سوم)

مؤلف: تقی قرائتی

۲۹۶ صفحه رقعی

ویراستار: ؟؟

ناشر: ؟

مدیر هنری: ؟؟

نوبت چاپ: زمستان ۱۴۰۴

شمارگان: ؟؟

قیمت:

تلفن مرکز پخش «مؤسسه مسجد»

۰۲۵۳۷۷۳۷۷۰۱ / ۰۹۱۲۱۵۱۹۴۴۶

www.khademmasjed.ir

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول: زائران کوی دوست
۱۵	زیارت
۱۸	ذکر و زیارت
۲۲	زیارت خانه خدا در زمین
۲۵	فصل دوم: سیمای مسجد
۲۹	مسجد خواستگاه انسانیت
۳۱	جلوه‌هایی از مسجد
۳۵	رفعت مسجد
۳۵	فهم و ادراک مسجد
۳۷	مسجد محل عمل به قرآن
۳۸	مسجد و امام حسین علیه السلام
۳۸	ستاد ولایت، نهاد امامت
۴۰	مسجد خانه امن
۴۱	مسجد خانه همه
۴۳	مسجد، اولین دانشگاه
۴۵	مسجد، مجهزترین بیمارستان
۴۷	مسجد غنا بخش اوقات فراغت
۴۹	مسجد مکان ایمن‌سازی و سالم‌سازی
۵۱	آثار حضور در مسجد
۵۳	مسجد نیاز امروز، پشتوانه فردا
۵۷	رسانه مسجد
۶۱	مساجد مشترک المنافع
۶۳	مسجد، نماد اتحاد عملی امت اسلامی
۶۵	مراکز ضرار

۶۵	الف) مسجد هیچگاه ضرار نیست
۶۸	ب) مقایسه مسجد و مراکز ضرار
۷۱	ج) مؤسسان ضرار
۷۲	د) جهاد تبیین و مراکز ضرار
۷۳	فصل سوم: ساخت و تعمیر مسجد
۷۳	اهمیت عمران و آبادانی
۷۵	توفیق مسجد سازی
۷۶	ساخت مسجد
۷۹	ضرورت ساخت مسجد
۸۰	مسجد بهترین وقف
۸۱	مساجد کوچک راهکاری بزرگ
۸۳	آسیب شناسی مساجد بزرگ
۸۷	فصل چهارم: مسجدیها
۸۷	سیمای اهل مسجد
۹۲	امتیازات اجتماعی مسجدیها
۹۶	امتیازات سیاسی اهل مسجد
۹۶	ورود به مسجد و اقامت در آن
۹۸	سبک زندگی مسجدیها
۹۹	همسایه مسجد (جار الله)
۱۰۲	الف) انتخاب همسایگی مسجد
۱۰۴	ب) آداب همسایگی
۱۰۵	فصل پنجم: فیض حضور در مسجد
۱۰۵	خادم و خدمت به مسجد
۱۰۹	انواع خدمت
۱۱۰	تعظیم و بزرگداشت مسجد
۱۱۰	الف) اهمیت تعظیم

۱۱۱	 (ب) نحوه تعظیم
۱۱۵	 اهمیت حضور در مسجد
۱۱۶	 اهتمام به رفتن به مسجد
۱۱۸	 وجوب حضور در مسجد
۱۲۰	 معاف شوندگان از حضور در مسجد
۱۲۰	 عذرهای نا موجه
۱۲۱	 نیت الهی برای رفتن به مسجد
۱۲۶	 نیابت حضور در مسجد
۱۲۶	 تداوم ارتباط با مسجد
۱۳۰	 آمادگی برای رفتن
۱۳۳	 حرکت به سمت مسجد
۱۳۴	 در مسیر مسجد
۱۳۷	 فصل ششم: عواقب ترک مسجد
۱۳۷	 عواقب اعتقادی
۱۳۸	 عواقب اخلاقی
۱۴۱	 عواقب روانی
۱۴۲	 عواقب اجتماعی
۱۴۷	 عواقب سیاسی
۱۵۰	 عواقب معنوی
۱۵۱	 عواقب عبادی
۱۵۴	 عواقب اخروی
۱۵۵	 فصل هفتم: حضور زنان در مسجد
۱۵۹	 ویژگی‌ها و توانمندی‌های زنان
۱۶۱	 ویژگی و توانمندی‌های زنان
۱۶۳	 حضور زنان در مسجد و ارزش آن
۱۶۵	 نمونه‌های تاریخی حضور زنان در مسجد

۱۷۰.....	مستندات حضور زنان در مسجد.....
۱۷۲.....	آداب و شرایط حضور زنان.....
۱۷۲.....	وظایف خانواده و اجتماع برای حضور زنان در مسجد.....
۱۷۳.....	وظایف مسئولان مسجد.....
۱۷۳.....	الف) امور رفاهی.....
۱۷۴.....	ب) امور فرهنگی.....
۱۷۵.....	ج) آداب حضور زنان در مسجد.....
۱۷۵.....	اول. زمان حضور.....
۱۷۵.....	دوم. در مسیر.....
۱۷۶.....	سوم. در مسجد.....
۱۷۷.....	چهارم. فواید و آثار رفت و آمد زنان در مسجد.....
۱۷۹.....	فصل هشتم: کودک و مسجد.....
۱۷۹.....	حضور کودکان در مسجد.....
۱۸۳.....	وظایف بزرگ‌ترها در برابر کودکان.....
۱۸۳.....	الف) باورها.....
۱۸۶.....	ب) راهکارها.....
۱۸۸.....	آداب حضور کودکان.....
۱۹۱.....	فصل نهم: حضور بزرگ‌سالان در مسجد.....
۱۹۱.....	مسجد با اولویت بزرگ‌سالان.....
۱۹۵.....	فصل دهم: فضایل و آداب حضور در مسجد.....
۱۹۵.....	آداب ورود به مسجد.....
۱۹۷.....	آداب هنگام ورود.....
۲۰۳.....	الف) نماز تحیت.....
۲۰۴.....	آداب نماز تحیت.....
۲۰۵.....	لحظات حضور.....
۲۰۸.....	نشستن در مسجد.....

۲۰۸.....	الف) فضایل نشستن.....
۲۰۹.....	ب) مکان نشستن.....
۲۱۰.....	ج) کیفیت نشستن.....
۲۱۱.....	د) انواع نشستن.....
۲۱۴.....	هـ) آداب نشستن.....
۲۱۵.....	آثار حضور و ماندن در مسجد.....
۲۱۵.....	الف) آثار معنوی.....
۲۱۷.....	ب) آثار مادی.....
۲۱۸.....	ج) آثار سیاسی - اجتماعی.....
۲۱۹.....	د) آثار اخروی.....
۲۲۰.....	هـ) آداب شخصی.....
۲۲۳.....	و) آداب روحی و روانی.....
۲۲۴.....	ز) آداب اجتماعی.....
۲۲۸.....	آداب خروج از مسجد.....
۲۲۸.....	الف) قبل از خروج.....
۲۳۱.....	ب) هنگام خروج.....
۲۳۲.....	ج) پس از خروج.....
۲۳۳.....	فصل یازدهم: خواسته‌های مسجد از ما.....
۲۳۴.....	امکانات و تجهیزات.....
۲۳۵.....	برگزاری نماز.....
۲۳۶.....	برنامه‌ها.....
۲۳۶.....	هزینه‌ها.....
۲۳۶.....	مدیریت.....
۲۳۷.....	امام مسجد.....
۲۳۷.....	الف) جایگاه و فضایل امام مسجد.....
۲۳۸.....	ب) پیوند امام مسجد با مردم.....

۲۴۰.....	ج) پیوند مردم با امام مسجد.....
۲۴۲.....	د) آداب امامت مسجد.....
۲۴۹.....	اول. آداب امامت اجتماعی.....
۲۵۰.....	دوم. آداب امامت فرهنگی.....
۲۵۲.....	هـ) مسجد و نماز.....
۲۵۵.....	اول. آداب نماز جماعت مسجد.....
۲۵۷.....	دوم. آداب جماعت.....
۲۵۹.....	مسجد و حضور مردم.....
۲۵۹.....	وظایف مأمومین.....
۲۶۱.....	فصل دوازدهم: مسجد و ماه مبارک رمضان.....
۲۶۶.....	قدر در زمان و مکان.....
۲۶۷.....	توصیه هایی پیرامون ماه رمضان.....
۲۶۸.....	روز قدس؛ روز مسجد.....
۲۷۱.....	فصل سیزدهم: اعتکاف در مسجد.....
۲۷۲.....	زمان اعتکاف.....
۲۷۴.....	آثار اعتکاف.....
۲۷۵.....	مراقبات قبل از اعتکاف.....
۲۷۶.....	کیفیت اعتکاف.....
۲۷۸.....	مراقبات هنگام اعتکاف.....
۲۷۹.....	مراقبات بعد از اعتکاف.....
۲۷۹.....	مراقبات خادمان معتکفین.....
۲۸۱.....	پیشنهادهات.....
۲۸۳.....	فصل چهاردهم: احکام ویژه مساجد.....
۲۸۵.....	آمار از ما، تفکر از شما.....
۲۸۹.....	منابع.....

مقدمه

حمد و سپاس خداوند که مسجد را نخستین و برترین مکان برای بشر قرار داد و آن را پناهگاه بندگان و مامن حقیقت‌جویان ساخت؛ خانه‌ای که انبیا به عمران‌ش فخر کردند، به تطهیرش همت گماشتند و خدمت در آستانش را سرمایه قرب دانستند.

مسجد فضایی زنده، آگاه، شاهد و صاحبِ حق است. همیشه این مکان به روی همه گشوده است و دعوتی همگانی دارد، نه محدود به گروهی خاص و نه آمیخته با مقاصد پنهان. مسجد پاسخگوی نیاز امروز و پشتمان فردا، مایه قوام و مرکز قیام بوده و ترک آن، غفلت و رخدادی پرهزینه است که فرد و اجتماع را در برابر انواع تهاجمات و تهدیدها آسیب‌پذیر و سست می‌سازد. با شناخت جامع کارکردهای مسجد می‌توان فهمید که هیچ مرکزی توان جایگزینی این نقش جامع و بی‌بدیل را ندارد.

مساجد «خانه خدا و زیارتگاه او در زمین» است و هر که قدم در این خانه می‌گذارد، در شمار «زائران خدا» ثبت می‌شود و خداوند، میزبانی را بر عهده گرفته و وعده کرامت و پذیرایی داده است.

نکته قابل توجه آنکه ورود در این میهمانی، آدابی دارد و حضور و زیارت آن، معرفت می‌طلبد. چشیدن حلاوت مسجد، در گرو شناخت فضایل آن و پایبندی به آداب آن است؛ آدابی که از طهارت ظاهر و باطن آغاز می‌شود، با ورود همراه با خشوع، نشستن آگاهانه و ادب خروج، تکمیل می‌گردد و التزام عملی به اسلام را محقق می‌کند.

با این همه، در میان انبوه آثاری که درباره آداب زیارت انبیا و اولیا نوشته شده، زیارت خدا در مسجد و آداب حضور در خانه او کمتر موضوع تألیف مستقل قرار گرفته است؛ حال آنکه منابع روایی و فقهی شیعه در این باب، غنایی چشمگیر دارند. این اثر، تلاشی است برای پر کردن بخشی از این خلأ.

مطالب بر پایه قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ و اهل بیت اهل بیت استوار شده و در عین حال، به کارکردهای نوپدید مسجد نیز نگریسته شده است. این نوشتار، بازگشتی آگاهانه به مسجد است؛ بازگشتی که هم زیارت است و هم مسئولیت. امید آن می‌رود که به توفیق صاحب این خانه، در آینده‌ای نزدیک، آداب زیارت مسجد به تفصیل تدوین و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد و این گام، مقدمه‌ای باشد برای انس عمیق‌تر، حضوری ثمربخش و دفاعی خردمندانه از سنگری که همواره آماج غفلت بوده است؛ که نجات و سعادت ما، در گرو پیوندی مستمر و استوار با این خانه بی بدیل است.

در پایان، لازم می‌دانم چند نکته روش‌شناختی را با خواننده محترم در میان بگذارم تا شیوه نگارش این اثر به‌درستی فهم شود.

نکته اول: بهره‌گیری از روایات اهل سنت در کنار روایات اهل بیت اهل بیت است. این روایات نه به‌عنوان مبنای مستقل استنباط، بلکه به‌مثابه «مؤید» آورده شده‌اند تا نشان داده شود که بسیاری از مضامین مطرح‌شده، اختصاص به یک مکتب فقهی ندارد و ریشه در میراث مشترک اسلامی دارد.

نکته دوم: پیوند دادن روایات نماز جماعت با مسجد است. برداشت این اثر - بر پایه روایات پرشمار در منابع شیعه و اهل سنت - آن است که مسجد، بهترین و بلکه ارجح‌ترین بستر برای تحقق کامل نماز جماعت است. از همین رو، وقتی از فضیلت، آثار و کارکردهای نماز جماعت سخن گفته می‌شود، مسجد به‌عنوان ظرف طبیعی و مطلوب آن در نظر گرفته شده است. این نگاه، ناظر به فهمی است که از مفهوم «اقامه» در آیه شریفه «أَقِمِ الصَّلَاةَ» به دست می‌آید؛ اقامه، صرف انجام فردی عمل نیست، بلکه برپا داشتن نماز در چارچوبی است که آثار عبادی، اجتماعی و تربیتی آن به‌تمامی ظهور یابد، و مسجد در سنت اسلامی، کانون همین معناست.

از کلیه شیفتگان مسجد و عموم صاحب‌نظران خواهانیم که با پیشنهادها و انتقادهای سازنده خود ما را در این مسیر مقدس یاری کنند.

حوزه علمیه قم، مؤسسه مسجد

تقی قرائتی

فصل اول

زائران کوی دوست

قال علی علیه السلام: «حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَأَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ»؛

بر خداوند است که زائرش را گرامی داشته و درخواست‌هایش را اجابت کند.^۱

زیارت

گاه سهولتِ دسترسی، کثرتِ مساجد و بزرگواریِ صاحبِ خانه الهی، به تدریج از ساسیت ما نسبت به آداب و حرمت حضور در مسجد می‌کاهد. این در حالی است که پیشوایان دین، با آنکه می‌کوشیدند برترین و بیشترین اوقات خویش را در مسجد سپری کنند، در رعایت ظرایف ادبِ حضور نهایت دقت و اهتمام را داشتند. حقیقت آن است که لذت و معنای واقعی حضور راتنها کسانی درمی‌یابند که آداب آن رابه شایستگی پاس می‌دارند. از این‌رو، هرگاه انسان در خود نشانه‌ای از غفلت و بی‌توجهی احساس کرد، شایسته است رفت‌وآمد به مسجد را افزون کند، اما زمان ماندن را کوتاه‌تر سازد تا شکوه، هیبت و قداست مسجد در جان او کمرنگ نگردد.

۱. وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷

با آنکه خانه ائمه هدی علیهم السلام هم در حکم خانه خدا و مسجد است و به یک معنا آن ذات‌های مقدس، خود، مسجد متحرک‌اند ولی آنان اهتمام فراوانی به مسجد و زیارت آن داشته‌اند.

همچنین با آنکه مرقد منور آنان حکم مسجد را دارد، گاه مساجدی را در بالای سر مرقد آنان می‌ساختند تا با حضور در مسجد بالاسر، فضیلت زیارت خدا و ولی خدا دوچندان گردد؛^۱ هم زیارت و هم تجدید بیعت.

نکته برجسته آنکه ائمه مظلوم ما علیهم السلام در حالی به مسجد اهتمام نشان می‌دادند و ما را سفارش به ساخت، تعمیر و حضور می‌کردند که آنان و پیروانشان حتی امامت یک مسجد را هم نداشتند و فرهنگ ائمه علیهم السلام در مساجد حاکم نبود و امامت مسجد و پیشوایی آن با دیگران بود و چه‌بسا توهین و دشنام هم می‌دادند و چه‌بسا حضور امامان علیهم السلام را به نفع خود تفسیر و تأیید می‌کردند. با این همه، ائمه علیهم السلام همچنان بر حضور در مسجد اصرار می‌ورزیدند؛ اما اینک که مسجد در اختیار مردم ولایتمدار است، وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارند و داریم.

عمران و آبادانی مسجد و حضور فعال و مستمر در آن، روشن‌ترین و عینی‌ترین جلوه التزام عملی به اسلام و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و در عین حال، حقیقی‌ترین شکل دفاع از تشیع و ولایت اهل بیت علیهم السلام است. از آن‌جا که امامت و مدیریت مسجد در اختیار اهل ولا و به‌طور خاص در انحصار روحانیان قرار دارد، مسئولیت آنان در پاسداشت جایگاه مسجد، احیای کارکردهای اصیل آن و جذب و هدایت مردم، سنگین‌تر و دوچندان خواهد بود.

۱. مسجد اعظم قم و مسجد گوهرشاد مشهد نمونه‌ای از این مساجد است.

شایسته نیست کسانی که آموزه‌ها و آداب مسجد را از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را گرفته‌اند، در عمل از دیگران عقب بمانند یا حضور در مسجد نشانه‌ای روشن از هویت شیعی نباشد؛^۱ آن هم درحالی که منابع روایی و فقهی شیعه، از نظر کمیت و نیز از حیث عمق، غنا و جامعیت محتوا، در حوزه احکام، آداب و کارکردهای مسجد، به مراتب گسترده‌تر و غنی‌تر از منابع دیگر مذاهب اسلامی است.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران از مسجد آغاز شد و قوام و پویایی خود را نیز از همین پایگاه الهی گرفته است؛ از این رو هر اندازه که این انقلاب با مسجد پیوندی عمیق‌تر و زنده‌تر داشته باشد، پویاتر، بالنده‌تر و مصون‌تر خواهد بود. در مقابل، هر زمان که از مسجد فاصله بگیرد، به همان میزان در معرض سستی، انحراف و آسیب‌پذیری قرار خواهد گرفت.^۲

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَأَعْرَبْ ثُمَّ اغْرُبْ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْغُسْرِ وَ الْبُشْرِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲).

۲. انقلاب اسلامی از مسجد برخاست و حفظ و تداوم آن نیز جز با محوریت مسجد ممکن نیست. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که بیشترین مساجد در گذشته در اختیار روستاییان بوده؛ در حالی که بنا بر برخی آمارها، بیش از سی هزار روستایی که زمانی دارای مسجد بوده‌اند، امروز خالی از سکنه شده‌اند. هم‌زمان، جمعیت شهری و سرانه ساخت‌وساز در شهرها رو به افزایش است، اما با وجود این گسترش، نزدیک به هشتاد درصد شهرنشینان از دسترسی آسان به مسجد محرومند؛ چه رسد به امکان انتخاب مسجد که خود عاملی مهم در تعالی جامعه و رونق مساجد به شمار می‌آید. افزون بر این، هنوز آمار دقیقی از مساجدی که با احداث سدهای جدید به زیر آب رفته‌اند، در دست نیست. از سوی دیگر، شهرک‌های جدید مسکونی، صنعتی و کشاورزی غالباً بدون پیش‌بینی مسجد شکل می‌گیرند. در چنین شرایطی، کاهش فرصت‌های شغلی، گسترش بازنشستگی و بیکاری جوانان، رواج زندگی آپارتمانی و افزایش فشارهای روانی، نیاز جامعه به مسجد را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ و بی‌توجهی به این نیاز، خود به تشدید بحران‌های اجتماعی می‌انجامد.

شاید علت اینکه عالمان شیعی به مسائل مسجد کمتر پرداخته‌اند، ولی عملاً وابسته به مسجد و در آن حضور داشته‌اند بدان جهت بوده که مبادا دیگران این گنج گران بها را شناسایی کرده و از آن بهره‌برداری‌های ناشایست ببرند^۱ چنانچه برخی از کشورها مدعی سرآمد ساخت و حضور در مسجد هستند.^۲

ذکر و زیارت

ذکر به معنی یاد، یادآوری و هوشیاری و توجه و در برابر آن نسیان و فراموشی و غفلت است. زیارت به معنی منصرف شدن از همه چیز و همه کس و توجه به طرف زیارتگاه و مزور و مزار است، چنان‌که حج در لغت به معنی قصد و در اصطلاح قصد خانه خدا کردن است.

عنوان «زیارت» نخستین بار در مورد مسجد به کار رفته است؛^۳ زیرا زیارت مسجد، هم هدف اصلی از حضور در آن است و هم آشکارترین جلوه عمران و آبادانی مسجد به شمار می‌رود.

با این همه، حضور در مسجد علاوه بر زیارت خود مسجد، شامل زیارت خداوند و بندگان شایسته (پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان) نیز می‌شود.

۱. امروزه کشورهای اسلامی هرکدام به مسجد اهتمام داشته‌اند، قدرت بهتر و بیشتری دارند.

۲. مثل حاکمان حجاز که خود را خادم الحرمین می‌دانند.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: أَنَّ يَبُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي وَ حَقَّقَ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُكْرِمَ الزَّائِرَ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸).

سپس این عنوان (زیارت) به تدریج برای اماکن و اشخاص دیگر نیز به کار رفته است؛ اما در فرهنگ و متون دینی، واژه‌های «زیارت» و «حج» همواره به مسجد اختصاص داشته‌اند و دارای ارزش، فضیلت، آثار و برکات فراوانی است.

مهم آن است که یک لحظه زیارت برخی مساجد، چه بسا ره‌آورد روزها، ماه‌ها و بلکه سال‌ها کوشش از جمع‌آوری هزینه سفر تا زمان و مدت رفت و برگشت و مشقاتی که داشته است و به همان اندازه نیز فضیلت و ارزش و اثر دارد؛ تا آنجا که یک لحظه در مسجد و نماز در آن بهتر از چهل سال عبادت شبانه‌روزی در غیر مسجد است.^۱ البته هر کسی لیاقت چنین فضیلتی را نداشته و ندارد. گاهی رسیدن به این هدف چنان سخت و پرهزینه است که یک مرتبه در تمام عمر انسان کافی است؛ چراکه نتیجه یک عمر زحمت و گاهی با یک عمر هزینه همراه است (حج).

نکته قابل توجه این است که اگرچه همه موجودات اهل ذکر و تسبیح خداوند هستند،^۲ اما زیارت مخصوص موجودات با شعور همانند انسان‌ها و ملائکه است و تاکنون موجودات دیگر «زائر» نامیده نشده‌اند. با این همه زیارت برای هر انسانی ممکن نمی‌شود و تنها برخی از افراد لیاقت و شایستگی زائر بودن را دارا هستند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ وَالرَّكْعَةُ فِي الْجَمَاعَةِ أَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ رَكْعَةً كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عِبَادَةٍ أَرْبَعِينَ سَنَةً (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۸).

۲. «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج: ۱۸).

منابع اسلامی نشان می‌دهند که مساجد، زیارتگاه‌های خداوند بر روی زمین هستند؛ بنابراین، تنها زائر کعبه و مسجدالحرام، زائر خدا نیست؛ بلکه کسانی که به مساجد کوچک و بزرگ و دور و نزدیک مشرف می‌شوند، نیز زائران خدا به شمار می‌آیند؛^۱ زیارتگاه‌هایی که خداوند اذن بهره‌برداری و ساختشان را به آسانی به ما داده است، ولی برخی از توفیق این زیارتگاه‌ها بی‌بهره هستند.

بررسی سیره پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد که با وجود اینکه خود آن معصومان علیهم‌السلام مورد زیارت واقع می‌شوند و ما مشتاق زیارتشان هستیم (و زیارت ایشان در ردیف زیارت خدا محسوب می‌شود)،^۲ آنان خود زائر، اهل مسجد، بلکه مؤسس، خادم و خدمتگزار مسجد بوده‌اند.^۳ ایشان همواره سعی داشتند تا بهترین و بیشترین اوقات خود را در مسجد سپری کنند و برخی در مسجد به دنیا آمده و در مسجد به شهادت رسیده‌اند یا در مسجد یا کنار آن مدفون‌اند (همانند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت یحیی و اسماعیل علیهم‌السلام).

در برابر، خداوند متعال نیز در چنین جایگاهی -که به‌عنوان خانه‌های خدا روی زمین و زیارتگاه‌های خدا و محل ملاقات و پذیرش و میهمانی و

۱. فی الحدیث القدسی: إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ وَ إِنَّ زُؤَارِي فِيهَا عُمَّارُهَا فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي فَحَقَّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ (ملاحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۲۷).

۲. عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام: مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام؟ قَالَ: كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (کامل الزیارات، ص ۱۴۷).

۳. «وَ عَهْدَنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي...» (بقره: ۱۲۵).

پذیرایی خدا معرفی شده‌اند^۱ - به شایستگی از مهمانان پذیرایی می‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرکس با وضو و طهارت به مساجد وارد شود، خداوند او را می‌پذیرد، از گناهانش پاک می‌سازد و نامش را در زمره زائران خود به ثبت می‌رساند.^۲

حضرات معصومین علیهم السلام با تعبیری زیبا، عمیق، دل‌نشین و امیدوار کننده از این واقعیت پرده برداشته‌اند که زیارت شونده (خدا) کرامت زائرش را پاس می‌دارد^۳ و درخواست‌هایش را اجابت می‌کند.^۴

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: اهل مسجد زائران خداوند و بر زیارت شونده (خدا) است که به زائرانش تحفه‌ای عطا کند.^۵

نکته قابل توجه آنکه از آنجایی که زائران متفاوت هستند و هر یک با نیازی اختصاصی به درگاه الهی روی می‌آورند و خداوند همه را به مهمانی خویش فراخوانده است، معلوم می‌شود که برای هر یک، پذیرایی ویژه‌ای

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: أَنَّ يُّوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي وَ حَقَّ عَلَى الْمَزُورِ أَنْ يُكْرِمَ الزَّائِرَ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸).

۲. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِإِيَّانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا يُبَوِّتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُؤَارِهِ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۰).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ يُّوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ نُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا نُضِيءُ النُّجُومَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتِ الْمَسَاجِدُ يُّوتَةً. أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي. أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).

۴. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَ أَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۷).

۵. قَالَ الْحَسَنُ عليه السلام: أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُؤَارُ اللَّهِ وَ حَقَّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحْفَةُ لِزَائِرِهِ (حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۷).

در نظر گرفته است.^۱ علاوه بر این، چون برای حضور در مسجد وقت خاصی در ماه یا سال تعیین نشده و خداوند روزی چند مرتبه مهمانان خود را فرا می‌خواند، این دعوت بیهوده نیست؛ و خداوند حوایج عمومی و خصوصی آنان را برآورده می‌کند.^۲ گاهی نیز پاداشی فراتر از خواسته ما عطا می‌کند که ما را نسبت به خواسته‌هایمان، پشیمان می‌سازد.^۳

زیارت خانه خدا در زمین

اگرچه خداوند تمامی موجودات عالم را اهل ذکر، تسبیح و سجده می‌داند؛^۴ اما چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد آنچه به‌طور ویژه نصیب انسان شده است، توفیق «زیارت مساجد» است.^۵ البته شکی نیست که هر کجا باشیم، در محضر خداییم؛^۶ با این حال، خداوند مکان‌هایی خاص را خانه خود نامیده و مشتاق است که مؤمنان در چنین مکان‌هایی به ذکر و زیارتش نائل شوند.^۷

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَى الْمَسْجِدَ لِيَشِيءَ فَهُوَ حَظُّهُ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۳۴).

۲. «تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک: ۱).

۳. «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی: ۵).

۴. «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِیماً غَفُوراً» (اسراء: ۴۴).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِیَمَ مَسْجِدٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳).

۶. «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيُّمَا ثُلُوًّا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۱۵).

۷. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَا أَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُهُمَا مِنْ مَسْجِدِ نَبِيِّي إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيِّي أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّي قَبْلَ قَتْلِ فَاصْبِرْ تِلْكَ الْبُقْعَةُ رَمَّةٌ مِنْ دَمِهِ فَأَحَبُّ إِلَهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا فَأَذْكَرُ فِيهَا الْفَرَائِضَ وَالْوَفَائِلَ وَأَقْضِي مَا فَاتَكَ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۸).

خداوند متعال چنان شأن و منزلتی برای این اماکن مقدس قرار داده است که حضور در آن‌ها را با وعده پادشاه‌های عظیم و بی‌بدیل همراه ساخته و این مکان‌ها را جایگاه ویژه زیارت، محل پذیرش بندگان و عرصه ضیافت و تکریم زائران خویش قرار داده است.^۱

زمانی ارزشمندی این نعمت الهی آشکار می‌شود که بدانیم خداوند بر مسلمانان منت نهاده و اجازه داده است در هر کوچه و خیابان و محله‌ای مسجد -هرچند کوچک و ساده-^۲ بسازند، درحالی‌که برخی ادیان اجازه ساخت معبد جدید را ندارند؛ همان‌طور که ما اجازه ساخت مسجدالحرام را در مکان‌های دیگر نداریم.

افزون بر این، امکان ورود به این اماکن مقدس در تمامی ساعات شبانه‌روز، نعمتی مضاعف است که شکرگزاری فراوان می‌طلبد و هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌تواند مانع ورود ما شود، مگر اینکه خود مانعی در درون داشته باشیم.

نکته بایسته آنکه زیارت مسجد یکی از موهبت‌های بزرگ الهی است که سبب کسب معنویت و بهره‌مندی از فواید بی‌شمار، زندگی آسان، آرام،

۱. فی الحدیث القدسی: إِنَّ بُیُوتِی فِی الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ وَ إِنَّ زُؤَارِی فِیْهَا عُمَارُهَا فَطُوبِی لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِی بَیْتِهِ ثُمَّ زَارَنِی فِی بَیْتِی فَحَقَّقَ عَلَی الْمَرْوَرِ أَنْ یُکْرِمَ زَائِرَهُ (ملاحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۲۷)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ بُیُوتِی فِی الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ تُضِیءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ کَمَا تُضِیءُ النَّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. أَلَا طُوبِی لِمَنْ کَانَتْ الْمَسْجِدُ بُیُوتَهُ. أَلَا طُوبِی لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِی بَیْتِهِ ثُمَّ زَارَنِی فِی بَیْتِی. أَلَا إِنَّ عَلَی الْمَرْوَرِ کَرَامَةَ الزَّائِرِ (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قِطَاعٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۴).

شیرین و دلپذیر خواهد شد؛ اما باید توجه داشت که این موهبت عظیم نصیب هر کسی نمی‌شود و نیازمند لیاقت و دعوت است. از این رو، برخی توفیق تشریف با معرفت به این جایگاه با عظمت را نمی‌یابند؛ بنابراین اگر مسجد را بشناسیم و به آداب آن پایبند باشیم، از زیارت و حضور در آن بیشتر لذت خواهیم برد.

افزون بر این، استجابت زائر، نیازمند زاد و توشه است. داشتن زینت،^۱ توجه به آداب از جمله نماز تحیت،^۲ و سپاسگزاری از او، زیارت را تکمیل می‌سازد و ما را شایسته دریافت هدیه از میزبان می‌کند.

خداوند ما را از کسانی قرار دهد که شایستگی دعوت و توفیق حضور در خانه‌اش را داشته باشیم و نرفتن به مسجد و بی‌بهره بودن از آن را نشانه بی‌لیاقتی، عدم دعوت و خسرانی بزرگ در هر دو جهان بدانیم.^۳

۱. «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱).

۲. بهترین چیزی که خداوند دوست دارد و پیامبر ﷺ علاقه‌مند اوست و ستون دین است، هرآینه نماز است.

۳. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (کهف: ۱۰۳-۱۰۴).

فصل دوم

سیمای مسجد

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»

در خانه‌هایی که خدا رخصت داده است که قدر و منزلت آن‌ها رفعت یابد و نام خدا در آن‌ها برده شود.^۱

از بزرگ‌ترین وعده‌ها، امتیازات و معجزات الهی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا شد، مسجد بود.^۲ مسجد:

۱. مرکز سیاست‌ها و راهبردهای نظام اسلامی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی و محل تصمیم‌گیری‌های کارساز برای جامعه در تمامی زمینه‌هاست.

۲. محل بعثت انبیا و هدایت بشر و مرکز جلوگیری از افراط و تفریط‌ها و کنترل‌کننده و تعادل‌بخش امت‌های توحیدی است.

۳. محلی برای شناسایی رهبران دینی، بیعت با آنان و تعیین مسئولان عادل برای تصدّی جایگاه‌های حسّاس و بیزاری جستن و عزل حاکمان نالایق و فاسد است.

۱. نور ۳۶

۲. «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» (بقره: ۱۴۴)؛ «لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الْرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ» (فتح: ۲۷).

۴. مسجد، کانون فریاد علیه ظالم و دفاع از مظلوم است.
۵. این مکان مقدس، بدون افراط و تفریط، تمام کارکردهای خود را به صورت متوازن حفظ می‌کند و هیچ‌یک از ابعاد آن برد دیگری برتری ندارد، در حالی که مراکز دیگر اغلب در یک بُعد فعال و در ابعاد دیگر منفعل هستند.
۶. مسجد دار الامیر اولیاء و صالحان و خانه و مأوی پیامبران است.^۱
۷. نهضت‌ها و بیداری‌های اسلامی، ریشه در مساجد دارند، در آنجا شکل گرفته و انسجام می‌یابند. نیروهای حزب‌اللهی، با محوریت مسجد، متحد و منسجم شده و به اتحاد و پایداری خود عمق می‌بخشند؛ به خلاف قیام در مراکز دیگر که معمولاً پس از مدتی متزلزل، منحرف و رو به افول می‌گذارند و گاه ضد خود می‌شوند.
۸. از مسجد است که انسان از شیطان دور شده و به خدا نزدیک می‌شود.
۹. فضایی است که انسان در آن رشد می‌کند، پرورش می‌یابد و می‌آموزد که گذشته‌ها را به یاد آورد و از آن‌ها عبرت گیرد؛ همچنین فرصت‌های پیش‌رو و آینده‌اش را رصد کرده و خیر العمل را برمی‌گزیند.
۱۰. نسل‌های گذشته، حال و آینده را به یکدیگر پیوند داده و استمرار فرهنگ دینی را تضمین می‌کند.
۱۱. خادمان پرورش یافته، منافقان و فتنه‌گران شناسایی شده، هویتشان آشکار می‌گردد و تلاش‌هایشان خنثی و بی‌اثر می‌شود.

۱. «مَثَابَةُ لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا» (بقره: ۱۲۵).

۱۲. همه محتاج و سر به زیر و متواضع، وارد می‌شوند و سرافراز و مقتدر از آن بیرون می‌آیند.

۱۳. تنها وارد مسجد شده و گروهی خارج می‌شوند.

۱۴. باعث شادمانی و دلگرمی بندگان صالح خدا و مایه ترس و هراس دشمنان می‌گردد.

آری مسجد سنگری امن است، برای:

○ سالم ماندن و تاب‌آوری در پیشامدهای گوناگون و دفاع و حمله ترکیبی علیه هرگونه تهاجم سیاسی، فرهنگی و نظامی است.

○ حضور مستمر افراد،^۱ دلیل آراستگی آنان به اخلاق اسلامی و هدایت آنان به همه خیرها و خوبی‌ها و نشانه‌ای بر اعتدال آنان در نگرش‌ها، بینش‌ها و سبک زندگی است.^۲

○ مسجد، هرچند کهن، باستانی یا ساده باشد، طراوت و تازگی دارد؛ نه از چشم‌ها می‌افتد و نه از قلب‌ها رخت برمی‌بندد. حضور روزانه و شبانه در آن، نه تنها از حلاوت و شیرینی آن نمی‌کاهد، بلکه کامروایی و شادابی ما را افزایش می‌دهد.

۱. عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ أَتَعْلَمُ فِي أَيِّ شَيْءٍ أُنْزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فِي انتِظَارِ الصَّلَاةِ حَلَفَ الصَّلَاةِ يَا أَبَا ذَرٍّ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ مِنَ الْكُفَّارَاتِ وَ كَثْرَةُ الْإِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكَ الرِّبَاطُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشَّیعه، ج ۴، ص ۱۱۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَطَنُوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسائی، عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱).

- چنان رفیع است که کسی جرئت توهین و تحقیر آن را ندارد.^۱
- مسجد و اهل آن از آلودگی به دور است،^۲ ولی بی‌مهری‌های مردم خاطرش را آزرده می‌کند و آن را هرگز فراموش نمی‌کند. بی‌اعتنایی به آن از مقام و جایگاه آن چیزی نمی‌کاهد و غفلت از آن انسان را از فضایل و خیرات و برکات آن محروم می‌کند؛ همانند خورشید که هر کس به آن پشت کند، در حقیقت خود را از نور آن بی‌نصیب کرده است و چیزی از نور آن کاسته نمی‌شود.
- مسجد دورکننده شیطان از حریم قلوب مؤمنان و مایه تقرب مشتاقان به حریم کبریایی است.^۳
- مرکز شناسایی مردان خدایی و اقتدا به آنان است.^۴
- حلال مشکلات و دفع‌کننده بلاها است.^۵
- در هنگامه پدیدار شدن حوادث طبیعی و قهری پناهگاهی امن برای مؤمنان است.^۶

۱. عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ فِي حَدِيثٍ: ... يَا يُونُسَ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰-۲۸۱).

۲. «فِيهِ رِجَالٌ يُجْبُونَ أَنْ يَنْطَهَرُوا» (توبه: ۱۰۸).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ كِذْبُ الْغَنَمِ، يَأْخُذُ الشَّاءَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاحِيَةَ، فَإِيَّاكُمْ وَالشَّعَابَ، وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۰۶)؛ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِإِيَّانِ الْمَسَاجِدِ (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۵۹).

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِأَبِي ذَرٍّ: ... الزَّمِ الْمَسَاجِدَ عَمَارَهَا هُمْ أَهْلُ اللَّهِ (حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۷).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عَوْفَى أَهْلَ الْمَسَاجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

۶. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: الَّذِينَ يَكْتَفُونَ بِطَاعَتِي كَمَا يَكْتَفِي الصَّبِيُّ الصَّغِيرُ بِاللَّبَنِ وَالَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي الثُّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۶).

- سفرهای آسمانی و زمینی رسول خدا ﷺ از مسجد آغاز و به آن پایان می‌پذیرفت.^۱
- زادگاه و زیستگاه و قتلگاه امیر مؤمنان علیه السلام مسجد بود.^۲
- احرام و میقات^۳ برای رسیدن به اعظم و اشرف المساجد یعنی مسجدالحرام است.

مسجد خواستگاه انسانیت

خداوند شیرینی‌ها و زیبایی‌ها را حلال و تلخی و زشتی‌ها را حرام کرده است،^۴ لذا انسان جویای کامروایی و لذت است؛ اما لذتی ارزشمند است که پایدار و برای همگان شیرینی بیاورد و تلخی و زشتی آنگاه ناپسند است که همواره و برای همه زیان آفرین باشد. در میان همه شیرینی‌ها، شیرین‌ترین و ماندگارترین، «تربیت» است؛ تربیت شدن و تربیت کردن، اوج زندگی انسان و مقصود آفرینش اوست.

هرچه ابزارهای زندگی افزون‌تر و پیچیده‌تر شوند، نیاز به تربیت ژرف‌تر و متعادل‌تر می‌شود. این تربیت نه با کارخانه و مزرعه و دانشگاه به تنهایی به بار می‌نشیند، بلکه به ابزارهایی انسانی و بنیادین نیاز دارد: نزدیک

۱. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء: ۱).

۲. «وُلِدَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْكَعْبَةِ (ابراهيم بن علی عاملی کفعمی، المصباح، ص ۵۱۲).

۳. مکانی که احرام باید در آن صورت گیرد، «میقات» نامیده می‌شود. یکی از این میقات‌ها «مسجد شجره» در منطقه ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره واقع شده است و میقات کسانی است که از راه مدینه به مکه می‌روند.

۴. «يَحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ» (اعراف: ۱۵۷).

شدن چهره به چهره، محبت و پیوستگی و احاطه تربیتی در یک محیط سالم و زنده. چنین فضایی در سنت اسلامی، بیش از هر جا در «مسجد» فراهم است؛ جایی که مردم خودِ مخاطبانِ اصلی‌اند^۱ و تربیت در دل یک جامعه زنده شکل می‌گیرد. از همین روست که در اندیشه اسلامی، مسجد نه فقط عبادتگاه، بلکه پرورشگاه انسان به شمار می‌آید؛ محلی که سه عنصر اساسی تربیت را در طبیعی‌ترین شکل خود در کنار هم قرار می‌دهد و انسان را با شیرینی رشد آشنا می‌کند.

علاوه بر این در تربیت مسجدی، مربی و تربیت شده تعامل داشته و چه بسا مربی به جای تربیت شده و تربیت شده کارکرد مربی داشته باشد. لذا چه بسا استاد و پیام دهنده وارد شده و شاگرد و گیرنده پیام خارج می‌شود.

۱. «وُضِعَ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۹۶)؛ «قِيَاماً لِلنَّاسِ» (مائده: ۹۷).

جلوه‌هایی از مسجد

مسجد کهن‌ترین بنا و نخستین خانه‌ای است که خداوند برای انسان‌ها بر روی کره خاکی قرار داده است.^۱

مسجد خانه مردم و خانه هر مؤمن،^۲ مبارک‌ترین مکان،^۳ محبوب‌ترین بقعه نزد خداوند،^۴ بهترین قرارگاه و با فضیلت‌ترین بقعه،^۵ جایگاه متقین^۶ و خانه مخصوص ذکر خدا روی زمین است.^۷ مسجد خانه‌ای است که پیامبران افتخار ساخت، تطهیر و خدمت و سکونت در آن را داشتند.

۱. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَسْجِدُ بَيْتُ كُلِّ مُؤْمِنٍ (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۶۷).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَ مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ وَ أُنْبِيَتُهُ أَدْنَى فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مِثْمُونَةٌ مِّمُّونٌ أَهْلُهَا مَرْيَبَةٌ مَّرَيِّبٌ أَهْلُهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

۴. رُوِيَ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَ أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۴۰).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِدُ (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۹).

۶. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲).

۷. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَعَ مَسَاجِدِ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ» (بقره: ۱۱۴): عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنِّي لَا أَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَّةٌ مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا فَأَدْ فِيهَا الْفَرِيضَةُ وَ التَّوْفِيلُ وَ أَقْضَى فِيهَا مَا فَاتَكَ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۷۰-۳۷۱).

۱. مسجد یادمان مجاهدت‌ها و هدایت‌های انبیا، اوصیا و شهداست.^۱
۲. مسجد محل ملاقات و دوست‌یابی^۲ و بهترین سیاحتگاه^۳ و تفرجگاه است.^۴
۳. مسجد مرکز ادب سازی است و از ادب سوزی - آن‌گونه که در برخی مراکز دیده می‌شود - جلوگیری می‌کند. هرچه جمعیت زیادتر شود، آداب بیشتری طلب می‌کند^۵ ولی تجمع انسانی در غیر مسجد، موجب ادب سوزی می‌شود.

۱. مثل مسجد النبی ﷺ.

۲. عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: إِمَّا أَحَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرًّا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى، أَوْ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ تَرَكَّ ذَنْبَ حَشِيَّةٍ أَوْ حَيَاءٍ (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۳۲).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَإِنْ سِيَاحَةً أُمْتِي الْمَسَاجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۷).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا مَرَزْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ قُلْتُ: وَمَا الرَّتُّعُ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ (الترمذی، سنن، ج ۵، ص ۱۹۴).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَاقِبِكُمْ لَا يَسْتَحْذُوا عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ (شیخ طوسی،

تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳): عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: ... فَقُلْتُ كَيْفَ يُعَمَّرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ قَالَ لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتَ وَ لَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ ... (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳ - ۲۳۴): قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَقَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحَ اللَّهُ لَكُمْ» قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُومُ لَهُ النَّاسُ فَتَهَامُّمُ اللَّهِ أَنْ يَقُومُوا لَهُ فَقَالَ تَقَسَّحُوا أَيَّ وَسَّعُوا لَهُ (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۵۶ - ۳۵۷): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ يَعْلَمُ الْمَارِ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيِّ لِأَحَبُّ أَنْ يَنْكَسِرَ فُخْذَهُ وَلَا يَمْرَ بَيْنَ يَدَيْهِ (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۲۹).

۴. انس و الفت با مسجد سبب انس و الفت خدا می‌شود.^۱
۵. مسجد قلب تپنده جامعه اسلامی و رساننده خون حیات به تمام جامعه است.
۶. مسجد علامت مدنیت و شهرنشینی و نبودِ مسجد نشانه عدم تمدن است.
۷. مسجد پرمعناترین و جذاب‌ترین اماکن گردشگری و میراث فرهنگی است؛ درحالی‌که کاخ‌ها میراث ظلم‌پذیری و کاروانسرا میراث خدماتی است.
۸. قوام اسلام با مسجد پیوند خورده و جایگزینی ندارد.
۹. شورای حل اختلاف و دعاوی در مسجد موفق‌تر از غیر مسجد است.
۱۰. حضور ائمه علیهم‌السلام در مساجد به‌عنوان دفاع از تشیع بوده است.^۲
۱۱. راهیان مسجد، همانا راهیان نور هستند.^۳
۱۲. آن‌چنان مسجد کارساز و وحدت‌آفرین است که منافق علیرغم بیزاری از آن، لاجرم نیاز به استفاده از نام مسجد دارند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَلَّفَ الْمَسْجِدَ أَلَّفَهُ اللَّهُ (محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۵).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ قَالَ: يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيَّامَةَ وَالْمُؤَذِّنِينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ - رَجِمَ اللَّهُ جَعْفراً مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ - فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَشْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ يُّوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ... (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).

۱۳. خالی کردن مسجد، نقشه و آرزوی منافقان است، زیرا از کارکردهای مسجد هراسان هستند و بدیلی برای آن ندارند.
۱۴. مسجد نماد شهر اسلامی و نشانه شکرگزاری شهروندان است.
۱۵. مسجد سنگر دیده‌بانی و رصد نقشه‌های کفار، منافقین و محاربین است.
۱۶. مسجد محل بعثت اولین پیامبر تا آخرین وصی (بقیه الله ﷺ) است.
۱۷. مسجد از آثار مردان خدایی چون ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام،^۱ و حافظ آثار هنرمندان و یادگار ماندگار است.
۱۸. مسجد جایگاه و شناخت بهترین اعمال همانند نماز است.^۲
۱۹. مسلمانان حق ندارند با وجود مسجد یا امکانات ساخت آن، نماز جماعت را در غیر آن اقامه کنند. نکته بایسته آنکه این عدم حضور ممکن است نوعی جنگ با خدا به شمار آید و اگر از روی عمد و آگاهی صورت بگیرد، ظلمتی از جنس کفر را به همراه دارد.^۳ کاهش نمازگزاران مسجد، گاه باعث رکود یا تعطیلی و تخریب معنوی مسجد می‌گردد و به این ترتیب، تمایل مردم به ساخت مسجد هم کاهش می‌یابد و به مسجد و جایگاه آن آسیب می‌رساند.

۱. «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵).

۲. «حَيَّ عَلَىٰ خَيْرِ الْعَمَلِ».

۳. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَافًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ...» (توبه: ۱۰۷).

رفعت مسجد

مسجد افزون بر بلند مرتبه بودن از نظر فیزیکی و معماری، از رفعت معنوی برخوردار است. بی‌جهت نیست در شهرهای اسلامی مسجد مرتفع‌ترین ساختمان و از نظر معماری در قلب شهر و از نظر معنوی محبوب‌ترین ساختمان است.

بنای آن بهترین مبلّغ و مروج و راهنمای گمشدگان در کوچه‌های جهل و نادانی و از شعائر الله است. مسجد مظهر عمق باورهای دینی و دین‌داری است. بنای مسجد الگوی ساختمان‌ها و خیابان‌های شهر اسلامی است.

فهم و ادراک مسجد

مسجد مکانی است زنده، آگاه، با احساس و دارای شعور که ادراک و واکنش دارد؛ حضور بندگان خدا را درمی‌یابد و در قیامت بر اعمال ایشان شهادت می‌دهد، به همین دلیل قرآن بر مسجد (بیت‌المعمور) نازل شده و مورد خطاب خداوند قرار گرفته است.^۱

بر این اساس مسجد محل‌القای معرفت، الهام و فهم الهی بر بندگان است. شعور مسجد سبب می‌شود حضور در آن معنا و لذتی ژرف‌تر پیدا کند. وقتی انسان با این آگاهی، در این مکان قدم می‌گذارد، درمی‌یابد که روح دارد، گوش جان می‌سپارد و ناظر بر ایمان و رفتار بندگان است.

۱. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ (تَعَالَى) الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ حَبِيرَانِهَا، فَأَوْحَى اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِلَيْهَا: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا قَبْلَتْ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً، وَ لَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً، وَ لَا نَالَهُمْ رَحْمَتِي، وَ لَا جَاوَزُونِي فِي حَبْتِي (شيخ طوسی، الأمالي، ص ۶۹۶).

این مکان مقدس، با انسان مؤمن تعامل روحی و وجودی برقرار می‌کند؛ نه تنها به حضور انسان پاسخ می‌دهد و با او ارتباط برقرار می‌کند بلکه گاهی همانند مادری که پس از سال‌ها بچه گمشده‌اش را پیدا می‌کند، از دیدن مؤمنان و مسجدیان خوشحال می‌شود^۱ و گاهی مانند شتری که بچه خود را گم کرده، افسرده می‌شود و ناله می‌کند^۲ و از توهین و بی‌اعتنایی و غفلت دل‌زده و ناراحت می‌شود.

مسجد در آخرت شهادت می‌دهد و از حقوق تضییع شده‌اش نزد خداوند شکایت می‌کند و این شهادت و شکایت نشان‌دهنده درک و فهم مسجد است و این شعور، شاید به دلیل رسیدن خون پیامبر یا وصی یا شهید به آن زمین باشد.^۳

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْمَسْجِدَ لَيَسْكُو الْخَرَابَ إِلَى رَبِّهِ وَ أَنَّهُ لَيَتَبَشَّشُ بِالرَّجُلِ مِنْ عَمَارِهِ إِذَا غَابَ عَنْهُ ثُمَّ قَدِيمٌ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَحَدُكُمْ بِغَائِبِهِ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ (نعمان بن محمد تیمی مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۸).

۲. وَ رَوَى الثَّعْلَبِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ مُبَيَّهٍ عَنْ كَعْبٍ قَالَ: إِنَّ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى النَّبِيِّ مَا يُنْكِيكَ قَالَ يَا رَبِّ أَبْكَانِي هَذَا نَبِيٌّ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَ قَوْمٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ مَرُّوا عَلَيَّ فَلَمْ يَهْبُطُوا فِيَّ وَ لَمْ يَصْلُوا عِنْدِي وَ لَمْ يَذْكُرُوا بِحَضْرَتِي وَ الْأَصْنَامُ تَعْبُدُ حَوْلِي مِنْ دُونِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ لَا تَبْكُ فَإِنِّي سَوْفَ أَمْلُوكَ وَجُوهًا سُجَّدًا وَ أَنْزَلَ فِيكَ قُرْآنًا جَدِيدًا وَ أَبْعَثَ مِنْكَ نَبِيًّا فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَحَبَّ أَنْبِيَائِي إِلَيَّ وَ أَجْعَلَ فِيكَ عَمَارًا مِنْ حَلْفِي يَعْبُدُونِي وَ أَفْرِضَ عَلَى عِبَادِي فَرِيضَةً يَذْكُرُونَ إِلَيْكَ ذَفِيفَ النَّسُورِ إِلَى وَكُورِهَا وَ يَجْنُونَ إِلَيْكَ حَنِينَ النَّاقَةِ إِلَى وَلَدِهَا وَ الْحَمَامَةَ إِلَى بَيْضَتِهَا وَ أَطْهَرُكَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ عَبْدَةَ الشَّيْطَانِ (احمد بن محمد ثعلبی، الكشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ج ۷، ص ۱۹۶-۱۹۷).

۳. عَنْ ابْنِ أَبِي عَمْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَا أَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُهُمَا مِنْ مَسْجِدِ نَبِيٍّ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيٍّ نَبِيٍّ قَتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يَذْكُرَ فِيهَا فَأَذَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ التَّوَافِلَ وَ أَقْضَى فِيهَا مَا فَاتَكَ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۷۰-۳۷۱).

بنابراین هرچه باعث تکریم و تعظیم و احترام و وقار باشد، پسندیده یا واجب و هرچه باعث تخریب، تحریف، منع و توهین باشد، حرام یا ناپسند است.

مسجد محل عمل به قرآن

مساجد بهترین خانه و محل نزول قرآن و بهترین جایگاه و دارالقرآن است؛ با فضیلت‌ترین مکان برای تلاوت قرآن و تدبر در آن و عمل به آن است،^۱ و جدا کردن قرآن از مسجد و بردن آن به غیر مسجد، علاوه بر نداشتن سابقه در تاریخ و تجربه ناموفق، پیامدهای منفی بسیاری دارد.

۱. مسجد محل نزول، تلاوت و عمل به قرآن است.

۲. مسجد افزون بر جایگاه تلاوت و قرائت قرآن، نمایشگاه عمل به قرآن است.

۳. مسجد دارالقرآن است نه فقط دارالقرائه.

۴. قرآن آیین نامه اجرایی مسجد است.

۵. قرائت و دانستن کل قرآن برای تمام مردم واجب نیست، ولی تعلیم نماز و احکام مسجد بر همه واجب است و دلیل آن این است که در برخی

۱. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبِّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبِّ عِزَّتِي إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ عِزَّتِي فَلْيُحِبِّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ وَأَنْبِيَتُهُ أُذِنَ فِي رَفْعِهَا وَبَارَكَ فِيهَا مِثْمُونَةٌ مِثْمُونٌ أَهْلُهَا مُرْتَبَةٌ مُرْتَبَةٌ أَهْلُهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظَةٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَاللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

از احکام مسجد جهل و فراموشی عذر نیست، چرا که همان‌گونه که در جای خود مطرح خواهد شد- مسجد جزء ضروریات است.

مسجد و امام حسین علیه السلام

مساجد، محکم‌ترین پایگاه برای سلامت و پاسداری و دفاع از نهضت حسینی و تحلیل قیام عاشورا است و در غیر مسجد با چالش‌ها و آسیب‌هایی از جمله عدم نظارت و کنترل عالم بر عابد روبرو است و نباید به بهانه آنکه نمی‌توان هرگونه عزاداری در مسجد انجام داد، اسباب تکرار عاشوراهای دیگر برای انقلاب و اسلام را فراهم کرد. عاشورایی که نتوان در مسجد به آن پرداخت و مسجدی که نتوان در آن به امام حسین علیه السلام پرداخت، نیازمند پالایش و اصلاح است؛ بنابراین عزاداری در مسجد نسبت به حسینی، از ثواب بیشتری برخوردار بود و هر عملی که در مسجد جایز نباشد، نباید در حسینی نیز انجام گیرد.

ستاد ولایت، نهاد امامت

مساجد پررونق‌ترین نهاد برای رهبری نظام اسلامی و خالص‌ترین ستاد برای ولایت به شمار می‌آیند چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از کشته شدن خلیفه سوم و آمدن مردم به خانه آن حضرت برای بیعت، فرمود: فَإِنَّ يَمَعَتِي

لَا يَكُونُ خَفِيًّا وَلَا تَكُونُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ^۱ و اگر نهاد رهبری از مسجد کوفه به دارالاماره کوفه نمی‌رفت، حادثه کربلا رخ نمی‌داد و چنین مصیبتی بر اسلام وارد نمی‌شد چنانچه امام زمان علیه السلام ظهور و قیامش در مسجد^۲ و نهاد و ستاد حکومتی ایشان^۳ و محل سکونتش مسجد خواهد بود^۴ و منشأ قیام‌های مسجدی سالم‌تر و مقاوم‌تر از قیام‌های خیابانی است.^۵

۱. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۳، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ يَشْتَمِلُ عَلَى عِلَامَاتِ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام يَقُولُ فِيهِ: وَ الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَشَدَّ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ إِلَى أَنْ قَالَ: قَبَائِعُونَهُ بَيْنَ الزُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَمَعَهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام، قَدْ تَوَارَتْهُ الْأَبْنَاءُ عَنِ الْأَبَاءِ، وَ الْقَائِمُ يَا جَابِرُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام يُصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ (شیخ حر عاملی، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۸۲).

۳. عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عليه السلام ... قَالَ الْمُفَضَّلُ فَلْتُ يَا سَيِّدِي فَأَيُّ تَكُونُ دَارُ الْمَهْدِيِّ وَ مُجْتَمَعُ الْمُؤْمِنِينَ؟ قَالَ دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقَسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۱).

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ذَكَرَ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ مَنْزِلٌ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ (شیخ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۴۷۱).

۵. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی بزرگی شده است. مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند - مثل الجزایر و دیگر کشورهایی که سال‌ها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسوی‌ها بودند - از مساجد شروع شد، که به پیروزی هم رسید و کشورها استقلال پیدا کردند. انقلاب در این کشورها هم، آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند... یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی - و یا لاقلاً سهولت این پیروزی - این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند؛ جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام، مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم، تربیت، روشنگری افکار و اذهان، مورد استفاده قرار دادند و مسجد، مرکزی برای حرکت، آگاهی، نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۷۵).

مسجد خانه امن

در جهان معاصر، امنیت معمولاً با ابزارهای نظارتی، ساختارهای پلیسی، دوربین‌ها و نهادهای اطلاعاتی و بین‌المللی تعریف می‌شود؛ سازوکارهایی که با وجود هزینه‌های کلان، گاهی خود، مولد ترس، فشار و بی‌اعتمادی‌اند و نه تنها نتوانسته‌اند به گونه کامل اعتماد عمومی را بازیابند، بلکه در بسیاری موارد عامل اشاعه فحشا، ناامنی، اضطراب و دلهره شده‌اند.

نخستین و تنها مکان امن کره زمین، مسجد است. بدین جهت، امنیت را باید نه از نهادهای سیاسی و نظامی، بلکه از مسجد انتظار داشت؛ امنیتی که با قداست، تقوا و اخلاق، رفتارها را مهار می‌کند، نه با کنترل و ابزار؛ و همین، تفاوت بنیادین میان امنیت الهی و امنیت ساخته دست بشر را آشکار می‌کند.

در آیات پرشماری از قرآن کریم بر مسئله امنیت در مسجد سفارش شده است.^۱ این حجم از تأکید، بیانگر این مطلب است که امنیت، هویت ذاتی مسجد است که ورود به آن، فرد را در پناه امنیت الهی قرار می‌دهد و آرامش، مهار نفس، رفع اضطراب، کاهش تنش، کنترل رفتارهای مخرب، تقویت هم‌زیستی و انسجام اجتماعی در پی دارد.

بنابراین مسجد، زیرساخت امنیت اخلاقی و ثبات اجتماعی را ایجاد می‌کند. جوامعی که فرهنگ مسجد در آن‌ها نهادینه شده و جایگاهی

۱. بقره: ۱۲۵؛ بقره: ۱۲۶؛ بقره: ۱۹۶؛ بقره: ۱۹۷؛ مائده: ۲؛ ابراهیم: ۳۷؛ حجر: ۴۶؛ حج: ۲۵؛

قصص: ۵۷؛ عنکبوت: ۶۷؛ فتح: ۲۷؛ تین: ۳؛ قریش: ۴.

رفیع دارد، بی‌تردید از اعتماد جمعی عمیق‌تر، انسجام و نظم اجتماعی گسترده‌تر و آرامش روانی پایدارتر برخوردارند. مسجد نه تنها کانون عبادت و معنویت، بلکه محور امنیت و حرمت جامعه است. در حقیقت، حرمت و امنیت شهر و کشور، مرهون مسجد است.^۱

مسجد خانه همه

مساجد تنها مراکزی هستند که در آن‌ها همه انسان‌ها از برابری کامل برخوردارند^۲ و هیچ‌کس حق مخالفت^۳، تولیت، و تو یا امتیاز ویژه و سلطه ندارد.^۴ در چنین مکانی جنسیت، قشر، قبیله، پست، مقام یا رتبه افراد ملاک نیست و هر فردی، در هر ساعتی که بخواهد، می‌تواند با آسودگی خاطر^۵ از فضایل و فیوضات آن بهره‌مند گردد و هیچ‌کس حق مزاحمت برای او را ندارد؛ زیرا هرگونه جلوگیری، بزرگ‌ترین ظلم‌ها به شمار می‌آید.^۶ از این رو، در برابر کسی که به هر شیوه مانع حضور همه یا

۱. «مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا» (بقره: ۱۲۵)؛ «... فَلَا رَفْتٌ وَ لَا فُسُوقٌ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ...» (بقره: ۱۹۷)؛ «... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...» (آل عمران: ۹۷).

۲. «سَوَاءٌ أَلْعَاكِفُ فِيهِ وَ أَلْبَادُ» (حج: ۲۵).

۳. «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ» (بقره: ۱۱۴).

۴. در معنای مسجد گفته‌اند: «وُضِعَ لِكَاثَةِ النَّاسِ» و «هُدًى لِّلنَّاسِ» و «فَكَ الْمَلِكُ» است؛ بر خلاف موقوفات دیگر که «حَبَسَ الْمَلِكُ» هستند.

۵. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لِلَّذِي بَنَاهُ اللَّهُ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ. فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...» (آل عمران: ۹۶ و ۹۷).

۶. «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴).

بخشی از مردم در مسجد شود، نباید سکوت کرد و صرفاً به بهانه «اینجا مسجد است و نباید مبارزه کرد»، دست روی دست گذاشت؛ بلکه باید در مقابل چنین حرکتی ایستاد و جنگید.

۱. مسجد یگانه محلی است که مردان و زنان بدون هیچ گونه امتیازی از آن بهره می‌برند و فرقی بین غریبه و خودی، کوچک و بزرگ، بالادست و زیردست، فقیر و ثروتمند نیست.

۲. مساجد پرشورترین، پرترددترین و بهترین مراکز عمومی و عبادی به شمار می‌آیند و شلوغی آن - به خلاف سایر مراکز - هیچ گاه ملال‌انگیز نیست بلکه ایجاد قدرت و قوت کرده و مسرت‌بخش و امیدآفرین است.

۳. مساجد دستخوش ظهور و افول حکومت‌ها، دولت‌ها، دولتمردان و سلاطین گوناگون قرار نمی‌گیرند و کاربری آن‌ها تغییر نمی‌پذیرد.

۴. هر حکومتی که از مسجد غافل و روی‌گردان شود، با مشکلات جدی مواجه می‌شود و در معرض شکست قرار می‌گیرد^۱ و هر حاکمی از آن کناره‌گیری کند، خود کنار گذاشته و گرفتار خواری و ذلت در دنیا می‌شود.^۲

۵. مسجد همانند قرآن، انبیا و ائمه معصومین^{علیهم‌السلام}، بدیل، همتا و جایگزینی ندارد به گونه‌ای که غیر خودش را ضرار و مضر می‌داند و همواره رقیب می‌طلبد؛ همان گونه که برای قرآن مثل و نظیری وجود ندارد، مسجد نیز دارای بدیل و جایگزین نیست.

۱. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴).

۲. «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴).

۶. قرآن و انبیا و امامان معصوم علیهم السلام مدعیان دروغین داشته‌اند؛ ولی مسجد بدیلی نداشته است. به همین خاطر منافقین برای مرکز ضرارشان، کلمه‌ای جز مسجد نیافتند؛ اما متأسفانه ما در زمان کنونی اقدام به ساخت مراکزی با عناوین مقدس کرده‌ایم که جای تأمل دارد. از این روی مسجد با مراکز دینی دیگر قابل قیاس نیست و با اسم مقدس ائمه هدی علیهم السلام نمی‌توان مرکز عبادی را مسجد دانست.

۷. آداب و احکام مسجد به گونه‌ای طراحی شده که هم جمعیت را می‌پذیرد و هم آداب اجتماعی را می‌آموزد تا کسی جرأت نکند آداب مسجد را خدشه‌دار یا به هم بزند.

مسجد، اولین دانشگاه

مسجد نخستین دانشگاهی است^۱ که دانشکده‌های فراوان در علوم انسانی و تربیتی دارد^۲ و حضور زنان و مردان در آن بدون هیچ آسیبی است.

۱. شرط پذیرش در چنین دانشگاهی برخورداری از اراده و مدرک اعطایی‌اش، پاکی و درک صحیح، رستگاری و درست‌اندیشی است. آموزه‌های علمی، منطقی، مفید و کاربردی است و زمان تحصیل در آن

۱. در زبان عربی به دانشگاه «جامعه» می‌گویند. جامعه از مسجد جامع اقتباس شده است؛ چراکه به دانشگاه دارالفنون می‌گفته‌اند و در مساجد، علوم مختلف تدریس می‌شد لذا به مسجدی که دروس مختلفی داشته باشد، مسجد جامع می‌گویند.

۲. کسانی که نتوانستند با مسجد همراه شوند «دارالفنون» را دانشگاه کردند و علوم انسانی را با فنون درآمیختند تا رشته‌ها و دانش‌های اجباری را تحمیل کنند و دانشگاه‌های حقیقی را کنار بزنند و علوم بی‌فایده و نسل‌کشی و مهار دین را در دانشگاه‌ها به مردم تحمیل و مردم را حیران کنند.

از گهواره تا گور است و همه افراد جامعه کوچک و بزرگ، باسواد و بی-سواد را پوشش می‌دهد.^۱

۲. دکترای آن خلوص و تواضع و اعتدال است، استادان آن، مخلص، عادل، بی ادعا، دلسوز، مجرب و کارآزموده و بدون حقوق‌اند^۲ و مشاوران و راهنمایان آن، خود سالکان آن راه مستقیم‌اند.

۳. تحصیل‌کردگان آن مؤمن، دلسوز، دانشمند، صبور، مدیر و مدبرند و در حوادث سیاسی، اجتماعی، داخلی و بین‌المللی بصیر و بینایند و نقشی فعال و تأثیرگذار و هدایتگر دارند. آنان در جبهه‌های نبرد با دشمنان همواره در خط مقدم حضور دارند و جلوه‌های شجاعت، رشادت و صلابت آنان مثال‌زدنی است و پیروز در مسابقه خیر هستند.^۳

۴. کلاس‌هایش نه تنها تعطیلی ندارد، بلکه در ایام تعطیلی چون جمعه‌ها و اعیاد رونق فزاینده دارد. فارغ‌التحصیلان این مکتب، رها از آلودگی‌ها و وابستگی‌ها پرورش می‌یابند. در این دانشگاه، دانش‌آموخته‌ای بی‌غیرت، بی‌ادب و بی‌انگیزه معنا ندارد و گرایش به پاکی‌ها، فضیلت‌ها و ارزش‌های الهی، بالاترین درجه و افتخار آنان به‌شمار می‌آید.^۴

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: مَنْ احْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: إِمَّا أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرًّا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى، أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى، أَوْ تَرَكْ ذَنْبَ خَشِيَةٍ أَوْ حَبَاءٍ (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۳۲).

۲. «لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لَإِنْ أَجَرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ» (هود: ۲۹).

۳. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَظَنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسانى، عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱).

۴. «... فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸).

۵. مسجد مرکزی است که از سکوت اهالی خود - مخصوصاً اگر سکوتشان برای تفکر و یاد خدا باشد- لذت می‌برد،^۱ و از سروصدا و فسوق و جدال رنج می‌برد.

مسجد، مجهزترین بیمارستان

مسجد، بیمارستان فوق تخصصی تربیتی و عقلی است. مسجد، افزون بر ترمیم جسم و روح، به سلامت پیشگیرانه و واکسیناسیون نیز اهتمام می‌ورزد. این مرکز با بالاترین استاندارد، از نفوذ باکتری‌های افراط و تفریط و ویروس‌های خطرناک و مسری، همچون نفاق، الحاد، ناامیدی، اضطراب و اضطراب جلوگیری می‌کند.

۱. درمانگر تمامی بیماری‌های روانی است؛ نام بردن از صاحب این بیمارستان (خداوند) خود داروی شفابخش است.^۲

۲. حضور در بیمارستانی همچون مسجد، به‌طور طبیعی و خودبه‌خود بسیاری از آفات درونی و بیرونی را درمان می‌کند. در فضای معنوی مسجد، بیماری‌های فردی مانند عجب، بخل، تکبر و نفاق آرام‌آرام زدوده می‌شود و در سطح اجتماعی نیز آسیب‌هایی چون سوءظن، شرک‌ورزی پنهان، گسست و تفرقه رنگ می‌بازد. مسجد، هم شفای جان فرد است و هم مرهمی بر زخم‌های جامعه.

۱. عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: ... فَقُلْتُ: كَيْفَ يُعَمَّرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳).

۲. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای کمیل).

۳. در چنین مکانی نه تنها هیچ گونه ضربه روحی به کسی وارد نمی شود، بلکه اعتدال و تعادل روحی را در مراجعان خود ایجاد می نماید.^۱
۴. این بیمارستان، نه تنها تعطیلی ناپذیر است؛ بلکه در ایام تعطیل، شاهد حضور پررنگ تر مراجعان است.
۵. شلوغی بیمارستان های عادی، نشانه ناسالم بودن جامعه است؛ اما شلوغی این بیمارستان، بهترین نشانه بر سلامت و تمدن جامعه است.
۶. با حضور در چنین دارالشفایی، جلوی بسیاری از ویروس های خارجی، خطرناک و مسری گرفته می شود؛ ویروس هایی که اگر مهار نشوند، نه تنها جان چند نفر، بلکه نسلی و حتی یک کشور را به گونه ناخودآگاه در معرض آسیب جدی قرار می دهند.
۷. در این بیمارستان بلاهای آسمانی هم مرتفع می گردد.^۲
۸. درحالی که بیمارستان های دیگر ممکن است شاهد مرگ و میر باشند، مسجد نه تنها مرگی برای روح و روان ندارد، بلکه حتی مردگان فکری و روحی را نیز احیاء می کند.
۹. حضور در این بیمارستان بدون هیچ دارویی، بهترین راه درمان است و نگاه به آن، به مثابه بهترین دارو عمل می کند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَى شِمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَظَنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسانى، عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج ۱، ص ۳۴۱).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ غُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ (ميرزا حسين نوري طبرسي، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الزَّلَازِلَ وَ الْكُسُوفَيْنِ وَ الرِّيَّاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عَلَامَاتِ السَّاعَةِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ الْقِيَامَةِ وَ افْرَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ (شيخ صدوق، الأمالي، ص ۴۶۴ - ۴۶۵).

۱۰. این بیمارستان نه تنها از مراجعان خود هزینه‌ای طلب نمی‌کند، بلکه خود، آنان را بیمه و تحت پوشش قرار می‌دهد.
۱۱. آزمایشگاه این بیمارستان، توانایی سنجش و نمایان ساختن افکار، ذکرها و انگیزه‌های مثبت و منفی مراجعان را داراست.
۱۲. هیچ‌یک از داروهای این مرکز، ساخته دست بیگانگان و دشمن نیست و هیچ مشابه یا جایگزین ندارد.
۱۳. آزمایش در مسجد، خود آزمایی است بدون آنکه کسی از آن مطلع شود.

۱۴. مواد اولیه داروهای بیمارستان، مُسکّن و خواب‌آور و باعث نسیان و فراموشی است؛ در حالی که مواد اولیه مسجد، ذکر و هوشیاری است.

مسجد معنا بخش اوقات فراغت

مسجد با تنوع کارکردها و جلوه‌های معنوی و اجتماعی خود، اوقات فراغت را به فرصتی برای رشد و آرامش تبدیل می‌کند؛ از حضور در سه وعده روزانه گرفته تا بهره‌مندی از عبادت‌های متنوع، معماری الهام‌بخش، مشاوره، موعظه و حتی گفت‌وگوهای سازنده. این فضا نه تنها برای عموم مردم، بلکه برای فعالان اقتصادی^۱ نیز موقعیتی فراهم می‌کند تا در کنار مشغله‌های روزانه، لحظه‌ای به بازسازی روح و تقویت انرژی بپردازند. بهره‌گیری از فضای مسجد توان انسان را برای کارهای دیگر افزایش

۱. «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوكَ قَائِمًا...» (جمعه: ۱۱).

می‌دهد و برخلاف برخی سرگرمی‌ها که روح را فرسوده می‌سازند، مسجد غنی‌ترین و بهترین انتخاب برای گذران فراغت‌ها است.

۱. تنوع مساجد عامل جذب همه افراد با سلیق مختلف است.

۲. پیوستگی حضور در سه وعده و غنی‌سازی اوقات فراغت.

۳. ایجاد فرصت‌های فراغت و تعالی.

۴. تسهیل تنوع حضور و زیارت از ذکر تا معماری و ایجاد تسهیلات برای دیگر زائران.

۵. تنوع در قالب‌های عبادی (همچون اعتکاف، رکوع و سجود، قیام و قعود) و پرهیز از یکنواختی.^۱

۶. تنوع در نوع سرگرمی از نَفَس کشیدن تا موعظه، مشاوره و مذاکره.

۷. بهره‌مندی از فضای مسجد، توان انسان را برای کارهای بزرگ و سرنوشت‌ساز بیشتر می‌کند به خلاف برخی مراکز که انسان را افسرده و سرگرم کرده و به سوی لهو و لعب سوق می‌دهد.

۸. بهترین استفاده در زمان فراغت، حضور در مسجد است.^۲ از طرفی حضور دائمی در مسجد برای همه افراد سفارش نشده است مگر ملازمان و خادمان؛ چنانچه اعتکاف هم به طور پیوسته و در تمام سال برای همه افراد لازم نیست.

۱. «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵).

۲. قال النبي ﷺ: فَإِنَّ السَّيَّاحَةَ فِي أُمَّتِي لَزُرُومُ الْمَسَاجِدِ (علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۶۲).

مسجد مکان ایمن‌سازی و سالم‌سازی

مسجد در ساختار اجتماعی و معنوی اسلام، نهادی جامع است که لایه‌های گوناگون زندگی فردی و جمعی را «ایمن‌سازی» می‌کند. از تحکیم دین‌داری و پیوند خانوادگی گرفته تا ایجاد وحدت سیاسی، تقویت روحیه دفاعی، آموزش هدفمند، سلامت شغلی، تغذیه معنوی و آرامش روانی. مسجد همچون دژی استوار، امنیتی فراگیر برای جامعه می‌آفریند.

۱. ایمن‌سازی دینی: تحکیم و ترویج دین‌داری به جای ترویج دین دانی.^۱

۲. ایمن‌سازی خانوادگی: حضور پدر و مادر، همسر و فرزند، کوچک و بزرگ با هم در مسجد؛ درحالی‌که در جاهای دیگر با عناوین تخصصی، کودکان، باشگاه، سرای سالمندان یا دانشگاه و... پذیرای افراد خاص است.

۱. آمار و ارقام نشان می‌دهد که افراد فرهیخته و با نبوغ در دین و یا متدین و احبائاً مبلّغ دین انواعی دارد:

- گروهی با مطالعه کتاب‌های دین به اسلام می‌گروند همانند کسی که نقشه جغرافیای شهر را در دست دارد. نیمی از افراطی‌ها و تفریطی‌ها از این گروه‌اند.
- گروهی با معاشرت با متدینین یا همکار و هم‌سفر تحت تأثیر قرار می‌گیرند که ایمان سطحی دارند.
- گروهی با خطبا و سخنرانان آشنا شده و به‌جای این‌که تحت تأثیر باشند، تأثیر گذارند و از سخنرانان به عنوان ابزار استفاده می‌کنند.
- گروهی از فیلم‌ها و تعزیه‌ها که معارف را ناقص معرفی می‌کنند، تأثیر می‌پذیرند و علماً عموماً تأیید نمی‌کنند.
- گروهی پیرو مسجد و امام آن هستند که همه دین را می‌فهمند و به هر خیری دست می‌یابند و از افراط و تفریط به دورند و خود را همیشه مطیع می‌دانند و دچار وسوسه نمی‌شوند و التزام عملی به اسلام دارند و همیشه متعهد، منظم و مؤدب هستند. اینان، دین‌دارند نه فقط دین‌دان!

۳. ایمن‌سازی سیاسی: مسجد جای تفرقه نیست و غیر از وحدت، هیچ پیامی ندارد.
۴. ایمن‌سازی نظامی: اگر نظامی‌ها فقط صبحگاه حضور دسته‌جمعی دارند؛ اما حضور مردم در صف‌های مسجد هر روز، بدون تعطیلی و روزی چند مرتبه از هر مانور و اسلحه‌ای کارآمدتر است.
۵. ایمن‌سازی آموزشی: علوم در دانشگاه تدریس می‌شوند، ولی در مسجد، علوم و معارف، نیازسنجی و تفهیم می‌شوند. در دانشگاه علوم بشری و در مسجد علوم وحیانی و الهی تدریس می‌شود.
۶. ایمن‌سازی اشتغال: همچنان‌که امروزه افراد را برای شغل‌ها و تخصص‌های خاص بورسیه می‌کنند در مساجد شغل‌های ضروری تعیین و مردم را به آن تشویق می‌کنند و شغل‌های کاذب و بیهوده آسیب‌شناسی می‌شود.
۷. ایمن‌سازی غذایی:^۱ اطعام در مسجد علاوه بر همدلی و مواسات، سیره رسول خداست.^۲
۸. ایمن‌سازی دارویی: مسجد هم مسکن است و هم مسکن؛ چون بیماری‌های جسمی عمدتاً منشأ روحی و روانی دارد.

۱. «وَ أَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۲۶)؛ «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۳۷)؛ «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ...» (قریش: ۴-۳).

۲. عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ عليه السلام، أَنَّ الْمَسَاكِينَ كَانُوا يَبِيتُونَ فِي الْمَسْجِدِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. فَأَفْطَرَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مَعَ الْمَسَاكِينِ الَّذِينَ فِي الْمَسْجِدِ ذَاتَ لَيْلَةٍ عِنْدَ الْمُنْتَبِرِ فِي بُرْمَةٍ، فَأَكَلَ مِنْهَا ثَلَاثُونَ رَجُلًا ثُمَّ رُدَّتْ إِلَى أَزْوَاجِهِ شَبَعُهُنَّ (عبد الله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ص ۱۴۸).

آثار حضور در مسجد

مسجد عرصه‌ای است که انسان در آن، از سطح رفتار فردی تا ساحت‌های عمیق باور، اخلاق و روابط اجتماعی دگرگون می‌شود. حضور در مسجد، افزون بر تقویت توحید، رفاقت، آرامش و شکرگزاری، انسان را از آسیب‌های روحی و اجتماعی و حتی چالش‌های اقتصادی دور کرده و او را به مقصد نزدیک می‌کند.

۱. التزام عملی به اسلام.^۱

۲. نفی شرک و اثبات توحید.

۳. شراکت و پیدایش و افزایش رفاقت که بهترین نعمت و بالاترین نیاز انسان است.^۲

۴. استعانت در عبادت و حاجت.^۳

۵. مداومت در اطاعت از خدا و انبیا و اولیا که عالی‌ترین عبادت و تشکر و قدردانی از آنان است.^۴

۱. التزام عملی به اسلام که مصداقی جز رفتن علنی و خالصانه هر روز به مسجد، برای آن پیدا نمی‌کنیم؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَطُئُوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسانى، عوالمى اللئالى العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱).

۲. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَقُولُ - مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷).

۳. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (الفاتحه: ۵).

۴. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِجَابَةُ الْمُؤَدِّنِ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ وَ الْمَشْيُ إِلَى الْمَسْجِدِ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ كَانَ فِي الْجَنَّةِ زَوْجٌ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَهُ مِثْلُ ثَوَابِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵).

۶. زیارت و تجدید دیدار با خوبان و دوستان خدا.^۱
۷. طهارت در قلب و رشد و بالندگی در باور و اعتقاد.^۲
۸. مسجد بهترین راه و وسیله برای حرکت از مبدأ و نزدیک شدن به مقصد است.
۹. برخورداری از بهشت و رضوان الهی و همسایگی با خدا.^۳
۱۰. دوری از آسیب‌هایی همچون: ترس، وحشت، اضطراب، افسردگی، ناکامی، سردرگمی، سرگردانی، غفلت، فراموشی و نادانی.
۱۱. کم شدن اختلافات شخصی و عشیره‌ای.
۱۲. مسجد قرارگاه همراز، هم‌سفر، همکار، همفکر، همراه و همسر است و خواستگاری‌ها و مشاوره‌ها در مسجد کارآمدتر است.
۱۳. مسجد بهترین ارزش‌ها را به اعمال می‌دهد.^۴
۱۴. تجمع در مسجد، ارزش و تجمع در غیر مسجد، چه‌بسا تلاطم را و و گاهی ضد ارزش است.

۱. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ - مَنْ اِخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷).

۲. «... لَمْسَجِدٍ أَشْسَ عَلَى الثَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ جِيرَانِي؟ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: رَبَّنَا وَمَنْ يَتَّبِعُنِي أَنْ يُجَاوِزَكَ فَيَقُولُ: أَيْنَ عُمَاةُ الْمَسَاجِدِ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۸).

۴. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَتَّقِسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تَصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَتَّقِسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۱۵. مسجد پاسدار ارزش‌ها و فضیلت‌هاست.
۱۶. مسجد دل‌انگیزترین خلوتگاه انس با خداست.
۱۷. مسجد بهترین مکان برای نجات از سردرگمی و سرگردانی است.
۱۸. نتیجه انس با مسجد، انس با خدا و نتیجه الفت با مسجد، الفت خدا با ماست.^۱

مسجد نیاز امروز، پُشتوانه فردا

از گذشته‌های دور، مسجد (جامع) علامت مدنیت، فرهنگ سالم و سازنده و حلقه اتصال کوچه‌ها، محله‌ها و بازارها بوده و قشرهای گوناگون مردم را به هم مرتبط می‌کرده است.

اجتماع در مسجد، محبوب و مقدس است و بدون دیپلماسی و داشتن حق امتیاز، جامعه را هدایت می‌کند و کمتر حقوق کسی پایمال می‌شود. در مقابل اجتماع در غیر مسجد، گردهمایی اجسام است نه پیوند دل‌ها. جمعی که ادب‌پرور باشد و آداب حضور جمعی را پاس بدارد، به‌ندرت یافت می‌شود؛ نمونه آشکار آن سازمان ملل است که همه ملت‌ها در آن نماینده دارند ولی آثار بایسته را ندارد؛ چراکه آداب شهروندی در غیر مسجد ظهور و بروز ندارد. منطقه‌ای که مسجد ندارد از چنان خلأیی رنج می‌برد که هیچ مجتمع و کنفرانس و سازمانی جای آن‌را پر نمی‌کند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَلَّفَ الْمَسْجِدَ أَلَّفَهُ اللَّهُ (محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۵).

مسجد بهترین و مقدس‌ترین نماد شهرهای اسلامی به شمار می‌آید و همه ساختمان‌ها تابع مسجد هستند. شهری که نماد آن تندیس حیوانات و میوه‌هاست، هر بیننده‌ای در همان نگاه اول به سطح فکری اهالی آن شهر پی می‌برد؛ اما آنگاه که مسجد نماد یک شهر باشد، از روح تعبده، غیرت دینی، حاکمیت ارزش‌ها، صبوری و استقامت مردمان آن حکایت دارد.

امروزه نیز مسجد همچنان در صدر مراکز دینی و اجتماعی قرار دارد و پیدایش مکان‌های مذهبی چون نمازخانه‌ها، حسینیه‌ها، تکایا و نیز مکان‌های عمومی دیگر چون تالارها، فرهنگسراها، بوستان‌ها و مجتمع‌های مسکونی و تجاری، نه‌تنها از میزان نیاز به مسجد نکاسته که بر اهمیت بیشتر مساجد افزوده است.

۱. مسجد گویای عمق تفکر دینی و تربیتی و شریعت‌مداری بانیان خود است.

۲. آثار تربیتی مسجد در پرورشگاه، دبستان، دبیرستان و دانشگاه قابل دسترسی نیست چراکه دانشگاه بخودی خود هیچگاه ما را به خدا نمی‌رساند.

۳. مسجد گسترده‌ترین سازمان با میلیون‌ها شعبه در سرتاسر جهان است و همه امت اسلامی را تحت پوشش قرار می‌دهد.^۱

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَإِنَّ سِيَاخَةَ أُمَّتِي الْمَسَاجِدُ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۷).

۴. مسجد بهترین مجمع و مجتمعی است که در دسترس همگان قرار دارد و سالم‌ترین همایشی است که در همه جای دنیا امکان برگزاری آن وجود دارد و عالی‌ترین کنفرانسی است که همه حضار در آن یکسان هستند و کنفرانس دهندگان، باخلاص‌ترین و عالم‌ترین افرادند.

۵. مسجد بالاترین امنیت را که امنیت روانی است به وجود می‌آورد، بدون آنکه کمترین دلهره و اضطرابی ایجاد کند، به خلاف سازمان‌های امنیتی مثل شورای امنیت و سازمان ملل که خود گاهی مرکز ناامنی برای ملل هستند.

۶. مسجد همایشی است که نه درهای بسته دارد و نه صاحب امتیاز. از بزرگ‌ترین شهرها تا کوچک‌ترین روستاها شعبه دارد، شعبی که به هم وابسته نیستند، اما به هم پیوسته‌اند؛ گردهمایی‌ای که سالیانه نیست بلکه روزانه است؛ اعضای آن فعال و غیر منفعل‌اند؛ در بحران‌ها شلوغ و در پیروزی‌ها غیرمغرور است؛ آدابش گوناگون، ولی اخلاقش واحد است؛ نه هزینه‌ای دارد و نه درآمدی؛ رنگ‌ها مختلف و زبان‌ها یکی است؛ سلیقه‌ها گوناگون، اما هدف‌ها یکی است؛ معماری‌ها متفاوت، ولی قبله واحد است.

۷. مسجد، دربرگیرنده همه گروه‌ها برای تمامی امور زندگی و برای هر شرائطی است و همگان نیاز به آن دارند. هیچ شخص یا گروهی در جامعه اسلامی نمی‌تواند مدعی مالکیت و امتیازخواهی در این مکان باشد.

۸. مسجد واجد همه فضیلت‌ها و کارکردهای مثبت مجامع و مجتمع‌هاست و هر آسیبی که گاه در دیگر مراکز تجمع پدید می‌آید، در فضای مسجد یا اساساً راهی ندارد و یا به‌گونه‌ای کمرنگ می‌شود.

۹. مسجد تنها بارگاهی است که شهری و روستایی و کاخ‌نشین و کوخ-نشین در آن حضوری یکسان دارد و جامع‌ترین محلی است که زنان چون مردان و خردسالان چون کهن‌سالان در آن حق حضور دارند.

۱۰. با اینکه مسجد محل تجمع جوانان غیرتمند و پرشور است؛ التهاب، ناهنجاری، افراط، تفریط، بزهکاری، ماجراجویی و حتی جدال و سفسطه‌ای در آن دیده نمی‌شود.

۱۱. مسجد میعادگاه وحدتی است که شیعه و سنی در آن احساس دلگرمی و همدلی می‌کنند، ریشه‌های تفرقه در آن خشکانیده و جوانه‌های وحدت در آن بارور می‌گردد به گونه‌ای که نظیر چنین همبستگی‌ای در غیر مسجد یافت نمی‌شود. به همین خاطر با فرقه‌هایی که با مسجد بیگانه هستند، بیگانه‌ایم.^۱

۱۲. مسجد منظم‌ترین پادگانی است که همه قشرها در صفوفی منظم تحت فرمان فرماندهی ارشد اخلاقی، میانه‌رو (عادل)، صبحگاه و شامگاه با رضایت همگانی، بدون اجبار در حضور و غیاب و به دور از هرگونه تبعیض در آن حضور می‌یابند؛ حضوری زنده و مستمر و بدون مرخصی و بازنشستگی؛ پادگانی که صفوف برگزارکنندگان نماز، صف‌های دشمن را در هم می‌شکند و بانگ اذانش ترس و دلهره را در دل دشمن مسلط می‌کند؛ مهمات این پادگان، تسبیح و سلاح آن نماز است و ستون پنجمی در آن رخنه نمی‌کند؛ پادگانی که سربازی و سرسپردگی (سجده) در آن

۱. فَرْق ضاله نه در مسجد جایگاهی دارند و نه مجاز به شرکت در مسجدند و بیشتر آنان به «جمع خانه»، «خانقاه و تکیه صوفیه» و همانند آن مشغول‌اند.

مایه سرافرازی است، تدارکاتش با انبیا و اولیا، پشتیبانی‌اش با خدا، رژه‌اش رکوع و سجود و قیام و قعود، و مارش آن اذان و اقامه^۱ است. فرمانده میدان آن حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام است.

۱۳. اهل مسجد، سربازِ جانباز، آماده دفاع و حمله (مُجَرِّدًا قَنَاتِي)، گوش به فرمان فرمانده (مُلبَّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي)، در مساجد شهر و روستایی (فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي) هستند.^۲

۱۴. انسان نیاز به انیس و مونس دارد و بدترین بلا برای او احساس تنهایی و نداشتن همراه و همراز است. از همین رو به محیطی سالم، امن و مطمئن برای رفاقت و دوستی سازنده و مفید نیازمند است و مسجد بهترین مصداق برای چنین محیطی است. مردم در هیچ مکانی چون مسجد احساس همبستگی، دل‌بستگی، وابستگی و امنیت روحی و روانی ندارند.

رسانه مسجد

مسجد رسانه‌ای حقیقی در مقابل تمام فضای مجازی است. مسجد رسانه‌ای پاک است که حقایق را بی‌کم و کاست و به دور از هرگونه افراط و تفریط بیان می‌کند. به گروه خاصی تعلق ندارد و مخاطبینش همه

۱. فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَنَادِي إِلَى الصَّلَاةِ كِنْدَاءِ الْجَيْشِ بِالشَّعَارِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۰).

۲. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلبَّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای عهد؛ محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۶۵).

گروه‌ها هستند و در برنامه‌ها و فعالیت‌ها کمترین تحریف و انحراف و بدعت دیده می‌شود و از بدعت‌گذاری و نوآوری‌های بیجا مصون است.

۱. مسجد رسانه‌ای مقدّس، معتبر، مستقل و حقیقی است و در مقابل همه امواج و شبکه‌های مجازی، پیشتاز و بی‌همتا است؛ به گونه‌ای که رسانه‌های متعدّد و متجدّد و متنوع، همچنان از رویارویی با آن عاجزند؛ چراکه مسجد، همگان را به‌سوی خدا و رسانه‌ها، مردم را به خود فرا می‌خوانند.

۲. بسیاری از رسانه‌ها به مخفی‌ترین مکان‌ها نفوذ کرده و برای شکار انسان‌ها، به دنبال تنهایی او هستند^۱ تا او را از مسیر مستقیم گمراه کرده و به خود جذب کنند؛ درحالی‌که مردم در جستجوی رسانه مساجدند تا با حضور در جمع دوستان، شجاع و دلگرم و امیدوار باشند و مقهور، دلسرد، افسرده و ترسو نشوند.

۳. مسجد آرام‌کننده و بیشتر رسانه‌ها سبب دلهره و اضطراب و استرس هستند.

۴. مسجد رسانه‌ای آزاد است و به هیچ گروه و حزبی وابستگی ندارد تا برخی مطالب را سانسور کند و یا با توصیه این و آن در ارائه برنامه‌هایش دچار محدودیت گردد و یا گزینشی عمل کند.

۱. قال رسول الله ﷺ: إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ كَذِبِ الْغَنَمِ، يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَالنَّاحِيَةَ، فَإِذَا كُفِّمَ وَالشَّعَابَ، وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَالْعَامَّةِ وَالْمَسْجِدِ (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۰۶).

۵. مسجد رسانه‌ای است که وقایع و رخداد‌های مثبت را ثبت می‌کند، اما پیشامدهای منفی و آزاردهنده و مخرب و زمین‌گیر کننده و آثار آن را محو می‌سازد.

۶. مسجد رسانه‌ای است نورانی و حرکت آفرین؛ نه مثل بقیه رسانه‌ها که احياناً باعث گمراهی و خموشی و افسردگی می‌شوند.

۷. مسجد رسانه‌ای است که در هیاهوها صبور و ساکت و در سکوت جامعه، فریادگر است.

۸. مسجد وجودش رسانه است و اهل مسجد هم‌زمان هم خبرنگار، هم خبرساز می‌شوند.

۹. مسجد رسانه‌ای است که خبرهایش - هرچند تکراری باشد - متعالی و سازنده و محرک و جاذبه‌دار است نه زمین‌گیر و مخدر.

۱۰. مسجد رسانه‌ای است که زمینه‌اش نماز (عشق‌ورزی با خدا)، محتوایش ذکر و توجه و هوشیاری و نتیجه‌اش ایمان، اعتدال، بصیرت و استقامت است.

۱۱. مسجد رسانه‌ای است که کسی در آن به فکر تسخیر یا چهره شدن نیست.

۱۲. مسجد قدیمی‌ترین سیستم ارتباط جمعی را به خود اختصاص داده است و دنیای ارتباطات و تعدد و تجدد و تنوع وسایل ارتباط جمعی در دنیای کنونی نتوانسته نقش ارتباطی مسجد را حتی کم‌رنگ کند.

۱۳. چه بسا آسیب رسانه‌ها بیش از نفعشان باشد، ولی مسجد همه‌اش خیر است.^۱

۱۴. وسایل ارتباط جمعی، ارتباط فیزیکی را کم می‌کنند، ولی مسجد این ارتباطات را حفظ یا زیاده‌تر می‌کند.

۱۵. امروزه وسایل ارتباط جمعی، از ضروریات زندگی شده،^۲ ولی مسجد در اذهان عمومی همچنان مستحب و در واقع ضروری‌تر از نان شب شده است.

۱۶. در زمان کنونی به دلیل صنعتی و اداری شدن کشورها و مکانیزه شدن کشاورزی و با وجود مرخصی و بازنشستگی و سرعت حمل و نقل، فرصت‌ها و فراغت‌هایی بیش از پیش پیدا شده که پر نکردن یا پر کردن غیراصولی آن آینده بشریت را به خطر انداخته و می‌اندازد؛ ولی حضور در مسجد افزون بر پر کردن اوقات فراغت انسان‌ها را به هدف آفرینش نزدیک‌تر می‌سازد و از آسیب‌های فراغت و سرگرمی و سردرگمی و بیکاری می‌کاهد.

علاوه بر این‌ها، وجود خدمات رفاهی و تغذیه‌ای (گرسنه نبودن بیشتر افراد)، فراهم بودن امکانات گرمایشی و سرمایشی، وجود وسایل ارتباط

۱. «... فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸).

۲. قابل توجه است که چرا در زمانی که از حیوانات در حمل و نقل استفاده می‌شد، انسان‌ها عقب نبودند و امروزه با وجود هواپیما همیشه در کارها عقب افتاده‌ایم. زمانی که موبایل و تلفن نداشتیم ارتباطات بهتر بود و زمانی که کشاورزی مکانیزه نبود فرصت بهتری داشتیم و با این که خانه‌سازی بیش‌تر شده بی‌خانه زیاد است و زمانی که سازمان ملل نداشتیم این همه ظلم نبود و در زمانی که شورای امنیت نداشتیم امنیت بهتر بود اگر نگوییم خود این‌ها عامل ناامنی‌ها شده‌اند.

جمعی، کم شدن زمان کار در کارخانه و مزرعه نسبت به پنجاه سال پیش، بلوغ زودرس و جاذبه‌های تجملاتی، حضور در مسجد را دارویی انحصاری کرده است؛ چراکه انسان‌ها مخصوصاً جوان‌ها را از دریای تجملات و امواج تهاجمات بیرون می‌آورد و آنان را به ساحلی امن، آرام و معنوی سوق می‌دهد و آن‌ها را هدایت و کنترل می‌کند.

مساجد مشترک المنافع

مساجد در معارف اسلامی نهادی است که بدون وابستگی، به‌هم‌پیوسته‌اند و همگی در یک مسیر و راستا قرار دارند. بزرگداشت و تعظیم همه مساجد، ضرورتی انکارناپذیر،^۱ و بی‌احترامی، تخریب یا اهانت به هر مسجدی، در حکم بی‌حرمتی به تمام مساجد است. از این رو، پاسداشت حرمت و صیانت از قداست همه مساجد، وظیفه‌ای همگانی است و نباید بزرگداشت مسجدی خاص، سبب تحقیر یا بی‌اعتنایی یا رویگردانی از مسجدی دیگر گردد.

اسلام نگاه تبعیض‌آمیز یا گزینشی به مساجد ندارد بلکه همه آن‌ها را مصادیق «بیوت‌الله» می‌داند^۲ که در قداست و منزلت برابرند چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: لِيُصَلَّ الرَّجُلُ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يَلِيهِ وَلَا يَتَّبِعِ الْمَسَاجِدَ.^۳

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَلَّةِ فِي تَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ فَقَالَ إِنَّمَا أَمْرٌ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).

۳. جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۶۹.

بنابراین مساجد - با وجود تفاوت‌های جغرافیایی یا معماری - در حقیقت و کارکرد، به هم پیوسته و دارای ماهیتی واحدند. هر کوشش در مسیر عمران و اعتلای یک مسجد، خدمتی به مجموعه مساجد الهی است و در مقابل، هرگونه بی‌حرمتی یا ویرانی، توهینی به تمامی مساجد به شمار می‌آید.

۱. هیچ مسجدی را نمی‌توان بر مسجد دیگر برتری داد، به گونه‌ای که تعظیم یکی، به تحقیر یا بی‌اعتنایی نسبت به دیگری بینجامد.

۲. گرچه نماز در برخی مساجد همچون مسجدالحرام افضل است؛^۱ اما مساجد بدون وابستگی به هم پیوسته و مشترک‌المنافع‌اند و کارکرد یکسانی دارند. به همین خاطر ساخت و تعظیم و توقیر آنان برابر است.

۳. مساجد مشترک‌المنافع و پشتیبان یکدیگرند.^۲ از این رو اگر تجهیزات و مصالح آن‌ها بلااستفاده بماند، نه می‌توان آن‌ها را فروخت و نه از میان برد، بلکه باید از آن‌ها در مساجد دیگر استفاده کرد.

۴. قرآن مردم را به همه مساجد دعوت کرده است.^۳

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقِبْلَةِ خَمْسٌ وَ عَشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الشُّوْقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحْدَهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۳).

۲. مساجد - در هرکجای دنیا که باشند - در آداب و احکام با هم فرقی ندارند و در قرآن کریم، واژه مسجد - غیر از مسجدالحرام - عموماً به صورت جمع «عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۲۹ و ۳۱) و «مَسَاجِدٍ» (بقره: ۱۱۴؛ توبه: ۱۷؛ توبه: ۱۸؛ حج: ۴۰) و «الْمَسَاجِدِ» (بقره: ۱۸۷؛ جن: ۱۸) - به کار رفته است و اگر مفرد آمده در احکام است که حکم آن برای همه مساجد است.

۳. «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۲۹)؛ «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱).

مسجد، نماد اتحاد عملی امت اسلامی

مطالعه منابع فقهی و معارفی نشان می‌دهد که با وجود اختلافات میان مذاهب اسلامی - از جمله میان شیعه و سنی - در عرصه‌های گوناگون مانند تفسیر قرآن کریم (با آنکه کتاب الهی واحد است) و مباحث کلامی همچون صفات باری تعالی، تفاوت قابل توجهی در جایگاه، ماهیت و ساختار مسجد وجود ندارد. این هم‌سویی و اشتراک نظر، نه تنها در بُعد معنوی بلکه در بُعد کارکردی مسجد مشاهده می‌شود.

از این رو، یکسان بودن حضور در مساجد یکدیگر، نمادی از وحدت عملی به‌شمار می‌آید.

با وجود آنچه بیان شد، نکات زیر مورد غفلت قرار نگیرد:

۱. ائمه اطهار علیهم‌السلام در شرایطی بر فضیلت حضور در مسجد تأکید فرموده‌اند که خود امام جماعت نبودند و حتی در آن دوران، سبّ امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مساجد رواج داشته است.

۲. سیره عملی امامان معصوم علیهم‌السلام نشان‌دهنده اهمیت حضور در مساجد، حتی مساجد مخالفان است و هیچ گزارشی از تشکیل جماعت جداگانه، یا توصیه به عدم حضور، یا وجود عذر خاص در این زمینه به ما نرسیده است. از این رو، حضور در مساجد اهل سنت تفاوتی با حضور در مساجد شیعیان ندارد.

۳. فضایل و آداب مرتبط با مسجد در فرهنگ اهل سنت، در اصل متأثر از تعالیم ائمه طاهرين علیهم‌السلام است.

۴. در صورت حضور در مساجد اهل سنت، سفارش شده است که در صف نخست نماز جماعت بایستیم.^۱

۵. شیعیان در مساجد اهل سنت حضور می‌یابند و اهل سنت نیز در مساجد شیعیان شرکت می‌کنند.

۶. در روایات، حضور در مساجد اهل سنت به منزله اقتدا به پیامبر ﷺ تشبیه شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، تصور دوگانگی میان مساجد، نه به صلاح ماست و نه به صلاح آنان. شایسته است همان‌گونه که اهل بیت علیهم السلام بر همسانی و وحدت در مساجد تأکید کرده^۲ و میان مسجدی با مسجد دیگر تفاوتی قائل نشده‌اند، اهل سنت نیز بر یکسان‌نگاری مساجد پای بفشارند و از اصرار بر ساخت مساجد اختصاصی برای خود پرهیز کنند؛ زیرا مسجد، خانه خداست نه خانه گروهی خاص، و بندگی در آن، وحدت امت اسلام را آشکار می‌سازد.

۱. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا إِسْحَاقُ أَتُصَلِّي مَعَهُمْ فِي الْمَسْجِدِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ صَلِّ مَعَهُمْ فَإِنَّ الْمَصْلَى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالشَّاهِرِ سَبْقُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۷۷).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ وَغُودُوا مَرْضَاهُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَالْمُؤَذِّنِينَ فَافْعَلُوا فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ - رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابُهُ وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيُّ - فَعَلَ اللَّهُ بِجَعْفَرٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابُهُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۳۰).

مراکز ضرار

الف) مسجد هیچ‌گاه ضرار نیست

مسجد هرگز «ضرار» نیست؛ ضرار انسان‌هایی هستند که برای مسجد جایگزین و رقیب تعریف می‌کنند تا مسجد را بی‌رونق کنند. کسانی که با فرهنگ مسجد مأنوس نیستند، مسجدی را «ضرار» و مسجد دلخواه خود را «نمونه» معرفی می‌کنند، یا به نام فعال فرهنگی، بدعت‌های فکری و رفتاری را وارد فضای مسجد می‌سازند و روح آن را تیره می‌کنند. هنگامی این خطاها خطرناک‌تر می‌شود که برخی، خود را مبتکر روش‌های تازه بدانند و در داوری‌های افراطی و تفریطی، اصل مسجد و کارکرد بی‌بدیل آن را زیر سؤال ببرند.

۱. آنچه مسجد است، ضرار نیست و آنچه ضرار است، مسجد نیست.

۲. در طول تاریخ به هیچ مسجدی ضرار گفته نشده است.

۳. هر کلمه «مسجد» که در قرآن بیان شده، مسجد اصطلاحی و فقهی نیست؛^۱ هرگاه قرآن کریم با عظمت از این مکان مقدس نام می‌برد، مسجد است.

۴. برخی مرکز ضرار را مسجد نمی‌دانند و دلیلی بر اینکه مسجد بوده است، نداریم.

۱. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ...» (توبه: ۱۰۷).

۵. عده‌ای مسجد ضرار را منحصر به فرد دانسته که فقط خدا از آن خبر می‌دهد.^۱
۶. منافقین با سوءاستفاده از اسم مقدس مسجد، نام آن ساختمان را مسجد نهادند.
۷. اگر مسجد بود، پیامبر ﷺ آن را خراب نمی‌کرد.
۸. قبل از اینکه «لَا تَقُمْ»^۲ نازل شود، دستور تخریب آمده است.
۹. آیه ضرار متوجه مؤسسان است نه بنای آن.^۳
۱۰. در صدر اسلام در بسیاری از مساجد به ائمه اطهار علیهم‌السلام توهین (سب) می‌شد؛ ولی آن بزرگواران به آن مساجد ضرار نگفته‌اند حتی مسجد اموی شام که به اهل بیت و سر مبارک امام حسین علیه‌السلام توهین شد.
۱۱. مسجد شیعه و سنی با هم فرقی ندارد و هیچ‌یک ضرار دیگری معرفی نشده است.
۱۲. مساجدی که کنار هم هستند، مؤید یکدیگر بوده و ضرار همدیگر نیستند چون قبله و کارکرد و هدف آن یکی است.

۱. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِزْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ» (توبه: ۱۰۷)؛ «إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (المنافقون: ۱).

۲. توبه: ۱۰۸.

۳. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا...» (توبه: ۱۰۷).

۱۳. کمک گرفتن از کفار برای ساخت مسجد اشکال ندارد و به مساجدی که کفار ساخته‌اند، ضرار گفته نشده است.^۱
۱۴. اگر اختلاف نظر در مساجد به وجود آید، مسابقه در خیرات است^۲ و چه‌بسا در غیر مسجد عنوان ضرار پیدا کند.
۱۵. چون کارکرد همه مساجد یکسان است، ضرار معنی ندارد ولی اگر مراکز دینی، مقابل و موجب ضرر به مسجد بشود، ضرار است.
۱۶. به مساجد سلاطین و خلفای جور، ضرار گفته نشده است.
۱۷. از آنجایی که مسجد تولیت ندارد، استفاده ابزاری از مسجد نمی‌شود چون تولیت سبب سلطه و حاکمیت می‌شود.
۱۸. مسجد هیچ‌گاه مرکز کفر و محاربه با خدا و تفرقه نیست تا مصداق ضرار شود.
- نتیجه آنکه مسجد جایگزینی ندارد. هیچ مرکزی توان ایفای نقش مسجد را ندارد. هر نهادی که در برابر مسجد شکل گیرد، خود مصداق «ضرار» است و گرچه در کنار یا وابسته به مسجد باشد؛ زیرا به‌جای تقویت، توان کارکردهای مسجد را تفکیک و چه‌بسا بار اضافی و گاه انحرافی بر دوش مسجد می‌گذارد از جمله به نام مسجد و مقدسات، اقدام به ساخت مراکز رقیب و موازی می‌کنند.

۱. آیا نماز خواندن در مسجدی که توسط کفار ساخته شده، جایز است؟ اشکال ندارد (سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۹۱، مسئله ۴۲۰).

۲. «وَلِكُلِّ وُجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّیْهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ...» (البقرة: ۱۴۸).

اصلاح رفتارها و شیوه‌های فعالیت در مسجد امری ضروری و پسندیده است، اما نباید خطای افراد را به حساب مسجد گذاشت. پاسداشت قداست مسجد، مراقبت از روح اصیل آن و حفظ نیت پاک در فعالیت‌های مسجدی، تنها راه جلوگیری از «ضرار» حقیقی است؛ خطری که همیشه از بیرون مسجد آغاز می‌شود، نه از خود مسجد.

ب) مقایسه مسجد و مراکز ضرار

مقایسه «مسجد» و «مراکز ضرار» در قرآن و سنت، مقایسه دو نقطه مقابل است؛ یکی مبدأ نور و هدایت و دیگری کانون آسیب و انحراف و گمراهی و ظلمت. به همین خاطر کارکرد و هدف آن دو، بسیار دور از یکدیگر است. مسجد برای عبادت، وحدت، تربیت، آرامش و رشد ایمان ساخته می‌شود و مراکز ضرار برای تفرقه، نفاق، ایجاد شک، تضعیف ایمان و ضربه زدن به مسجد بنا می‌گردد. سازندگان مسجد مؤمنانی هستند که قصد قربت، خدمت و آبادانی معنوی دارند و بناکنندگان ضرار منافقانی هستند که هدفشان ایجاد پایگاه علیه جامعه دینی است.

۱. کارکرد ضرار محدود و مشخص است درحالی که مسجد در راستای همه امور و برای تمام مردم است.

۲. مراکز ضرار تولیت دارد به خلاف مسجد که تولیت و صاحب اختیار ندارد.

۳. پاداش نماز در مسجد صدها و هزاران برابر است و در مراکز ضرار اگر باطل نباشد دو برابر هم نیست.
۴. غیر مسجد فرق نمی‌کند خانه باشد یا مصلا یا نمازخانه.
۵. در مسجد نظارت عالم بر عابد ملاک است به خلاف مراکز ضرار.
۶. مسجد به روی همه باز است نه برای گروهی خاص.
۷. دشمن از ساخت مساجد هراسان و مشوق آن مراکز است.^۱
۸. منافق و دشمن در مسجد کاهل^۲ و در مراکز ضرار فعال است.
۹. مسجد محل قیام «قیاماً للناس»^۳ و مراکز آنان باعث تفرقه و عامل زمین‌گیر شدن جامعه است.
۱۰. حضور در مسجد پیوسته و روزانه است؛ حضوری دائمی در پنج نوبت عبادت، نه رفت‌وآمدی موسمی و مقطعی.
۱۱. مسجد برای پاکان است «فیه رجالٌ یحبون أن یتطهروا»^۴ و مراکز آنان محل اباحی‌گری و سرپوش نهادن بر ناپاکی‌هاست.

۱. اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فاتنوم‌ها نداشته باشید! ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید! آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت کنید به اسلام، پشت کنید به مسجد (امام خمینی رحمه‌الله، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱).

۲. «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى» (توبه: ۵۴).

۳. مائده: ۹۷.

۴. توبه: ۱۰۸.

۱۲. مسجد خانه پاکی است «فیه رجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا»^۱ جایی که به پاکی آن دل بسته‌اند. در برابر، مراکزی که با گرایش‌های اباحه‌گرایانه بنا می‌شوند، نه محل تعالی، بلکه پناهگاهی برای پنهان‌سازی آلودگی‌ها و توجیه ناپاکی‌هاست. مسجد می‌افزاید و می‌پروراند؛ اما آن مراکز، از درون تهی می‌کنند.

۱۳. افرادی که عمران مسجد می‌کنند با کسانی که به مراکز عبادی غیر مسجد کمک می‌کنند، متفاوت‌اند.

۱۴. اهالی مسجد چه مسجد بسازند و چه در مسجد حضور پیدا کنند، در حال تعمیر و آبادانی مسجدند و منافقین به دنبال بدعت‌گذاری و تأسیس به جای تعمیرند.

۱۵. اساس مسجد، قیام و اساس مراکز ضرار، سقوط است.^۲

۱۶. مسجد دوام دارد، ولی مراکز ضرار پس از مدتی رو به افول می‌رود.

۱۷. ساخت مسجد بر اساس تقوا، طهارت و قیام،^۳ و ساخت مراکز ضرار، بر پایه سستی و ریهه^۴ و سقوط «شفا جُرفٍ»^۵ و رسوایی است.

۱. توبه: ۱۰۸.

۲. «قیاماً لِلنَّاسِ» (مانده: ۹۷)؛ «... عَلٰی شَفَا جُرْفٍ هَارٍ» (توبه: ۱۰۹).

۳. سه حکم در یک آیه: «لَا تَقُمْ» و «أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِیْهِ» و «فِیْهِ رِجَالٌ یُّحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا» (توبه: ۱۰۸).

۴. «لَا یَزَالُ بُنِیَانُهُمُ الَّذِی بَنَوْا رِیْبَةً فِی قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَ اللّٰهُ عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ» (التوبه: ۱۱۰).

۵. توبه: ۱۰۹.

۱۸. سرانجام مسجد سازی، فلاح^۱ و فرجام ضرار سازی، گمراهی و سردرگمی است.^۲

ج) مؤسسان ضرار

۱. از گذاشتن اسم مقدّس برای مراکز خود ترس و نگرانی ای ندارند.
۲. رهبران را مؤیّد خود می‌دانند.
۳. مراکز خود را نزدیک مسجد می‌سازند. نزدیکی مراکز ضرار به مسجد پیام‌های زیادی دارد.
۴. اهل مسجد نبوده و نیستند.
۵. چه بسا مراکز خود را بهتر از مسجد می‌دانند و می‌سازند.
۶. نسبت به کم‌رونقی مسجد رضایت داشته و احساس نگرانی و حساسیت ندارند.
۷. برای اثبات قصد سوء خود سوگند می‌خورند.^۳
۸. نزد رهبران دینی، زبانی گویا و چهره تعجب‌آمیزی دارند.^۴
۹. کسی جز خداوند نمی‌تواند دروغ آنان را آشکار کند.^۵

۱. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (توبه: ۱۸).

۲. «... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه: ۱۰۹).

۳. «... وَ لِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى...» (توبه: ۱۰۷)؛ «إِنِّتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنِ

سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (منافقون: ۲).

۴. «وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَ إِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ...» (منافقون: ۴).

۵. «... وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ» (منافقون: ۱).

(د) جهاد تبیین و مراکز ضرار

۱. مبارزه با مراکز ضرار، آتش‌بس و مهلت و تبصره ندارد و جز تخریب و نابودی راهی ندارد و قابل مصالحه و طول زمان نیست.^۱

۲. مبارزه با مراکز ضرار تنها وظیفه مردم نیست؛ بلکه حکمرانان - همان‌گونه که حرکت‌های مخالف خود را رصد و مراقبت می‌کنند- موظف‌اند مراکز ضرار را هم رصد کنند.

۳. حاکمی که از تهدیدهای پنهان در محیط‌های دور از فرهنگ مسجد غفلت کند، پیش از همه دامان خودش را می‌گیرد. نادیده گرفتن این کانون‌ها، غفلت از یک واقعیت امنیتی و فرهنگی است؛ واقعیتی که اگر مهار نشود، حکومت را از درون آسیب‌پذیر می‌سازد. بی‌توجهی به این مراکز، خطای راهبردی است که هزینه‌اش بر دوش حاکم است.

۱. «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا» (توبه: ۱۰۸).

فصل سوم

ساخت و تعمیر مسجد

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْخَصٍ قَطَاةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ يَتِيمًا فِي الْجَنَّةِ»

هر کس مسجد کوچکی بسازد، خداوند در ازای آن، خانه‌ای در بهشت برایش می‌سازد.^۱

اهمیت عمران و آبادانی

عمران و آبادانی مسجد، نشانه‌ای روشن از حیات و قوام جامعه و عمق پیوند مردم با خداوند و حفظ ارزش‌های الهی است. مسجد آباد، علامت هدایت، انسجام ملی و پرورش انسان آزاده و مؤمن بوده و نقش بنیادینی در استحکام نظام اسلامی ایفا می‌کند. کیفیت ساخت و معماری مسجد بیانگر توجه اقتصادی و اقتصاد پویای هر منطقه و کشور است بدین جهت سلاطین برای خودنمایی، مسجد را مجهز تر و چه بسا بلندتر و مقاومتر از حتی کاخ‌های خود می‌ساختند.

۱. عمران مسجد از صلابت و همدلی و تواضع و تدبیر و نشانه سرافرازی فرد و انضباط اجتماعی است.

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵

۲. عمران مسجد نشان از عمق باورهای دینی و تعهد و غیرت دینی همه مسلمانان خبر می‌دهد.
۳. عمران مسجد نشانه حق‌شناسی، قدردانی و شکرگزاری مردم از خدا و اولیای اوست.
۴. آبادانی مسجد، دشمنان را هراسان و مؤمنان را دلگرم و امیدوار می‌کند.
۵. آبادانی مسجد، علامت وارستگی و خدایی بودن حکمرانی و از تعهدات حاکمان است.^۱
۶. عمران مسجد، استمرار سابقه و تاریخ روشن برای داشتن آینده‌ای روشن‌تر است.
۷. آبادانی و رونق مداوم مسجد، نشانه اقتدار و مقاومت جامعه است، چراکه هر مسجدی، سنگر است.
۸. آبادانی مسجد، راه‌های نفوذ دشمن را مسدود می‌کند.
۹. آبادانی مسجد، الفت و انس میان اهل مسجد را افزایش می‌دهد.
۱۰. آبادانی مسجد به معنای ارتباط محکم بین نسل گذشته و آینده است.
۱۱. آبادانی مسجد، سبک‌ساز و ادب‌ساز است.
۱۲. آبادانی مسجد آسان‌ترین سبک زندگی است.
۱۳. مشعل فروزان هدایت و زدودن ظلمت‌های فساد و فحشا است.

۱. «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...» (حج: ۴۱).

۱۴. مشکلات روانی را تسکین یا برطرف کرده و آرام روحی را پیشگیری و مداوا می‌کند.

۱۵. به دلیل حضور یکسان زن و مرد (همسران) اختلافات همسران کمتر و ارتباط آنان بهتر و زندگی شیرین‌تر می‌شود.

۱۶. عمران مسجد، در تربیت نسل آینده و تعمیق باورهای دینی تأثیر بسزایی دارد.

۱۷. در خشک‌سالی، مشارکت مردمی چشمگیرتر می‌شود؛ چنان‌که در مناطق محروم، تلاش برای عمران مسجد به مراتب بیش از مناطق برخوردار دیده می‌شود.

توفیق مسجد سازی

ساخت مسجد از دیرباز با سختی‌ها و مشکلات و ترس و هراس‌هایی به همراه بوده که در قرآن به آن اشاره شده است.^۱ از این رو همه کس توفیق و لیاقت و جسارت ساخت مسجد را ندارد. عمران مسجد کار انبیا و اولیا بوده است^۲ و امروزه عالمان و پیروان وارسته و شجاع همچنان نقش عمده در عمران مسجد دارند که از هیچ چیز و هیچ کس جز خداوند نمی‌هراسند^۳ و علاوه بر خدمت به مسجد برای خود امتیازی قائل نیستند.

۱. «...وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» (توبه: ۱۸).

۲. «...وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵).

۳. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (توبه: ۱۸).

کسانی که آلودگی داشته باشند توفیق چنین فیض بزرگی را نمی‌یابند؛^۱ ولی با ساخت مراکز فرهنگی، چه بسا به دنبال اشباع خواسته‌ها و تولیت و سرپرستی آن مراکز هستند.

ساخت مسجد

مسجد سازی یادگار ماندگار انبیاء است و همه انسان‌ها مأمور دفاع و نگهداری آن هستند. فراوانی مسجد، نعمت بزرگ و موجب خشنودی خدا و بهترین خدمت به عبادت بندگان خداست که در دسترس همگان قرار می‌گیرد (عبادت به جز خدمت خلق به‌ویژه در عبادت نیست).

امروزه که راه‌های فساد و فحشا و ابزار آن رو به فزونی است، هیچ قدرت و نهادی مثل مسجد مردم را تعادل نمی‌بخشد، لذا همان‌گونه که متأسفانه ابزار گناه در اختیار مردم قرار گرفته، مسجد هم در اختیار مردم قرار گیرد تا در هر شرایطی بتوانند خود را به نزدیک‌ترین مسجد برسانند و حوادث محفوظ بمانند.^۲

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِيَمَ مَسْجِدٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳).

۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: ... مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَقْنِيَةُ اللَّهِ وَ أُنْبَيَاتُهُ أَذِنَ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مَيْمُونَةٌ مَيْمُونٌ أَهْلُهَا مَزِينَةٌ مَزِينٌ أَهْلُهَا مُحْفُوظَةٌ مُحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

بنابراین فراوانی مساجد، - برخلاف دیگر مراکز - هرگز اسراف یا ضرار به شمار نمی‌آید،^۱ حتی اگر در نزدیکی یکدیگر باشند،^۲ و هیچ‌کس اجازه تخریب یا تعرض به آن‌ها را ندارد.

۱. مسجد حتی اگر کوچک باشد^۳ و یا کسی در آن حضور پیدا نکند^۴ ساخت و تجهیز آن دارای پاداش و برکات است، چراکه مسجد به نماز محدود نمی‌شود، بلکه خود هم مقدمه است، هم مقصد و هم موضوع.

۲. مسجد، بنایی است که ذاتاً هیچ آفت و زیانی در آن متصور نیست و تمام منافع و برکات آن متوجه جامعه است. حتی اگر سوءاستفاده‌ای از جایگاه مسجد صورت پذیرد، همه مسئول‌اند^۵ نه فقط بانی و مؤسس آن. این ویژگی منحصر به فرد، مسجد را از سایر اماکن مذهبی و موقوفات متمایز می‌سازد؛ چراکه ممکن است یک موقوفه مصداق سنت حسنه (عمل نیک) و یا مصداق سنت سیئه (عمل ناپسند) باشد ولی مسجد همچنان محبوب و مصداق سنت حسنه است.

۱. لازم نیست مسجد روی سطح زمین باشد؛ بنابراین می‌توان یکی از طبقات یک آپارتمان مثلاً طبقه سوم را مسجد قرار داد، هرچند طبقات زیر و روی آن مسکونی یا اداری باشند، حتی می‌توان قسمتی از کشتی یا هواپیما را مسجد قرار داد.

۲. چون کارکرد و اهداف آن‌ها یکی است، لذا مؤید همدیگرند نه مضر و ضرار به همدیگر.

۳. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمْفَحَصٍ قَطَاةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵).

۴. بررسی روایات مسجد نشان می‌دهد که ساخت و تجهیز آن مقید به حضور و استفاده نیست.

۵. مردم نمی‌توانند بگویند هر کس ساخته خودش آن را تعمیر و از آن نگهداری کند و خودش در آن نماز بخواند و همه مسئولیت‌هایش را بپذیرد.

۳. اکثر خیرین مسجدی هستند، به همین خاطر بانیان مساجد زمینه‌ساز سنت‌های حسنه دیگر هستند.^۱

۴. ساخت و خدمت به مسجد توفیق بزرگی است که لیاقت آن را به هر کسی نمی‌دهند.^۲

۵. جواز ساخت مسجد در هر منطقه و به هر اندازه،^۳ گویای پذیرش معماری مسجد از همه ذوق‌ها و سلیقه‌ها و ظرفیت‌هاست.

۶. ساخت مسجد بسیار ساده و آسان و در دسترس است. آن قدر مسجد سازی آسان و ضروری است که امام صادق علیه السلام ساخت مسجد با چند سنگ کوچک و بزرگ را در تحقق مسجد کافی دانسته^۴ و نیازی به سقف و دیوار و در ندارد.

۷. با اینکه مسجد در زمان ما ضروری و مصالح ساختمانی در دسترس است و کاربری زمین نیز در اختیار دولت است، نباید مسجد سازی این‌گونه مورد بی‌مهری و غفلت قرار گیرد. چه‌بسا یکی از عوامل این کم‌توجهی، گرایش به ساخت مساجد بزرگ و توجه به ساختمان‌های

۱. چون مسجد کارکردهای متفاوت دارد کسی که مسجد می‌سازد در تمام آن کارکردها سهیم است.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِيَمَ مَسْجِدٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳).

۳. عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (محمد بن عیسیٰ ترمذی، سنن، ج ۱، ص ۲۰۰).

۴. عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ فَمَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَ قَدْ سَوَّيْتُ أَحْجَارًا لِمَسْجِدٍ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ تَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْ ذَاكَ فَقَالَ نَعَمْ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۴۲۶).

پیرامونی آن، که گاه خود مانعی برای گسترش و رواج مسجدسازی هستند.

ضرورت ساخت مسجد

در دنیای امروز، ساخت مساجد و دعوت مردم به مشارکت در ساخت، به یکی از نیازهای ضروری جامعه تبدیل شده است. بایسته است که تعداد مساجد به اندازه‌ای افزایش یابد که هر فرد بتواند در نزدیکی منزل یا محل کار خود به چندین مسجد دسترسی داشته باشد و بر اساس علاقه و تمایل شخصی، یکی از آن‌ها را برای حضور انتخاب نماید^۱ چنانچه در گذشته خصوصاً در مرکز شهرهای بزرگ این‌گونه بوده است. افزون بر این، بهتر است فضایی ایجاد شود که در آن رقابت سالم و مثبت در ارائه خدمات به اهل مسجد تقویت یابد.

اگر توجه به ساخت مسجد در سبب زندگی مردم قرار گیرد، علاوه بر شکر و افزونی نعمت و برکت، مردم شاداب و امیدوار می‌گردند و از سرگرمی‌هایی که جز سردرگمی نتیجه‌ای ندارد، رهایی می‌یابند و مقاومت و تعمیق باورهای دینی آسان خواهد شد.

مسجد بودن یک مکان تنها به پایان ساخت و تکمیل ساختمان آن محدود نمی‌شود؛ بلکه به محض تحویل گرفتن زمین آن، ویژگی‌ها و

۱. امروزه در اثر وجود بلوارهای تندرو در مسیر برخی مساجد و عدم وجود پل‌های هوایی عبور و مرور، حضور در برخی مسجدها با مشکلاتی همراه شده است.

فضیلت‌های مسجد بر آن مترتب می‌شود و از آن می‌توان در حد امکان بهره برد.^۱ با این حال، گاه افرادی که فاقد صلاحیت لازم برای مسجدسازی‌اند، می‌کوشند با استفاده از بودجه مسجد، ساختمان‌هایی در کنار مسجد برپا کنند که نه تنها در شمار متمم‌ها و تکمیل‌کننده‌های مسجد قرار نمی‌گیرند، بلکه چه بسا مزاحم کارکرد اصلی آن نیز باشند. در چنین وضعیتی، اگر این اقدامات برخلاف نیت و اهداف اولیه بنیان مسجد صورت گیرد و به اختلال یا جلوگیری از تجهیز و بهره‌برداری صحیح آن بینجامد، این افراد به‌عنوان کسانی که ظلم کرده‌اند، شناخته خواهند شد.^۲

مسجد بهترین وقف

مسجد موقوفه‌ای است که واقف برتری و امتیازی بر دیگران ندارد و نمایان‌ترین مصداق «باقیات الصالحات»^۳ و «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ»^۴ به شمار می‌آید.

مسجد وقفی است که بیش‌ترین استفاده را در بین موقوفات دارد و مسلمانان آن را در صدر موقوفات خود می‌دانند و نباید این خیر، فراموش گردد و یا کم اهمیت جلوه داده شود.

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْخَصِ قَطَاةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵).

۲. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا ...» (بقره: ۱۱۴).

۳. «وَالْبَاقِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا» (کهف: ۴۶ و مریم: ۷۶).

۴. «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲).

نکته قابل توجه آنکه موقوفات دیگر حبس الملک بوده و می‌تواند متوالی خاص داشته یا موقتی باشد، و حضور و عبادت در آن‌ها با مکان‌های دیگر فرقی نمی‌کند و تنها مسجد است که فک الملک بوده و متولی ندارد و به عبادت و نماز ارزش می‌دهد.

مساجد کوچک راهکاری بزرگ

تمدن اسلامی بدون مسجد، قابل تصور نبوده و نیست؛ زیرا مسجد کانون فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، اقتصادی و حتی نظامی و قومی بوده و جایگزینی برای آن متصور نیست. با این حال، در الگوهای نوین شهرسازی، دسترسی آسان شهروندان به مسجد با مشکل مواجه شده است و احیای جامعه توسط مسجد، امری فوری و راهبردی است. از این‌رو، ترویج ساخت مساجد کوچک و محلی پاسخی کارآمد در مواجهه با کمبود مساجد است، چراکه:

۱. مساجد کوچک علاوه بر هماهنگی با سیره رسول خدا ﷺ، با معارف اسلام سازگار است.^۱ مساجدی که در زمان پیامبر ﷺ در مدینه و اطراف آن ساخته شده دارای متراژ کم، تعداد زیاد و فاصله کم بوده است.
۲. مسجد کوچک، زود ساخته می‌شود.
۳. جرئت مردم در اقدام به ساخت آن افزایش می‌یابد.

۱. أنه كان بالمدينة تسعة مساجد، مع مسجد رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم يسمع أهلها تأذين بلال على عهد رسول الله صلى الله عليه [و آله] و سلم فيصلون في مساجدهم، أقربها مسجد بني عمرو بن مبدول... (الدارقطني، سنن، ج ۲، ص ۷۱).

۴. با ساخت مساجد کوچک در فواصل کوتاه، دسترسی مردم به مسجد آسان‌تر شده و هر فرد به نوعی از همسایگی مسجد لذت خواهد برد.
۵. با حضور اندک مردم، مسجد نیز پررونق و آباد، جلوه می‌کند. نزدیکی فیزیکی خطیب و مستمع، ارتباطی صمیمی و اثرگذار پدید می‌آورد و این فضا را برای شکل‌گیری گفت‌وگو فراهم می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که سادگی مکان، خود به عاملی برای پویایی جلسه بدل می‌شود.
۶. مردم به حضور در آن تشویق و خود را اهل مسجد می‌دانند.
۷. افراد بیشتری خادم می‌شوند.
۸. مسجد را از آن خود دانسته و به آن دل می‌بندند.
۹. نه تنها فضیلت ساخت، حضور و تجهیز مساجد کوچک، کمتر از مساجد بزرگ نیست بلکه در برخی موارد، شایسته‌تر است.
۱۰. خدمات و بهره‌برداریهایی اهل مسجد متفاوت و مردم حق انتخاب پیدا می‌کنند.
۱۱. خدمتگزاران مساجد می‌توانند با شناسایی نقاط قوت و ضعف، در تقویت توانمندی‌ها و رفع کاستی‌ها بکوشند و زمینه پیشرفت همه مساجد را فراهم سازند.
۱۲. حس رقابتی مفید^۱ و سازنده میان مساجد ایجاد می‌شود که نه ریا است و نه ضرار، به خلاف سایر مراکز که همواره در معرض چنین آسیب‌هایی است.

۱. «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعاً» (بقره: ۱۴۸).

۱۳. نکات قوت آشکارتر و مشکلات کمتر خودنمایی می‌کند.
۱۴. امامت در آن آسان و مهارت کمتری نیاز دارد.
۱۵. امام مسجد تسلط و نظارت بهتری بر مسجد و مسجدی‌ها دارد.
۱۶. یک خادم نیز به خوبی از عهده انجام وظایفش بر می‌آید.
۱۷. چون جمعیت در مساجد کوچک محدود است، نیروهای بهتر و کارآمدتری تربیت می‌شوند.
۱۸. هزینه ساخت و نگهداری آن توسط یک فرد، خانواده یا صنف هم میسر است.
۱۹. آنچه فرهنگ دینی را معرفی می‌کند، تعداد و فراوانی مساجد است، نه بزرگ بودن آن‌ها.
۲۰. رتبه ما در تعداد مساجد بالا می‌رود چرا که تعداد مساجد ملاک است نه سرانه متراژ.

آسیب‌شناسی مساجد بزرگ

متأسفانه گسترش ساخت مساجد بزرگ با مرافق متعدد، موجب کاهش رونق مساجد کوچک شده است. در این روند، با آنکه بسیاری از این مساجد همچنان قابل استفاده‌اند، برخی افراد به بهانه توسعه یا اهداف دیگر، اقدام به تخریب مساجد کوچک می‌کنند و ساختار اولیه و معماری آن را خراب کرده است. این در حالی است که می‌توان با هزینه‌ای کمتر و در فاصله‌ای نزدیک، مسجدی جدید ساخت تا هم فرصت بهره‌مندی

بیشتری برای مردم فراهم شود، هم از تخریب مساجد موجود جلوگیری گردد و هم پیوند همسایگی و حضور مردمی در مسجد تقویت شود.^۱

نکته مهم‌تر آنکه تأسیس مساجد بزرگ، باعث کم توفیقی مردم در ساخت مسجد شده است؛ چراکه:

۱. بسیاری از افراد قدرت ساخت مساجد بزرگ را ندارد.
۲. این‌گونه پروژه‌ها معمولاً نیمه‌تمام مانده یا با تأخیر به اتمام می‌رسند و به دلیل محدودیت زمان مصرف مصالح و فرسایش، تکمیل آن‌ها با تأخیر همراه می‌شود.
۳. بیشتر مساجد بزرگ جدید، از داشتن اصول صحیح مهندسی و معماری و بهره‌گیری از نظر کارشناسان بی‌بهره‌اند.
۴. از آنجایی که ساخت مساجد بزرگ در فواصل کوتاه ممکن نیست، فاصله میان مساجد افزایش یافته و دسترسی مردم به آن‌ها کاهش می‌یابد.
۵. اکثر اوقات از جمعیت پر نمی‌شود و در اذهان عمومی همیشه کم رونق جلوه می‌کند.

۱. گرچه در نگاه کلان، ساخت مساجد بزرگ امری ضروری است و در گذشته نیز سلاطین و حاکمان به این کار اهتمام می‌ورزیدند، اما نباید از این نکته غفلت کرد که آنان در هر شهر بزرگ، معمولاً تنها یک مسجد جامع بنا می‌نهادند. از این‌رو دلیلی وجود ندارد که همه یا بیشتر مساجد به‌صورت بزرگ ساخته شوند؛ به‌ویژه آنکه در روزگار ما، مساجد بزرگ نیازمند تأسیسات گسترده و هزینه‌های بسیار سنگینی‌اند که غالباً نه از توان مالی افراد برمی‌آید و نه در طول عمر یک شخص به انجام می‌رسد. البته در شرایط کنونی، شایسته‌تر آن است که حکومت به‌جای ساخت مصلّا، در هر شهر یک مسجد بزرگ و جامع بنا کند.

۶. در مناسبت‌هایی که پر می‌شود، به دلیل جمعیت زیاد، رفت و آمد مشکل شده و آزار و اذیت همسایگان را فراهم می‌آورد.

۷. تعهد مردم به حضور در آن و نگهداری از آن کاهش می‌یابد.

۸. حفظ و نگهداری آن از عهده یک خادم خارج است و هماهنگی چند خادم مشکلات خود را دارد.

۹. امام مسجد تسلط کمتری بر حاضران در مسجد دارد و امامت آن خلل‌پذیر است.

نکته‌ای مهم و شایان توجه در طراحی مسجد آن است که میزان مشارکت معمول و مستمر مردم در طول سال مبنای برنامه‌ریزی قرار گیرد.^۱ از این‌رو، نباید صرفاً به دلیل حضور پرشمار مردم در برخی مناسبت‌ها و مراسم‌های خاص،^۲ به ساخت مساجد بسیار بزرگ روی آورد. با این حال، می‌توان برای ایام و شرایط ویژه، تدابیر و تمهیدات مناسبی پیش‌بینی کرد تا نیازهای مقطعی نیز به‌درستی پاسخ داده شود. مثل شبستان اصلی و شبستان‌های در زاویه که در صورت لزوم قابل اتصال به هم و قابل توسعه باشد.

۱. در شعاع چهل خانه یا شعاعی که صدای اذان بدون بلندگو شنیده شود به شرط آنکه اتوبان و خیابان، تدریجاً نباشد.

۲. مثل لیالی قدر، تاسوعا و عاشورا، اعیاد فطر و قربان.

فصل چهارم

مسجدی‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَلَّفَ الْمَسْجِدَ أَلَّفَهُ اللَّهَ»

هر کس با مسجد الفت بگيرد خداوند با او الفت می‌گیرد.^۱

سیمای اهل مسجد

مساجد، سراهای رحمت و کرامت الهی‌اند؛^۲ جایی که هر نیازمند، به قدر حاجت خود - و گاه برتر از خواسته‌اش - بهره‌مند می‌شود.^۳

مساجد پناهگاه و سنگر منحصر به فرد مؤمنان به شمار می‌آیند.^۴ خداوند از ما خواسته است که مساجد از جایگاه بلندی برخوردار باشند^۵ و همواره تعظیم، تکریم، توقیر، تعمیر، تطهیر و تزیین شوند^۶ و هیچ‌کس حق توهین و تحقیر این مکان‌های مقدس را ندارد.^۷

۱. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۵

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَالِيهِ السَّلَامُ قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: أَنَّ يُؤْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ رَأَى نَبِيَّ وَ حَقَّ عَلَى الْمَرْوَرِ أَنْ يُكْرِمْ الزَّائِرَ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَى الْمَسْجِدَ لِشَيْءٍ فَهُوَ حَقُّهُ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۳۴).

۴. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: ... فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ (میرزا حسین نوری طهرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

۵. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: أَدِنَ فِي رَفْعِهَا (همان، ص ۳۵۵).

۶. «وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲).

۷. قَالَ الصَّادِقُ عَالِيهِ السَّلَامُ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۸۱).

این مکان‌های معنوی رصدخانه‌ای است که نه فقط این جهان یا آن جهان را که هر دو جهان را آن‌گونه که هست می‌توان دید. مسجد دورنمای مدینه فاضله است. مساجد چون ستارگان، برای آسمانیان می‌درخشند و همواره اطراف خود را روشن می‌کنند.^۱

مساجد محل تجمع بهترین خلق خدا برای بهترین عمل^۲ است. از حضور باشکوه مؤمنان خوشحال می‌گردند و از فراق آنان ناله سر می‌دهند و از حضور مزورانه منافقان و آلودگان نیز ناراحت می‌شوند.

از مهم‌ترین کارکردهای مسجد، یافتن دوست، دیدار با مؤمنان همراه، هم‌رزم و هم‌فکر است؛ همان حقیقتی که از آن با تعبیر «أَخاً مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ»^۳ یاد شده است. گذشته از این، بهترین و پایدارترین دوستی‌ها، در میان اهل مسجد شکل می‌گیرد و پیوند امام و مأموم تا قیامت استمرار می‌یابد به خلاف دوستی‌های دیگر که چه بسا در این دنیا تمام شده و در روز قیامت دشمن یکدیگر می‌شوند^۴ این نیاز در میان زنان پررنگ‌تر است و برکات و فواید بیشتر از مردان به همراه دارد.

مسجد، محل دلجویی بوده و به واسطه قداستش، امن‌ترین و مناسب‌ترین فضا برای احوال‌پرسی و ارتباط مؤمنانه به شمار می‌رود. ارتباط میان زنان و مردان در چارچوب‌های شرعی و محیط قدسی مسجد،

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ يَبُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ... (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).

۲. «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ».

۳. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷.

۴. «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» (فرقان: ۲۸).

آسیب‌های کمتر و منافع اجتماعی بیشتری ایجاد می‌کند و نمی‌توان در مسجد، نسبت به یکدیگر بیگانه بود؛ این همان حلقه گمشده ارتباطات اجتماعی، مدنی و خانوادگی است که در فضای مسجد می‌تواند سالم‌تر و پربارتر شکل گیرد.

ازاین‌رو، امام جماعت با مأمومان خود آشنایی و شناخت کافی داشته و اهل مسجد لازم است با یکدیگر ارتباط، انس و آگاهی متقابل پیدا کنند تا کارکرد واقعی مسجد، یعنی اتحاد دل‌ها و تقویت جامعه ایمانی تحقق یابد.

۱. مسجدی‌ها عموماً انسان‌هایی نجیب و فرهیخته^۱ و محبوب‌ترین افراد نزد خدا و خلق خدا به شمار می‌آیند.^۲ افرادی مؤمن، سالم، مهربان، دلسوز، وفادار و امانت‌دارند و در گفتار و رفتارشان صداقت موج می‌زند و نظم و مقاومت در حضور در مسجد سیره زندگی همه آنان است.

۲. مسجدی‌ها انسان‌هایی هستند متعهد، منظم، مقاوم، دقیق، عمیق، بصیر و بردبار. حضورشان در مسجد مورد غبطه اهل برزخ^۳ و مایه خیر و برکت^۴ و مانع نزول بلاهای آسمانی و زمینی است.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا (امالی، شیخ طوسی، ص ۴۷).

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹).

۳. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تَغِطُونَ أَهْلَ الْمَسَاجِدِ يُصَلُّونَ وَ لَا تَقْدِرُ وَ يَصُومُونَ وَ لَا تَقْدِرُ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَشْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۳. دعای خیر فرشتگان، همراهشان^۱ و خداوند پشتیبانشان است^۲ و به راحتی از پل صراط می‌گذرند.^۳

۴. کودکانشان مؤدب، جوانانشان باشهامت، زنانشان با نجابت، مردانشان با شجاعت و کهن سالان مسجدی، با کرامت‌اند.

۵. مسجدی‌ها مسجد را دوست دارند و از لحظه‌لحظه حضور در مسجد لذت می‌برند و اوقات بیرون از مسجد را برای خود خسارت می‌دانند. آنان هرگاه در مسجدند، با حضورشان مسجد را آباد می‌کنند و هرگاه در بیرون مسجدند، به دفاع از آن می‌پردازند و نمازهای واجب خود را، حتی اگر فرادا باشد، در مسجد می‌خوانند.

۶. اهل مسجد از احترام ویژه‌ای برخوردار هستند و نباید مورد تعرض و بی‌احترامی و بدگویی قرار گیرند.^۴ برخی که لیاقت حضور در مسجد را

الْمُتَحَائِنِينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَزْضِي وَ مَسَاجِدِي الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَا تَزُلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۲۲).

۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَا تَزَالُ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى أَحَدِكُمْ مَا كَانَ فِي الْمَسْجِدِ، وَ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ ... (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۳۲۴).

۲. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: ... هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

۳. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ وَ مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَ الرَّاحَةِ وَ الْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲).

۴. ما مأموریم هر خیر و فضیلتی را به اهل مسجد نسبت دهیم؛ زیرا «اهل مسجد» در حقیقت «اهل الله» اند. از این رو شایسته است در پذیرش‌ها و گزینش‌های اجتماعی، مسجدی‌بودن به عنوان یک معیار معتبر مورد توجه قرار گیرد. در مقابل، کسی که با مسجد بی‌ارتباط است، نباید در کانون حمایت و اعتماد قرار گیرد. غیبت چنین فردی - در چارچوب احکام شرعی - جایز شمرده شده است، در حالی که غیبت اهل مسجد، حتی اگر دچار خطا و لغزش باشند، روا نیست؛ چه رسد به

ندارند، سعی می‌کنند اهل مسجد را تحقیر و تخریب کنند درحالی‌که هیچ‌کس حق ندارد به خادم و امام جماعت مسجد به چشم تحقیر و توهین نگاه کند،^۱ بلکه همه باید در خدمت و همیار آنان باشیم.

۷. در روایات، ائمه هدی علیهم‌السلام هر خیر و فضیلتی را به اهل مسجد نسبت داده‌اند.^۲

۸. ظالم‌ترین افراد کسانی هستند که نه‌تنها مسجد بلکه حرمت اهل مسجد را می‌شکنند. آنان با رفتار و گفتار تحقیرآمیز خود، دل‌های اهل ایمان را آزرده و جایگاه این خانه الهی را تضعیف می‌کنند. سرانجام همان ذلت و خواری که برای مسجد و اهل آن می‌خواستند، دامان خودشان را می‌گیرد.^۳

کارگزاران مسجد، اعم از خادم یا امام مسجد.

۱. تحقیر هرکدام از خادم و امام جماعت مسجد، تخریب مسجد به شمار می‌آید.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَظُنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور

احسائی، عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱).

۳. «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴).

امتیازات اجتماعی مسجدی‌ها

خداوند تنها کسانی را به خانه خود فرامی‌خواند که در پیشگاه او مقرب و شایسته باشند و این بزرگ‌ترین افتخار بندگی است. چه فضیلتی برتر از آنکه مردان اهل مسجد در مسیر و همراهی انبیا و اولیای الهی گام بردارند و زنان مسجدی در زمره بانوانی چون حضرت هاجر و مریم علیها السلام و حضرت خدیجه علیها السلام قرار گیرند. تداوم حضور در مسجد، گواه سلامت در دین و جامعه و مایه آرامش، امنیت و امیدواری و عافیت در دنیا و آخرت است؛ و در عین حال کانونی برای انسجام اجتماعی، هم‌دلی و هم‌افزایی میان اعضای جامعه ایمانی است.

۱. مسجدی‌ها حافظ آبروی دیگران‌اند و نزد دیگران آبرو و احترام خاص دارند.

۲. رابطه خود را با همه مخصوصاً با اهل مسجد حفظ و برای حضور دیگران در مسجد تلاش می‌کنند.

۳. در اقتصاد و معیشت با همگان -چه اغنیا و چه فقرا- مواسات و تعامل و همزیستی دارند؛ چراکه هر روز و شب در کنار هم در یک صف می‌ایستند و با هم رکوع و سجود می‌کنند.

۴. زندگی گرم، شیرین و آرام‌تری دارند.

۵. از ارتباط خانوادگی مستحکم‌تری برخوردارند.

۶. فرزندان آنان کمتر طعمه مفاصد اخلاقی می‌شوند؛ چون سعی می‌کنند آن‌ها را مسجدی تربیت کنند و مسجد را آن‌گونه که هست به آنان بشناسانند.

۷. پست و مقام و ثروت نمی‌تواند آنان را مغرور و از مسجد جدا کند.^۱
۸. مشکلات تهدیدآمیز را به فرصت تبدیل می‌کنند.
۹. کسی که حق همسایگی مسجد را ادا می‌کند، حق همسایگان دیگر را حفظ می‌کند و با آن‌ها نیز ارتباط خوبی دارد.
۱۰. خود را در برابر دیگران مسئول دانسته و به یاری آنان می‌شتابند چنانچه اهالی مسجد در همه سوانح و حوادث پیش قدم هستند.
۱۱. در مسجد به دنبال رفع عیوب خود هستند و به همین خاطر از انتقاد و موعظه استقبال می‌کنند.
۱۲. مسجدی‌ها اهل هر خیر و خوبی‌اند و کوچک‌ترها را احترام و بزرگ‌ترها را اکرام می‌کنند.
۱۳. چون حق خدا و خانه او را ادا می‌کنند، حق‌شناس‌اند و به خاطر همین خصوصیت حقوق همه مانند همسر، پدر، مادر، همسایه، دوست و... را بجا می‌آورند.
۱۴. در غم و شادی دیگران شریک و سهیم‌اند. امتیاز خواه و انحصارطلب نیستند.
۱۵. عامل و الگوی معروف بوده و با حضور مداوم و منظم در مسجد، دیگران را به زیارت خانه خدا دعوت عملی می‌کنند.
۱۶. همدیگر را موعظه و نصیحت کرده و با هم مشورت می‌کنند. آنان از نجوا، غیبت و بدگویی دوری می‌کنند و باعث کم‌رونقی مسجد نمی‌شود.

۱. «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (نور: ۳۷).

۱۷. مسجدی‌ها زینت و سربازان نظام اسلامی و همواره سبب عزت رهبران دینی هستند.

۱۸. منتظران واقعی امام عصر علیه السلام بوده و در صف واحد، منتظر فرمان امام زمان علیه السلام به شمار می‌آیند چراکه مسجد، پادگان امام عصر علیه السلام است.^۱

۱۹. اهل مسجد دین‌دارند نه صرفاً دین دان و از اعماق قلب به مسجد عشق می‌ورزند^۲ و برنامه‌ها و فعالیت‌های روزانه‌شان را از مسجد الگو گرفته و از مسجد آغاز و به آن ختم می‌کنند.^۳

۲۰. آنان به قصد خدمت به مسجد و زائران مسجد می‌روند، نه فقط برای استفاده از مسجد برای مقاصد دیگر.

۲۱. حضور در مسجد را بهتر از بهشت می‌دانند^۴ و تلاش می‌کنند بهترین و بیشترین اوقات عمرشان را در آن سپری کنند.

۱. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام: ... مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي (محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۶۵).

۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَرَزْتُ لَيْلَةً أُسْرِي بِي رَجُلٌ فِي نُورِ الْعَرْشِ قُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ مَلَكٌ؟ قِيلَ: لَا. قُلْتُ: نَبِيٌّ؟ قِيلَ: لَا. قُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: هَذَا رَجُلٌ كَانَ فِي الدُّنْيَا لِسَانَهُ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ بِالْمَسَاجِدِ... (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۱، ص ۱۴۹)؛ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَبْعَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ رَبِّي ... وَ رَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ بِالْمَسَاجِدِ (نسائی، سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۹۰).

۳. «مُبْحَانُ الَّذِي أُسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء: ۱).

۴. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: الْجَلْسَةُ فِي الْجَامِعِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجَلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رَضَى نَفْسِي وَ الْجَامِعُ فِيهِ رَضَى رَبِّي (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۶۲).

۲۲. آنان می‌کوشند نمازهای واجب خود را در مسجد و نمازهای مستحب را در خانه بخوانند.^۱ با حضور مداوم و مستمر خود،^۲ دیگران را نیز به مسجد و بهره‌مندی از فیوضات آن دعوت کنند. آنان زودتر از همه وارد مسجد و دیرتر از همه خارج می‌شوند.^۳

۲۳. مسجد پناهگاه آنان است و چون در آن مأوی می‌گیرند،^۴ هم خود از عذاب و بلا در امان می‌مانند^۵ و هم حضور و وجودشان سبب دفع عذاب از دیگران می‌شود.^۶

۱. قال رسول الله ﷺ: وَ فَضْلُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فِي الْبَيْتِ عَلَى فِعْلِهَا فِي الْمَسْجِدِ كَفَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى الْمُنْفَرِدِ (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۱۴). قال رسول الله ﷺ: ... فَعَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ خَيْرَ صَلَاةٍ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ الْمَكْتُوبَةُ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۱۰)

۲. عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ أَتَعْلَمُ فِي أَيِّ شَيْءٍ أُنْزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: فِي انْتِظَارِ الصَّلَاةِ خَلُفَ الصَّلَاةِ أَبَا ذَرٍّ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ مِنَ الْكُفَّارَاتِ وَ كَثْرَةُ الْإِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكُمْ الرِّبَاطُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِجَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَبْرِئِيلُ أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَيَّ اللَّهُ أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ أَخْرَجَهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا (محمّد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹).

۴. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي الثُّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۶).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَ الْآفَاتُ غَوَى أَهْلُ الْمَسَاجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

۶. فِي وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِأَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِي: ... يَا أَبَا ذَرٍّ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَيَّ الْمُتَحَابُّونَ مِنْ أَجْلِي الْمُتَعَلِّقَةُ قُلُوبُهُمْ بِالْمَسَاجِدِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ أَوْ لَيْلِكَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ غَفُوبَةً ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ الْعُقُوبَةَ عَنْهُمْ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۲۴. آنان به مسجد بیش از کاشانه خود دل می‌بندند و بهترین اموال خود را در اختیار مسجد و مسجدیان قرار می‌دهند.

امتیازات سیاسی اهل مسجد

اهل مسجد، ستون‌های استوار جامعه اسلامی به شمار می‌آیند. آنان با پایبندی به ارزش‌های دینی، حافظ امنیت و پایداری کشور بوده و پشتیبان رهبری عادل و نظام دینی‌اند. برخی از امتیازات سیاسی اهل مسجد عبارت است از:

۱. در دام فتنه‌ها نمی‌افتند.
۲. در محافل سیاسی مطرح‌اند و گوشه‌نشین و منزوی نیستند.
۳. در معرض تفرقه و سستی قرار نگرفته و مقهور دشمن نمی‌شوند.
۴. با حکومت مخالفان همراهی نمی‌کنند.

ورود به مسجد و اقامت در آن

ورود به مسجد گامی به‌سوی بهشت و نشانه‌ای از نزدیکی به خالق مهربان است. این قدم، در حقیقت ورود به محبوب‌ترین نقطه زمین است.^۱ ورود به مسجد، ورود به مرکز پاکی‌ها و نیکی‌ها، حضور در جمع صالحان و همنشینی با فرشتگان است.

۱. عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جِبْرِيلَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَقَالَ مَا أَدْرِي وَ سَوْفَ أَسْأَلُ رَبِّي ثُمَّ مَكَتَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ أَنَاهُ فَقَالَ سَأَلْتُ رَبِّي أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَيْهِ وَ أَيُّ الْبِقَاعِ أَبْغَضُ إِلَيْهِ فَقَالَ أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَى الْمَسَاجِدِ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى أَوْلِيهِمْ دُخُولاً فِيهَا وَ أَخْبَرُهُمْ خُرُوجاً مِنْهَا (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴).

مسجدیان از غیر مسجد می‌گیرند و در فضای مسجد آرام می‌گیرند^۱ و چنانچه بعضی گفته‌اند همانند ماهی در آب، شناور و همچون پرنده در هوا اوج می‌گیرند و در غیر مسجد چونان ماهی در خشکی و پرنده در قفس پریشان و بی‌قرارند؛ چراکه درون مسجد در پناه خدا هستند^۲ و از دشمنان درون و بیرون درامان هستند؛ ولی در غیر مسجد هر لحظه بیم آن می‌رود که طعمه گرگان^۳ شوند و یا در ورطه خطا و اشتباه فرو افتند و یا در چاه بی‌انتهای غفلت و شک و تردید سقوط کنند.^۴

آنان به‌قصد زیارت خدا^۵ و با نیت خدمت و آبادانی به مسجد می‌روند و خود را خادم و خادم یار مسجد می‌دانند و حضور در مسجد برایشان تجربه‌ای آمیخته با احساس معنوی، آرامش درونی و شکوه روحانی است که بر پیوند عاطفی و ایمانی آنان با خداوند می‌افزاید و قدرت و اراده آنان بیشتر می‌شود.

۱. عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي النُّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۶).

۲. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: ... وَ مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَقْبَى اللَّهِ وَ أَقْبَى اللَّهِ أَذِنَ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مَيْمُونَةٌ مَيْمُونٌ أَهْلُهَا مُزَيَّنٌ أَهْلُهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ الشَّيْطَانَ ذَنْبُ الْإِنْسَانِ كَذَنْبِ الْغَنَمِ، يَأْخُذُ الشَّاةَ الْقَاصِيَةَ وَ النَّاحِيَةَ، فَإِذَا كُمُ وَ الشَّعَابَ، وَ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ، وَ الْعَامَّةِ وَ الْمَسْجِدِ (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۱۰۶).

۴. قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْغَفْلَةُ تَرُكُّ الْمَسْجِدَ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵).

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوَرَةِ أَنَّ يَبُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدَ فَطَوَّيْتُ لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي ... (شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۷).

با مسجد انس و الفتی پایدار دارند^۱ چراکه انس با مسجد، در حقیقت انس با خداوند است و حضور در آن علامت محبت خداست.^۲

سبک زندگی مسجدی‌ها

سبک زندگی مسجدی، راهی است که با نگاه الهی آغاز می‌شود و با عقلانیت، تعادل، امید و تداوم تا بهشت، بر همه سبک‌های پراکنده و ناپایدار جهان برتری می‌یابد.

۱. خداوند به اهل مسجد و سبک زندگی ایشان نظر دارد و توجه می‌کند.

۲. سبک زندگی مسجدی تعادل داشته و از افراط و تفریط به دور است.

۳. سبک زندگی مسجدی، سبک‌های ظلم‌پذیر و مخدّر و بی‌رویه و بی‌سند را محو می‌کند و جای آن را با قدرت علم و عقلانیت پر می‌کند.

۴. سبک زندگی مسجدی حاکم و سابق بر همه سبک‌هاست و هیچ‌گونه چالش و آسیبی و پشیمانی ندارد.

۵. همه سبک‌ها محرک می‌خواهد و سبک زندگی مسجد، خود محرک است.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَلَّفَ الْمَسْجِدَ أَلَّفَهُ اللَّهُ (محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۵۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِيَمَ مَسْجِدٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳).

۶. سبک زندگی مسجدی عالم‌ترین و عاقل‌ترین‌ها را به خود دعوت می‌کند.
۷. در سبک زندگی مسجدی هیچ‌گونه سردرگمی و ناامیدی وجود ندارد.
۸. همه سبک‌ها در این دنیا پایان می‌پذیرد؛ ولی سبک زندگی مسجدی تا بهشت ادامه دارد.
۹. سبک زندگی مسجدی احدی را خارج نمی‌داند.
۱۰. بالاترین سطح حکمرانی را به چالش می‌کشد و پایین‌ترین و کوچک‌ترین و سالخورده‌ترین افراد را به همسویی فرامی‌خواند.
۱۱. سبک زندگی مسجدی فراغت و اشتغال طاقت‌فرسا ندارد، بلکه برای هر ساعت از شبانه‌روز برنامه آسان و در دسترس دارد.

همسایه مسجد (جار الله)

خداوند متعال در آیه اول سوره اسراء به این نکته مهم اشاره می‌فرماید که قداست مسجد، تنها به درون آن محدود نمی‌شود، بلکه شعاع تقدس و برکتش محیط اطراف را نیز دربر می‌گیرد چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».^۱

افزون بر این، واژگانی همچون «بلد»، «مستجار»، «جیران»، «جار الله»، «حرم»، «مکه» و نظایر آن در متون دینی، توجه انسان را به جایگاه و اهمیت «همسایگی با مسجد» جلب می‌کند.

در روایات، مسجد به «ستارگان زمین» تشبیه شده است؛^۱ همان‌گونه که ستارگان آسمان، اطراف خویش را روشن می‌سازند، مساجد نیز منبع نور، هدایت و پاکی در زمین‌اند و پیرامون خود را از برکت و روشنی معنوی سرشار می‌سازند. از همین رو، سکونت در همسایگی مسجد، نعمتی بزرگ و امتیازی الهی است؛ زیرا هم‌جواری با خانه خدا، انسان را در معرض رحمت و نور معنوی بهتر و بیشتری قرار می‌دهد. در مقابل، دوری از مسجد، امری ناپسند و موجب محرومیت از برکات الهی دانسته شده است.^۲

بنابراین، «جارالله» یا همسایگی با مسجد، تنها یک موقعیت مکانی نیست، بلکه منزلتی معنوی است که بر قلب و رفتار انسان اثر می‌گذارد؛ جایگاهی که در آن، مؤمن با حضور در حریم مسجد، در مدار نور الهی قرار می‌گیرد و از فیض مجاورت خانه خدا بهره‌مند می‌شود.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ... (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).

۲. سَأَلْتُ عَنْهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو فَقَالَ سَأَلْتُ عَنْهُ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالَ... وَإِذَا كَانَتِ اللَّائِ بُعِيدَةً عَنِ الْمَسْجِدِ لَا يُسْمَعُ فِيهَا الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ فَهِيَ مَشُومَةٌ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۸۸).

۱. مسجد، حرم خداست و حریم و همسایگانی دارد.^۱
۲. مساجد چون خورشید اطراف خود را روشن و نورانی می‌کنند^۲ و همسایه مسجد، «جارالله» است و نعمت همسایگی مسجد از بالاترین نعمات است.
۳. اگر انسان قدرت راه رفتن دارد، خانه و محل کار خود را دور از مسجد انتخاب کند^۳ تا قدم‌های بیشتری برداشته و پاداش بیشتری کسب نماید^۴ و اگر قدرت پیاده‌روی یا وقت آن را نداشته و وسیله نقلیه‌ای هم ندارد، خانه و محل کار خود را نزدیک به مسجد انتخاب کند تا از فیض حضور در مسجد محروم نماند.

۱. محدوده همسایگی مسجد در منابع دینی تا شعاع چهار ذراع یا چهل خانه دانسته شده است و امیرالمؤمنین علیه السلام، شنیدن اذان مسجد را ملاک این همسایگی قرار داده‌اند «مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ». روشن است که مقصود از این اذان، صدای طبیعی و بدون بلندگوست؛ صدایی که در گذشته گاه تا دورترین نقاط شهرهای متوسط می‌رسید. باین حال، در روزگار ما عبور از عرض بلوارها و معابر عریض شهری دشوار شده و چه بسا با آنکه صدای اذان به گوش می‌رسد، راهی امن و مستقیم به مسجد وجود نداشته باشد. این مسئله نیازمند چاره‌اندیشی شهری، همچون ساخت پل یا تونل، است؛ هرچند در برخی موارد، احداث مسجدی جدید، هم کم‌هزینه‌تر و هم کارآمدتر از ساخت پل و تونل خواهد بود.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ بَيْتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسْجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ... (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۴۷).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْأَبْعَدُ فَلْأَبْعَدُ مِنَ الْمَسْجِدِ أَعْظَمُ أَجْرًا (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۲۶۰).

۴. کان أناس منازلهم بعيدة من المسجد فشكوا ذلك إلى النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قال رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَكَائِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ فِي كُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةً (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۷).

۴. خانه‌ای که دور از مسجد است و صدای اذان مسجد به آن نمی‌رسد، شوم و نامبارک است^۱ و برتری خانه نزدیک به مسجد بر خانه دور از مسجد، همانند برتری مجاهد نستوه بر زمین‌گیر و جامانده و وامانده از جهاد است.^۲

۵. ای کاش در تمامی شهرها و روستاهای ما مساجد به اندازه‌ای نزدیک به هم بود که همه مردم از همسایگی مسجد برخوردار بودند!^۳

الف) انتخاب همسایگی مسجد

۱. در خرید و ساخت مسکن و تعیین محل کسب و کار، نخست دسترسی به مسجد را بررسی و سعی کنیم گزینه‌ای را برگزینیم که بتوانیم روزی چند بار به آسانی در مسجد حاضر شویم.

۲. چه نیکو و شایسته است که اگر خانه‌هایمان از مسجد فاصله دارد، با همیاری همسایگان در همان نزدیکی مسجدی هرچند کوچک بنا کنیم؛ تا هم از برکت هم‌جواری با خانه خدا و توفیق خدمت به آن بهره‌مند شویم و هم فرصت حضور پیوسته‌تر و پربارتری در فضای مسجد برایمان

۱. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: وَإِذَا كَانَتِ الدَّارُ بَعِيدَةً عَنِ الْمَسْجِدِ لَا يُسْمَعُ فِيهَا الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ فَهِيَ مَشُومَةٌ وَإِذَا كُنَّ يَغْتَبِرُ هَذَا الْوَصْفُ فَهُنَّ مُبَارَكَاتٌ (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۱، ص ۱۸۸).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَضْلُ الدَّارِ الْقَرِيبَةِ مِنَ الْمَسْجِدِ عَلَى الشَّاسِعَةِ كَفَضْلِ الْغَازِي عَلَى الْقَاعِدِ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۸).

۳. عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ فَقِيلَ وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

فراهم گردد. این کار نه تنها آبادانی محل است، بلکه دل‌ها را نیز به سوی نور مسجد نزدیک‌تر می‌کند و پیوندهای ایمانی را استوارتر می‌سازد.^۱

۳. شاید برخی از دست‌اندرکاران و اهل مسجد، خواسته یا ناخواسته، برای همسایه‌های مسجد مزاحمت‌هایی داشته باشند که بهتر است بدانیم:

○ برکات و زیبایی‌های همسایگی مسجد ارزش آن را دارد که ما همه آن مزاحمت‌ها را تحمل کنیم.^۲

○ اگر اهالی مسجد به احکام و آداب مرتبط با مسجد پایبند باشند، روشن می‌شود که مسجد برای هیچ‌کس رنج و زحمتی ندارد.

۴. هر که غنیمت و گنجی می‌خواهد باید سختی آن را نیز تحمل کند؛ امتیاز همسایه مسجد شدن لاجرم زحمت و مشقت دارد. بی‌جهت نیست که مردم، آسیب دیدن در زیارت را به فال نیک می‌گیرند و علامت قبولی زیارت می‌دانند.

همچنین شایسته است که اهالی و خادمان مسجد نهایت دقت خویش را به کار گیرند تا از هر رفتاری که شاید مایه آزرده‌گی خاطر همسایگان شود، پرهیز کنند. به بیان دیگر، مسجد به‌خودی‌خود منبع آرامش و معنویت است و نباید مایه آشفتگی روحی برای مجاوران آن گردد.

۱. طوایف مدینه کنار خانه‌های خود مساجدی می‌ساختند و پیامبر ﷺ افتتاح می‌فرمود تا از نعمت همسایگی مسجد برخوردار گردند و بدان افتخار می‌کردند.

۲. مگر نه این است که انسان به هنگام چیدن گل، آزار خاره‌ای اطراف آن را به جان می‌خرد.

ب) آداب همسایگی

همان‌گونه که مجاورت و همسایگی با مسجد از ارزش معنوی بالایی برخوردار است، همسایگان مسجد نیز نسبت به حفظ حرمت و رعایت آداب خاص این مکان مقدس، دارای وظایفی هستند. بی‌توجهی به این حقوق متقابل و وظایف همسایگی می‌تواند پیامدهایی در پی داشته باشد.

۱. حرمت مسجد را نگه‌دارند.
۲. در خدمت‌رسانی به مسجد پیش‌قدم باشند.
۳. مهمانان خدا را مهمان خود بدانند.
۴. حضورشان بهتر از دیگران باشد.
۵. ورودی‌های اطراف مسجد را مرتب و تمیز نگه‌دارند.
۶. اهتمام به حضور مرتب در مسجد داشته باشند.^۱
۷. هنگام اذان از کنار مسجد نزدیک محل زندگی و کار عبور نکنند و به مساجد دیگر نروند.^۲

۸. همسایگان مسجد در مناطق مسکونی و اداری و ...، خود را همسایه خدا بدانند و از کنار مسجد بودن لذت برده و شاکر خدا باشند و بهتر از دیگران قدر مسجد را بدانند.

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِيُصَلَّ أَحَدُكُمْ فِي مَسْجِدِهِ وَ لَا يَتَّبِعِ الْمَسَاجِدَ (سليمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۸۳).

فصل پنجم

فیض حضور در مسجد

قال الصادق عليه السلام: «مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُؤَارِهِ»

هر کس با وضو و طهارت به مساجد وارد شود، خداوند او را از گناهانش پاک می‌کند و نامش را در زمره زائران خود به ثبت می‌رساند.^۱

خادم و خدمت به مسجد

در فرهنگ اسلامی، خدمت به مسجد وظیفه‌ای همگانی و مردمی است که اختصاص به جنس، سن یا طبقه اجتماعی خاصی ندارد؛ بلکه تمامی مؤمنان - زن و مرد، پیر و جوان - در آن مسئولیت مشترک دارند. این اصل برگرفته از روح توحیدی اسلام است که در آن، معیار ارزش و برتری، تقوا و اخلاص است، نه جایگاه اجتماعی یا نسب و نژاد.

بازخوانی شأن و جایگاه خادمان مسجد در تاریخ اسلام نشان می‌دهد که بسیاری از آنان را در کنار مسجدالحرام و حتی در مطاف دفن می‌کردند؛ چنان‌که «حجر اسماعیل» را آرامگاه شماری از پیامبران، خادمان بیت‌الله و نسل ابراهیم عليه السلام دانسته‌اند.

۱. شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۵۹

بر این اساس، شایسته است هر فرد، به صورت مستقیم یا از طریق خانواده و یا با گماردن نایب و اجیر، سهمی در خدمت رسانی به مسجد داشته باشد. چنین مشارکتی، افزون بر تقویت حس مسئولیت پذیری اجتماعی، از شکل گیری امتیازات طبقاتی یا انحصار خدمت در دست گروه یا خاندان خاص جلوگیری می کند.

مطالعه شواهد تاریخی نشان می دهد که در دوره های مختلف، افرادی کوشیده اند خدمت به مساجد و اماکن مقدس را به عنوان امتیاز خانوادگی یا منصب رسمی برای خود تثبیت کنند؛^۱ چنان که در دوران معاصر نیز عنوان هایی مانند خادم الحرمین یا کلیددار اماکن مقدسه، گاه جنبه تشریفاتی و انحصاری یافته است. با این حال، قرآن کریم با چنین نگرش های طبقاتی و مالکانه مخالفت می ورزد^۲ و تصریح می کند که مسجد، خانه خدا و ملک طلق اوست: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛^۳

این آیه نشان می دهد که مساجد، از آن خداوند است و هیچ کس حق ندارد خود را مالک یا صاحب اختیار آن بداند. خدمت به مسجد، نه امتیازی موروثی، بلکه وظیفه ای ایمانی و افتخاری الهی است که بر عهده تمام اهل ایمان نهاده شده است.

۱. «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ...» (توبه: ۱۹).

۲. با تعبیر مختلف مثل «سَوَاءُ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ» (حج: ۲۵) یا «وُضِعَ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۹۶) یا «فِيَامَا لِلنَّاسِ» (مائده: ۹۷) یا «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶).

۳. جن: ۱۸.

بنابراین شایسته نیست خدمت به مسجد عملی کم‌ارزش یا کم‌اهمیت تلقی شود؛ بلکه بایسته است شأن و شرافت این خدمت و فرصت الهی آن مورد توجه همگان قرار گیرد تا مؤمنان با دستان خود در آبادانی و خدمت‌رسانی به مسجد سهیم باشند.

خادم نه به‌عنوان اجیری مأمور، بلکه به‌منزله نایب و وکیل همه مردم است و احترام او امری لازم و رعایت شأن او ضرورتی انکارناپذیر است؛ چراکه در حقیقت، بهره‌مندی از فضیلت و پاداش خدمت به مسجد، پیش از هر کس، نصیب خادم می‌گردد.^۱

بی‌جهت نیست که خدمت به مسجد موضوعیت دارد نه طریقت، یعنی جاروکشی، غبارروبی و عطرافشانی دارای اجر و پاداش الهی است، اگرچه مسجد، تمیز و معطر باشد.

علاوه بر آنچه بیان شد در معارف دینی خدمت به اهل مسجد، خدمت به مسجد است؛ بنابراین آوردن مردم به مسجد، پذیرایی و احترام به مهمانان خانه خدا، نگهبانی از وسایل نمازگزاران، کفشداری، مؤذن بودن و امثال آن خدمت به مسجد است. به همین خاطر مساجد و معابد، منصب‌هایی مثل فراش، سراج، مؤذن، نگهبان، کفشدار، کلیددار، ساقی و شب‌خواب داشته‌اند.

۱. هرچند در آیات قرآن کریم، نذر خدمت در بیت المقدس از سوی مادر حضرت مریم علیها السلام انجام شده است، اما تعبیرها و اوصاف الهی در ادامه آیات، مستقیماً به شخص حضرت مریم علیها السلام نسبت داده شده است. خداوند با واژه‌هایی چون «طَهَّرَکَ» [تو را پاک گردانید] و «اصْطَفَاکَ» [تو را برگزید] مقام معنوی و شایستگی ویژه خود مریم علیها السلام را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۱. هر کاری که مسجد را آباد و بهره‌وری مسجد را آسان کند، خدمت به مسجد محسوب می‌شود.
۲. خدمت به مسجد، بهترین خدمت به خلق و خالق و بهترین مخلوقات است.
۳. خدمت به مسجد، بهترین عبادت است.
۴. مسجد آبروی اهل مسجد است و خدمت به مسجد، آبرو دادن به اهل مسجد و جامعه است.
۵. هر کاری در مسجد، خیرالعمل است و خدمت به مسجد، خدمت به همه خوبی‌هاست.
۶. حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از قبولی در امتحانات سخت، مفتخر به خدمت مسجد، شد.^۱
۷. خدمت به مسجد، علامت محبت خداست.^۲
۸. خدمت به مسجد، خدمت به بهترین انسان‌ها برای بهترین کار (عبادت) است.^۳
۹. توجه و خدمت به مسجد، علامت حکومت صالحان و بی‌رغبتی به مسجد، نشانه عدم شایستگی حاکمان است.

۱. «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» (بقره: ۱۲۴)؛ «وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ فِيمَ مَسْجِدٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳).

۳. بهترین عبادت، خدمت به خلق در راستای عبادت حق است.

۱۰. بهترین کار در مسجد، غبارروبی و عطرافشانی است.

۱۱. خدمت به مسجد، وظیفه عموم است نه گروهی خاص.^۱

انواع خدمت

چنان که گفته شد ارزشمندترین خدمت، خدمت به مسجد و زوار آن است. بنابر این چه نیکوست که انسان به قصد خدمت به مسجد، در این مکان حاضر شود نه خدمت گرفتن از مسجد، و خدمت را بالاترین افتخار بداند.

۱. ساخت و تجهیز مسجد.^۲

۲. خدمت به زائران مسجد.

۳. جارو کشی و نظافت؛ چنانکه بهشت و حوریان، مشتاق جارو کش و نظافت کنندگان مساجد هستند.^۳

۴. نورافشانی مسجد.

۱. تطهیر مسجد واجب فوری است و این تکلیف بر عهده همه حاضران و کسانی است که از نجاست آن آگاه می شوند و تا زمانی که مسجد تطهیر نشده، نماز خواندن در آن محل اشکال دارد؛ مگر آنکه تطهیر به وسیله یک یا چند نفر انجام شود و دیگران از انجام آن اطمینان داشته باشند.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةٍ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَياقُوتٍ وَزُمُرَدٍ وَزَبَرْجَدٍ وَلَوْلُو الْحَدِيثِ وَفِيهِ ثَوَابٌ جَزِيلٌ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۰۴).

۳. قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) قَالَ: يُحَدَّثُ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتَاتِي إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۴-۳۸۵).

۵. فرش کردن.^۱
 ۶. فراهم نمودن امکانات پذیرایی (نوشیدنی و غیره).
 ۷. فراهم کردن امکانات رفاهی (آب و آب‌نما، سبزه و درخت، پارکینگ، حمام و سرویس بهداشتی).
 ۸. تجهیزات سرمایشی و گرمایشی.
- نکته بایسته آنکه خدمت به مسجد اسراف نیست. هر چه خدمت بیشتر و بهتر باشد، فیض آن بیشتر است. پس سعی کنیم خدماتی را برای مسجد ایجاد کنیم تا مسجد با رونق‌تر شود.

تعظیم و بزرگداشت مسجد

الف) اهمیت تعظیم

همواره در قرآن کریم از مسجد با عظمت یاد شده است،^۲ به گونه‌ای که ائمه طاهرين عليه‌السلام مأمور به تعظیم مسجد بوده‌اند^۳ و افتخار آنان خدمت به مسجد و اهل آن بوده است. در روایات نیز بی‌احترامی به مسجد به شدت نکوهش شده و کسانی که حرمت آن را پاس نمی‌دارند، مورد لعن و

۱. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ بَنَى لِلَّهِ مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ ... مَنْ بَسَطَ فِيهِ حَصِيرًا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يَنْقُطَعَ ذَلِكَ الْحَصِيرُ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۶).

۲. مسجد در قرآن یا با کلمه «عند» آمده و یا اضافه به «الله» شده است که دارای تعظیم است.

۳. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام عَنِ الْعِلَّةِ فِي تَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ فَقَالَ إِنَّمَا أُمِرَ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۸).

سرزنش در دنیا و آخرت قرار گرفته‌اند.^۱ بنابراین عموم مردم موظف‌اند احترام مسجد را پاس داشته و حق آن را به شایستگی ادا کنند و بدانند که مسجد خانه خدا روی زمین و احترام آن نشانه تعظیم خداوند بزرگ بوده و دارای شعور و احساس است. پس بایسته است چنین مکانی را از هرگونه آلودگی پاک کنیم و از اشعار و ضرب‌المثل‌هایی که قداست مسجد را مخدوش می‌کند، استفاده نکنیم و مراقب باشیم تا کم‌ترین بی‌احترامی و توهین به آن صورت نگیرد و اگر ناخواسته چنین شد فوراً درصدد جبران آن برآییم.

(ب) نحوه تعظیم

تعظیم مسجد ادای احترام به تجلی‌گاه قدس الهی و مکانی است که مشتاق حضور اهل ایمان است. هنگامی که به ندای مسجد پاسخ می‌دهی و در آن قدم می‌گذاری، این حضور به شادمانی و خوشحالی مسجد و دیدار دوسویه میان انسان و خانه خدا می‌انجامد.

۱. اهمیت و جایگاه مسجد را آن‌گونه که هست، بشناسیم.^۲

۲. از هرگونه عمل یا گفته‌ای که نوعی بی‌احترامی به مسجد به شمار می‌آید، بپرهیزیم تا مورد لعن الهی قرار نگیریم.^۳

۱. عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ فِي حَدِيثٍ: ... يَا يُونُسَ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۰-۲۸۱).

۲. عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: مَنْ وَقَّرَ مَسْجِدًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا وَ أُعْطِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۵۴).

۳. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۱).

۳. نام مسجد را با بی‌توجهی یا بی‌احترامی به زبان نیاوریم.^۱
۴. تطهیر مسجد از نجاست و آلودگی را در اولویت قرار دهیم، چراکه واجب عینی و فوری است.
۵. بکوشیم به مسجد رونق داده و آن را از غربت درآوریم و بدانیم که بی‌توجهی یا روی‌گردانی از آن مصداق تخریب مسجد و باعث تزلزل و تفرقه و پراکندگی جامعه است.
۶. اگر با کمبود یا کاستی‌ای روبرو شدیم، بی‌آنکه آن را بازگو کنیم، خود در حد توان برای رفع آن اقدام نماییم و در این زمینه خادم و مسئولان را موظف و مکلف ندانیم.
۷. از هرگونه گفتار و حرکاتی که از احترام مسجد و اهل آن می‌کاهد، جلوگیری نموده و آن را تخریب مسجد بدانیم.
۸. به نظافت، پاکیزگی و غبارروبی مسجد توجه ویژه داشته باشیم و به آن اهمیت دهیم.
۹. از پیدایش و رشد بدعت‌ها و خرافات در ساخت و تجهیز مسجد و نیز از رخنه و نفوذ بدعت‌ها، منکرات و خرافات در فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد جلوگیری کنیم.
۱۰. فضای مسجد را آرام نگه داشته و از ایجاد آلودگی‌های صوتی بپرهیزیم.

۱. عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام): وَ لَا يُسَمَّى الْمَسْجِدُ مُسْجِدًا (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۶).

۱۱. از ایجاد هرگونه مزاحمت بپرهیزیم و توجه داشته باشیم که محیط قدسی مسجد برای سکوت، فکر، نماز، ذکر و عبادت است.^۱
۱۲. با گفتار و کردار، مردم را از حضور در مسجد دلسرد و دلزده نکنیم که بدترین ظلم و در حقیقت تخریب مسجد است.^۲
۱۳. مکانی را مقدس تر و بالاتر از مسجد و حتی هم ردیف آن ندانیم؛ هرچند نزد برخی مقدس باشد.
۱۴. مکانی را بهتر و بلندتر از مسجد نسازیم؛ هرچند به نام ائمه معصوم علیهم السلام یا انبیا و اولیا باشد.^۳
۱۵. هر کس اهل مسجد است و به مسجد رفت و آمد می کند، به نیکی او گواهی دهیم.^۴
۱۶. از مسجد و مسجدی ها دفاع کنیم و نگذاریم کسی یا کسانی آن ها را توهین یا تحقیر و سرزنش کنند.
۱۷. از تكدی گری و دوره گردی پرهیز شود، چراکه اولاً این رفتار با شأن و حرمت مسجد ناسازگار است و می تواند نوعی بی احترامی و توهین تلقی شود؛ ثانیاً کسانی که پول ندارند خجالت زده و در تنگنا قرار

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبِّهِ فَلَا يُؤْذِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۹۹).

۲. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۴).

۳. «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ» (نور: ۳۶).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَطَنُوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسانى، عوالي اللئالى العزیزية في الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱).

می‌گیرند؛ ثالثاً گزارشات حاکی است که مساجدی که دوره گردی نمی‌کنند کمتر مشکل اقتصادی دارند تا مساجدی که تکدی‌گری می‌کنند، چرا که مردم خود را مسئول و عاشق مسجد می‌دانند. فقط کافی است فضائل خدمت به مسجد تبیین شود، در این صورت نه نیاز به صندوق کمک است و نه دوره گردی و نه هتک حرمت مسجد.

آیا واقعاً کسی که برای مسجد گدایی می‌کند یا خود را خدمتگزار مسجد معرفی می‌کند، حاضر است در میان صفوف نمازگزاران برای او پول جمع‌آوری کنند؟

شاید یکی از حکمت‌های تأکید بر سادگی و پرهیز از تجمل در مسجد آن باشد که این مکان مقدس نباید وابسته به تجهیزات پرهزینه و ساخت‌وسازهای غیرضروری گردد؛ امری که در نهایت به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌انجامد. با این حال، گاه مشاهده می‌شود افرادی به نام مسجد به جمع‌آوری وجوه می‌پردازند و سپس با آن، در جوار مسجد مراکزی همچون درمانگاه، کانون، کتابخانه و مانند آن احداث می‌کنند که قطعاً جایز نیست.

اهمیت حضور در مسجد

حضور در مسجد از ارزش‌هایی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام آن را ملاک همه خوبی‌ها دانسته‌اند.

فضایل حضور در مسجد چنان گسترده و ارزشمند است و عدم حضور دارای پیامدها و عواقب آشکار است که هیچ عذری نمی‌تواند مانع حضور شود.^۱ به همین خاطر وقتی نابینایی به دلیل دوری مسجد و صعب‌العبور بودن و ناهمواری مسیر، وجود حیوانات وحشی و نبود همراه و کمک‌کننده برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عذر آورد که به مسجد نیاید، آن حضرت این عذر‌ها را نپذیرفت و به او فرمود: از خانه تا مسجد طناب بکش و به کمک آن خود را به مسجد برسان.^۲ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه در سرمای شدید و نه در گرمای شدید به مسلمانان اجازه عدم حضور نمی‌داد؛ و این در حالی بوده است که ائمه اطهار علیهم‌السلام در مساجد امام جماعت نبوده‌اند و امامت مسجد با

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: مَنْ كَانَ جَارَ بَيْتِ اللَّهِ وَلَمْ يَحْضُرِ الْجَمَاعَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَاتٍ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ فَإِنْ تَزَوَّجَ فَلَا تَزَوَّجْهُ وَإِنْ مَرَضَ فَلَا تَعُدُّوهُ وَإِنْ وَقَعَ فَلَا تَعُدُّوهُ إِلَّا لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا فَلَا صَوْمَ لَهُ إِلَّا فَلَا زَكَاةَ لَهُ إِلَّا فَلَا حَجَّ لَهُ إِلَّا فَلَا جِهَادَ لَهُ وَإِنْ مَاتَ [مَاتَ] مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۹).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: هَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بِإِحْرَاقِ قَوْمٍ فِي مَنَازِلِهِمْ كَانُوا يُصَلُّونَ فِي مَنَازِلِهِمْ وَلَا يُصَلُّونَ الْجَمَاعَةَ فَأَتَاهُ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي ضَرِيرُ الْبَصَرِ وَرُبَّمَا أَسْمَعُ النَّدَاءَ وَلَا أَجِدُ مَنْ يُقَوِّدُنِي إِلَى الْجَمَاعَةِ وَالصَّلَاةِ مَعَكَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شَدَّ مِنْ مَنْرِكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبْلًا وَاحْضِرِ الْجَمَاعَةَ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۶)؛ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَتَى ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مَنْرِلِي شَاسِعٌ، وَأَنَا مَكْفُوفُ الْبَصَرِ، وَأَنَا أَسْمَعُ الْأَذَانَ، قَالَ: فَإِنْ سَمِعْتَ الْأَذَانَ فَاجِبْ، وَلَوْ حَبْوًا أَوْ رَحْفًا (احمد ابن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۶۷)؛ عَنْ ابْنِ أُمِّ مَكْتُومٍ: أَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلَهُ] وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي رَجُلٌ ضَرِيرُ الْبَصَرِ شَاسِعُ الدَّارِ وَلِي قَائِدٌ لَا يَلَائِمُنِي، فَهَلْ لِي رُخْصَةٌ أَنْ أَصْلِيَ فِي بَيْتِي؟ قَالَ: «هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ؟» قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: «لَا أَجِدُ لَكَ رُخْصَةً» (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۶۸).

دیگران بوده است؛ اما امروزه که نظام اسلامی و تشیع با رفتن به مسجد ظهور و بروز دارد، رفتن به مسجد اولویت بیش‌تری دارد؛ حتی در مسافرت که بعضی از نمازها نصف می‌شود، از ارزش حضور در مسجد کاسته نمی‌شود.^۱

اهتمام به رفتن به مسجد

یکی از اصحاب پیامبر ﷺ روزی به تکبیره الاحرام امام مسجد نرسید. به پیامبر ﷺ گفت: اگر درهمی در راه خدا بدهم جبران می‌شود؟ حضرت ﷺ فرمود: خیر. گفت: اگر بنده‌ای در راه خدا آزاد کنم جبران می‌شود؟ فرمود: خیر. سپس پیامبر ﷺ فرمود: اگر به اندازه آنچه روی زمین است درهم بدهی، جبران نمی‌شود.^۲

در زمینه اهتمام به حضور در مسجد، تعبیر و رفتارهایی نقل شده است که حقیقتاً شگفت‌انگیز و آموزنده‌اند:

۱. سعید بن مسیب^۳ نقل می‌کند که سی سال اذان را در غیر مسجد

۱. از جمله مواردی که نمی‌توان آن‌ها را عذر موجهی برای عدم حضور در مسجد به شمار آورد، عبارت‌اند از: ۱. نبود همراه ۲. پیری ۳. نقص عضو ۴. عدم برگزاری نماز جماعت ۵. عادل نبود امام جماعت ۶. عدم رضایت از کارگزاران مسجد ۷. خسوف و کسوف و حوادث غیر مترقبه.
 ۲. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنَّهُ فَاتَتْهُ تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِاحِ يَوْمًا فَأَعْتَقَ رَقَبَةً وَ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَاتَنِي تَكْبِيرَةُ الْإِفْتِاحِ يَوْمًا فَأَعْتَقْتُ رَقَبَةً هَلْ كُنْتُ مُدْرِكًا فَضْلَهَا فَقَالَ ﷺ لَا، فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ ثُمَّ أَعْتَقْتُ أُخْرَى هَلْ كُنْتُ مُدْرِكًا فَضْلَهَا فَقَالَ ﷺ لَا يَا ابْنَ مَسْعُودٍ وَلَوْ أَنْفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا لَمْ تَكُنْ مُدْرِكًا فَضْلَهَا (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۵).

۳. از فقهای هفت‌گانه مدینه در زمان امام سجاده علی (ع).

نشیده‌ام؛ یعنی هر وقت اذان گفته می‌شده قبل از آن در مسجد حضور داشته است.^۱

۲. کسانی بوده‌اند که ۷۰ سال تکبیره‌الاحرام امام مسجد را درک کرده‌اند.^۲

۳. آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی رحمته‌الله سال‌ها امامت مسجدی را داشته‌اند که احياناً یک نفر مأوم داشته است.^۳

۴. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در اوایل امامت مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها‌السلام، پنج سال به تنهایی نماز صبح را اقامه می‌کرد.

۵. کسی که تولیت اذان مسجدی را به عهده بگیرد به ثواب پیامبران و شهدا می‌رسد و همچنین به مقام شفاعت نیز نائل می‌گردد.^۴

بی‌تردید اگر الگوهای تاریخی ما این‌گونه افراد باشند، تربیت دینی ما عمیق‌تر و دقیق‌تر خواهد بود و حضور منسجم‌تری در مساجد خواهیم داشت؛ بنابراین با توجه به اهمیت حضور در مسجد که از برترین فضیلت‌ها به شمار می‌آید، شایسته است انسان برای تداوم این حضور، نذر کند که هر روز در مسجد شرکت نماید؛ و اگر به دلیلی توفیق حضور

۱. سعید بن المسیب قال ما أذن المؤذن منذ ثلاثين سنة إلا وأنا في المسجد (ابی شبیه، مصنف فی الاحادیث و الآثار، ج ۱، ص ۳۰۸).

۲. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۹۶.

۳. به نقل از فرزند ایشان.

۴. حَظَبْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَبْلَ وَفَاتِهِ... وَمَنْ تَوَلَّى أَذَانَ مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَادَّنَ فِيهِ وَهُوَ يُرِيدُ وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ أَرْبَعِينَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَأَرْبَعِينَ أَلْفِ صَدِّيقٍ وَأَرْبَعِينَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَأَدْخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ الْجَنَّةَ أَرْبَعِينَ أَلْفِ أُمَّةٍ... (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۰).

نیافت، هدیه‌ای به مسجد تقدیم کند یا نایب و اجیر برای حضور بفرستد. در قرآن کریم، نذر خدمت به مسجد را،^۱ از برترین نذرهای معرفی شده است. چنین نذری، افزون بر تقویت پیوند انسان با مسجد، زمینه استمرار ارتباط معنوی با خانه خدا را فراهم می‌کند.

وجوب حضور در مسجد

بیشتر احکام مربوط به ساخت و حضور در مسجد را نمی‌توان در شمار مستحبات به حساب آورد؛ زیرا این احکام عمدتاً در دو حوزه واجب و حرام جای دارند: از یک سو واجباتی چون تعظیم، تعمیر و تطهیر مسجد و از سوی دیگر محرماتی مانند توهین، تخریب و حتی غفلت و کوتاهی در رعایت شأن و تکریم آن.

افزون بر این، شرایط معمول تکلیف، همچون بلوغ، عقل، علم و قدرت، در این باب ملاک نیست. فقیهان بزرگی همچون مرحوم مجلسی و صاحب جواهر، وجود و شأن مسجد را در زمره ضروریات دانسته‌اند؛^۲ و در آموزه‌های دینی برای منکر ضروری دین احکام خاصی بیان شده است.

۱. «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي» (آل عمران: ۳۵).

۲. فلا ريب في أنه يستحب اتخاذ المساجد إذ هو مجمع عليه بين المسلمين، بل ضروري من ضروريات الدين (محمد حسن نجفی، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۱۴، ص ۷۳)؛ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبْلَتْ لَهُمْ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالَةً وَلَا نَالَتْهُمْ رَحْمَتِي وَلَا جَاوَزُونِي فِي جَنَّتِي بَيَان: يدل على فضل عظيم لإتيان المساجد بل على وجوبه لكن لم نر قائلًا به و أما أصل الرجحان و الفضل في الجملة فهو إجماعي بل يمكن أن يعد من ضروريات الدين (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۴۸-۳۴۹).

نکته قابل توجه آنکه مسجد علاوه بر ضرورت، جزء شعائر است که تعظیم آن واجب و قابل اغماض نیست.^۱ تکلیف نسبت به مسجد (ساخت، حضور و...) نه از کسی ساقط می‌گردد و نه قید و شرط برای معافیت یا مرخصی می‌پذیرد و قابل قضا و جبران نیست.

بنابراین مسجد نه مستحب است نه واجب، چون ضرورت است؛ ولی در شرایطی حضور در مسجد برای برخی افراد واجب است. موارد ضرورت مربوط به کسی است که:

۱. رفتنش سبب غریب ماندن مسجد و حضورش سبب آبادی آن است.
۲. رفتنش به گونه‌ای امر به معروف یا نهی از منکر شمرده می‌شود.
۳. در غیر مسجد جایی برای خواندن نماز به جز مکان غصبی ندارد.
۴. رفتنش موجب مفسده‌ای است (مثلاً مورد اتهام قرار می‌گیرد).
۵. نذر کرده در مسجد نماز خوانده یا حضور پیدا کند.
۶. پدر یا مادرش به او دستور داده‌اند نمازش را در مسجد بخواند.
۷. برای رفتن به مسجد اجرت گرفته است.
۸. خادم یا امامی که متعهد شده به مسجد برود و یا عادتاً مردم از او انتظار دارند.
۹. رفتنش به مسجد، مانع رفتن دیگری به مسجد می‌شود (مانند مهمان و میزبانی که اگر یکی به مسجد نرود، دیگری نمی‌تواند برود).

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَلَّةِ فِي تَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ فَقَالَ إِنَّمَا أَمْرٌ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا يُبَوِّتُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۸).

معاف شوندگان از حضور در مسجد

۱. کسی که بیماری و اگیردار دارد و احتمال می‌رود دیگران نیز به آن مبتلا شوند.
۲. کسی که بیماری مُشمئز کننده دارد.
۳. کسی که بوی بد دهان^۱ و بدنش اهل مسجد را می‌آزارد و مسجد را بدبو می‌کند.
۴. کسی که حضورش در مسجد مفسده آور است.
۵. کسی که عذری همچون جنابت یا حیض دارد.^۲
۶. کسی که لباسش نجس است و نجاستش به مسجد سرایت می‌کند و یا آلودگی‌اش به نجاست به گونه‌ای است که موجب توهین به آن می‌شود.

عذرهای نا موجه

موارد زیر عذر موجه و پسندیده‌ای برای عدم حضور در مسجد نیست:

۱. نبود همراه.
۲. پیری.

۱. خوردن سیر و غذاهای بدبو برای معاف شدن از حضور در مسجد از نظر فقهای شیعه، مکروه و از نظر فقهای اهل سنت، حرام است.

۲. البته این دو گروه می‌توانند در حال عبور مسجد را زیارت کنند، غیر از مساجد خاص.

۳. نقص عضو.

۴. عدم برگزاری نماز جماعت.

۵. عادل نبودن امام جماعت.

۶. عدم رضایت از کارگزاران مسجد.

۷. خسوف و کسوف و حوادث غیر مترقبه.

نیت الهی برای رفتن به مسجد

هدف اصلی از حضور در مسجد شکر گزاری و عمل به عهد و «قربت الهی» است و لازم است همواره با وسوسه‌های شیطانی و دخالت‌های نفسانی در نیت مبارزه کنیم. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که فرآیند پالایش و پاک‌سازی نیت، موجب وقفه یا بهانه‌ای در عمل ما نشود؛ چراکه ایجاد تأخیر و تعویق برای حضور در مسجد، خود یکی از حيله‌های اصلی شیطان برای بازداشتن مؤمن از انجام فرایض است. لذا، بایسته است که اولاً مبارزه برای اخلاص همزمان با استمرار در عمل انجام پذیرد و ثانیاً جهت‌گیری نیت‌ها را چنان ترسیم کنیم که مقصد همه کارها مسجد باشد؛ نیتی روشن، استوار و بی‌پیرایه که عمل را از پراکندگی می‌رهاند:

بنابر این شایسته است هنگام حضور در مسجد امور زیر را در نظر داشته باشیم:

۱. زیارت خدا و کسب رضایت و خشنودی او.^۱
۲. اجابت دعوت خدا که با اذان به همگان ابلاغ می‌شود.^۲
۳. اطاعت از پیامبر ﷺ و پیروی از رهنمودهای ائمه علیهم‌السلام.
۴. عمران مسجد.
۵. اقامه نماز و تلاوت قرآن.
۶. خدمت به مسجد.
۷. تعهد و التزام به اسلام و ولایت.
۸. حضور در پادگان امام زمان ﷺ و تجدید عهد و بیعت با آن حضرت.
۹. زیارت علما و برادران دینی.
۱۰. نجات از سردرگمی.
۱۱. مشاوره و تصمیم‌سازی.
۱۲. فراگیری قرآن، نماز و علوم دینی.^۳
۱۳. عملی کردن فرامین قرآن و به روز کردن علوم دینی.

۱. قَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورُوا اللَّهَ وَ حَقُّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحَفُّ لِزَائِرِهِ (حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۷).

۲. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحَسَّنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ (فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۶، ص ۱۹۵).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوٌ إِلَّا ثَلَاثَ [ثَلَاثَةٌ] قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذَكَرَ اللَّهَ أَوْ سَأَلَ عَنْ عِلْمٍ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۱۴. رسیدن به بهشت و فرار از جهنم.^۱
۱۵. تحصیل خلوص و دوری از نفاق و دورویی.^۲
۱۶. جهاد فرهنگی در راه خدا.^۳
۱۷. آمادگی برای اطاعت از خدا.^۴
۱۸. دفع غم و اندوه و بهره‌مندی از نشاط و شادابی.
۱۹. فرار از شک و تردید و سهو و فراموشی و غفلت و بی‌خبری.^۵
۲۰. جلوگیری از افراط و تفریط و متعادل شدن فکر و عمل.
۲۱. شناخت عمیق و دقیق و انتخاب بهترین‌ها.
۲۲. نظم و انضباط در خواب و خوراک و کار.
۲۳. پیدا کردن دوستان خدایی^۶ و دوری از دوستان غیر خدایی.

-
۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُؤْمَرُ بِرَجَالٍ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَالِكٍ: قُلْ لِلنَّارِ: لَا تُحْرِقْ لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ (شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۶).
 ۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَ الْإِجْتِنَابُ عَنْهَا (عَنِ الْمَسْجِدِ) نِفَاقٌ (حسام الدين متقى هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۰).
 ۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَمْ يَرِ غُدُوَّةً وَ رَوَاحُهُ إِلَى الْمَسَاجِدِ مِنَ الْجِهَادِ، فَقَدْ قَصُرَ عَمَلُهُ (حسام الدين متقى هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۵۶۹).
 ۴. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ كَقَارَةِ الذُّنُوبِ وَ الْمَشْيِ إِلَى الْمَسْجِدِ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ ... (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۷).
 ۵. قَالَ مَوْلَانَا الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵).
 ۶. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى التَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... (شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۷).

۲۴. ترساندن دشمنان اسلام.^۱
۲۵. بهره‌مندی از غفران و بخشش الهی.
۲۶. دوری از جهنم.^۲
۲۷. جلب رزق و روزی.^۳
۲۸. کسب ثواب و دریافت فضایل.
۲۹. احیای خود و جامعه.
۳۰. نیابت از دیگران.
۳۱. اطاعت و عبادت.
۳۲. آسایش و آرامش و استراحت روح و روان.
۳۳. برخورداری از دعای مستجاب.^۴
۳۴. جذب رحمت الهی.^۱

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي الْمَكَارِهِ مِنَ الْكَفَّارَاتِ وَ كَثْرَةُ الْإِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكُمْ الرِّبَاطُ... (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷)؛ [الرِّبَاطُ فِي الْأَصْلِ: الْإِقَامَةُ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ بِالْحَرْبِ، وَ ارْتِبَاطُ الْخَيْلِ وَ إِغْدَاؤُهَا (ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۰۲).]

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يُؤْمَرُ بِرَجَالٍ إِلَى التَّارِ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَالِكٍ: قُلْ لِلتَّارِ لَا تُحْرِقْ لَهُمْ أَقْدَامًا فَقَدْ كَانُوا يَمْشُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۶).

۳. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ... وَ أَقْوَى الْأَسْبَابِ الْجَالِيَةِ لِلرِّزْقِ... وَ حُضُورُ الْمَسْجِدِ قَبْلَ الْأَذَانِ... (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۸-۳۱۹).

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَّةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ - فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ وَ شَمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷-۴۷۸).

۳۵. کسب توفیق در همه زمینه‌های خداپسند.^۲

۳۶. تطهیر نفس، پاک شدن و خدا گونه شدن.^۳

۳۷. رسیدن به صف اول نماز.^۴

۳۸. عمل به تکلیف.

گفتنی است با توجه به اینکه حضور در مسجد تقرب به خداست، مراقب باشیم انگیزه‌های نادرست همانند فخرفروشی^۵ و القاء شایعه، مسیرمان را عوض نکند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِخْتِلَافُ إِلَى الْمَسَاجِدِ رَحْمَةٌ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۰).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَى الْمَسْجِدَ لِشَيْءٍ فَهُوَ حَطُّهُ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۴۷۲).

۳. «... فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (توبه: ۱۰۸).

۴. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْأَذَانِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَفَعَلُوا (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۰).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَبَاهَى النَّاسُ فِي الْمَسَاجِدِ (محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۲، ص ۲۶۶).

نیابت حضور در مسجد

از فضایی که مورد غفلت واقع شده است، «نیابت و اجرت» در زیارت مسجد است. به بیان دیگر همان‌گونه که در عبادت و زیارات ائمه معصومین علیهم‌السلام نیابت مطرح شده است و گرفتن یا دادن اجرت برای این عمل فضائل و برکات زیادی دارد، نیابت و اجیر گرفتن برای حضور و زیارت مسجد نیز فضیلتی است که آثار و برکات فراوانی دارد.

تداوم ارتباط با مسجد

از آداب و فضایل مهم مسجد، ارتباط پیوسته و با معرفت و مداوم است. گرچه حضور کوتاه‌مدت در مسجد، برتر از اقامت طولانی همراه با کسالت است. از این‌رو، رفتن به مسجد و برگشت از آن، جزء زیارت مسجد شمرده شده است^۱ و این در حالی است که معمولاً اهمیت و پاداش رفتن به سوی مسجد مورد توجه زائران قرار می‌گیرد ولی فضیلت بازگشت از مسجد - که کمتر از رفت نیست - که مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَشِيكَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ انْصِرَافُكَ إِلَى أَهْلِكَ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۰).

۱. حضور هدفمند روزانه در مسجد، نماد همه خوبی‌هاست^۱ و همچون نخ تسبیح، فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی انسان را به هم پیوند راهبردی می‌دهد. این استمرار، موجب ثبات اندیشه، سلامت فکری و آرامش روحی و جسمی می‌شود و زمینه رشد معنوی و اجتماعی و سیاسی را در زندگی مؤمنانه فراهم می‌سازد.

۲. با حضور مستمر و نظام‌مند در مسجد، شیطان و دشمنان را زمین‌گیر کنیم.

۳. فرشتگان، خدا و دوستان خدا را پیوسته خوشحال کنیم.

۴. حضور در مسجد در صبحگاه و شامگاه^۲ و در تاریکی شب تأکید بیشتری شده است.^۳

۵. تکرار زیارت دارای فضائل بسیار بوده و مورد سفارش قرار گرفته است. بعضی قائل‌اند تکرار زیارت به معنی تجدید بیعت است به خلاف تکرار عبادت (امثال بعد الامثال) که برخی آن را جایز ندانسته‌اند.

۶. بهتر است شروع سفر مسافران و نیز استقبال و بدرقه آنان از مسجد باشد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَى شُمُوهَ يُصَلِّيَ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَطُئُوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسانى، عوالي اللئالي العزیزية في الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱)؛ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ الْخَمْسَ جَمَاعَةً فَطُئُوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۶).

۲. «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظُلُمًا لَّهُمْ بِالْغَدُوِّ وَالْآصَالِ» (رعد: ۱۵)؛ «فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا» (مریم ۱۱).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ إِلَى الْمَسْجِدِ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ بُيُورٍ سَاطِعٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۸۲).

۷. در سفرها هنگام رسیدن به مقصد، ابتدا به زیارت مسجد و اهل مسجد و سپس به امور دیگر بپردازیم تا خوبان و بهترین‌های منطقه را بهتر بشناسیم^۱ چنانکه نجیب‌ترین و بهترین هر قوم و شهری در مسجد حاضر می‌شوند.^۲

۸. حضور در مسجد نباید به زمان نماز محدود شود؛ بلکه در هر زمان از شبانه‌روز، به‌ویژه هنگام نشاط و سرور یا افسردگی، اندوه و ناامیدی، رفتن به مسجد توصیه شده است.^۳

۹. مسجد، پناهگاهی برای تعادل روحی است؛ مکانی که در زمان شادمانی، فرصتی برای شکرگزاری از نعمت‌های الهی را فراهم می‌آورد و در روزهای دل‌تنگی و اندوه، پناهگاهی امن برای دفع هم و غم و بازیابی آرامش درونی است؛ بنابراین، حضور در مسجد، چه در اوج سعادت و چه در عمق سختی، راهی برای حفظ اعتدال و سلامت روان به شمار می‌آید.^۴

۱۰. قبل از اذان به سمت مسجد حرکت کنیم؛ چراکه رفتن و رسیدن به مسجد قبل از اینکه فراخوانده شویم بهتر از آن است که ما را با ندای «حیّ علی الصلاه» فراخوانند.^۵

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا (امالی، شیخ طوسی، ص ۴۷).

۲. همان.

۳. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: يَا مَسْمَعُ مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا - أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعَ رَكْعَتَيْنِ - فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (محمد بن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۴۳).

۴. همان.

۵. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: السَّابِقُ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَبْلَ الْأَذَانِ وَالْمُفْتَضِلُّ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْأَذَانِ وَالظَّالِمُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْإِقَامَةِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴).

۱۱. همه مسیرها را به مسجد ختم کنیم و همه امور را مقدمه برای مسجد قرار دهیم نه بالعکس.

۱۲. چون نماز واجب در مسجد و نماز مستحب در مکان‌های دیگر سفارش شده،^۱ سعی کنیم نمازهای واجب را در مسجد بخوانیم.

۱۳. ترک مسجد، هرچند یک دفعه، اگر از روی غفلت یا رویگردانی باشد، نکوهیده است. تداوم این بی‌توجهی تا سه روز پیاپی، علاوه بر بی‌اعتنایی به ساحت قدس الهی، رویگردانی از جماعت مسلمین و عواقب فردی و اجتماعی به دنبال دارد.^۲

۱. فضیلت نماز مستحبی در خانه مثل فضیلت نماز واجب در مسجد است: قال رسول الله ﷺ: وَ فَضْلُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فِي الْبَيْتِ عَلَى فِعْلِهَا فِي الْمَسْجِدِ كَفَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى الْمُنْفَرِدِ (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۱۴). مراجع معظم تقلید نیز بر اولویت آشکار نبودن نمازهای مسجد تأکید نموده‌اند: (۱) حضرت آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی: اگر مرتبه خفاء از دیگران در خانه و مسجد یکسان باشد، بعید نیست مسجد افضل باشد؛ ولی اگر مرتبه خفاء و سری بودن در خانه بیشتر باشد رجحان یکی بر دیگری ثابت نیست (سؤال شماره ۲۶۲۲۴). (۲) حضرت آیت‌الله العظمی سید علی سیستانی: اگر به صورتی به‌جا آورد که آشکار نباشد در مسجد بهتر است (کد استفتاء: ۴۳۸۹۸۳). (۳) حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی: خواندن نوافل و مستحبات در منزل افضل است (سؤال شماره ۲۳۳۰۶).

(۴) حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی: بهتر است نافله‌های یومیّه را در خانه بخوانید.

۲. قَدْ كَانَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَانَ جَارَ بَيْتِ اللَّهِ وَ لَمْ يَحْضُرِ الْجَمَاعَةَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَاتٍ فَعَلَيْهِ «لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ» فَإِنْ تَزَوَّجَ فَلَا تُزَوِّجُوهُ وَ إِنْ مَرَضَ فَلَا تُعَوِّدُوهُ وَ إِنْ وَقَعَ فَلَا تُعَوِّدُوهُ إِلَّا لَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا فَلَا صَوْمَ لَهُ إِلَّا فَلَا زَكَاةَ لَهُ إِلَّا فَلَا حَجَّ لَهُ إِلَّا فَلَا جِهَادَ لَهُ وَ إِنْ مَاتَ [مَاتَ] مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۹): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِمَنْ جَمَاعَةٍ لَمْ يَحْضُرُوا الْمَسْجِدَ مَعَهُ لَتَحْضُرَنَّ الْمَسْجِدَ أَوْ لِأَحْرَقَنَّ عَلَيْكُمْ مَنَازِلَكُمْ (ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۲): مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند و

آمادگی برای رفتن

۱. خواب آلوده، کسل و بی حال نباشیم.
۲. نه گرسنه باشیم و نه زیاد سیر.
۳. غذاهای سبک و خوشبو بخوریم و از مصرف غذاهای سست کننده و بدبو بپرهیزیم.
۴. مکروه است فردی که نیاز به استفاده از سرویس بهداشتی دارد، به مسجد برود یا به نماز بایستد.^۱
۵. مسواک زدن، فضیلت حضور در مسجد و نماز را بالا می برد و ملائکه را خوشحال می کند.^۲ مسواک حافظه را زیاد و دهان را خوشبو می کند و هوشیاری در مسجد و لذت در عبادت را افزایش می دهد.^۳
۶. قبل از رفتن به مسجد وضو بگیریم^۴ تا مسجد دشمن ما نشود^۵ و

همسایه او نشود و از او زن نگردد و به او زن ندهد (سید محمدحسن بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، مسئله ۸۹۷).

۱. قَالَ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا صَلَاةَ لِحَاقِنَ وَلَا لِحَاقِبَ وَلَا لِحَازِقٍ فَالْحَاقِنُ الَّذِي بِهِ الْكِبُولُ وَالْحَاقِبُ الَّذِي بِهِ الْغَائِطُ وَالْحَازِقُ الَّذِي قَدْ صَغَطَهُ الْخُفُّ (شيخ صدوق، الأمالي، ص ۴۱۳).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رُكْعَتَانِ بِسَوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً بِغَيْرِ سَوَاكِ (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۵۶۱).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي السَّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطَهْرَةٌ لِلْقَمِّ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصَرِ ... وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ (احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۵۶۲).

۴. وَ فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ: ... فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ رَأَى فِي بَيْتِي، فَحَقَّ عَلَى الْمُرُورِ أَنْ يُكْرِمَ زَارِعَهُ (ملاحسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۲۷).

۵. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَدْخُلِ الْمَسَاجِدَ إِلَّا بِالطَّهَارَةِ وَ مَنْ دَخَلَ مَسْجِدًا بِغَيْرِ الطَّهَارَةِ فَالْمَسْجِدُ حَصْمُهُ (محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ج ۱، ص ۷۰).

پاداش با وضو بودن در مسیر مسجد را ببریم و هم بی دلیل در مسجد وضو نگیریم.^۱

۷. موها را شانه بزنی^۲ و خود را معطر و آراسته کنی^۳.

۸. لباس ساده و راحت بپوشیم تا در رکوع و سجود در زحمت نباشیم.

۹. لباس نو^۴ و پاکیزه بپوشیم.

۱۰. لباس مخصوص و مقدس (مانند عبا) برای حضور در مسجد داشته باشیم.

۱۱. از پوشیدن لباس های تنگ، کوتاه، زننده و بدن نما و لباس هایی که مارا همانند کفار می کند^۵ و یا نشانه فخر فروشی^۶ و شهرت^۱ است، بپرهیزیم.

۱. عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْوُضُوءِ فِي الْمَسْجِدِ فَكَرِهَهُ مِنَ الْغَائِطِ وَ الْبَوْلِ (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۳، ص ۳۶۹)

۲. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» قَالَ: مِنْ ذَلِكَ التَّمَشُّطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۶، ص ۴۸۹).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَمْسَكَةٌ إِذَا هُوَ تَوَضَّأَ أَخَذَهَا بِيَدِهِ وَ هِيَ رَطْبَةٌ فَكَانَ إِذَا خَرَجَ عَرَفُوا أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِرَاحَتِهِ (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۶، ص ۵۱۵).

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا لَبِسْتُ ثَوْبًا جَدِيدًا أَنْ أَقُولَ: ... اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَةٍ أَسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ، وَ أَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۶، ص ۴۵۸-۴۵۹).

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَ لَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَغْدَائِي وَ لَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَغْدَائِي فَتَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي (شيخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۴۸).

۶. عَنْ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي قَالَ: وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَخْتَالَ الرَّجُلُ فِي مَشْيِهِ وَ قَالَ مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا فَاخْتَالَ فِيهِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ وَ كَانَ قَرِينَ قَارُونَ لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ اخْتَالَ فَخَسَفَ اللَّهُ بِهِ وَ بَدَارِهِ الْأَرْضُ وَ مَنْ اخْتَالَ فَقَدْ تَارَعَ اللَّهُ فِي جَبْرُوتِهِ (شيخ حر عاملی،

۱۲. ترجیحاً لباس سفید یا رنگ روشن بپوشیم.^۲
۱۳. سرمان را بیپوشانیم،^۳ ولی جلو دهانمان را نبندیم.
۱۴. حتی الامکان مهر، سجاده و دستمال شخصی داشته باشیم.^۴
۱۵. شایسته است انسان هنگام رفتن به مسجد، وسیله‌ای برای خدمت به مسجد یا یاری رساندن به نیازمندان مسجد با خود داشته باشد؛
۱۶. در مسیر بازگشت با تهیه لوازم منزل یا هدیه‌ای و گرچه کوچک برای خانواده، خاطره‌ای خوش از رفت‌وآمد مسجد در دل آنان بر جای گذارد.
۱۷. کفش راحت بپوشیم.
۱۸. شایسته است ناب‌ترین لحظات و ارزشمندترین فرصت‌های زندگی را برای حضور در مسجد برگزینیم و حضور مستمر در مسجد را اولویت اول خود بدانیم، نه آنکه در اولویت‌های بعدی یا در تنگناها و فرصت‌های سوخته و هنگام فراغت‌های بی‌ثمر به‌سوی مسجد برویم.

وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۳).

۱. عَنْ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِّنَ النَّارِ (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۶، ص ۴۵۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَحْسَنَ مَا زُرْتُمُ اللَّهَ بِهِ فِي قُبُورِكُمْ وَ مَسَاجِدِكُمُ الْبَيَاضُ (جلال الدين سيوطي، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ج ۳، ص ۷۹).

۳. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: رَكَعَتَانِ مَعَ الْعِمَامَةِ خَيْرٌ مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ بغيرِ عِمَامَةٍ (شيخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۴۶۴).

۴. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّمَنُّدْلِ بَعْدَ الْوُضُوءِ فَقَالَ: كَانَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ خِرْقَةٌ فِي الْمَسْجِدِ لَيْسَ إِلَّا لِلْوُجْهِ يَتَمَنَّدَلُ بِهَا (احمد بن محمد برقي، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۹).

حرکت به سمت مسجد

۱. فعالیت‌های روزانه را از مسجد شروع کنیم، گرچه در مسجد بسته باشد.
۲. بهتر است خروج از خانه یا محل کار با نیت حضور در مسجد باشد، گرچه در میانه راه به جاهای دیگر هم برویم.^۱
۳. حرکت خود به مسجد را به دیگران بفهمانیم و آن را پنهان نکنیم و بدانیم که تظاهر به مسجد رفتن، پسندیده است؛ چون نشان دادن معروف و جزو شعائر دینی است.
۴. به همه دوستان، همکاران، همسایگان، فامیل و اهل خانه را به حضور در مسجد تشویق کنیم و حتی الامکان با هم به مسجد برویم.^۲
۵. به نیابت از دیگران به زیارت مسجد برویم و دیگران را در ثواب زیارت شریک کنیم. نکته قابل توجه این است که نیابت در زیارت، چیزی از نائب کم نمی‌کند، بلکه نسبت به منوب عنه یک خدمت است و باعث بری الذمه شدن است. همچنین، وقتی که توفیق حضور در مسجد را نداریم، دیگران را به نیابت از خود، حتی با اجرت، به مسجد بفرستیم.

۱. یکی از اساتید می‌فرمود: پدرم هر روز صبح وضو می‌گرفت و آماده خروج از منزل می‌شد. وقتی بچه‌ها می‌پرسیدند: کجا می‌روید؟ می‌گفت: به سمت مسجد می‌روم؛ اما در بین راه چند ساعتی هم به مغازه سر می‌زنم.

۲. «اُخَذُوا زِينَتَهُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱)؛ «الْمَالُ وَالْأَنْفُسُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (کهف: ۴۶).

۶. اگر مسجد دور است، سواره برویم تا خسته نشویم و اگر نزدیک است، پیاده برویم تا ثواب بیشتری نصیبمان گردد.^۱
۷. اگر وسیله نقلیه داریم دیگران را هم به مسجد برسانیم (خدمت به زائر).
۸. اگر عزت با سواره بودن است، سواره و اگر پیاده رفتن باعث تواضع است، پیاده برویم.

در مسیر مسجد

۱. بدانیم به بهترین مکان با بهترین انگیزه می‌رویم.
۲. بدانیم زمین و زمان شاهد رفتن ما به مسجد هستند.^۲
۳. توجه داشته باشیم که برای هر قدمی ده ثواب و ده درجه نوشته شده و ده گناه پاک می‌شود.^۳
۴. شاداب و امیدوار قدم برداریم؛ چراکه به خانه دوست کریم و رئوف رهسپاریم.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَطَاَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رُطْبٍ وَ لَا يَأْسِ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةِ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۵۵).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَطَاَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱).

۵. در مسیر مزاحم دیگران نباشیم.^۱

۶. اگر پیش از اذان فرصت کافی داریم، شایسته است با آرامش راهی مسجد شویم؛^۲ اما هنگامی که ندای «حیّ علی الصلاه» طنین انداز می‌شود، با شتابی آمیخته به ادب و حضور قلب حرکت کنیم. این ندا نشان می‌دهد که اذان، فراخوانی مستقیم به مسجد است و تا زمانی معنا دارد که یک‌بار و در مدت معمول ادا شود؛ زیرا در صورت طولانی شدن اذان یا تکرار آن، مفهوم «بشتابید به نماز» تحقق کامل خود را از دست می‌دهد.

۷. اگر فرصت داریم و پیاده در حرکتیم، گام‌ها را کوتاه برداریم؛ چون هر گامی به سمت مسجد، ما را به خیرات نزدیک و از فتنه‌ها دور می‌کند و وحشت و هراس روز قیامت را برمی‌دارد.^۳

۸. هیچ‌کس و هیچ کاری ما را از مسجد منصرف نگرداند.

۹. اگر وقت اذان فرا رسیده، به نزدیک‌ترین مسجد برویم؛ چراکه روی گرداندن و دور شدن از مسجد در این هنگام، نمودی از اعراض از یاد خداست.^۴

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَلَمْ يُوْذِ أَحَدًا وَ لَمْ يَتَّخِطْ رِقَابَ النَّاسِ» (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۷).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِيًا عَلَى السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْخُشُوعِ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۰).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ مَسَىٰ إِلَىٰ مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَىٰ مَنْزِلِهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَّىٰ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَمَا مِنْ مُّؤْمِنٍ مَسَىٰ إِلَى الْجَمَاعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يُجَازِيهِ الْجَنَّةَ (شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۳۵۵).

۴. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴).

۱۰. شایسته است سالخوردگان، نابینایان و هر کس را که در رفتن به مسجد نیازمند یاری است، با احترام کمک کنند؛ چراکه این کار بالاتر از زیارت و خدمت به زائران خانه خداست.

۱۱. اگرچه نماز در مسجد جامع پاداش فراوانی دارد، اما حضور در مسجدی که موجب آبادانی، رونق و تأثیر معنوی یا اجتماعی گردد (همانند مسجد خلوت یا مسجدی که در همسایگی محل کار یا زندگی ما قرار دارد) اولویت دارد.

۱۲. در مسیر رفتن به مسجد، شاکر باشیم و برای کسانی که توفیق حضور ندارند، دعا کنیم.

فصل ششم

عواقب ترک مسجد

یکی از شاخص‌های زندگی، دوری از خشنود کردن دشمن است. امروز دشمن از خلوتی مساجد خرسند است و با نفوذ خودی‌ها تلاش می‌کند، مساجد را کم رونق و مراکز دیگری را پررونق سازد. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرمود:

«اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتومها نداشته باشید. ترس از امریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام. پشت کنید به مساجد».^۱

هم‌اکنون نیز شاهدیم که خیرین را از ساخت مسجد دور می‌کنند و به فعالیت در مراکزی ترغیب می‌نمایند که نه‌تنها به جایگاه مسجد آسیب می‌زند، بلکه مایه خشنودی دشمنان شده و چه‌بسا با ایجاد تلاطم و تشنج در جامعه، مردم را هرچه بیشتر از حضور در مسجد دور می‌سازد.

عواقب اعتقادی

فقدان توفیق حضور در مسجد، فرد را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ چراکه عدم ارتباط با مسجد، بستری مناسب برای افتادن در دام فرقه‌های ضاله و پذیرش مدعیان دروغین فراهم می‌آورد. ریشه و عامل اصلی

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱.

پیدایش تمامی فرقه‌های گمراه‌کننده، دقیقاً در همین جدایی از جایگاه اصلی اجتماع و ایمان، یعنی مسجد، نهفته است. در مقابل، هر کس که به حضور در مسجد «معتاد» (و پیوسته و دائم به آن پایبند) باشد، از لغزشگاه‌های فکری و انحرافی مصون می‌ماند و مسیر ایمانش استوارتر می‌شود.^۱

عواقب اخلاقی

ترک مسجد، تنها فاصله گرفتن از یک فضای عبادی نیست، بلکه گسستی اخلاقی است که انسان و جامعه را در معرض لغزش‌ها و آشفته‌گی‌های رفتاری قرار می‌دهد. دوری از مسجد، زمینه نفاق، انزوای فردی، وارونگی ارزش‌ها و گسترش آسیب‌هایی چون شایعه، هرج و مرج اخلاقی و سوءاستفاده‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. حضور در مسجد، روح مسئولیت‌پذیری، پاکی، همدلی و سلامت اجتماعی را زنده نگه می‌دارد؛ و با ترک آن، این ستون‌های اخلاقی یکی‌یکی فرو می‌ریزد.

۱. کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود به معنای آن است که التزام عملی به اسلام ندارد؛ چراکه حضور در مسجد شاخص‌ترین نمونه التزام عملی به اسلام است.^۲

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَظُنُّوا بِهِ كُلَّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسائی، عوالي اللئالی العزیزية في الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱).
 ۲. همان.

۲. با آنکه غیبت از زنا هم بدتر است،^۱ غیبت تارک مسجد، جایز است^۲ و بالعکس غیبت کردن از کسی که به مسجد رفت و آمد دارد، جایز نیست.^۳

۳. نفاق از عواقب ترک مسجد،^۴ و حضور در مسجد علامت پاکی است.^۵

۴. حضور و نماز در مسجد نقش بازدارنده‌ای در برابر فحشا دارد.^۶ فحشا ماهیتی اجتماعی دارد و آثار آن به جامعه بازمی‌گردد؛ بنابراین، نماز در مسجد، اثر پیشگیرانه و بازدارنده مؤثرتری نسبت به نماز فرادا در مکان خصوصی دارد. نماز فرادا در منزل یا خارج از مسجد ممکن است آثار فردی خود را داشته باشد؛ اما برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی و کاهش شیوع فحشا، اقامه نماز در مسجد ضروری است.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزَّنا (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۶۳).
۲. زُوي عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا غَيْبَةَ لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَرَغِبَ عَنْ جَمَاعَتِنَا (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۴).
۳. عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ... وَ مَنْ لَزِمَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ حُرِّمَتْ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ وَ تَبَتَّ عَدَالَتُهُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۱۷).
۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَمِعَ التَّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ ثَلَاثًا كُتِبَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۳).
۵. (... لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ) (توبه: ۱۰۸).
۶. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَهْطِئُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنكبوت: ۴۵).

۵. کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود منزوی و به خود ظلم کرده است؛ چراکه یکی از مصادیق آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَسَّجِدَ اللَّهِ»^۱ محروم شدن و محروم کردن انسان از مسجد است.

۶. عدم حضور در مسجد می‌تواند عاملی مهم در کاهش تعهدات فردی و اجتماعی باشد، زیرا بسیاری از مفاسد اجتماعی ناشی از افراد متخصص غیر دلسوز است که برای رسیدن به منافع مادی و شخصی، دست به اقدامات ناپسند می‌زنند و می‌توانند فجایعی جبران‌ناپذیر ایجاد کنند. حضور در مسجد سپری در برابر چنین لغزش‌ها و نیرویی برای پاسداری از جامعه است.

۷. در معرض مفاسد واقع می‌شود و راه فرار را نیافته و یا قدرت فرار ندارد؛ درحالی‌که مسجدی‌ها به دلیل داشتن همراه و همفکر دلسوز، به نجات نزدیک‌ترند.^۲

۸. مسجد محل قیام و احقاق حقوق افراد بوده و ترک مسجد باعث محروم شدن از حق و هرج و مرج حقوقی و اخلاقی می‌شود؛ در نتیجه عزیزان، منزوی و ذلیلان مسلط می‌شوند.

۹. از آنجایی‌که زنان عاطفی‌اند ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرند؛ اما زنان مسجدی معمولاً به هم پیوسته و مصمم‌اند و در مواقع

۱. بقره: ۱۱۴.

۲. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مانده: ۲)؛ كَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ أَوْ عِلْماً مُسْتَظَرّاً أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً ... (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷).

خطر از همدیگر دفاع می‌کنند و آلوده به سوءاستفاده‌های نامشروع نمی‌شوند و محیط پیرامون را نیز به‌سوی پاکی و امنیت اخلاقی سوق می‌دهند.

۱۰. نزاع‌ها عمیق و طولانی می‌شود، ولی حضور مرتب در مسجد و دیدار یکدیگر، زمینه‌های نزاع و کشمکش را کمتر می‌کند.

۱۱. مدنیت و آیین شهروندی از بین می‌رود. علت این مسئله آن است که جامعه بدون مسجد در معرض انحطاط و گسستگی قرار می‌گیرد و ارتباطات حیوانی جایگزین ارتباطات اخلاقی و انسانی می‌گردد.

۱۲. شایعه رواج می‌یابد و جامعه خود به خود سقوط می‌کند؛ درحالی‌که حضور در مسجد جلو شایعات را می‌گیرد چراکه مسجد محل ثبت وقایع و محو حوادث است.

۱۳. شاخصه‌های معروف و منکر جابجا می‌شود و پس از آن، معروف، منکر و منکر، معروف می‌گردد.

عواقب روانی

بی‌توجهی به مسجد، انسان را از مسیر اعتدال در اندیشه و رفتار دور می‌سازد؛ زیرا آدمی اگر بدون مراقبت رها شود، میان افراط و تفریط در نوسان می‌افتد. مسجد پایگاهی است که او را به تعادل باز می‌گرداند؛ جایی که اندیشه پالایش می‌یابد، ذکر زنده می‌ماند و مسیر زندگی در حد میانه و اعتدال الهی استوار می‌شود.

۱. دوری از مسجد، انسان را در گرداب مشغله‌ها و سرگرمی‌های دنیا غرق کرده و به غفلت و خود فراموشی می‌کشاند؛ تا آنجا که حقیقت وجود خویش را زیر سایه امور گذرا از یاد می‌برد.

۲. مسجد آینه‌ای است که دنیا و آخرت را همان‌گونه که هست نشان می‌دهد، نه آن‌گونه که خیال و غفلت می‌سازد. در مقابل هرچه فاصله از مسجد بیشتر شود، نگاه انسان به واقعیت تیره‌تر و نادرست‌تر می‌شود. قرآن کریم در این باره هشدار می‌دهد: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»^۱؛ آنان که یاد خدا را رها کردند، به خود فراموشی گرفتار شدند و این بزرگ‌ترین پیامد ترک مسجد است.

۳. دوری جوانان از مسجد، آنان را گرفتار افسردگی می‌کند؛ درحالی‌که حضور و زیارت پیوسته مسجد، روح را آرام و هویت دینی را زنده می‌سازد. جوان مسجدی، سرشار از امید و مسئولیت‌پذیری است، اما جوانِ غافل از یاد خانه خدا، معمولاً بی‌هدف و بی‌هویت است.

عواقب اجتماعی

کسی که از مسجد دور می‌ماند زمین‌گیر شده و در نگاه جامعه نیز ناشناخته و بی‌اثر می‌گردد. شخصیت او در میان مردم رنگ می‌بازد و از نور به ظلمت منتقل می‌شود؛ زیرا مسجد، مرکز شناخت و پیوند

۱. «همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد» (حشر: ۱۹).

قلب‌هاست.^۱ حضور در مسجد، نشانه حیات ایمانی و اجتماعی است و ترک آن به معنای دوری از جامعه و گم‌شدن در تاریکیِ فردگرایی و غفلت است.

۱. مسجد، محفل شناخت، برادری و خیر است؛ هر کس در آن حاضر می‌شود، در بین مردم مشهور به خیر و صلاح شناخته می‌شود و هر کس از آن فاصله بگیرد، از نگاه دل‌های مؤمنان پنهان و بی‌اثر می‌گردد.

۲. مسجد تنها محل عبادت نیست؛ بلکه محور روابط پاک، اعتماد دینی و سلامت اجتماعی جامعه اسلامی است. آن‌که از مسجد جا می‌ماند و یا روی‌گردان می‌شود، از فضایی که انسان‌ها در آن به خیر و راستی و درستی و برادری فراخوانده می‌شوند، دور می‌گردد. از این رو هم‌زیستی و رفاقت با فردی که نسبت به حضور در مسجد بی‌اعتناست، شایسته نیست؛ چراکه محیط رشد ایمان (مسجد)، معیار انتخاب دوستان و هم‌نشینان مؤمن است.

۳. در متون فقهی، توصیه شده است که مؤمنان از معاشرت و نزدیک شدن با فردی که از مسجد دوری می‌کند، بپرهیزند؛ با او غذا نخورند، همسایه یا شریک او نشوند، از او زن نگیرند و به او زن ندهند.^۲ این دستورها نشان می‌دهد که ترک مسجد، موجب ضعف اعتبار اجتماعی و

۱. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا سَلِمْتَ عَمَّنْ لَا يَشْهَدُ الْجَمَاعَةَ فَقُلْ لَا أَعْرِفُهُ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۵۱).

۲. مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد (سید محمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۸۹۷).

اخلاقی انسان در نگاه جامعه ایمانی می‌شود و کسی که از فضای مسجد و جماعت محروم است، احساس تنهایی و انزوا می‌کند و به تدریج در حلقه رفاقت‌هایی گرفتار می‌شود که نتیجه‌اش جز پشیمانی و غربت معنوی نخواهد بود.^۱

۴. حضور در مسجد، میدان اعتماد و برکت و دوری از آن، فاصله گرفتن از سرچشمه خیر، صفا و رشد انسان مؤمن است.

۵. کسی که از مسجد اعراض کند، مورد رویگردانی مردم و تنقیر مؤمنان واقع می‌شود،^۲ ولی با حضور در مسجد مورد توجه همگان می‌گردد.

۶. با دوری از مسجد، نظم مدنی دچار اختلال می‌شود؛ زیرا مسجد نقش «پلیس معنوی و تربیتی» جامعه را ایفا می‌کند. هیچ نیروی انتظامی، هرچند قدرتمند، نمی‌تواند جایگزین کارکرد اخلاقی و هدایتی مسجد در ایجاد نظم حقیقی و پایدار شود. تضعیف انضباط اجتماعی و افزایش نابسامانی‌های اخلاقی و رفتاری از جمله پیامدهای ترک مسجد است.

۷. اعراض کنندگان از مسجد بایکوت، گوشه‌گیر و زمین‌گیر می‌گردند.^۳

۱. «یا وَیْلَتِی لَیْسَتِی لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِیلًا» (فرقان: ۲۸)؛ کَانَ یَقُولُ عَلِیُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً ... (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَمِعَ الْفَلَاحَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا هُوَ مَعَنَا وَلَا هُوَ وَحْدَهُ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۳).

۳. عَنْ زُرَّیقٍ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ یَقُولُ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَیْهِ السَّلَامُ بَلَغَهُ أَنَّ قَوْمًا لَا

۸. مصاحبت‌ها و لذت‌های موقت و سطحی جای رفاقت‌های مداوم را می‌گیرد؛ درحالی‌که دوستی مسجدی‌ها تا قبر و قیامت ادامه می‌یابد.^۱

۹. اصالت خانواده کمرنگ و گاهی متلاشی می‌شود؛ چراکه در همه مراکز تربیت (کودکستان، دبستان و دبیرستان) اعضای خانواده جدا و در مسجد همه افراد خانواده با هم حضور پیدا کرده و مخاطب مسجد هستند. لذا تربیت در مسجد تأثیرگذارتر است.

۱۰. دوری از مسجد، آثار عمیقی بر سرنوشت معنوی و اجتماعی انسان دارد. کسانی که می‌توانستند در پرتو مسجد، امام، رهبر و راهبر جامعه باشند، به سبب ترک این پایگاه الهی، از مسیر رشد بازمی‌مانند؛ مؤمنانی که سزاوار عزت‌اند، دچار ضعف و ذلت می‌شوند و افرادی که باید رهرو و پیش برنده باشند، در زمره عقب‌ماندگان قرار می‌گیرند. مسجد کانون عزت مؤمن است و فاصله گرفتن از آن، پیامد طبیعی‌اش سقوط از قله عزت به ورطه ذلت است.

۱۱. آنان که مسجد را ترک می‌کنند، چه‌بسا در دام مدعیان دروغین گرفتار شوند؛ حال آنکه در مسجد، عالمان و امامان آگاه حضور دارند و

يَحْضُرُونَ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ، فَخَطَبَ فَقَالَ: إِنَّ قَوْمًا لَا يَحْضُرُونَ الصَّلَاةَ مَعَنَا فِي مَسَاجِدِنَا، فَلَا يُؤَاكِلُونَا، وَلَا يُشَارِبُونَا، وَلَا يُشَاوِرُونَا، وَلَا يُتَاكَلُونَ، وَلَا يَأْخُذُوا مِنْ فَيْئَتِنَا شَيْئًا، أَوْ يَحْضُرُوا مَعَنَا صَلَاتِنَا جَمَاعَةً، وَإِنِّي لَأَوْشَكُ أَنْ أَمُرَ لَهُمْ بِنَارٍ تُشْعَلُ فِي دُورِهِمْ فَأُحْرِقُهَا عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْتَهُوْنَ. قَالَ: فَأَمْتَنَعَ الْمُسْلِمُونَ عَنْ مُؤَاكَلَتِهِمْ وَمُشَارَبَتِهِمْ وَمُتَاكَلَتِهِمْ حَتَّى حَضَرُوا الْجَمَاعَةَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ (شيخ طوسي، الأمالي، ص ۶۹۶-۶۹۷).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ طُوبَى لِأَصْحَابِ الْأَلْوِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَهُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالشَّحَارِ وَغَيْرِهَا (شيخ طوسي، الأمالي، ص ۵۲۹).

نظارت و هدایت عالم بر عابد، مانع بروز و گسترش چنین انحراف‌ها و ناروایی‌هایی می‌شود.

۱۲. هنگامی که مسجد از محوریت شهر کنار می‌رود، زاویه‌ها متغیر و هویت اجتماعی شهر متلاشی می‌شود و شهرسازی نیز از معیارهای الهی و هویت‌ساز خود تهی می‌گردد. جامعه‌ای که باید همانند دانه‌های تسبیح با نخ مسجد به هم پیوسته باشد، پراکنده و بی‌نظم می‌شود و ساختمان‌ها، خیابان‌ها و محله‌ها بدون محاسبه و در نظر گرفتن ارزش‌ها، هویت و جهت خود را از دست می‌دهد چراکه مسجد ستون فقرات شهر اسلامی است و ترک مسجد، به تدریج شهر را از «مرکز ثقل معنوی» محروم کرده و آن را به کالبدی بی‌روح و فاقد وحدت بدل می‌سازد.

۱۳. کناره‌گیری از مسجد که به‌طور طبیعی محل پیوند نسل‌ها بوده، به ایجاد فاصله میان کودکان، جوانان و سالمندان می‌انجامد. با حذف این مرکز مشترک از زندگی روزمره، کودکان به مهدکودک‌ها و جوانان به باشگاه‌ها و سالمندان به آسایشگاه‌ها سپرده می‌شوند. این جدایی، ارتباطات بین نسلی را کاهش داده و موجب فاصله عاطفی و فرهنگی در جامعه می‌گردد.

۱۴. در روزگار کنونی، گسترش مراکز تفریحی و رفاهی - که تقریباً در تمام ساعات شبانه‌روز فعال‌اند - موجب شده است رغبت جوانان نسبت به مسجد کم شود؛ به‌ویژه آن‌که مسجد معمولاً در دسترس نبوده و قدرت انتخاب ندارند. افزون بر این، سرگرمی‌های نوپدید که به تدریج به‌صورت «ارزش» جا زده شده‌اند، نوعی سرگرمی اعتیاد گونه پدید آورده‌اند؛

سرگرمی‌هایی که در ظاهر برای پر کردن اوقات فراغت‌اند، اما در عمل، جوانان را از حضور در فضای مسجد دور می‌سازند. این روند، در حقیقت نوعی غفلت آفرینی و بازی دادن بی‌صداست و نیازمند بازنگری جدی در سبک زیست دینی جامعه است.

۱۵. یکی از پیامدهای عمیق و پنهان جدایی از مسجد، فراهم آمدن بستری برای پیدایش و گسترش مراکز جایگزین است. این مراکز که گاهی با تزیین به اسماء مقدس یا بهره‌گیری از چهره‌های دارای نفوذ و شهرت به میدان می‌آیند، در خفا با کارکرد اصلی مسجد به رقابت می‌پردازند. این ساختارهای موازی، اگرچه در ظاهر مدعی خدمتگزاری هستند، اما به دلیل عدم پایبندی به اصالت مسجدی (که کانون توحید، اعتدال و تربیت اخلاقی است)، غالباً به بستری برای گسترش مفاسد و ایجاد شکاف‌های جدید در بافت جامعه بدل می‌شوند. در مکتب دینی، چنین مراکزی که منجر به تضعیف مسجد می‌شود، مصداق «ضرار» تلقی شده و هرگونه همراهی، کمک و حضور در چنین مراکزی، تخریب مسجد و به نوعی محاربه با خداست. این مقابله، نه از سر تنگ‌نظری، بلکه برای حفاظت از سلامت جامعه در برابر انحراف و آسیب است.

عواقب سیاسی

ترک مسجد، در نگاه اسلام تنها یک غفلت عبادی نیست، بلکه گسستی است که راه را برای سستی ایمان، رخنه فتنه‌ها و تضعیف پیوندهای سیاسی و اجتماعی امت هموار می‌کند. دور شدن از مسجد،

جامعه را از نقدپذیری، همگرایی، شجاعت جمعی و حضور تأثیرگذار زنان مؤمن محروم می‌سازد و زمینه انزوای رهبری عادل و رشد انحرافات را فراهم می‌آورد. مسجد، اگر آباد و محور باشد، فتنه در نطفه خاموش می‌شود.

۱. تارکین مسجد مورد تهدید پیامبر ﷺ و حاکم اسلامی هستند.^۱

۲. در معرض سستی قرار می‌گیرند و در نتیجه مقهور دشمن (شیاطین) می‌شوند. اتصال انسان‌ها به هم در صفوف مساجد، تفرقه و نخوت را از بین می‌برد و به انسان شجاعت و قدرت می‌دهد.^۲

۳. زمینه رشد دیکتاتوری فراهم می‌شود چراکه حضور انسان‌ها در مسجد بهترین زمینه انتقادپذیری و همگرایی است.

۴. حکومت مخالفان شروع شده و با ادامه ترک مسجد، نهادهای می‌شود. به همین خاطر مسجدی بودن شرط هرگونه مسئولیت سیاسی است.^۳

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَوْمٌ سَمِعُوا التَّدَاءَ فَلَمْ يُجِيبُوا فَأَضَرَّهَا عَلَيْهِمْ نَارًا (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۵)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: هُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَحْرَاقِ قَوْمٍ فِي مَنَازِلِهِمْ كَانُوا يُصَلُّونَ فِي مَنَازِلِهِمْ وَلَا يُصَلُّونَ الْجَمَاعَةَ فَأَتَاهُ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي صَرِيْرُ الْبَصَرِ وَرُبَّمَا أَسْمَعُ التَّدَاءَ وَلَا أَجِدُ مَنْ يَقُوْذِنِي إِلَى الْجَمَاعَةِ وَالصَّلَاةِ مَعَكَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ شَدَّ مِنْ مَنَزِلِكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبْلًا وَ اخْضِرِ الْجَمَاعَةَ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۶).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَاصِبِكُمْ لَا يَسْتَحْذُو عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳).

۳. پذیرش هر مسئولیت سیاسی در نظام اسلامی، در گرو التزام عملی و واقعی به آموزه‌های دین است؛ و مسجدی بودن، روشن‌ترین و قابل سنجش‌ترین نشانه این التزام به شمار می‌آید.

۵. حضور زنان در مسجد، نه تنها فضای سیاسی را تقویت می‌کند، بلکه با اثرگذاری بر مردان، توازن و بصیرتی پدید می‌آورد که نبود آن، جامعه را در معرض سستی و لغزش قرار می‌دهد. چنان‌که پس از رحلت رسول خدا ﷺ، خانه‌نشین کردن زنان مؤمن، موجب خلاء سیاسی و کاستی در پویایی اجتماعی و کاهش صلابت جامعه شد.

۶. در نظام اسلامی، حضور آگاهانه زنان در مسجد جایگاه حقیقی و معنوی‌شان را تثبیت و متعالی کرده و از هرگونه نمود ظاهری در اجتماع بی‌نیازشان می‌سازد. در جوامعی که نقش مسجد تضعیف شده، زنان برای جبران خلأهای معنوی و سیاسی به عرصه‌های مختلف روی می‌آورند. در چنین جوامعی حضور زنان در مسجد، بی‌ارزش و حضور آنان در مراکز دیگر، ارزشمند تلقی می‌شود و به جای هدایت، ممکن است در مسیر گمراهی قرار گیرند.

۷. انسانی که از پیوند با مسجد بی‌نصیب است، ممکن است در دفاع از رهبر عادل دچار سستی خواهد شد و با کناره‌گیری و بی‌تفاوتی، او را به انزوا می‌کشاند؛ در نتیجه، از هدایت او محروم شده و به‌سوی رهبران نا عادل گرایش می‌یابد.

۸. فتنه در اسلام و قرآن، ویرانگرتر از جنگ است و بخش بزرگی از آشوب‌های تاریخی، از دوری امت از مسجد سرچشمه گرفته است. ترک مسجد، وحدت جامعه را فرسایش داده و بستر فتنه‌ها را فراهم می‌کند، درحالی‌که حضور آگاهانه در مسجد، اختلافات را در نطفه خاموش می‌سازد. فضایی که در آن نه سردمداری دارد و نه مجالی برای دامن زدن

به نزاع‌ها باقی می‌ماند. اگر با امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد بیعت می‌شد و به سقیفه (غیر مسجد) منحرف نمی‌شدند، مسیر جامعه به سمت عدالت، اعتدال و دوری از فتنه‌های طولانی می‌گرایید. مسجد، همواره سپر امت در برابر شعله‌ور شدن فتنه‌هاست.

عواقب معنوی

ترک مسجد تنها عدم حضور در یک مکان مقدس نیست؛ بلکه غفلی است که دل را از یاد خدا تهی و انسان را در برابر سختی‌ها بی‌دفاع می‌سازد. کسی که از فضای ذکر و هوشیاری مسجد دور می‌شود، طبیعی است که در مسیر زندگی، زودتر مقهور هجوم مشکلات گردد. مسجد، نشانه همسایگی با خدا و جایگاه محبوبان اوست؛ از این‌رو فاصله گرفتن از آن، نوعی روی گرداندن از رحمت الهی و محروم ساختن خویش از پناه و آرامش پروردگار است.

۱. عدم حضور در مسجد مصداق غفلت،^۱ و حضور در مسجد ذکر و هوشیاری است.

۲. عدم ارتباط مستمر با مسجد آدمی را در سختی‌ها و تنگناها قرار می‌دهد^۲ و قهراً مشکلات بر او هجومه و غلبه می‌کند.

۱. قَالَ الْحَسَنُ علیه السلام: الْغَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدِ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۵).

۲. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» (طه: ۱۲۴).

۳. ترک مسجد، اعراض و اعلام دشمنی و خصومت با خداست^۱ و حضور در مسجد نشانه همسایگی و محبوب خدا شدن است.^۲

عواقب عبادی

ترک مسجد گسست از مدار صحیح بندگی است. مسجد، عبادت را در مسیر اعتدال و حضور قلب نگاه می‌دارد و ترک آن، آرام‌آرام ستون‌های معنوی زندگی را متزلزل می‌سازد.

۱. تارک مسجد، تارک نماز به حساب می‌آید.^۳ چون نماز، عمود و ستون دین و مسجد همانند چادر و زمین خیمه دین است که بدون چادر و زمین، ستون مفهوم ندارد.

۲. دچار وسواس و شک در نماز می‌شود و گاه در ادای آن سستی می‌ورزد؛ درحالی‌که حضور در مسجد، انسان را امیدوار، پرانرژی و مسئولیت‌پذیر می‌سازد و از کسالت و بی‌حالی دور می‌کند.

۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِبَابَةُ الْمُؤَدَّنِ رَحْمَةٌ وَ ثَوَابُ الْجَنَّةِ وَ مَنْ لَمْ يُحِبَّ خَاصَمَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۸).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ جِبْرَانِي؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: رَبَّنَا وَ مَنْ يَتَّبَعِي أَنْ يُجَاوِزَكَ فَيَقُولُ: أَيْنَ عُمَاؤُ الْمَسَاجِدِ (حسام الدین متقی هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۸).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا جُعِلَ الْجَمَاعَةُ وَالْإِجْتِمَاعُ إِلَى الصَّلَاةِ لِكَيْ يُعْرَفَ مَنْ يُصَلِّي مِمَّنْ لَا يُصَلِّي وَ مَنْ يَحْفَظُ مَوَاقِيتَ الصَّلَوَاتِ مِمَّنْ يُضَيِّعُ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُمَكِّنْ أَحَدًا أَنْ يَشْهَدَ عَلَى آخَرٍ بِصَلَاةٍ لِأَنَّ مَنْ لَا يُصَلِّي لَا صَلَاحَ لَهُ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ ... وَ قَدْ كَانَ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹).

۳. ترک مسجد، نه تنها انسان را از فضای معنوی و جمعی محروم می‌کند، بلکه موجب ضعف ایمان و سستی در عبادت نیز می‌گردد.

۴. نماز در غیر مسجد، به معنای واقعی کلمه «اقامه» نیست،^۱ چراکه اقامه نماز تنها در مسجد زنده و نافذ است که روح را جلا می‌دهد و انسان را در مسیر تقوا و تعهد پایدار می‌سازد.

۵. نماز بدون نظارت و هدایت عالم، از دقت و برکت لازم بی‌بهره می‌ماند؛ درحالی‌که نماز به امامت عالم، به دلیل صحت قرائت، ایجاد حضور قلب و هدایت جمعی تا دو هزار برابر ثواب بیشتری دارد.^۲ هرچند کلمات نماز یکسان است، اما کیفیت اجرا و فضای معنوی که عالم فراهم می‌کند، تفاوتی بزرگ در اثر و پاداش نماز ایجاد می‌نماید.

۶. عبادت فردی، ممکن است انسان را دچار عجب و غرور سازد؛ به‌ویژه اگر فرد عبادت خود را برتر از دیگران بیندارد؛ اما حضور در مسجد و قرار گرفتن در میان جمعی از مؤمنان، این غرور را در هم می‌شکند و به او می‌آموزد که او تنها یکی از بندگان خداست؛ نه برتر از دیگران و نه بی‌نیاز از جمع مؤمنان. این حضور، روح تواضع و فروتنی را در او زنده نگه می‌دارد و عبادت را از آفت خودبرتربینی مصون می‌سازد.

۱. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹).

۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ صَلَّى حَلْفَ عَالَمٍ فَكَأَنَّمَا صَلَّى حَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۴۸).

۷. عبادت فردی، ممکن است دچار غلو و برداشت‌های افراطی یا نادرست شود؛ این حالت سبب می‌شود انسان، به‌سوی سخت‌گیری بی‌مورد در دین برود؛ درحالی‌که ارتباط او با عالم مسجد، عبادت را در مسیر صحیح و معتدل نگه می‌دارد.

۸. یکی از پیامدهای دوری از مسجد این است که انسان به تدریج ارزش‌ها را وارونه می‌بیند؛ سنت‌ها و مستحبات در نظر او جایگاه واجب پیدا می‌کنند و در مقابل، نمازهای واجب، کم‌اهمیت جلوه می‌نمایند. نتیجه آن می‌شود که برخی واجبات را ترک کرده به انجام مستحبات می‌پردازند و گمان می‌کنند که به وظیفه خود عمل کرده است.^۱

۹. قرآن از مساجد فاصله می‌گیرد و تلاوت آن در مکان‌هایی خارج از مسجد رواج می‌یابد؛ و این آغازی است بر مسیری که قرآن را از جایگاه حقیقی‌اش دور کرده و تا نوک نیزه‌ها کشانده می‌شود و حجت خدا تنها می‌ماند.

۱۰. نظریه «خواندن قرآن» به جای «عمل کردن به قرآن» می‌نشیند؛ درحالی‌که مسجد، عرصه عمل به قرآن است و نه صرفاً میدان تلاوت آن.

۱۱. باعث تخریب مسجد می‌شود؛ درحالی‌که حضور در مسجد بهترین نوع عمران مسجد و عمران زمین و آسمان و آبادانی دنیا و آخرت است.

۱۲. مسجد، خراب و بی‌رونق می‌شود و مراکز ضرار، آباد و با رونق می‌شود تا آنجا که امام حسین علیه السلام به‌عنوان خارجی معرفی می‌شود و یزید، امیرالمؤمنین به شمار می‌آید.

۱. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (کهف: ۱۰۳).

عواقب اخروی

ترک مسجد، سبب تضعیف نور ایمان و محرومیت از برکات الهی در عالم آخرت دانسته شده است. چنین انسانی در قیامت از همسایگان خدا «جیران‌الله» و از مقربان (نزدیکان) خدا نخواهد بود. همچنین بی‌اعتنایی به مسجد، سبب محرومیت و حسرت بی‌پایان در محضر خداوند می‌گردد.^۱

۱. جهنم را در پی دارد،^۲ ولی مسجدیان بدون معطلی وارد بهشت می‌شوند.^۳

۲. شکایت مسجد در روز قیامت را به دنبال دارد،^۴ ولی با حضور مسجد به نفع او شهادت می‌دهد.

۳. مغبوض خداست چراکه خواسته خدا را به‌جا نیاورده است.^۵

۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا مِنْ يَوْمٍ إِلَّا وَ مَلَكٌ يُنَادِي فِي الْمَقَابِرِ مَنْ تَعْبُطُونَ فَيَقُولُونَ أَهْلَ الْمَسَاجِدِ يُصَلُّونَ وَلَا تَقْدِرُ وَ يَصُومُونَ وَلَا تَقْدِر (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳).

۲. «ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (مدثر: ۴۲ و ۴۳). در این آیه شریفه تأکید بر «لَمْ نَكُ» نشان می‌دهد که سخن از ترک جماعت است و نماز جماعت نیز جز در فضای مسجد معنا و تحقق کامل نمی‌یابد.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَ مَنْ حَافَظَ عَلَى الْجَمَاعَةِ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجَّهَهُ أَصَوًّا مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يُحَافِظُ عَلَيْهَا ثَوَابٌ شَهِيد (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱).

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَسْكُونُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَ عَالِمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُصَحَّفٌ مَعْلَقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳).

۵. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِجَابَةُ الْمُؤَذِّنِ رَحْمَةً وَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ لَمْ يُجِبْ خَاصَمْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۸).

فصل هفتم

حضور زنان در مسجد

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَأَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ»؛ هر کس دعوت کننده الهی را اجابت و (با حضورش) مساجد خدا را نیکو آباد کند پاداشش از ناحیه خداوند بهشت است.^۱

مسجد، کانون پیوند دل‌ها، شکل‌گیری دوستی‌های الهی و یافتن همراهان هم‌فکر و هم‌مسیر است. در این میان، نقش زن، راهبردی و بی‌بدیل است؛ زیرا حضور زن در مسجد، هم نیازهای عمیق‌تری را پاسخ می‌دهد و هم ثمرات اجتماعی، خانوادگی و ایمانی گسترده‌تری به همراه دارد.

۱. مسجد برای زنان، بهترین بستر برای یافتن دوستان شایسته، ارتباط با خواهران دینی و تشکیل شبکه‌ای سالم، پایدار و اصیل و معنوی است که حتی از روضه و هیئت و جلسات خانگی که احیاناً توسط خانم‌ها اداره می‌شود، کارآمدتر و بی‌آسیب‌تر است؛ همان پیوندهایی که در روایات با تعبیر «أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ»^۲ از ماندگارترین و پربرکت‌ترین دوستی‌ها معرفی شده است.^۳ این نوع ارتباطات، با توجه به نقش سازنده زنان در خانواده و تربیت نسل، آثار ژرف‌تری بر جامعه برجای می‌گذارد.

۱. الوافی، ج ۲۶، ص ۱۹۵

۲. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ... (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷).

۳. منظور از «أَخًا» [به معنای برادر] در روایت «أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ» اختصاصی به مردان نداشته و شامل زنان نیز می‌شود.

۲. مسجد از یک سو محل تفقد، دلجویی و احوال‌پرسی است و از سوی دیگر به سبب قداستش، امن‌ترین و سالم‌ترین محیط برای ارتباطات محترمانه و سازنده است. تعامل و همکاری زنان با یکدیگر - و در چهارچوب شرعی - با مردان، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی کاهش یافته و منافع فردی، خانوادگی و اجتماعی چندین برابر می‌گردد.

۳. نباید در مسجد نسبت به یکدیگر غریبه و بی‌ارتباط بود؛ چراکه مسجد حلقه گمشده روابط اجتماعی، مدنی و خانوادگی را با کمترین آسیب و بیشترین برکت بازسازی کند. از همین رو، مناسب است امام جماعت شناختی دقیق و پدرا نه نسبت به مأمومان، به‌ویژه بانوان مسجدی، داشته باشد؛ و اهل مسجد بستر ارتباط، همدلی و شناخت متقابل را میان همدیگر فراهم آورند.

۴. حضور زن در مسجد نه یک حضور فرعی، بلکه محوری است و عامل حیات اجتماعی سالم و تقویت جامعه ایمانی است؛ حضوری که مسجد را زنده‌تر، خانواده را گرم‌تر و جامعه را استوارتر می‌سازد.

۵. حضور زن در مسجد نقش مهمی در ساماندهی و تثبیت مسئله حجاب در جامعه دارد. یکی از عوامل گسترش بدحجابی‌ها و بی‌حجابی‌های هدایت‌شده در عصر حاضر، دور کردن زنان از مسجد و کاستن از حضور آنان در این فضای پاک و تربیت‌گر است. هرچه زنان بیشتر در مسجد مورد توجه و تکریم قرار گیرند، کمتر دچار احساس کمبود، دیده نشدن یا نیاز به جلب توجه در کوچه و خیابان خواهند شد.

۶. این حقیقت که «وجه و کفین» می‌تواند آشکار باشد،^۱ جلوه حقیقی و اصیل خود را در مسجد پیدا می‌کند؛ یعنی در فضایی که حیا، کرامت، امنیت و معنویت در کنار هم معنا می‌گیرد و حجاب نه یک فشار، بلکه یک انتخاب عزتمندانه جلوه می‌کند. به همین خاطر مسجد تنها مکانی است که زن و مرد، بدون چالش و آسیب شرکت داشته و در کنار هم قرار می‌گیرند.

۷. در مسجد به گونه‌ای حدود و ارتباط تعریف شده که زیباترین سبک زندگی را به نمایش می‌گذارد.

۸. از دیگر ثمرات حضور زن در مسجد، شکل‌گیری ازدواج‌های سالم، پایدار، همراه با نسلی صالح است. خواستگاری و آشنایی خانواده‌ها در مسجد، یا با واسطه‌گری اهل مسجد، به‌مراتب مطمئن‌تر، کم‌خطرتر و بادوام‌تر از آشنایی در محیط‌های عمومی نظیر پارک یا سایت‌ها است. مسجد محل شناخت شخصیت‌ها، سنجش رفتارها، دیدن تعهد دینی و مشاهده روحیه همکاری و اخلاق فردی است؛ عواملی که اساس یک زندگی مشترک سالم را می‌سازند. ذکر این نکته ضروری است که معرفی و انتخاب همسر باید درون جامعه مسجدی و میان اهل مسجد صورت گیرد، نه اینکه ارگان و افرادی مسجد را ابزار همسریابی قرار داده که چه‌بسا مسجد را تخریب و زندگی‌ها را آسیب‌پذیر می‌کند.

۱. در حجاب اسلامی لباس خاصی معتبر نیست و میزان پوشش تمام بدن به غیر از وجه و کفین است (امام خمینی رحمته‌الله، استفتاءات، ج ۳، ص ۲۵۲).

۹. کسانی که از مسجد روی گردان‌اند، از برجسته‌ترین عرصه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی فاصله گرفته‌اند. از تعبیر «لَا يُنَاكِحُونَا»^۱ برمی‌آید که بی‌اعتنایی به مسجد، انسان را از شایستگی حضور در پیوندهای سرنوشت‌سازی مانند ازدواج دور می‌کند؛ زیرا مسجد جایگاه گزینش‌های بزرگ و شکل‌گیری اعتماد اجتماعی است. حضور در آن، معیار بلوغ دینی و اجتماعی به شمار می‌رود.

۱۰. یکی از اهداف بنیادین ازدواج، تولد نسل سالم و صالح و طاهر و پاک است تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا^۲ [ازدواج کنید و نسل پاک و خداجو پدید آورید]. به همین دلیل در سیره انبیا و اولیای الهی، پیوند با مسجد و وقف فرزندان برای خدمت به مسجد، جایگاهی برجسته دارد چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي»^۳ لذا مادران مؤمن، فرزندان خود را از آغاز، به مسجد پیوند می‌زنند؛ چه بسا از مادرانی که دوران حاملگی خود را در مسجد گذراندند (حضرت مریم ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا‌ل‌س‌ل‌م) نسل‌های اثرگذار پدید می‌آید.

۱. عَنْ زُرَيْقٍ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا‌ل‌س‌ل‌م يَقُولُ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا‌ل‌س‌ل‌م بَلَغَهُ أَنَّ قَوْمًا لَا يَحْضُرُونَ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ، فَخَطَبَ فَقَالَ: إِنَّ قَوْمًا لَا يَحْضُرُونَ الصَّلَاةَ مَعَنَا فِي مَسَاجِدِنَا، فَلَا يُؤَاكِلُونَا وَلَا يَشَارِبُونَا وَلَا يَسَاوِرُونَا وَلَا يُنَاكِحُونَا وَلَا يَأْخُذُوا مِنْ قَيْنِنَا شَيْئًا أَوْ يَحْضُرُوا مَعَنَا صَلَاتَنَا جَمَاعَةً، وَإِنِّي لَا أُشْكُ أَنْ أَمَرَ لَهُمْ بِنَارٍ تَشْعَلُ فِي دُورِهِمْ فَأَحْرِقَهَا عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْتَهُونَ. قَالَ: فَأَمْتَنَعَ الْمُسْلِمُونَ عَنْ مُؤَاكَلَتِهِمْ وَنَشَارِبَتِهِمْ وَمُنَاكِحَتِهِمْ حَتَّى حَضَرُوا الْجَمَاعَةَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ (شيخ طوسي، الأُمالي، ص ۶۹۶-۶۹۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‌ل‌ی‌ه‌و‌ا‌ل‌ع‌ل‌ی‌ه‌و‌ا‌ل‌س‌ل‌م: تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا نَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسَّقَطِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۱).

۳. آل عمران: ۳۵.

۱۱. عقد در مسجد خصوصاً مسجدالحرام بسیار با برکت است.
۱۲. سالم‌ترین ذریه، نسلی است که خواستگاری مادر در مسجد باشد.
۱۳. صالح‌ترین فرزند و با محبت‌ترین و با وفاترین نسبت به پدر و مادر، فرزند مسجدی است تا فرزندان دیگر.
۱۴. تولد امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد (کعبه) پیام‌های فراوانی به ما می‌دهد.

ویژگی‌ها و توانمندی‌های زنان

۱. جمعیت زنان کمتر از مردان نیست.
۲. امید به جوانی و زندگی در زنان بیشتر از مردان است و نقش مسجد در امید به زندگی سرآمد است.
۳. در مصائب و بلاها مقاومت بیشتری دارند و مسجد صبر و تحمل را بیشتر می‌کند.
۴. میانگین سن و عمر زنان از مردان بیشتر است.
۵. جوانی آنان بیشتر از مردان است (معمولاً زودتر از مردان، بالغ و دیرتر پیر می‌شوند).
۶. افزون بر تربیت فرزند، بر شوهر، پدر و برادر نیز تأثیر گذارند.^۱

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله با آن همه شرافت و جلالت درباره دخترش فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه «ام ابیها» است در حالی که ایشان حدوداً پنج ساله بودند.

۷. می‌توانند علاوه بر زنان، برای مردان نیز الگوی خوبی‌ها باشند^۱ (قرآن کریم آسیه، همسر فرعون را الگوی مثبت برای مردان و زنان می‌داند).^۲

۸. حافظه بیشتری داشته و روایتگران بسیار خوبی هستند.

۹. مظهر عاطفه و مهربانی‌اند. تأثیر عاطفی آنان زیاد و زبان عاطفی آنان قوی است.

۱۰. فرصت بهتری دارند چراکه هزینه زندگی آنان بر عهده مردان است.

۱۱. از آنجایی که ارتباط آنان کمتر از مردان است، تمرکز بیشتری در امور دارند.

۱۲. در موفقیت همسرانشان نقش بی‌بدیلی دارند.^۳

۱۳. مسجد محل زیبایی‌هاست و زنان چون مظهر جمال خداوند هستند، زیبایی‌های مسجد را بهتر درک می‌کنند.

۱. برخلاف برخی زنان - مثل زن نوح و لوط - که در نقطه مقابل قرار دارند و باید شدیداً از پیروی آنان پرهیز کرد: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحَ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم: ۱۰).

۲. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱).

۳. از میان پیامبران و امامان علیهم‌السلام آنانی که همسرانی شایسته و سازگار داشتند - مانند امام حسین علیه‌السلام - موفق شدند به آسانی از بدترین مردم، بهترین اصحاب را بسازند ولی آنانی که همسرانی ناسازگار داشتند - مانند امام حسن علیه‌السلام - مشکلات زیادی بر سر راهشان بود.

ویژگی و توانمندی‌های زنان

۱. مسئولیت تربیت فرزند و شوهرداری به عهده آنان است.
۲. دل‌بستگی پدر و برادر به آنان مستحکم‌تر است.
۳. آرامش خانواده و زیبایی و نظم زندگی به آنان وابسته است.
۴. گرچه به جهت نقش حسّاس، محوری و کلیدی زنان، تهاجم فرهنگی و اجتماعی علیه آنان بیشتر از مردان است، اما توان مقابله آنان با انواع تهاجمات غیر نظامی به‌ویژه تهاجمات اجتماعی قوی‌تر از مردان است.
۵. زنان نقش مؤثری در پیوند پایدار نسل‌ها با مسجد دارند.
۶. توان تربیتی و پرورش‌گری زنان بیشتر است.
۷. زنان با نقش تنظیم‌گری عاطفی که دارند، مسجد را به محل آرام‌سازی و سامان‌دهی هیجانی خانواده تبدیل می‌کنند.
۸. مهارت بانوان در ایجاد و گسترش ارتباط‌های انسانی، عامل تقویت پیوندهای اجتماعی مسجد و کاهش گسست‌های خانوادگی و محلی است.
۹. زنان به دلیل حساسیت بالای هیجانی، نیازهای دینی و روحی اعضای خانواده را سریع‌تر تشخیص می‌دهند و آنان را به استفاده از ظرفیت‌های معنوی مسجد ترغیب می‌کنند.
۱۰. بانوان ظرفیت بالایی در تحمل فشارها و حفظ انسجام خانوادگی دارند.
۱۱. شکل‌دهی هویت دینی خانواده، بیش از همه تحت تأثیر مادر است.

۱۲. ارتباط با فضای عبادی، سازوکار روانی مثبتی ایجاد می‌کند و زنان از آن برای تقویت روحیه همسر و فرزندان بهره می‌برند.

۱۳. درک دقیق نیازهای عاطفی خانواده و هدایت آن به منابع آرامش در مسجد نشان می‌دهد مادران، نیازهای هیجانی افراد را بهتر تشخیص داده و آنان را به فضای مسجد هدایت می‌کنند.

۱۴. اثرگذاری تربیتی زنان بر فرزندان از مسیر مشارکت دادن آنان در فعالیت‌های مسجد، رفتارهای اجتماعی، اخلاقی و دینی کودکان را پایدارتر می‌کند.

۱۵. توان مدیریت چند کار هم‌زمان و نقش‌آفرینی زنان در برنامه‌های اجتماعی مسجد، مهارت انجام هم‌زمان امور خانه، خانواده و فعالیت اجتماعی در بانوان، آنان را به نیروهای مؤثر در مدیریت برنامه‌ها تبدیل می‌کند.

۱۶. سامان‌دهی روابط همسایگی با محوریت مسجد زنان با ایفای نقش ارتباطی خود، مسجد را به محور انسجام همسایگی تبدیل می‌کنند.

۱۷. بلوغ زودتر و پیری دیرتری دارند. با این حال، حضور آنان در مسجد همواره پیوسته و یکسان نیست؛ چراکه در دوره‌هایی چون حیض و نفاس، دوران بارداری و بچه‌داری، و نیز سال‌های آغازین زندگی مشترک، فرصت و امکان حضور مستمر برایشان محدودتر می‌شود. اما پس از فراغت از مسئولیت‌های سنگین شوهرداری و فرزندپروری، و با توجه به عمر کوتاه‌تر مردان، شمار زنان بی‌همسر افزایش می‌یابد. در این مرحله از زندگی، زنان نه تنها فرصت بیشتری برای حضور در عرصه‌های دینی و اجتماعی (مسجد) می‌یابند، بلکه این حضور غالباً پررنگ‌تر، منظم‌تر و

اثرگذارتر از مردان می‌شود. جلوه روشن این واقعیت را می‌توان در حضور گسترده و معنادار زنان در مساجد، حج و عتبات عالیات مشاهده کرد.

حضور زنان در مسجد و ارزش آن

در ادیان گذشته^۱ و نیز در صدر اسلام زنان در مسجد حضوری چشمگیر، فعال و تأثیرگذار داشته‌اند. اولین اقامه جماعت در مسجد با زن شروع شد^۲ و در ساخت مسجد زنان سهیم بودند؛ ولی پس از رحلت پیامبر ﷺ به دلیل حمایت زنان از ولایت در مسجد، حضور آنان را در ابتدا محدود و بعد مشروط به حجاب و اذن شوهر و پدر و سپس از حضور آنان در مسجد جلوگیری کردند و این سنتی شد تا عده‌ای برای انحراف جامعه و تثبیت حکومت خود، زنان را که نیمی از جامعه‌اند، از مسجد دور نگه‌دارند و بر خلاف دلایل عقلی و نقلی، عقیده خود را تحمیل کنند؛ درحالی‌که فضایل حضور در مسجد در فرهنگ اهل بیت ﷺ اختصاص به مردان ندارد؛^۳ زیرا آنان هم به مکانی پاک و مقدس نیاز بیشتری دارند تا در آنجا اجتماع کنند.

۱. «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي» (آل عمران: ۳۵)؛ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) إِنَّ الْمُغْبِرَةَ يَزْعُمُ أَنَّ الْحَائِضَ تَقْضِي الصَّلَاةَ كَمَا تَقْضِي الصَّوْمَ فَقَالَ مَا لَهُ لَا وَفَقَهُ اللَّهُ إِنَّ امْرَأَةَ عُمَرَ قَالَتْ «إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا» وَ الْمُحَرَّرُ لِلْمَسْجِدِ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ أَبَدًا فَلَمَّا وَضَعَتْ مَرْيَمَ «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَ لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ» فَلَمَّا وَضَعَتْهَا أَدْخَلْتُهَا الْمَسْجِدَ فَلَمَّا بَلَغَتْ مَبْلَغَ النِّسَاءِ أُخْرِجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ أَنَّى كَانَتْ تَجِدُ أَيَّامًا تَقْضِيهَا وَ هِيَ عَلَيْهَا أَنْ تَكُونَ الذَّهْرَ فِي الْمَسْجِدِ (علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۹).

۲. ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۵۶۶.

۳. آیا زن‌ها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟ فضیلت خواندن نماز در مسجد مختص مردان نیست (سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۸۵، مسئله ۳۹۱).

البته حضور آنان در برخی مکان‌ها و اجتماعات نکوهش شده^۱ ولی به حضور در مسجد ترغیب شده‌اند و از مردان خواسته شده است که نه تنها مانع حضور زنان و دختران در مسجد نشوند که امکان حضور آنان را فراهم کنند.^۲ لذا بهره‌وری از مسجد نه مشروط به مرد بودن است و نه زن بودن مانع است.

حضور زنان در مسجد آن قدر مهم است که پیامبر ﷺ به خانمی که لباسش سوراخ‌های زیادی داشت و از برای عدم حضور در مسجد اجازه می‌خواست، فرمود: شب‌ها به مسجد بیاید تا بدنش پیدا نباشد و به دو زنی که فقط یک لباس برای بیرون آمدن داشتند آنان را از حضور معاف نکرد و فرمود: به نوبت به مسجد بیایید.^۳

۱. حضور زنان در مسجد و خدمات آنان به مسجد، در طول تاریخ تشیع چشمگیر بوده است.^۴ مسجد یگانه مرکزی است که همه مردان و زنان می‌توانند به گونه یکسان از آن بهره ببرند.

۱. مثل تشیع جنازه، حضور بر بالین محتضر و ...

۲. از یک سو به مردها امر شده است که به زنان و دختران اجازه حضور در مسجد بدهند و از سوی دیگر از زنان نخواستند که برای این کار اجازه بگیرند مگر اینکه زنی بخواهد مسجد را بهانه تمرد و عدم تمکین از شوهر قرار دهد یا اینکه مردی بخواهد بدون دلیل موجه زن خود را از مسجد محروم کند که در اخبار و روایات با عناوین مختلف از این گونه موارد منع شده است: لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ (بخاری جعفری، الصحيح، ج ۱، ص ۲۱۶).

۳. عَنْ أُمِّ عَطِيَّةٍ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِحْدَانَا لَا يَكُونُ لَهَا جِلْبَابٌ؟ قَالَ: لَتَلْبِسَهَا أُخْتُهَا مِنْ جِلْبَابِهَا (احمد بن الحسين بیهقی، سنن الکبری، ج ۳، ص ۳۰۶).

۴. آن قدر حضور زنان چشمگیر بود که پیامبر ﷺ فرمود: لَوْ تَرَكْنَا هَذَا الْبَابَ لِلنِّسَاءِ قَالَ نَافِعٌ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ ابْنُ عَمْرِو حَتَّى مَاتَ ... (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۱۱۲)

۲. آداب زنان در مسجد بیش از مردان است و این بیانگر فضیلت بیشتر حضور زنان در مسجد است.
 ۳. زنان از مردان روابط عمومی قوی‌تری دارند و مسجد بهترین محل آشنایی و ارتباطات است.
 ۴. از آنجایی که زنان حافظه و قدرت روایتگری بیشتری از مردان دارند، مبلّغی مؤثر و غیر رسمی به شمار می‌آیند.
- علاوه بر این‌ها چگونه قابل تصور است که زنان در همه عرصه‌ها و صحنه‌های سیاسی و اجتماعی بتوانند حضور داشته باشند، ولی در مسجد حضور نداشته باشند؟

نمونه‌های تاریخی حضور زنان در مسجد

۱. حضرت مریم علیها السلام در مسجد مقیم بوده است و منظور از کلمه «محراب» در آیه: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ»^۱ محراب مسجد است، نه محراب در هر کجا.
۲. حضرت مریم علیها السلام مأمور شدند با مردان در مسجد نماز بخوانند: «وَأَرْكُعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»^۲ در این آیه منظور رکوع مریم علیها السلام با مردان در مسجد است نه در غیر مسجد.

۱. آل عمران: ۳۷.

۲. آل عمران: ۴۳.

۳. در جریان نماز جمعه‌ای که بیشتر نمازگزاران، پیامبر ﷺ را در حال خطبه خواندن تنها گذاشتند و به سمت کاروان تجاری رفتند^۱ حضرت زهرا علیها السلام و همراهانشان ماندند.^۲

۴. در روایات آمده است که در جریان تغییر قبله^۳ زنان و مردان جابجا شدند.^۴

۵. اولین شرکت کننده در نماز جماعت پیامبر ﷺ، حضرت خدیجه علیها السلام بود.^۵

۶. در تاریخ، کسی فاطمه بنت اسد (مادر امیرالمؤمنین علی علیه السلام) را سرزنش نکرده که چرا وارد مسجد شده تا مجبور شود درون کعبه برود.

۷. به هنگام زایمان حضرت مریم علیها السلام، دستور آمد که در مسجد جابجا شود.^۶

۸. صدور دستور به مردان معتکف مبنی بر پرهیز از مباشرت با همسران خود در ایام اعتکاف،^۷ با توجه به قرائن حالیه و مقالیه، دلالت

۱. «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوكَ قَانِمًا» (جمعه: ۱۱).

۲. سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۷.

۳. «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا» (بقره: ۱۴۴).

۴. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ... فَلَمَّا صَلَّى مِنَ الظُّهْرِ رَكْعَتَيْنِ جَاءَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ...» ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ النَّبِيِّ ﷺ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ - وَ حَوَّلَ مَنْ خَلْفَهُ وَجُوهَهُمْ حَتَّى قَامَ الرِّجَالُ مَقَامَ النِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ مَقَامَ الرِّجَالِ فَكَانَ أَوَّلَ صَلَاتِهِ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ آخِرُهَا إِلَى الْكَعْبَةِ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۰۱).

۵. ابن اثیر، أَسَدُ الْغَايَةِ فی معرفة الصحابة، ج ۳، ص ۵۴۶.

۶. «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ» (مریم: ۲۳).

۷. «وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره: ۱۸۷).

روشنی بر حضور زنان در فضای اعتکاف دارد؛ زیرا در فرض عدم حضور زنان، تشریع چنین حکمی فاقد موضوع بوده و از منظر فقهی، لغو و بی‌وجه تلقی می‌شود.^۱

۹. این حکم که جنب می‌تواند بدون توقف و در حال عبور مسجد را زیارت کند^۲ اختصاصی به مردان نداشته و زنان را نیز شامل می‌شود.

۱۰. اگر اصل حضور زن در مسجد جایز نبود، بیان تفاوت میان دوران حیض و پاکی معنا نداشت. همین حکم نشان می‌دهد زن در حالت پاکی می‌تواند در مسجد حضور یابد و تنها در ایام حیض از توقف منع شده است.

۱۱. مراد از مردان و زنان در آیه «السَّائِحُونَ» و «سَائِحَات»^۳ مردان و زنانی هستند که به مسجد می‌روند.^۴

۱۲. کمک و مشارکت زنان به مسجد النبی ﷺ

۱۳. اگر زنان حق حضور در مسجد را نداشته‌اند، وجود «باب النساء»^۵ در مسجد النبی ﷺ برای چه بوده است؟

۱. اینکه گفته شود زنان در مسجد معتکف نبودند بلکه برای زناشویی به مسجد می‌آمدند و یا اینکه معتکفان برای امر زناشویی از مسجد خارج می‌شدند، در تصور نمی‌گنجد.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» (نساء: ۴۳).

۳. «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ...» (توبه: ۱۱۲)؛ «مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ...» (تحریم: ۵).

۴. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۹۶.

۵. نورالدین علی بن أحمد السمهودی، وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۷۸.

۱۴. پیامبر ﷺ نماز خود در مسجد را برای آسایش مادران بچه‌ها کوتاه می‌کردند.^۱

۱۵. سخنانی حضرت فاطمه علیها السلام و زینب علیها السلام در مسجد اتفاق افتاده است و حتی اگر این حضور، مکروه بود، حضرت وارد مسجد نمی‌شد.

۱۶. پیامبر ﷺ نماز صبح را دیر و نماز مغرب را زود می‌خواندند تا زنان در روشنایی به خانه برسند.^۲

برخی می‌کوشند فضیلت حضور زنان در مسجد را کم‌اهمیت نشان دهند و آن را تنها «جایز» یا حتی «مکروه» معرفی کنند؛ غافل از اینکه در نصوص دینی، زنان از حضور در مسجد استثنا نشده‌اند و محروم کردن نیمی از جامعه از فضایل معنوی مسجد، بی‌عدالتی است. از طرفی آداب و ملاحظات زیادی در رابطه با حضور زنان در مسجد مطرح است که همگی دلیل بر اهمیت و فضیلت حضور زنان است.^۳

بنابراین افزون بر این در شرایطی که زنان به‌طور طبیعی در اجتماع، بازار و خیابان حضور دارند، ممنوع کردن آنان از رفتن به مسجد منطقی و منصفانه نیست. چگونه می‌توان انتظار داشت زنانی که در همه عرصه‌های اجتماعی فعال‌اند، هنگام نماز در خانه و پشت درهای بسته، آن هم به‌صورت فرادا عبادت کنند؟ این حکم نه با واقعیت زندگی امروز سازگار

۱. إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ يُؤْمُ أَصْحَابُهُ فَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيُخَفِّفُ الصَّلَاةَ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۰).

۲. عن عائشة: كان صلى الله عليه و [آله و] سلم يصلي الصبح بغسل فتشهد معه نساء ملتفتات بمروطن ثم يرجعن إلى بيوتهن ما يعرفهن أحد من الغسل (محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۸، ص ۱۳۰).

۳. از جمله عطر نزدن در بین راه، باز بودن وجه و کفین، زود نماز خواندن و

است و نه با روح احکام اسلامی، به‌ویژه آنکه بزرگان و فقهایی همچون رهبر انقلاب تصریح کرده‌اند که فضیلت مسجد به مردان اختصاص ندارد و زن بودن هیچ‌گونه منع شرعی برای حضور در مسجد ایجاد نمی‌کند.^۱

پذیرفتنی نیست که زنان برای امور گوناگون مجاز به خروج از خانه باشند، اما در خصوص حضور در مسجد از چنین حقی محروم تلقی شوند. حتی اگر فرض شود که زنان اساساً برای هیچ فعالیتی از خانه خارج نمی‌شدند و نماز را نیز همواره در منزل به‌جا می‌آوردند، باز هم تبعیض در منع حضور آنان در مسجد، از منظر عدالت دینی، قابل دفاع نبود. اهل سنت نیز که با حضور زنان در مسجد مخالف بودند، اخیراً در مساجد، قسمتی را برای بانوان اختصاص می‌دهند.

از سوی دیگر، به دلیل سختی راه، گرما و سرما یا حتی دشواری‌های مربوط به پوشش، حضور زنان در مسجد منع نشده است. حتی در نگرانی‌های امنیتی ما مکلف به منع زنان نیستیم بلکه مکلف به برطرف کردن نگرانی و مانع هستیم.

بنابراین آنچه نهی شده است توقف حائض و جنب در مسجد است. از این روی هر زن جنب و حائضی می‌تواند در حال عبور از فضای روح‌بخش و معنوی مسجد استفاده کند. حتی کوتاهی و بلندی مسیر و زمان حضور مطرح نشده است، لذا اگر وقت شلوغی که عبور از مسجد زمان‌بر است زن به مسجد برود اشکالی ندارد.

۱. آیا زن‌ها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟ پاسخ: فضیلت خواندن نماز در مسجد مختص مردان نیست (سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۸۵، مسئله ۳۹۱).

مستندات حضور زنان در مسجد

حقایق زیر بیانگر حضور زنان در مسجد است:

۱. اگر زنان برای حضور در مسجد اجازه خواستند، مردان مأمور به اجازه دادن بوده و مانع نشوند.^۱
۲. گر چه زنان حائض از نماز معافاند، اما از زیارت مسجد محروم نیستند و در حال عبور می‌توانند مسجد را زیارت کنند.
۳. اتصال بین زنان و مردان شرط است و نباید فاصله باشد.
۴. حضور کودکان در مسجد از دیرباز امری شناخته‌شده، رایج و محبوب بوده است و بسیاری از آنان، همراه مادران خود به مسجد می‌آیند.
۵. همراه بودن شوهر و مرد محرم حتی در صورت امکان شرط نیست.
۶. همسر داشتن و بی‌همسری مانع حضور آنان نیست.
۷. زن و مرد فقط در مسجد همسان هستند، نه در کارخانه، مزرعه، دانشگاه و حتی در خانه همسرند نه همسان.
۸. در آیات و روایات، فضایل و آداب مسجد اختصاص به مردان ندارد.
۹. شرط پاک بودن از حیض هنگام ورود به مسجد، گواهی آشکار بر جواز حضور زنان است.
۱۰. شرط عبور حائض از مسجد.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ حُطُوطَهُنَّ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِذَا اسْتَأْذَنُوكُمْ (مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳).

۱۱. تساوی زنان و مردان در مسئله اعتکاف.
۱۲. بیان کیفیت صفوف زنانه و مردانه در مسجد.
۱۳. بیان چگونگی انجام اعمال نماز همانند رکوع و سجود.
۱۴. منع از رسیدن صدای زنان به مردان در مسجد.
۱۵. بیان آدابی نظیر عطر نزدن^۱ و عبور از کنار کوچه در مسیر مسجد.^۲

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ طَيَّبَتْ مِنَ النِّسَاءِ فَلَا تَخْرُجُ وَلَا تَشْهَدُ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۲۳).

۲. عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَمْشِيَ وَسَطَ الطَّرِيقِ وَ لَكِنْ تَمْشِي فِي جَانِبَيْهِ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۸)؛ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ وَهُوَ خَارِجٌ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَاخْتَلَطَ الرِّجَالُ مَعَ النِّسَاءِ فِي الطَّرِيقِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِلنِّسَاءِ: «اسْتَأْخِرْنَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكُنَّ أَنْ تَحْقُقْنَ الطَّرِيقَ عَلَيْكُنَّ بِحَافَاتِ الطَّرِيقِ» قَالَ: فَكَانَتِ الْمَرْأَةُ تَلْصُقُ بِالْجِدَارِ، حَتَّى إِنْ ثَوَّبَهَا لِيَتَعَلَّقَ بِالْجِدَارِ مِنْ لُصُوقِهَا بِهِ (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۶).

آداب و شرایط حضور زنان

در نظام اسلامی، زن در حصار ارزشمند حجاب جایگاهی والا دارد و حضور اجتماعی او بر پایه کرامت و وقار سامان می‌یابد. با این حال، مسجد همواره عرصه‌ای بوده است که زن می‌توانسته بی‌هیچ قید و شرطی در آن حضور یابد و نقش دینی و سیاسی خود را ایفا کند؛ اما پس از رحلت رسول خدا ﷺ، بنا به ملاحظات و انگیزه‌های سیاسی، محدودیت‌هایی پدید آوردند که عملاً راه حضور آزادانه زنان در مسجد را نه تنها دشوار ساخته بلکه ممنوع و حرام کردند و آنان را از مشارکت طبیعی و اصیل خود در این فضای عبادی و اجتماعی بازداشت.

وظایف خانواده و اجتماع برای حضور زنان در مسجد

۱. در انتخاب محل سکونت و زندگی، نزدیک بودن مسجد برای زنان در نظر گرفته شود.
۲. نگرانی و دلوپسی زنان در بین راه و در مسجد مرتفع شود. اگر مزاحمتی برای زنان است، زنان را محروم نکنیم، بلکه مزاحمت را برطرف نماییم.
۳. تسهیل حضور آنان در مسجد شامل اقداماتی همچون فراهم کردن وسیله نقلیه مناسب، همراهی در مسیر رفت‌وآمد، ایجاد فرصت کافی برای حضور در مسجد، یاری در نگهداری کودکان و در موارد لازم، ماندن شوهران در خانه و رفتن زنان به مسجد است.

۴. تشویق و ترغیب دختران و زنان و همراهی آنان برای حضور در مسجد.

وظایف مسئولان مسجد

الف) امور رفاهی

۱. میزان امکانات و تجهیزات قسمت زنان مثل فضا، فرش و نور کمتر و پایین تر از قسمت مردان نبوده، بلکه بهتر باشد.
۲. دسترسی زنان به قسمت زنانه مسجد آسان و آب و سرویس بهداشتی نیز به آنان نزدیک باشد.
۳. به جای درِ فرعی، یکی از درهای اصلی مسجد به ورود و خروج زنان اختصاص یابد.
۴. جایگاهشان در مسجد ترسناک، فرعی و جدا نباشد.
۵. از زنان بهتر و زودتر پذیرایی شود.^۱
۶. مساجد به گونه‌ای باشد که زنان در حاشیه نباشند.
۷. در زیر بالکن یا زاویه یا زیرزمین قرار نگیرند.
۸. اگر مسجد دارای دو شبستان است، اختصاص یکی از شبستان‌ها به مردان و دیگری به زنان بهتر است.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ دَخَلَ الشُّوقَ فَأَشْتَرَى تَحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لَيْبِدًا بِالْإِنْتَابِ قَبْلَ الذُّكُورِ فَإِنَّ مَنْ فَرَحَ ابْنَتُهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۴).

خلاصه آنکه اگر ما بانوان را به حاشیه نرانیم، خانواده و زن آسیب نمی‌بینند.

(ب) امور فرهنگی

۱. به نقش و آثار حضور زنان در مسجد توجه داشته باشیم.
۲. در سخنرانی‌ها و برنامه‌های مسجد، به اهمیت نقش زنان توجه داشته و آنان را نیز مورد خطاب قرار دهیم.
۳. زمینه‌ها و شرایط خدمت زنان به مسجد را فراهم نموده^۱ و خدمات آنان را پاس بداریم و از آنان تشکر و قدردانی کنیم.
۴. به سختی‌های حضور آنان نظیر به همراه داشتن کودکان و یا حامله بودن آنان توجه داشته باشیم و میزان و نوع توقعات خود از آنان را بر این اساس تنظیم کنیم.
۵. پرده میان زنان و مردان فاصله اجتماعی ایجاد می‌کند و زنان احساس می‌کنند، فرع و تابع یا جدا هستند.
۶. در زمان رسول خدا ﷺ وجود پرده و حایل میان مردان و زنان گزارش نشده است، و بدون پرده هم نماز باطل نیست. از سوی دیگر عدم وجود پرده تأثیرات فراوان داشته و وجود پرده میان زنان و مردان آسیب‌هایی همچون سروصدا، بی‌نظمی و در حاشیه قرار گرفتن زنان را به همراه دارد، به‌خصوص آنکه در زیر یا بالکن باشند.^۲

۱. مسجد نیاز به زینت و نظم بخشی دارد و زنان در این امور از مردان توانمندتر و موفق‌ترند.

۲. متأسفانه امروزه فقط زنان در مسجد پشت پرده‌اند و در جاهای دیگر حائل و پرده‌ای نیست.

۷. دیدن زن و مرد در مسجد، هرگز پیامدی ناهنجار و آسیب‌زا نداشته که بتواند موجب فاصله‌گیری یا جدایی آنان شود.

۸. حضور زن و مرد با هم در مسجد در تربیت مؤثرتر است.

۹. برخی فقها پرده و وسایلی از این دست را -چه در بخش مردان و چه در بخش زنان- مانعی برای اتصال صفوف می‌دانند و در این حکم، تفاوتی میان اتصال صفوف مردان و زنان قائل نشده‌اند.

۱۰. قسمت زنانه را در سمت چپ یا راست مردان قرار دهیم تا هنگام تشکیل صفوف نیاز به صف‌های تک نفره نباشد. با این چینش، صفوف کامل‌تر بسته می‌شود و پیوستگی نماز جماعت نیز دچار خلل نمی‌گردد.

ج) آداب حضور زنان در مسجد

اول. زمان حضور

۱. دیرتر از مردان به مسجد بیایند و زودتر از آنان به منزل بازگردند و به ضرورت حضور در مسجد بسنده است.

۲. اگر نمی‌توانند سه وعده به مسجد بیایند، صبح و شب را انتخاب کنند.

دوم. در مسیر

۱. خود را معطر و خوشبو نکنند.^۱

۱. البته استفاده از عطر و بوی خوش در مسجد اشکال ندارد.

۲. حجاب کامل داشته باشند و اسباب جلب توجه نامحرمان را فراهم نکنند.^۱

۳. در مسیر از وسط کوچه و خیابان راه نروند.

۴. فقط برای مسجد از خانه خارج شوند و سایر امور را در راه مسجد انجام دهند، چراکه بهتر است زن برای غیر مسجد از خانه خارج نشود.

۵. در خانه وضو بگیرد.

۶. حرکت او به گونه‌ای باشد که کسی متعرض او نشود.

۷. پوشش او متعارف باشد نه شاخص.^۲

سوم. در مسجد

۱. مراقب کودکان خود باشند.

۲. صدایشان به مردان نرسد.

۳. در اداره مسجد مشارکت داشته باشند.

۴. اگر حائل و پرده‌ای بین آنان و مردان نیست، قبل از مردان به سجده بروند و بعد از مردان سر از سجده بردارند.^۳

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۵۹).

۲. لباس تنگ و کوتاه و جلوه‌گر نباشد.

۳. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... ثُمَّ أَمَرَ عَالِيَهُنَّ النَّسَاءَ أَنْ لَا يَرْقَعْنَ زُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ حَتَّى يَرْفَعَ الرَّجَالُ زُءُوسَهُمْ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا مِنْ صَعَرٍ إِزَارِهِمْ إِذَا رَكَعُوا وَ سَجَدُوا بَدَتْ عَوْرَتُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ ثُمَّ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ أَنْ لَا تَرْفَعَ النَّسَاءُ زُءُوسَهُنَّ مِنَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ حَتَّى تَرْفَعَ الرَّجَالُ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۹۳-۹۴).

۵. در بین راه مسجد معطر نباشد، ولی داخل مسجد، اگر مفسده‌ای نداشته باشد، مصرف عطر و شانه زدن و همانند آن منعی ندارد.^۱
۶. نظافت و پذیرایی در قسمت بانوان را خانم‌ها عهده‌دار شوند.

نتیجه آنکه اگر زنان مثل مردان از فضایل و برکات مسجد استفاده کنند، دلی گرم و آینده‌ای روشن خواهیم داشت و گرنه همچنان در اضطراب، اختلاف و سستی به سر خواهیم برد.

چهارم. فواید و آثار رفت و آمد زنان در مسجد

حضور زنان در مسجد محجوریت، کناره گیری بی‌مورد و مطرح شدن‌های بی‌دلیل را تعادل می‌بخشد.

۱. اگر بانوان را در مسجد احترام کنیم به مراکز دیگر رغبتی ندارند.
۲. زنان مسجدی شاداب تر و همسررداری بهتری دارند.
۳. اگر در مسجد که مقدس است، جمع شوند در مراکز دیگر که مقدس نیست، اجتماع نمی‌کنند و آسیب نمی‌بینند.
۴. رفت و آمد بانوان به مسجد در زمان حاملگی تا شیردهی و پس از آن تأثیر فراوانی در تربیت فرزند دارد.
۵. حضور زنان در مسجد خلأها و چالش‌ها را کمتر می‌کند.
۶. اگر بانوان نقش بیشتری داشته باشند، فرصت خیابان‌گردی و مفاسد آن کمتر خواهد بود.

۱. روایات ثواب عطر زدن، شامل بانوان هم می‌شود مگر آنکه به گونه‌ای باشد که نامحرم آن را استشمام کند.

۷. تجلیل و احترام از بانوان محجبه در مسجد، در کاهش بدحجابی تأثیر بسزایی دارد.
۸. اگر مسجد را محل انتخاب همسر و همسریابی را در مسجد رواج دهیم، ازدواج پایدارتر می‌شود.^۱
۹. باعث تقویت اراده در مردان و تشویق آنان به حضور بهتر در مسجد می‌شود.
۱۰. فرزندان چنین مادری، اهالی شهر و منطقه را مسجدی می‌کنند.
۱۱. اگر نقش‌آفرینی بانوان در مسجد جدی و مؤثر باشد، فضای مسجد جان تازه‌ای می‌گیرد و رونق و تحول و تمدن آن چند برابر می‌شود.

۱. چنانکه پیش‌تر بیان شد منظور از رواج همسریابی در مسجد، معرفی و انتخاب همسر درون جامعه مسجدی و میان اهل مسجد است، نه آنکه ارگان و افرادی مسجد را ابزار همسریابی قرار دهند.

فصل هشتم

کودک و مسجد

حضور کودکان در مسجد

اسلام برای خانواده‌ای که فرزندانی خدمت‌گزار و آبادکننده مسجد تربیت می‌کند برکت و جایگاهی ویژه قائل است. توجه چنین پدر و مادری، نه تنها پیش از پیدایش جنین بلکه از همان لحظه انتخاب همسر پایه‌گذاری می‌گردد، زیرا بنیان نسل صالح و خدمت‌گزار مسجد، از گزینش همسر شایسته آغاز می‌شود.

به همین خاطر وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام از امتحانات الهی پیروز درآمد و مفتخر به خادمی مسجد شد، بلافاصله از خدا خواست که این امتیاز شامل فرزندان نیز شود «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱.
بر این اساس:

اوج فضیلت خدمتگزاری مسجد تا آنجاست که یکی از حکمت‌های ازدواج و فرزند آوری، پدید آوردن نسل‌هایی است که خادم مسجد و زائر خانه خدا باشند؛ چنان‌که می‌توان گفت یکی از برجسته‌ترین الگوهای فرزند آوری در منطق وحی، پرورش نسلی برای پاسداری از مسجد است.

به همین دلیل، حضرت ابراهیم علیه السلام (پس از ساخت کعبه) از خداوند خواست تا در نسل او فرزندی خدمت‌گزار مسجد باشند: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱. این درخواست تنها به فرزندان متولد شده مربوط نمی‌شود، بلکه شامل اهداف ازدواج و جنین در رحم مادر و قبل از آن می‌شود، چنان‌که مادر حضرت مریم علیها السلام نذر کرد: «رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا»؛^۲ یعنی فرزندم را از ابتدا آزاد و وقف خدمت خانه خدا می‌کنم. این نذر، روشن‌ترین نمونه از «مُحَرَّر» و خادم مسجد است.

بر پایه این سنت الهی، از جنین نذر شده برای خدمت مسجد تا سال‌خورده‌ترین افراد، همگی حق حضور در مسجد دارند و هیچ‌کس مجاز نیست بدون دلیل شرعی مانع ورود آنان به خانه خدا شود.

این سنت نشان می‌دهد کسانی که از کودکی در خدمت مسجد بوده‌اند، در پایان عمر نیز در جوار خانه خدا آرام می‌گیرند؛ گویی زندگی آنان از آغاز تا انجام به مسجد پیوند خورده و خدمت به آن، هویت و افتخار همیشگی‌شان بوده است.

۱. سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نشانگر توجه به کودکان در مسجد است:

(الف) هیچ نشانه‌ای از محدودیت گذاری برای کودکان وجود نداشته؛ نه مزاحم تلقی شده و نه حذف و اخراج می‌شده‌اند، بلکه کاملاً معمول و مستمر بوده است.

۱. همان.

۲. آل عمران: ۳۵.

ب) همراه بودن نوزادان با مادران در مسجدالنبی ﷺ.

ج) اختصار نماز جماعت پیامبر ﷺ به دلیل گریه کودک؛ و توجه پیامبر ﷺ به مادران بچه‌دار در مسجد.^۱

۲. از ارکان مهم تربیت، فضای مناسب (مسجد) است؛ چراکه کودک حتی زمانی که در رحم مادر است؛ در حال تأثیرپذیری از محیط پیرامون خود است چه رسد بعد از تولد. از این رو مادران باردار نباید در هر محیط و شرایطی حاضر شوند^۲ و بهتر است زمینه حضور مادران را در مسجد فراهم آوریم.

۳. اگر مانع حضور کودکان به‌ویژه شیرخوارگان در مساجد شویم، ناخواسته از حضور مادران در مساجد جلوگیری کرده‌ایم و در نتیجه جمع‌کثیری از بانوان را از مسجد بازداشته‌ایم و این با اهداف اسلام هماهنگی ندارد.

۴. کودکان و نوجوانان هدف دشمنان بوده و هستند. با فراهم آوردن زمینه‌های حضور آنان در مسجد، دشمنان را مأیوس و فرزندان را یاری و بیمه کنیم.

۱. إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ يَوْمٌ أَصْحَابُهُ فَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيَخَفُّ الصَّلَاةَ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۰).

۲. با آنکه به توصیه‌های پزشکی درباره مراقبت‌های دوران بارداری (از پرهیز از هر نوع دارو و غذای نامناسب، دوری از شرایط آسیب‌زا مانند اشعه‌های تصویربرداری گرفته تا محدود کردن ارتباط با افراد نامطلوب) به‌دقت پایبندیم، اما هنگامی که نوبت به امور تربیتی، معنوی و ضرورت حضور در محیط‌های سالم و اثرگذار معنوی همچون مسجد می‌رسد، دچار غفلت و بی‌تفاوتی می‌شویم. این در حالی است که نیازهای روانی و معنوی جنین و مادر، همانند نیازهای جسمی، نقش تعیین‌کننده در آینده فرزند دارند و نباید از آن غافل بود.

۵. خاطرات خوش دوران کودکی، گرایش‌ها و انتخاب‌های جوانی را رقم می‌زند. نتیجه آنکه با استقبال از کودکان و نوجوانان در مسجد، خاطرات خوشی در ذهن آنان ترسیم کنیم.

۶. همراه بردن کودک به مسجد از ساده‌ترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیت دینی است؛ زیرا حضور در جمع مؤمنان به او آرامش و دلگرمی می‌دهد و وقتی این حضور با تشویق و الگوگیری از والدین همراه شود، اثر تربیتی آن چند برابر می‌گردد.

۷. کودکان را در مسجد مخاطب قرار دهیم تا احساس بزرگی کرده و خود را حاشیه و تابع ندانند.

۸. کودکان و نوجوانان حتی در حال بازی تأثیر می‌پذیرند. لذا حضور آنان در مسجد لزوماً به معنای آرام بودن و عبادت آنان نیست.

۹. کودکان، غیرمستقیم و به تدریج با نماز و احکام جماعت و آداب اجتماعی آشنا می‌شوند.

۱۰. مهدکودک و مدرسه نمی‌توانند خلأ مسجد را پر کنند.

۱۱. آینده نیک و روشن کودکان در گرو پیوند امروز آنان با مسجد است.

وظایف بزرگ‌ترها در برابر کودکان

الف) باورها

۱. کودکان امروز، پدرها و مادرها و از مسئولین آینده جامعه‌اند.
۲. آینده کودکان مسجدی، درخشان‌تر است.
۳. همان‌گونه که به فکر غذا، پوشاک و آینده فرزندانمان هستیم، باید به فکر تربیت و تدبیر آنها هم باشیم و این در مسجد در دسترس و در غیر مسجد مشکل است.^۱
۴. تربیت فرزندانمان بهتر از تربیت خودمان باشد، نه مثل خودمان یا بدتر از خودمان.
۵. مدرسه، خانه و سایر مراکز تربیتی کودکان خلأ مسجد را پر نمی‌کنند. مسجد آثار تربیتی منحصر به فرد، کامل و عمیقی بر کودکان می‌گذارد.
۶. حضور کودکان در مسجد میل به منکرات را در آنان کاهش می‌دهد و در نتیجه امنیت اخلاقی و روانی در خانه و جامعه افزایش می‌یابد.
۷. بازی کردن کودکان در مسجد مقابل چشم پدر یا مادر، بهتر از آن است که دور از نظارت آنان باشند.
۸. اگر امروز کودکان را با فضای نورانی مسجد آشنا نکنیم، هیچ اطمینانی نیست که در آینده در مسیر صحیح تربیت دینی و اخلاقی قرار

۱. قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): عَجَبٌ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَجَنَّبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُؤَدِّعُ صَدْرَهُ مَا يُزَكِّيهِ (قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۱۴۴).

گیرند؛ زیرا مسجد از امن‌ترین و مؤثرترین بستر شکل‌گیری هویت و تربیت نسل نو است.

۹. در شرایطی که رفاه، تغذیه‌های متنوع و سرگرمی‌های دیجیتال، ذهن و اندیشه همه را به خود مشغول کرده، نیاز به یک «فضای حقیقی سالم» بیش از همیشه احساس می‌شود. مسجد در برابر هجوم بی‌حد و حصر فضای مجازی، بی‌بدیل است. مهم‌تر آنکه اگر مسجد تنها همین نقش را داشته باشد، برای ضرورت مسجد کفایت می‌کند.

۱۰. در روزگاری که رسانه‌ها می‌کوشند فرزندان ما را در تنهایی شکار کنند و با انواع ابزارهای صوتی و تصویری ذهن و دل آنان را به‌سوی خود بکشانند، مسجد نقشی بی‌بدیل برای تجمع جوانان و نفوذ ناپذیری و صیانت فطرت پاک آنان ایفا می‌کند.

۱۱. برای کودکی که بیشتر وقتش را با گوشی همراه و رایانه می‌گذراند و عمرش را ناخواسته هدر می‌دهد، مسجد بهترین پناهگاه تربیتی است؛ فضایی که او را از تنهایی رسانه‌ای بیرون می‌آورد، با دوستان سالم پیوند و رشد می‌دهد و در برابر جاذبه‌های مخرب فضای مجازی، او را رشد یافته، مقاوم و متعادل می‌سازد.

۱۲. بچه‌های مسجدی بهترین «باقیات‌الصالحات» ما هستند؛ سرمایه‌هایی ماندگار که در حیات ما کمک‌کار و معین و پس از ما نیز یادمان را زنده نگه می‌دارند و برایمان دعا می‌کنند چون در هیچ مکانی مثل مسجد به یاد والدین نیستند.

۱۳. ارزشمندترین میراثی که می‌توان برای فرزندان بر جای گذاشت، ادب است؛^۱ و ادب کودکی که در مسجد پرورش می‌یابد، با دیگران تفاوت آشکار دارد، زیرا مسجد مدرسهٔ ادب، وقار و تربیت الهی است.

۱۴. کودکان مسجدی امروز، در بزرگسالی با محبت و وفاداری از ما یاد خواهند کرد؛ دعای خیرشان - چه در زمان حیات و چه پس از مرگ ما - دریچه‌ای از رحمت الهی را به‌سوی ما می‌گشاید.

۱۵. اگر کودکان را جذب مسجد نکنیم، دیگران آنان را جذب می‌کنند و ما با مشکلات جدی روبه‌رو خواهیم شد.

۱۶. اگر به خاطر اعمال سلاقی شخصی، برخی کارگزاران مسجد، مانع حضور یا ایجاد زحمت برای کودکان می‌شوند، بدانیم در نهایت خودمان زیان می‌کنیم؛ زیرا مسجد، سالم‌ترین و بهترین محیط برای رشد معنوی و اجتماعی کودک است.^۲

۱۷. اگر ما فرزندان خود را مسجدی تربیت کنیم، ما را در سنین پیری رها نخواهند کرد و بهترین کمک‌کار و پرستار ما خواهند بود.^۳

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَثَ الْإِبْنَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا أَمْوَالٌ فَإِنَّ أَمْوَالَ يَدْهَبُ وَ الْأَدَبُ يَبْقَى (علامه مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول عليه السلام، ج ۲۵، ص ۳۶۹).

۲. در برخی مساجد این متن جلب توجه می‌کند که:

«اگر داخل مسجد، صدای بچه‌ها را نمی‌شنوید، از نسل‌های آینده بترسید و برحذر باشید. بچه‌ای که به خاطر اذیت کردن از مسجد بیرون می‌اندازید، همان کسی است که در آینده از او خواهش می‌کنید که به مسجد بیاید؛ پس بر اذیت کردنشان صبر کنید و با صبر و مدارا تعلیمشان بدهید».

۳. فرزندان غیر مسجدی کمتر متعهد و مسئولیت‌پذیرند، چرا که کسی که در مقابل خداوند مسئولیت نمی‌پذیرد، در قبال پدر و مادر نیز قهراً مسئولیت‌پذیر نخواهد بود.

(ب) راهکارها

۱. بعضی فروشگاه‌ها برای جذب مشتری بیشتر، اسباب‌بازی کودکان تهیه کرده و داخل فروشگاه می‌گذارند. در مسجد هم برای جذب کودکان مشوق‌هایی - همچون تنقلات و ابزارهای کمک آموزشی - که ماهیت مسجد را تغییر ندهد، آماده کنیم.^۱
۲. هر مرتبه که مسجد می‌روند، مورد تشویق و ترغیب قرار گیرند.
۳. در صورت لزوم، خودمان به خاطر آنان به مسجد برویم.
۴. از اینکه با ما همراه شده‌اند، تقدیر و تشکر کنیم.
۵. بدون مزاحمت رفتار آنان را زیر نظر داشته باشیم.
۶. کودکان را با خود به مسجد ببریم، اما با توجه به ظرفیتشان، زیاد در مسجد نگه نداریم؛ زیرا حوصله آنان مانند بزرگسالان نیست.
۷. در رفت یا برگشت هدیه‌ای برای آنان خریداری کنیم.
۸. مسئولیت انتظامات کودکان را به افراد میان‌سال، صبور و خوش‌اخلاق بسپاریم.
۹. به کودکان مسئولیت بدهیم و آنان را در انجام کارهای مسجد شریک و سهیم کنیم.
۱۰. کودک را از جایی که در مسجد برای خود انتخاب کرده، بلند نکنیم؛ چون جای او غصب محسوب می‌شود و نماز و نشستن در آن اشکال دارد.

۱. مسجد امام حسن عسکری علیه السلام قم، نقاشی خام با تصاویر مذهبی در اختیار کودکان قرار می‌دهد تا انگیزه آنان را برای حضور در مسجد بیشتر کرده و شلوغی را مدیریت کنند.

۱۱. دختر بچه‌ها را بیش از پسر بچه‌ها مورد توجه و محبت قرار دهیم؛ چرا که دختران عاطفی‌تر و موثرتر از پسران هستند.
۱۲. در پذیرایی، کودکان را مقدم بداریم.
۱۳. برای کودکان مسجدی نذر و وقف خاص داشته باشیم.^۱
۱۴. هنگام برپایی نماز جماعت، کودکان را بین بزرگ‌ترها در صفوف - حتی صف اول - قرار دهیم و آنان را به عقب نرانیم که علاوه بر کنترل آن‌ها، احساس خودباوری و بزرگی را در آنان شکوفا می‌کند.
۱۵. اگر کودکان بدون همراهی والدین به مسجد آمده‌اند، به آن‌ها احترام بگذاریم و مراقب باشیم تا رفتاری که موجب تحقیر آنان باشد، انجام ندهیم.
۱۶. کودکان بی‌سرپرست را با امام مسجد معرفی و آشنا کنیم تا امام توجه ویژه‌ای به آن‌ها داشته باشد.
۱۷. برای جذب کودکان به مسجد از آنان پذیرایی کنیم.
۱۸. کلاس آموزشی برای کودکان خوشایند نیست. پس برای آنان کلاس آموزشی نگذاریم و بیشتر با آنان معاشرت و گفتگو کنیم.
۱۹. اگر کودکان خطایی کردند، چشم‌پوشی کنیم و اگر با آنان برخورد تندی شد، جبران کنیم، نه اینکه آنان را سرزنش کنیم.

۱. در استهبان رسم است درختان انجیر، بادام یا انگور را وقف برای کودکان مسجد می‌کنند و خادمان مسجد محصول این درخت‌ها را میان بچه‌ها پخش می‌کنند. همین رفتار ساده و صمیمی سبب شده که اهل مسجد، تربیت شوند.

۲۰. امتیازات کودکان بر اساس حضور باشد، نه خلاقیت و هوش و حافظه تا عده‌ای دل‌زده نشوند.

آداب حضور کودکان

۱. حضور در مسجد مختص تابستان و تعطیلی‌ها نباشد، بلکه پیوسته با مسجد ارتباط داشته باشند.

۲. تمام اوقات را صرف تکالیف مدرسه، تماشای تلویزیون، بازی و سرگرمی نکنند، بلکه بخشی از اوقات خوب خود را به حضور در مسجد اختصاص دهند.

۳. بهتر است با پدر و مادر و بزرگ‌ترها به مسجد بروند.

۴. آداب حضور در مسجد را فراگرفته و مراعات کنند.

۵. با بهتر از خود به مسجد بروند و از رفتن با افرادی که ارزش آنان را کم می‌کنند، بپرهیزند.

۶. بدانند که مهمان خدا و محبوب او هستند و خدا آن‌ها را بیشتر دوست دارد.

۷. با امام مسجد دیدار و خود را به ایشان معرفی کنند.

۸. به پدر و مادر و کسانی که به احترام او به مسجد می‌آیند، تشکر کرده و احترام بگذارند.

۹. دوستان خود را در مسجد پیدا کنند؛ چراکه دوستان مسجدی از دوستان مدرسه و محله و پارک در مقاومت و از خودگذشتگی بهترند.
۱۰. با افرادِ بهتر از خود در دوستی و رفاقت پیشگام باشند.
۱۱. همیارِ خادم مسجد باشند و با وی همکاری کنند.
۱۲. بدانند که تذکرات دیگران اغلب خیرخواهانه است و قصد آزار و اذیت آنان را ندارند.^۱
۱۳. هنگام قرار گرفتن در صفوف نماز جماعت، به نمازگزارانی که جلو و پشت سر آنها قرار دارند، احترام بگذارند.
۱۴. هنگام نماز کنار بزرگ‌ترها بایستند.
۱۵. اگر تصمیم بر انجام کاری در مسجد دارند، با امام مسجد مشورت کنند.
۱۶. اگر کسل و خسته هستند، زیاد در مسجد نمانند.

۱. بعضی بزرگ‌ترها در کودکی اشتباهاتی داشته‌اند و نمی‌خواهند کودکان بدان‌ها مبتلا شوند، لذا شدیداً با آنان برخورد می‌کنند.

فصل نهم

حضور بزرگ سالان در مسجد

مسجد با اولویت بزرگ سالان

مسجد خانه همه مردم است و هر کس بهتر و بیشتر خدمت کند و یا بیشتر از آن بهره‌مند بشود، مصداق «رِجَالٌ يُجْبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا»^۱ شناخته می‌شود. مسجد، نه کودکستان است، نه باشگاه جوانان و آسایشگاه سالمندان؛ بلکه مسجد «وُضِعَ لِلنَّاسِ»^۲ و «قِيَاماً لِلنَّاسِ»^۳ است و بومی و غیر بومی در آن فرقی ندارد^۴ و هر فرد، با هر شخصیتی، به پیامبران الهی که جملگی خادم بوده‌اند، نمی‌رسد.

نکته قابل توجه آنکه هرچند جوان‌گرایی در مسجد رویکردی مثبت است، اما گاهی به بی‌احترامی نسبت به سالمندان می‌انجامد؛ مانند اینکه برخی جوانان می‌گویند «مساجد پر از پیرمردان بد اخلاق است». این نگاه از نظر دینی و روان‌شناختی نادرست است؛ زیرا احترام به بزرگان از اصول اخلاقی اسلام و پایه ارتباط سالم بین نسلی است. راه‌حل نیز در آموزش ارزش‌های بین نسلی، ایجاد نقش‌های واقعی برای جوانان در خدمت به

۱. توبه: ۱۰۸.

۲. آل عمران: ۹۶.

۳. مائده: ۹۷.

۴. «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» (حج: ۲۵).

مسجد و تقویت مهارت‌های ارتباطی میان نسل‌هاست تا مشارکت جوانان موجب هم‌افزایی شود، نه تحقیر و تنش.

افزون بر آنچه گفته شد توجه به چند نکته بایسته است:

۱. پیامبران عمتاً بعد از ۴۰ سالگی مبعوث شده‌اند.
۲. امام خمینی علیه السلام و مراجع تقلید بعد از گذراندن مراحل جوانی و اجتهاد به مرجعیت رسیدند.
۳. مسجدی که خالی از کهن‌سال باشد، کنترل آن سخت‌تر و در معرض افراط و تفریط است.
۴. در معارف اهل بیت علیهم السلام به حضور پیرمردان در مسجد و فضائل آن توجه ویژه شده است^۱
۵. جوانان نیاز به الگو دارند و معمولاً خود جوانان الگوی با تجربه و پیشکسوت انتخاب می‌کنند.
۶. اگر سالمندان با رفتار نیکو عمل کنند، می‌توانند مؤثرترین الگو و بهترین مروجان حضور جوانان در مسجد باشند.
۷. در میان همه اقشار و اصناف و هنرها و ورزش‌ها، هنگام برنامه‌ریزی برای جذب و دعوت جوانان، معمولاً از پیشکسوتان و جلوداران آن حوزه تجلیل می‌شود تا از این طریق، انگیزه و رغبت جوانان برای مشارکت و حضور تقویت گردد.

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَيُعَذِّبُ أَهْلَ الْأَرْضِ جَمِيعاً حَتَّى لَا يُحَاشِيَ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِذَا عَمِلُوا بِالْمَعَاصِي وَاجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّيْبِ نَاقِلِي أَقْدَامِهِمْ إِلَى الصَّلَوَاتِ... رَحِمَهُمْ فَأَخَّرَ ذَلِكَ عَنْهُمْ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۰).

۸. توهین به کهنسالان سبب افسردگی شده و به همین دلیل انگیزه‌ای برای تشویق جوانان به مسجد نخواهند داشت.
۹. با توجه به بیمه و بازنشستگی زودرس، فرصت میانسالان برای حضور در مسجد بهتر و بیشتر از جوانان است.
۱۰. متأسفانه برخی دستگاه‌های مسئول جوانان، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، جوانان را به سرگرمی‌هایی می‌کشاند که آن‌ها را از مسجد دور می‌کند. نتیجه این سیاست غفلت، از دست رفتن فرصت تربیتی و گسترش مشکلات روانی و اجتماعی در میان نسل جوان است.
۱۱. اگر سالمندان را از مسجد دور کنیم، مرتکب خطای بزرگی شده‌ایم؛ زیرا با این کار، یکی از با ارزش‌ترین منابع امید، آرامش و معنای زندگی را در آنان خاموش می‌کنیم.
۱۲. برخی رفتارهای ناپسند در فضای مسجد باعث می‌شود شماری از سالمندان به جای حضور در مسجد، به حسینیه‌ها و هیئت‌ها گرایش پیدا کنند؛ روندی که هم برای خود آنان پیامدهایی از جمله دور ماندن از نظارت و هدایت علمی عالمان دین دارد و به‌طور غیرمستقیم جایگاه مسجد را تضعیف می‌کند.
۱۳. معمولاً جوانان دوست دارند مسجد با حشمت و باشکوه باشد. لذا خود جوانان، کهنسالان مسجدی را در صدر قرار می‌دهند.
۱۴. بهترین جایگاه الگوگیری جوانان از کهنسالان، مسجد است.

۱۵. مسجد خانه همگان است و هیچ امتیازی برای افراد قائل نیست و هیچ کس نباید از آن کنار گذاشته شود. وسوسه‌ها نباید مانع حضور همه نسل‌ها در مسجد شود. حضور جوانان و سالمندان حیاتی است.

۱۶. حضور جوانان به معنای نادیده گرفتن تقدم سن و احترام به بزرگان نیست. عرف مساجد و سایر مجامع، چنین است که افراد مسن‌تر در صفوف جلوتر قرار گیرند، چنانچه در ترجیحات امامت جماعت، در صورت تساوی شرایط، فردی که مسن‌تر است، برای پیشوایی مقدم دانسته شده است.^۱

۱۷. باید جوانان، خدمتگزاران مسجد و کهن‌سالان بهره‌بردار باشند.

۱۸. در ادیان دیگر هم، افراد میان‌سال و سالمند معمولاً حضور پایدارتر و رغبت بیشتری به عبادتگاه نشان می‌دهند. کهن‌سالان مقاوم‌تر و منظم‌تر از جوانان‌اند.

۱۹. هر انسانی در آرزوی عاقبت‌به‌خیری است و خطاهای دوران جوانی نباید مانعی برای حضور کهن‌سالان در سرای هدایت باشد. امروز جمعیت بازنشستگان رو به افزایش است و مسجد برای آنان پناهگاهی آرام‌بخش و جذابیتی ویژه دارد. نباید آنان را از این ملجأ روحی دور ساخت. از این‌رو، وظیفه ماست که با تدبیر حکیمانه و برنامه‌ریزی دقیق، زمینه حضور مستمر و محترمانه بزرگ‌ترها را در مسجد فراهم کنیم تا مسیر عاقبت‌به‌خیری آنان هموارتر گردد.

۱. سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الْقَوْمِ مِنْ أَصْحَابِنَا - يَجْتَمِعُونَ فَتَحْضُرُ الصَّلَاةَ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَقَدَّمَ يَا فُلَانٌ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: يَتَقَدَّمُ الْقَوْمُ أَقْرَبُهُمْ لِلْقُرْآنِ - فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرُهُمْ سِنًا فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيُؤَمِّمُهُمْ أَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ وَأَفْقَهُمُ فِي الدِّينِ... (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۳۵).

فصل دهم

فضایل و آداب حضور در مسجد

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِجَبْرِئِيلَ عليه السلام: يَا جَبْرِئِيلُ أَيُّ الْبَقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قَالَ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلُهُمْ دُخُولاً وَ آخِرُهُمْ خُرُوجاً مِنْهَا.

پیامبر ﷺ به جبرئیل فرمود: «ای جبرئیل! کدام مکان نزد خداوند عزوجل محبوب‌تر است؟». گفت: مساجد، و دوست داشتنی‌ترین مسجدیان در پیشگاه خدا، کسی است که پیش از همه وارد می‌شود و پس از همه بیرون می‌رود.^۱

آداب ورود به مسجد

مسجد، خانه خدا و پناهگاه دل‌های پاک است؛ جایی که انسان در میان ازدحام و شتاب زندگی امروز، می‌تواند لحظه‌ای از هیاهوی دنیا فاصله بگیرد و در فضایی آرام، نورانی و الهام‌بخش، با پروردگار خویش به راز و نیاز بایستد. حضور در چنین مکان قدسی، نیازمند آمادگی روحی و ظاهری است تا شأن مسجد پاس داشته شود و حضور انسان، معنایی ژرف‌تر پیدا کند.

در سنت اسلامی، آداب ورود به مسجد تنها یک سلسله توصیه‌های رفتاری نیست، بلکه جلوه‌ای از ادب در برابر عظمت الهی و نشانه‌ای از درک انسان نسبت به حرمت این مکان مقدس است. پاکی بدن و لباس، نیت خالص، آرامش در گفتار و رفتار، پرهیز از هرگونه آلودگی، دوری از بی‌نظمی یا مزاحمت و آغاز ورود با ذکر نام خدا، از آدابی است که در منابع دینی مورد تأکید قرار گرفته است. رعایت این آداب، هم نشانه ایمان و تقوا و هم ابزاری برای رشد معنوی و تقویت پیوند انسان با خداوند است. از این‌رو، آداب ورود به مسجد صرفاً ظواهر دین‌داری نیست؛ بلکه بیانگر نگرشی عمیق به قداست مسجد و حضور آگاهانه در محضر الهی است؛ حضوری که با طهارت، خشوع و ادب همراه می‌شود و روح انسان را برای دریافت آرامش، صفا و تعالی آماده می‌سازد.

بر این اساس هنگام ورود به مسجد توجه داشته باشیم که:

۱. به خاطر لیاقت، به مسجد دعوت شده‌ایم و بدون دعوت و لیاقت زیارت خدا میسر نمی‌گردد.
۲. به درگاه ملک عظیم وارد شده‌ایم.^۱
۳. به نیابت از دیگران وارد شویم.
۴. محرومین از زیارت را دعا کنیم.

۱. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ فَأَعْلَمْ أَنَّكَ قَصَدْتَ بَابَ بَيْتِ مَلِكٍ عَظِيمٍ لَا يَطَأُ بِسَاطَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ وَلَا يُؤَذَّنُ بِمُجَالَسَةِ مَجْلِسِهِ إِلَّا الصَّادِقُونَ وَ هَبِ الْقُدُومَ إِلَى بِسَاطِ خِدْمَةِ الْمَلِكِ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳).

آداب هنگام ورود

چون مسجد از حضور ما خوشحال شده و با آغوشی گشوده از ما استقبال می‌کند^۱، شایسته است که ما نیز با آداب حضور وارد شویم؛ با طهارت ظاهر و آرامش باطن، با گامی متواضع و دلی متوجه، بی‌هیاهو و بی‌غفلت. ورود به مسجد تنها عبور از آستانه‌ای معماری نیست، بلکه قدم‌نهادن در حریمی قدسی است که ادب، سکوت سنجیده، توجه قلبی و یاد خدا را می‌طلبد؛ آدابی که روح مسجد را زنده نگه می‌دارد و انسان را برای گفت‌وگو با حق آماده می‌سازد.

۱. با وضو باشیم.

۲. یکی از نشانه‌های ادب عبودیت آن است که مؤمن پیش از فرارسیدن وقت نماز، خود را به مسجد برساند. اذان در حقیقت «اعلام حضور» و «دعوت رسمی» الهی است؛ اما بنده مشتاق، همواره پیش از صدور فرمان در میدان حاضر می‌شود. این پیشی گرفتن از فرمان، افزون بر آنکه ادب بندگی است، نشان‌دهنده شوق، آمادگی و حرمت نهادن به شعائر الهی است.

۳. زمانی که اذان طولانی‌تر است یا اقامه با فاصله برگزار می‌شود، شایسته است انسان زودتر از همه وارد مسجد شود و دیرتر از دیگران خارج گردد؛ چراکه چنین روحیه‌ای، روحیه «سابقون بالخیرات» است؛

۱. عن علی علیه السلام: إِنَّ الْمَسْجِدَ لَيَشْكُو الْخَرَابَ إِلَى رَبِّهِ وَ أَنَّهُ لَيَبْشُرُ بِالرَّجُلِ مِنْ عُمَّارِهِ إِذَا غَابَ عَنْهُ ثُمَّ قَدِمَ كَمَا يَبْشُرُ أَحَدُكُمْ بِغَائِبِهِ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ (نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۸).

پیشگامانی که خداوند آنان را ستوده است؛ و اگر کسی تنها هم‌زمان با اذان وارد شود، راه میانه پیموده و در زمره «مقتصدین»^۱ قرار می‌گیرد؛ هرچند به فضیلت سبقت نائل نمی‌گردد.

۴. بهتر است مؤمن پیش از زمان نماز وارد مسجد شود تا فضای بندگی را عمیق‌تر تجربه کند و در شمار پیشگامان طاعت قرار گیرد.

۵. پیش از فرارسیدن وقت نماز به مسجد وارد شویم تا رزق ما افزایش یابد.^۲

۶. از تأخیر بدون دلیل در ورود بهره‌زیم که ظلم و خلاف ادب است.^۳ اگر زود رسیدیم، درمسابقه برنده‌ایم و جزء «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»^۴ هستیم.

۷. شانه زدن و عطر از آداب است؛ بنابراین سر و صورتمان آشفته، ژولیده و نامناسب نباشد.

۸. از مصادیق زینت،^۵ پوشاندن عیب‌های جسمی، زخم‌ها، جراحات‌ها، مرض‌های پوستی و واگیردار و آنچه را که مردم از دیدن آن مشمئز می‌شوند، است.

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السَّابِقُ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَبْلَ الْأَذَانِ وَ الْمُقْتَصِدُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْأَذَانِ وَ الظَّالِمُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْإِقَامَةِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴).

۲. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... أَفْوَى الْأَسْبَابِ الْجَالِيَةِ لِلرِّزْقِ ... وَ حُضُورُ الْمَسْجِدِ قَبْلَ الْأَذَانِ ... (علامه مجلسی، بحار الانوار ج ۷۳، ص ۳۱۸-۳۱۹).

۳. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السَّابِقُ مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَبْلَ الْأَذَانِ وَ الْمُقْتَصِدُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْأَذَانِ وَ الظَّالِمُ مَنْ دَخَلَهُ بَعْدَ الْإِقَامَةِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴).

۴. واقعه: ۱۰.

۵. «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۳۱).

۹. دهان و بدن ما بوی آزاردهنده ندهد.^۱
۱۰. لباسمان تمیز و معطر باشد.^۲
۱۱. بهترین لباسمان را به تن داشته باشیم. سزاوار است اولین مرتبه که لباس نو به تن می‌کنیم برای حضور در مسجد باشد.^۳
۱۲. اگر بدن و اندام ما نامتناسب و خارق‌العاده است، سعی کنیم آن را مخفی کنیم یا بپوشانیم تا باعث رنجش دیگران نشویم.

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الثُّومِ فَقَالَ: إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهُ لِرِيحِهِ فَقَالَ مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الثُّبُلَةَ الْمُتَنَبِّئَةَ فَلَا يَقْرُبَ مَسْجِدَنَا فَأَمَّا مَنْ أَكَلَهُ وَ لَمْ يَأْتِ الْمَسْجِدَ فَلَا بَأْسَ (شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۱۹).

۲. عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرُ مُتَعَطِّرٍ (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۴۰).

۳. (۱) امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ برای حضور در مسجد بهترین لباس خویش را می‌پوشید. وقتی دلیل آن را از ایشان پرسیدند فرمود: أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَ هُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْمَلَ ثِيَابِي (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۵۵).

(۲) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اسْتَقْبَلَهُ مَوْلَى لَهُ فِي لَيْلَةٍ بَارِدَةٍ وَ عَلَيْهِ جُبَّةٌ خَرٌّ وَ مِطْرَفٌ خَرٌّ وَ عِمَامَةٌ خَرٌّ وَ هُوَ مُتَغَلِّفٌ بِالْغَالِيَةِ فَقَالَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْهَيْئَةِ إِلَى أَيْنَ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِلَى مَسْجِدٍ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَحْطَبُ الْحُورِ الْعَيْنِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۱۷).

(۳) در رساله توضیح المسائل مراجع تقلید ذکر شده است که یکی از مستحبات ورود و حضور در مسجد، پوشیدن لباس پاکیزه، فاخر و قیمتی است (سید محمد حسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، مسئله ۹۱۲).

(۴) هر وقت لباس نو خریدیم اولین مرتبه برای حضور در مسجد آن را بپوشیم چنانچه امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای پوشیدن لباس نو در اولین مرتبه می‌فرماید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَهٍ أَسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَ أَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۵۸-۴۵۹).

۱۳. با خضوع و خشوع وارد شویم.^۱

۱۴. قدری درنگ و تأمل کنیم^۲ و سپس وارد شویم. بعضی مساجد قدیمی قبل از در ورودی، تخت گاهی وجود داشت تا قبل از ورود استراحت کنند یا از وسیله نقلیه پیاده شوند تا سواره یا در حال خستگی وارد مسجد نشوند.

۱۵. اجازه ورود خواسته و اذن دخول (و دعاهای ورود به مسجد را) بخوانیم.^۳

۱۶. با وقار و آرامش وارد شویم^۴ نه با عجله و اضطراب.

۱۷. در صورت ضرورت کفش‌هایمان را در کیسه‌ای قرار دهیم.

۱. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ... وَاعْتَرَفَ بِعَجْزِكَ وَتَقْصِيرِكَ وَفَقْرِكَ بَيْنَ يَدَيْهِ (منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعة، ص ۱۳۰-۱۳۱).

۲. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ فَأَعْلَمْ أَنَّكَ قَدْ قَصَدْتَ بَابَ مَلِكٍ عَظِيمٍ لَا يَطَأُ بِسَاطِئِهِ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعة، ص ۱۳۰).

۳. مانند این دعاها: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» (شیخ مفید، المقنعة، ص ۴۰۰)؛ أَلَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ... وَكَانَ إِذَا بَلَغَ بَابَ الْمَسْجِدِ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ يَقُولُ إِلَهِي صَيِّفَكَ بِبَابِكَ يَا مُحْسِنٌ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ فَتَجَاوَزْ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدِي بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمُ (ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب (ع)، ج ۴، ص ۱۴).

۴. سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَسْبَغَ وُضُوْءَهُ فِي بَيْتِهِ وَتَطَيَّبَ ثُمَّ مَشَى مِنْ بَيْتِهِ غَيْرَ مُسْتَعِجِلٍ وَعَلَيْهِ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ إِلَى مُصَلَّاهُ رَغْبَةً فِي جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَرْفَعْ قَدَمًا وَ لَمْ يَضَعْ أُخْرَى إِلَّا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مُحِيتَ عَنْهُ سَيِّئَةٌ وَ رُفِعَتْ لَهُ دَرَجَةٌ (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۹۸).

شیخ صدوق می‌فرماید کسی که قصد ورود به مسجد را دارد، با آرامش و وقار وارد شود، چراکه مساجد خانه‌های خدا و از محبوب‌ترین مکان‌ها نزد خداوند است (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰).

۲۶. بدون سروصدا وارد شده و نظم مسجد را به هم نزنیم.
۲۷. کفش و جورابی داشته باشیم که پاهای ما را بدبو نکند و در صورت بروز چنین وضعیتی، نسبت به رفع آن اقدام کنیم.
۲۸. کفش‌های خود را بررسی کرده^۱ و در صورت امکان پاهای خود را بشوییم.
۲۹. کفش‌های دیگران را پایمال و لگدمال نکنیم.
۳۰. بدون کفش وارد مسجد شویم؛ چراکه مسجد از وادی مقدس، کمتر نیست چنانکه خداوند به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ».^۲
۳۱. چنانچه دیگران در حال اقامه نماز هستند، از سلام کردن به آنان خودداری کرده و به جای آن، به صورت آهسته به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و خویشتن سلام کنیم؛ اما اگر نماز آنان به پایان رسیده و آمادگی پاسخ‌گویی داشته باشند، سلام کردن به ایشان بلامانع است.^۳
۳۲. اگر مسجدی‌ها به ما سلام کردند، جواب سلامشان را بدهیم.^۴

۱. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: تَعَاهِدُوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۹).

۲. «فَلَمَّا آتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» (طه: ۱۱ و ۱۲).

۳. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ كُنْتُ أَسْمَعُ أَبِي يَقُولُ إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَ الْقَوْمُ يُصَلُّونَ فَلَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلِّمْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ أَقْبِلْ عَلَى صَلَاتِكَ وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى قَوْمٍ مُجْلُوسٍ يَتَحَدَّثُونَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۰-۲۷۱).

۴. عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَام: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ... وَ إِذَا سَلِّمْ عَلَيْكَ فَارْدُدْ فَإِنِّي أَفْعَلُهُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷۱).

الف) نماز تحیت

درحالی که برای ورود به دربار پادشاهان یا افراد با نفوذ، باید از هفت خوان های تشریفاتی و مجوزهای دشوار عبور کنیم، خداوند متعال با کمال سهولت، درهای خانه خود (مسجد) را بدون هیچ مانعی به روی ما می گشاید. از همین رو، شایسته است که این سهولت ورود را حمل بر بی اهمیتی نکنیم چنانکه امام صادق علیه السلام در توصیف جایگاه مسجد به عنوان «باب ملک عظیم» به ما گوشزد می کنند^۱ که حداقل باید با این درگاه الهی، همانند کاخ های پر ابهت بندگان خدا برخورد کنیم و حرمت آن را پاس داریم.^۲

به همین خاطر خواندن دو رکعت «نماز تحیت» پس از ورود به مسجد، ادب مسجد است؛ چراکه نماز با آن همه فضیلت و اهمیت، تحیت و تحفه مسجد است. این نماز، زینت مسجد و از آداب آن به شمار می آید نه آنکه تصور شود از آداب نماز، حضور پیدا کردن در مسجد است. لذا حضور در مسجد برای کسانی که نمی توانند نماز بخوانند یا در غیر وقت نماز یا برای غیر نماز، مسجد می روند، از فضایل حضور در مسجد برخوردار می شوند.

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِذَا بَلَغْتَ بَابَ الْمَسْجِدِ فَاعْلَمْ أَنَّكَ قَصَدْتَ بَابَ بَيْتِ مَلِكٍ عَظِيمٍ لَا يَطَأُ بِسَاطَهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ وَ لَا يُؤَذَّنُ بِمَجَالَسَةِ مَجْلِسِهِ إِلَّا الصَّادِقُونَ وَ هَبِ الْقُدُومَ إِلَى سَاطِ خِدْمَةِ الْمَلِكِ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳).

۲. لذا برخی از علما در مسجد را بوسیده و برخی غبار مسجد را تبرک می جستند.

آداب نماز تحیت

حقوق از آداب بالاتر است و تحیت حق مسجد است.^۱ و متأسفانه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. نماز واجب را هم می‌توان به قصد تحیت مسجد خواند. مهم آن است که اولین فرصت و در اولین لحظه ورود حتی نزدیک در مسجد و قبل از نشستن یا گذاشتن مهر و اشیای همراه به زمین، نماز تحیت خوانده شود.^۲

۲. نماز تحیت تنها نماز مستحبی است که در مسجد خوانده می‌شود.

۳. شایسته است انسان به محض ورود به مسجد، در هر کجا که امکان‌پذیر بود، نماز تحیت مسجد را به‌جا آورد و سپس به محل مورد نظر خود در شبستان برود.

۴. نماز تحیت در مسیر تردد اهل مسجد نخواند و مزاحم آنان نباشد.

۵. چنانچه پس از خواندن نماز تحیت، از مسجد خارج شدیم بازگشت ما به طول انجامید، مجدداً نماز تحیت را بخوانیم.^۳

۶. اهمیت نماز تحیت به اندازه‌ای است که اگر کسی از داخل مسجدی عبور کند و نماز تحیت نخواند، به مسجد جفا کرده است.^۴

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مِنْ حَقِّ الْمَسْجِدِ إِذَا دَخَلْتَهُ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ رُكْعَتَيْنِ وَمِنْ حَقِّ الرُّكْعَتَيْنِ أَنْ تَقْرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ وَمِنْ حَقِّ الْقُرْآنِ أَنْ تَعْمَلَ بِمَا فِيهِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۹۵).

۲. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ (بخاری جعفری، الصحيح، ج ۱، ص ۱۱۴).

۳. نماز تحیت مانند نماز صبح خوانده می‌شود و فقط نیت آن متفاوت است.

۴. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: وَ لَا تَخْذُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقاً وَ رُويَ أَنَّ مِنْ الْجَفَاءِ أَنْ تَمُرَّ بِالْمَسْجِدِ وَ لَا تُصَلِّيَ فِيهِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۳).

۷. اگر کسی از کنار مسجدی عبور می‌کند، بهتر است وارد مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند و سپس ادامه مسیر دهد.

۸. خواندن نماز تحیت مسجد هنگامی است که:

(۱) وارد مسجد می‌شویم حتی اگر امام جمعه مشغول خطبه نماز جمعه باشد.^۱

(۲) وقت اقامه نماز جماعت نباشد.^۲

(۳) فرصت خواندن نماز واجب، تنگ نباشد.

پس از نماز تحیت، به شکرانه توفیق حضور در مسجد، سجده شکر به جا آوریم.

لحظات حضور

مسجد جایگاه والایی دارد و حضور در آن فضیلت و ارزش افزوده‌ای برای نماز و قرائت قرآن فراهم می‌کند. پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام احترام ویژه‌ای برای مسجد قائل بودند و ادب آن را واجب دانسته‌اند.

۱. مسجد از ورود ما خوشحال می‌شود.^۳

۱. عَنْ عَمْرِو سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَخْطُبُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ أَصَلَيْتَ قَالَ لَا قَالَ فَمُ فَصَلَّ الرَّكْعَتَيْنِ (مسلم بن حجاج، قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴).

۲. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَ بِلَالٌ يُقِيمُ الصَّلَاةَ جَلَسَ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۸۱).

۳. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمَسْجِدَ لَيَشْكُو الْخَرَابَ إِلَى رَبِّهِ وَ أَنَّهُ لَيَتَبَشَّشُ بِالرَّجُلِ مِنْ عُمْارِهِ إِذَا غَابَ عَنْهُ ثُمَّ قَدِمَ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَحَدُكُمْ بِغَائِبِهِ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ (نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۸).

۲. ملائکه به ما سلام می‌کنند.^۱

۳. علاوه بر همسایه خداوند،^۲ زائر^۳ و مهمان خداوند^۴ هستیم و خدا از ما به بهترین صورت پذیرایی می‌کند.^۵ اینجاست که باید شاکر خداوند باشیم.^۶

۴. در مسابقه قرب الهی پیروز شده^۷ و محبوب خدا گردیده‌ایم.

۵. با حضور در مسجد بر شیطان پیروز شده‌ایم.^۸

۱. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَتَنَظَّرْ فِي أَسْفَلِ خُفَّيْهِ أَوْ نَعْلَيْهِ، تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: طِبْتَ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ، ادْخُلْ بِسَلَامٍ (حسام الدين متقى هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ جِيرَانِي؟ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: رَبَّنَا وَمَنْ يَنْبَغِي أَنْ يُجَاوَزَكَ؟ فَيَقُولُ: أَيْنَ عُمَاةُ الْمَسَاجِدِ؟ (حسام الدين متقى هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۸).

۳. قَالَ الْحَسَنُ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُؤَارُ اللَّهِ (حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۷۷).

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ مِنْ خَالِصَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - رَجُلٌ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَهُوَ زَوْرُ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَوْرَهُ وَ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ وَ رَجُلٌ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى وَ عَقَبَ انْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ الْآخَرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ وَ الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ فَهُمَا وَفَدُ اللَّهِ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۶).

۵. قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَ أَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۷).

۶. عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: تَقُولُ وَ أَنْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ: ... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُؤَارِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۰-۱۰۱).

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَ آخِرُ مَنْ يَخْرُجُ مِنْهُ (جلال الدين سيوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۱۵۴).

۸. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: أَنَّهُ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَ سُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» قَالَ: أَقْطُ. قُلْتُ نَعَمْ. قَالَ: فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ قَالَ الشَّيْطَانُ: حَفِظَ مِنِّي سَائِرَ الْيَوْمِ (ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۶۰).

۶. از بلا و مصیبت در امان مانده‌ایم.^۱
۷. هم‌نشین ملائکه شده‌ایم.^۲
۸. هنگام ورود به مسجد، به هر شکل ممکن ارادت و احترام خود را ظاهر کنیم، زینت و آراستگی خویش را همراه داشته باشیم و با رفتارهای پسندیده حرمت مسجد را پاس بداریم.
۹. کفش‌ها را در برابر محل سجده خود یا دیگران قرار ندهیم و بین پاهایمان بگذاریم.^۳
۱۰. مسجد را به محل رفت‌وآمدهای بی‌هدف تبدیل نکنیم؛ مگر آنکه با گزاردن دو رکعت نماز، حرمت و قداست آن را پاس بداریم.^۴
۱۱. تلفن را بی‌صدا یا خاموش کنیم تا مزاحمتی ایجاد نشود.
۱۲. از عبور روی سر و گردن دیگران خودداری کنیم.^۵
۱۳. از جلو نمازگزاران تردد نکنیم.^۶

-
۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ غُفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).
 ۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: إِنَّ لِلْمَسَاجِدِ أَوْلَادًا الْمَلَائِكَةُ جُلَسَاؤُهُمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۸).
 ۳. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلَا يَضَعُ نَعْلَيْهِ عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ فَتَكُونُ عَنْ يَمِينِ غَيْرِهِ إِلَّا أَنْ لَا يَكُونَ عَنْ يَسَارِهِ أَحَدٌ وَلْيَضَعْهُمَا بَيْنَ رَجْلَيْهِ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۱۵۵).
 ۴. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ (امالی، شیخ صدوق، ص ۴۲۲).
 ۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ لَمْ يُؤْذَ أَحَدًا وَ لَمْ يَتَخَطَّ رِقَابَ النَّاسِ (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۵۷).
 ۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ يَعْلَمُ الْمَأْرُؤُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي مَا ذَا عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يَقِفَ أَزْبَعَيْنَ خَيْرَ لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۳۴۴).

۱۴. در هنگام ورود به مسجد نماز تحیت^۱ بخوانیم تا حق مسجد را به جا آوریم.

۱۵. برای محرومان از حضور در مسجد، از خداوند توفیق حضور بخواهیم.

نشستن در مسجد

الف) فضایل نشستن

نشستن در مسجد عبادت و بندگی خداست،^۲ گرچه کاری نکنیم، ذکر بر زبان نیاوریم و فقط در فضای مسجد نفس بکشیم.^۳

۱. بنا بر فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام نشستن در مسجد بهتر از نشستن در بهشت است.^۴

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تُصَلُّوا فِيهَا رُكْعَتَيْنِ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۳).

۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: حَسَمَ مِنَ الْعِبَادَةِ: ... وَ الْقُعُودُ فِي الْمَسَاجِدِ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۸۸۰).

۳. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنْ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفُسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفُسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۴. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: الْجُلُوسَةُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجُلُوسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رِضَا نَفْسِي وَ الْجَامِعُ فِيهِ رِضَا رَبِّي (حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۲۱۸).

۲. ثواب نشستن در مسجد کمتر از ایستادن در مقابل دشمن نیست.^۱
۳. نشستن در مسجد در حکم جهاد فی سبیل الله است.^۲
۴. بهترین نوع عزلت‌نشینی و کناره‌گیری از دنیای مذموم است.^۳
۵. نشستن در مسجد بهترین راه برای جلب روزی است.^۴
۶. نفس کشیدن در مسجد مایه کسب درجات بهشت، جذب حسنات و محو سیئات است.^۵

(ب) مکان نشستن

نشستن در مسجد، نوعی تقرب و بندگی است؛ زیرا حضور آگاهانه در خانه خدا انسان را در فضای یاد الهی قرار می‌دهد.

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ جُلُوسُ الْمُؤْمِنِ فِي الْمَسْجِدِ رَبَاطُهُ (علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۰۴)؛ [الرَّيْبَاطُ فِي الْأَصْلِ: الْإِقَامَةُ عَلَى جِهَادِ الْعَدُوِّ بِالْحَرْبِ، وَ ارْتِبَاطُ الْخَيْلِ وَ إِعْدَادُهَا، فَشَبَّهَ بِهِ مَا ذَكَرَ مِنَ الْأَفْعَالِ الصَّالِحَةِ وَ الْعِبَادَةِ (ابن اثیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۲، ص ۱۸۵)].
۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْغُدُوُّ وَ الزَّوْاحُ إِلَى الْمَسَاجِدِ مِنَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۸).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِتِّكَاءُ فِي الْمَسْجِدِ زُهْبَانِيَّةُ الْعَرَبِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَ صَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲).
۴. أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرُّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ (شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۲).
۵. فِي وَصِيَّتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسْتَ فِيهِ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ تَصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسْتَ فِيهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحِّى عَنْكَ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۱. در نقاط مختلف مسجد بنشینیم تا روز قیامت جای جای مسجد به حضور ما شهادت بدهد.^۱
۲. در محل عبور دیگران ننشینیم.
۳. اگر می‌خواهیم زود از مسجد خارج شویم، نزدیک در خروجی مسجد بنشینیم تا با خروج ما نظم مسجد به هم نخورد.
۴. سعی کنیم کنار افرادی بهتر از خود بنشینیم.
۵. اگر کسی از ما خواست که کنارش بنشینیم، دعوتش را اجابت کنیم.
۶. جای دیگران ننشینیم.
۷. هرکجا جای خالی بود همان‌جا بنشینیم؛ زیرا مسجد محل فروتنی است، نه برتری‌جویی و انتخاب جایگاه ویژه.
۸. جایگاه اختصاصی برای خود درست نکنیم.^۲

(ج) کیفیت نشستن

۱. اگر نیاز به جابجایی صندلی داریم، خودمان آن را انجام داده و در محل دلخواه قرار دهیم و به دیگران امر نکنیم.

۱. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِإِثْنَانِ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بَيُّوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَنَاهَا مُنْطَهَرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كُتِبَ مِنْ زُورِهِ فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ وَ صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بَقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بُقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (شيخ صدوق، الأمالي، ص ۳۵۹).

۲. نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَقَرَةِ الْغَرَابِ وَ افْتِرَاشِ السَّبْعِ وَأَنْ يُوَطَّنَ الرَّجُلُ الْمَكَانَ فِي الْمَسْجِدِ كَمَا يُوَطَّنُ الْبَعِیْثُ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۱۹۸).

۲. نوع نشستن ما توهین آمیز و مایه هتک حرمت مسجد نباشد.^۱
۳. به جز در هنگام اقامه نماز، ضرورتی ندارد به صورت متراکم و در صفوفی متصل در کنار یکدیگر بنشینیم تا موجب اذیت خود و دیگران نشویم.
۴. با حالت کسالت و خستگی ننشینیم تا بر اطرافیانمان سرایت نکند.
۵. مردان هنگام نشستن، ابتدا دست‌ها را بر زمین می‌گذارند و سپس می‌نشینند، و زنان برعکس، نخست می‌نشینند و آنگاه دست‌ها را تکیه‌گاه قرار می‌دهند.^۲

(د) انواع نشستن

بر پایه آیه شریفه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۳ زینت مسجد تنها به ظاهر و پوشش محدود نمی‌شود، بلکه هر آنچه نشانه ادب، وقار و تعظیم شعائر الهی است را دربرمی‌گیرد. از این رو، کیفیت و آداب نشستن در مسجد، به عنوان جلوه‌ای از حضور آگاهانه و محترمانه در پیشگاه خداوند، از مصادیق زینت مسجد به شمار می‌آید و رعایت بهترین شیوه نشستن، بخشی از فرهنگ عبودیت و احترام به مکان مقدس محسوب می‌شود.^۴

۱. لازم نیست دو زانو یا چهار زانو بنشینیم، بلکه ده‌ها گونه می‌توانیم بنشینیم که در جای خود بحث خواهد شد.

۲. این دقت‌های رفتاری، افزون بر جنبه عملی، جلوه‌ای از وقار، حیا و نظم رفتاری در فضای مسجد به شمار می‌آید و حرمت مکان مقدس را حفظ می‌کند.

۳. اعراف: ۳۱.

۴. نوع نشستن در بین اقوام و مناطق، مختلف است.

۱. بعضی برای تلاوت قرآن یا شنیدن موعظه معارف دینی در مسجد دو زانو بودن را ادب می‌دانند.
۲. برخی در حال مرثیه‌خوانی سر به زیر بودن، یا دست جلو صورت گرفتن را ادب مجالس عزا می‌دانند.
۳. در معارف دینی روی پای چپ نشستن را مستحب دانسته‌اند.
۴. بعضی دو زانو به بغل را سنت پیامبر ﷺ می‌دانند.
۵. در بعضی موارد تجافی هنگام تشهد، برای کسی که یک رکعت از جماعت عقب است را مورد سفارش قرار گرفته است.
۶. برخی روایات مثل سگ نشستن را مذمت کرده‌اند.^۱
۷. دایره‌وار نشستن (به صورت حلقه)^۲ چنانچه در تاریخ آورده‌اند شخصی وارد مسجد شد و سؤال کرد: «ایکم رسول الله»^۳ شاهد بر اینکه پیامبر ﷺ با یاران و اصحاب خویش، حلقه وار نشسته بودند نه اینکه پیامبر ﷺ بالای منبر باشد و آن شخص سؤال کند «ایکم رسول الله».

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَقْعُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ إِفْعَاءً (شیخ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۳۲۷).

۲. عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَنَحْنُ فِي الْمَسْجِدِ حَلَقٌ حَلَقٌ فَقَالَ لَنَا فِيمَ أَنتُمْ فُلْنَا تَتَفَكَّرُ فِي الشَّمْسِ كَيْفَ طَلَعَتْ وَكَيْفَ غَرَبَتْ قَالَ أَحْسَنْتُمْ كُونُوا هَكَذَا تَفَكَّرُوا فِي الْمَخْلُوقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ فَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مَا شَاءَ لِمَا شَاءَ (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۳۴۸).

۳. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَنْبَرِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ بَيْنَا هُوَ بِالْمَسْجِدِ مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، وَفِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، إِذْ وَقَفَ عَلَيْهِمْ أَعْرَابِي، فَقَالَ: أَيُّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَوْمَأُوا إِلَيْهِ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ (ابن حیون، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۶۵).

۸. گاهی پشت به قبله نشستن برتری دارد مانند امام جماعت که پیش و پس از نماز، برای مواجهه با مأمومان، آموزش، ارشاد یا تنظیم امور نماز، رو به مردم می‌نشیند.

۹. بعضی چهار زانو را برای مذاکره و مشاوره از ادب می‌دانند.

۱۰. تورک^۱ مخصوص بین دو سجده است.

۱۱. نشستن زنان^۲.

۱۲. تکیه دادن با یک زانو.

۱۳. تکیه دادن به دیوار با دراز کردن پاها و انداختن پای چپ روی پای راست مخصوصاً برای فکر کردن.

۱۴. نشستن سرپا.

نشستن به صورت سرپا که شبیه حالت نشستن در توالست است، با حرمت و وقار مسجد سازگار نیست. از این رو شایسته است در مسجد با نشستن متین و متعارف حضور یابیم.

۱۵. نشستن که نشانه‌ای از اضطراب و نگرانی و فشار در آن پیدا باشد.

۱۶. نشستن که در عرف جامعه، نشانه تشخیص طلبی، برتری جویی و القای تمایز و جایگاه ویژه نسبت به دیگران تلقی شود.

۱. نشستن بر ران چپ و نهادن پشت پای راست بر کف پای چپ را «تورک» گویند (جمعی از پژوهشگران فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۶۶۰).

۲. صاحب جواهر الکلام درباره نشستن زن در نماز می‌فرماید: «جلوس المرأة ليس كجلوس الرجل، لأنها في جلوسها تضم فخذيهما و ترفع ركبتيهما من الأرض، بخلاف الرجل فإنه يتورك» (محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۰، ص ۱۸۲).

۱۷. رو به قبله (مخصوصاً هنگام خواندن نماز).
۱۸. متصل به دیگران در صف (وقت برپایی نماز جماعت) چون اتصال فیزیکی سفارش شده است.
۱۹. در غیر صف و در غیر نماز جماعت پراکنده بنشینیم تا مزاحم همدیگر نشویم.
۲۰. کیفیت نشستن واعظ روی منبر، مُدرّس بر کرسی درس یا پله-های منبر برای بیان احکام متفاوت باشد، بهتر است.
۲۱. نشستن مقابل هم (برای تلاوت و مقابله قرآن).
۲۲. نشسته نماز خواندن.^۱
۲۳. نشستن در صّفه و سّکو برای استراحت.

هـ) آداب نشستن

۱. مزاحم افراد جلو و پشت سر خود نشویم.
۲. از افرادی که پشت سر نشسته‌اند، عذرخواهی کنیم و به افراد جلو احترام بگذاریم.
۳. زود بنشینیم تا کسانی که ما را احترام می‌کنند، اذیت نشوند.

۱. کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد (سید محمدحسن بنی‌هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۵۳۰، مسئله ۱۰۲۷)

۴. در صورت کمبود فضا، با جمع‌وجور کردن خود، به دیگران نیز امکان نشستن بدهیم.^۱

۵. جاهای خالی مسجد را پر کنیم.

۶. به دیگران احترام بگذاریم و به نشانه احترام، مقداری از جای خود حرکت کنیم ولی بلند نشویم چون قیام، رکوع و سجود در مسجد فقط برای خداست.^۲

آثار حضور و ماندن در مسجد

الف) آثار معنوی

۱. حضور و توقف در مسجد، ما را در شمار آباد کنندگان مسجد قرار می‌دهد.

۲. به هدف خلقت نزدیک شده‌ایم؛ چراکه هدف از خلقت جن و انسان چیزی جز عبادت و بندگی نیست^۳ و حضور در مسجد از بهترین عبادات و مسجد شایسته‌ترین جایگاه برای بهترین عبادت^۴ [نماز] است.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ» (مجادله: ۱۱).

۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُومُ لَهُ النَّاسُ فَتَنَاهُمُ اللَّهُ أَنْ يَقُومُوا لَهُ فَقَالَ تَفَسَّحُوا أَيُّ وَسَّعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۵۶).

۳. «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶).

۴. «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ».

۳. به زیارت خداوند که بالاترین توفیق است، نائل گردیده‌ایم.^۱
۴. به بالاترین مرتبه اطاعت خدا و پیامبر ﷺ دست یافته‌ایم.
۵. از لطف و محبت بی‌پایان خداوند بهره‌مند شده‌ایم، چراکه ما را به خانه خویش فراخوانده است.
۶. دعوت خداوند را لبیک گفته‌ایم.^۲
۷. خداوند پشت و پناه ما می‌شود.^۳
۸. حاجات ما برآورده می‌شود.^۴
۹. تا زمانی که در مسجد هستیم، ثواب نماز برای ما ثبت می‌شود؛ اگرچه نماز نخوانیم.^۵
۱۰. نشاط روحی و روانی پیدا کرده‌ایم.^۶

-
۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَهُ قِيَمَ مَسْجِدٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۳).
 ۲. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَحَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحَسَّنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ (ملاحسن فیض کاشانی، وافی، ج ۲۶، ص ۱۹۵).
 ۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ فَإِنَّهَا أَفْنِيَةُ اللَّهِ وَ أَثْبُتُهُ أَذَنُ فِي رَفْعِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا مَيْمُونَةٌ مَيْمُونٌ أَهْلُهَا مُرَيَّتَةٌ مُرَيَّتٌ أَهْلُهَا مَحْفُوظَةٌ مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَ اللَّهُ فِي حَوَائِجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵).
 ۴. همان.
 ۵. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: وَ أَنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَزَالُ فِي صَلَاةٍ مَا دَامَ فِي الْمَسْجِدِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۰۷).
 ۶. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: يَا مَسْمَعُ مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا - أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَ يَرُكَّ رُكْعَتَيْنِ - فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَوْ مَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وِ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» (محمد بن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۴۳).

۱۱. با تعادل در اندیشه، زندگی نیز متعادل می‌شود و از دام افراط و تفریط در همه عرصه‌ها-اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی-رهایی می‌یابیم.

۱۲. از گناهان پاک شده و به درجاتی از معنویت و قرب خداوند دست یافته‌ایم.^۱

۱۳. از پرچم‌داران بهشت می‌شویم.^۲

۱۴. بهترین خیر را انجام داده‌ایم (حَىَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ).

ب) آثار مادی

۱. موجب افزایش رزق و روزی می‌شود.^۳

۲. حضور در مسجد بهتر از هر تجارت است^۴ و تعجیل در خروج از مسجد، سبب فقر است.^۵

۱. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ طُوبَى لِأَصْحَابِ الْأُولَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ أَلَا وَ هُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالشَّحَارِ وَ غَيْرِهَا (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۵۲۹).

۳. عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ: ... وَ أَقْوَى الْأَسْبَابِ الْجَالِيَةِ لِلرِّزْقِ ... وَ حُضُورُ الْمَسْجِدِ قَبْلَ الْأَذَانِ ... (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۱۸-۳۱۹).

۴. عَنْ امير المؤمنين ﷺ: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الصَّرَبِ فِي الْأَرْضِ (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۰۱).

۵. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: عَشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ ... وَ تَعْجِلُ الْخُرُوجَ مِنَ الْمَسْجِدِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۲۴).

۳. عامل مؤثری در برطرف شدن مشکلات و گرفتاری‌ها است.^۱

۴. بهترین مکان برای یافتن دوست مفید است.^۲

۵. به زندگی شخصی خود نظم و نظام داده‌ایم.

۶. از بلاها و مصیبت‌ها در امان مانده‌ایم.^۳

ج) آثار سیاسی - اجتماعی

۱. بهترین نشانه التزام عملی به اسلام و بالاترین مصداق آن است.^۴

۲. کارآمدترین بستر برای تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه است.

۳. نقش مؤثری در کاهش انحرافات اجتماعی دارد.

۴. گمنام و منزوی نخواهیم بود.^۵

۱. رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ فَيَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ يَدْعُو اللَّهَ فِيهَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۷).

۲. عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِخْدَى الثَّمَانِ: إِمَّا أَحَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ... (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۳۲).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا تَرَكْتَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاقَ غَوَيْتَ أَهْلَ الْمَسَاجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

۴. التزام عملی به اسلام که ملاک گزینش مسئولین است، در غیر حضور در مسجد یافت نمی‌شود. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ رَأَيْتُمُوهُ يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَةً فَطُوبَى لَهُ كُلِّ خَيْرٍ (ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۳۴۱)؛ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا سُبِّحَتْ عَمَّنْ لَا يَشْهَدُ الْجَمَاعَةَ قُلٌّ لَا أَعْرِفُهُ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۵۱).

۵. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: رُفِعَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكَوْفَةِ أَنَّ قَوْمًا مِنْ جَبْرَانَ الْمَسْجِدِ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ جَمَاعَةً فِي الْمَسْجِدِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيَحْضُرُنَّ مَعَنَا صَلَاتًا جَمَاعَةً، أَوْ لَيَتَحَوَّلْنَ عَنَّا، وَلَا يَجَاوِرُنَا وَلَا نَجَاوِرُهُمْ (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۹۶).

۵. به بهترین شیوه از نظام اسلامی پشتیبانی کرده‌ایم.^۱
۶. به وصیت شهدا و امام شهدا عمل کرده و آنان را خشنود کرده‌ایم.
۷. دوستانمان را شاد و دشمنانمان را خوار و ذلیل و ناامید کرده‌ایم.
۸. به دیدار عالم دینی و یا دوستان وارسته شرفیاب شده‌ایم.
۹. در جامعه عادل به شمار می‌آییم و زندگی متعادل‌ی خواهیم داشت.
۱۰. از نفاق و دورویی به دور مانده و منافق به حساب نمی‌آییم.

د) آثار اخروی

۱. در سایه خدا قرار می‌گیریم.^۲
۲. در زمره همسایگی خدا (جار الله) قرار می‌گیریم.^۳
۳. روز قیامت مسجد به حضور ما شهادت خواهد داد.^۴
۴. همچون برق از پل صراط عبور می‌کنیم.^۵

۱. برای پشتیبانی از اسلام اموری مطرح است که هیچ‌کدام به اندازه حضور در مساجد و رونق مساجد، نظام اسلامی را حمایت نمی‌کند.

۲. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَبْعَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ رَبِّي ... وَ رَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ بِالْمَسَاجِدِ (نسائی، سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۹۰).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَيْنَ جِبْرَانِي؟ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: رَبَّنَا وَمَنْ يَتَّبَعِي أَنْ يُجَاوِزَكَ يَقُولُ: أَيْنَ عُمَارُ الْمَسَاجِدِ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۸).

۴. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: ... وَ صَلُّوا مِنَ الْمَسَاجِدِ فِي بِقَاعٍ مُخْتَلِفَةٍ فَإِنَّ كُلَّ بَقْعَةٍ تَشْهَدُ لِلْمُصَلِّيِ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۳۵۹).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... مَنْ حَافَظَ عَلَى الْجَمَاعَةِ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَأَلْبَرَقِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجْهُهُ أَضْوَأُ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يُحَافِظُ عَلَيْهَا ثَوَابٌ شَهِيد (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۹۱).

۵. هم شفاعت می‌کنیم و هم مورد شفاعت قرار می‌گیریم.^۱

۶. بدون محاسبه و معطلی وارد بهشت می‌شویم.^۲

هـ) آداب شخصی

مسجد پناهگاهی برای آرامش و گریز از آلودگی‌های صوتی و روانی شهر است. به همین خاطر در روایات اسلامی به این مهم توجه فراوان شده و بلند کردن صدا به هر شکل نکوهش شده است.

صدای بلند در مسجد مصداق تخریب و از نشانه‌های عذاب الهی^۳ و علائم آخرالزمان برشمرده شده است.^۴ تنها استثناء، اذان است که به دلیل اهمیت اعلام وقت نماز و جایگاه آن به‌عنوان شعار الهی، با صدای بلند

۱. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ بَعِيرٍ حِسَابٍ وَ يُشَفِّعَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي ثَمَانِينَ آلَافًا الْمُؤَدَّنَ وَ الْإِمَامَ وَ رَجُلٌ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي فِي الْجَمَاعَةِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۹).

۲. همان

۳. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: إِذَا فَعَلْتَ أُمْتِي خَمْسَ عَشْرَةَ حَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ ... اذْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۳).

۴. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: رَفِيَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْبَصْرَةِ خَطِيبًا فَخَطَبَ خُطْبَةً بَلِغَةً فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَشَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةَ أَغْنِيَاؤُكُمْ بِالسَّامِ وَ فَقَرَاؤُكُمْ بِالْبَصْرَةِ قَالَ جَابِرٌ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ إِذَا ظَهَرَ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ ﷺ فِي الْمَشَاجِرِ سِتُونَ حَصْلَةً ... رَفَعُوا الْأَصْوَاتَ فِي الْمَسَاجِدِ بِالْخُصُومَاتِ وَ جَعَلُوهَا مَجَالِسَ لِلتَّجَارَاتِ ... فَحِينَئِذٍ يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۷-۳۷۸)، عَنْ أَبِي ذَرٍّ: فَقُلْتُ (لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ) كَيْفَ يَغْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳).

جایز است.^۱ از این رو، بهترین روش برای آبادانی و حفظ قداست مسجد، پرهیز از بلند کردن صدا و حفظ سکوت و وقار در فضای آن دانسته شده است.

۱. ساکت و آرام باشیم و بی جهت صدایمان را بلند نکنیم.^۲

۲. از هرگونه جدال، گفت‌وگوی تند و رفتارهای تنش‌زا پرهیز کنیم.^۳

۳. اگر در مسجد احساس خستگی یا خواب‌آلودگی کردیم، از مسجد خارج نشویم؛ بلکه جای خود را تغییر دهیم تا نشاطمان بازگردد.^۴

۴. از خنده‌های بلند، عطسه و سرفه‌های پر صدا و هرگونه آروغ ناخوشایند خودداری کنیم.^۵

۵. در مسجد، هنگام عطسه یا سرفه، دهان را با دستمال بپوشانیم.

۶. از بلند خواندن ذکر، دعا، قرآن و مقدمات و تعقیبات نماز بپرهیزیم.^۶

۱. پخش اذان به نحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله بلندگو اشکال ندارد، ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت همسایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است (سید علی خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۹۷، س ۴۵۴).

۲. عَنْ أَبِي ذَرٍّ: فَقُلْتُ (لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ) كَيْفَ يُعَمَّرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳).

۳. قَالَ الصَّادِقُ ع: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِّرِ الْمَسْجِدَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۱).

۴. عَنْ ابْنِ عَمَرَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَتَحَوَّلْ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ (ابن داود، سنن، ج ۱، ص ۲۵۰).

۵. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: كَانَ يَكْرَهُ الْعُطْسَةَ الشَّدِيدَةَ فِي الْمَسْجِدِ (احمد بن الحسین بیهقی، سنن الکبری، ج ۲، ص ۲۹۰).

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبَّهُ فَلَا يُؤْذِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ (ابن داود، سنن، ج ۱، ص ۲۹۹).

۷. از جمع خوانی پرهیز کنیم؛ زیرا جمع خوانی تنها در جماعت تشریع شده و سزاوار نیست هر ذکر یا دعایی به شکل جمعی و هماهنگ خوانده شود.

۸. بیهوده نخندیم.^۱

۹. زیاد سخن نگوئیم.

۱۰. مقدمات نماز جماعت را فراهم کنیم و با آمادگی در صفها حاضر شویم.^۲

۱۱. انگشتان را مُشَبِّک نکنیم.^۳

۱۲. درخواست حاجت کنیم.^۴

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الضَّحْكُ فِي الْمَسْجِدِ ظُلْمَةٌ فِي الْقَبْرِ (جلال الدين السيوطي، الجامع الصغير، ج ۲، ص ۱۲۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَإِنْ تَرَهَّبَ امْتَنِيَ الْجُلُوسُ فِي الْمَسَاجِدِ لِإِنْتِظَارِ الصَّلَاةِ (سليمان بن احمد طبراني، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم، ج ۲، ص ۴۳۷).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الْمَسْجِدِ فَلَا يُشَبِّكُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَإِنْ أَحَدُكُمْ لَا يَزَالُ فِي صَلَاةٍ مَا كَانَ فِي الْمَسْجِدِ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهُ (حسام الدين متقى هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۵۰۷).

۴. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إِنْ رَجُلًا دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَجَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَجَاءَ آخِرُ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَتَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَلْ تُعْطَ (محمدين يعقوب كليني، الكافي، ج ۲، ص ۴۸۵).

و) آداب روحی و روانی

برخلاف پاسگاه و بیمارستان که شلوغی آن‌ها می‌تواند نشانه بروز مشکل باشد، ازدحام مسجد نه نشانه بحران و ناامنی، بلکه علامت سلامت معنوی و روانی جامعه است.

هرچند در دوران خطر و اضطراب نیز مردم به مسجد پناه می‌آورند؛ اما رونق دائمی مسجد همواره نشانه زنده‌بودن، استواری حکومت، سلامت فرهنگی و وجود عشق و معنویت در جامعه است.

از این‌رو، شلوغی مسجد مایه سرور و آرامش دل‌ها و خلوتی آن زنگ خطری برای ایمان و اجتماع است و تا زمانی که مسجد آباد و پررونق باشد، دیگر مراکز رقیب، رونق نمی‌یابند. پس باید از پویایی و حضور مردم در مسجد لذت برد و برای رونق آن کوشید.

۱. از نماز، قرآن و ذکر غفلت نکنیم.

۲. همواره منتظر رحمت خدا باشیم (رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً).^۱

۳. برای شنیدن اذان و اقامه نماز جماعت لحظه‌شماری کنیم.

۴. از اینکه محبوب و مهمان خدا شده‌ایم، خوشحال و امیدوار باشیم.^۲

۵. نعمت حضور در مسجد را قدر بدانیم و شاکر این نعمت بزرگ

باشیم.^۳

۱. كَانَ يَقُولُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ... أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً... (شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۷).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمَسَاجِدُ سَوَى مَنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ مَنْ دَخَلَهَا كَانَ ضَيْفُ اللَّهِ قَرَاهِ الْمَغْفَرَةَ، وَ تُحَفَّتُهُ الْكَرَامَةُ... (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۵۸۰).

۳. عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ تَقُولُ وَأَنْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ...

۶. بیشتر اوقات، مشغول تفکر باشیم که عبادتی بس بزرگ است.^۱
۷. از زبان‌های دوم و یا رمزی که مرسوم نیست و همه نمی‌فهمند استفاده نکنیم. تا سبب سوء تفاهم و اذیت دیگران نشود.^۲
۸. اگر مسجد خلوت بود می‌توان با زمزمه آرام به ذکر و دعا پرداخت؛ اما به محض ورود دیگران، رعایت سکوت و حفظ آرامش لازم است.^۳
۹. قصدمان این باشد که زیاد در مسجد بمانیم؛ اگر چه موفق به آن نشویم.

ز) آداب اجتماعی

مسجد در بالاترین مرتبه آداب شهروندی قرار دارد؛ تا آنجا که شهر بدون مسجد، همچون روستایی بی‌هویت اجتماعی است و روستایی که مسجد دارد، از روحیه و انسجام شهروندی برخوردار می‌شود. مسجد، برخلاف بسیاری از مراکز که نیازمند کنترل همیشگی‌اند و گاه خود «ادب‌سوز» می‌شوند، محل پرورش ادب، انضباط و مسئولیت‌پذیری است؛

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُورِهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ وَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَاتِي حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَاتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۰-۱۰۱).

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ (محمد بن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۰۸).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ رَطَانَةٍ قَالَ الْأَعَاجِمُ فِي الْمَسَاجِدِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبَّهُ فَلَا يُؤْذِنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا... (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۹۹).

آن‌هم آدابی که نه سخت و توان‌فرسا، بلکه سازنده و قابل تحمل برای همه مکلفان است.

در مسجد، همه اقشار جامعه - از عالی تا دانی - به‌طور برابر بهره‌مند می‌شوند و همین برابری، اصل جامعه‌پذیری صحیح را تقویت می‌کند. در مقابل، آموزش آداب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی و تجاری، مسئله‌ای پیچیده و پر چالش است و ساخت سالن‌های اجتماعات معمولاً نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه گاهی آسیب‌ها را افزایش می‌دهد.

مسجد کارآمدترین و سالم‌ترین نهاد برای تربیت اجتماعی، ایجاد حس جمعی و آموزش آداب شهروندی و کامروائی عمومی است؛ نهادی که بی‌بدیل، کم‌هزینه و متکی بر سنتی ریشه‌دار و انسان‌ساز عمل می‌کند.

۱. به بچه‌ها سلام کنیم و احترام بزرگ‌ترها را نگه‌داریم.^۱

۲. از حاضرین احوالپرسی و از غایبین پرس‌وجو کنیم.

۳. با افرادی که کنار ما، یا پیش رو و پشت سر ما نشسته‌اند، بی‌تفاوت نباشیم.

۴. نیاز نیست در صف، به صورت فشرده بنشینیم، مگر هنگام اقامه نماز جماعت.

۵. کنار بهتر از خود بنشینیم و از نشستن کنار کسانی که آداب را مراعات نمی‌کنند، بپرهیزیم.

۶. دوستدار اهل مسجد باشیم و در خدمت به آن‌ها بکوشیم.

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَظَبُنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَفَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳).

۷. با گفتار و رفتار خود مزاحم دیگران نشویم و آنان را آزرده خاطر نکنیم.^۱
۸. مسجد را به «وعده‌گاه» و «قرارگاه» خود تبدیل کنیم.
۹. با افراد درگوشی (نجوا)^۲ صحبت نکنیم.
۱۰. به مهمان و غریبه و تازه‌وارد توجه ویژه داشته باشیم.
۱۱. در خدمت به مسجد و اهل آن از همدیگر سبقت بگیریم.^۳
۱۲. در مسجد برای هیچ‌کس امتیاز ویژه‌ای وجود ندارد؛ نه برای خود برتری قائل شویم و نه برای دیگران. همه در خانه خدا یکسان و برابرند.
۱۳. از هرگونه گفتار و رفتاری که رنگِ تفاخر^۴ و خودنمایی یا روحیه تکاثر^۵ دارد، پرهیز کنیم.
۱۴. با بهترین هر قوم و قبیله‌ای هم‌نشین شویم.^۶
۱۵. عیب‌های خود را از اهل مسجد جويا نشویم و اگر با خیرخواهی آن عیوب را به ما یادآور شدند، با روی گشاده پذیرا باشیم.^۷

-
۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبِّهِ فَلَا يُؤْذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۹۹).
 ۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ...إِنَّمَا التَّجَوُّى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُونَ الَّذِينَ آمَنُوا (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۴۲).
 ۳. «فَاسْتَبْقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸).
 ۴. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ: نَهَى أَنْ يَتَّبَهِى النَّاسُ فِي الْمَسَاجِدِ (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۷۰۴).
 ۵. «أَلِهَاتُكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثر: ۱ و ۲).
 ۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَفِدَاهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا (شیخ طوسی، امالی، ص ۴۷).
 ۷. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۹).

۱۶. کنار کسانی که مطالب یا قصه‌های بی‌فایده می‌گویند، ننشینیم.
۱۷. افرادی را که با قصد شایعه‌پراکنی و تضعیف جایگاه مسجد وارد می‌شوند شناسایی کرده و از هم‌نشینی با آنان پرهیز کنیم.
۱۸. در خدمت به مسجد اهل مشورت، مشارکت و همکاری باشیم و از خودرأیی و پرهیز کنیم.
۱۹. اگر در مسجد جنجال یا سر و صدایی ایجاد شد برای جلوگیری از ادامه آن تلاش کنیم.
۲۰. حواس دیگران را به خود جلب نکنیم.
۲۱. پیوسته درخواست صلوات بلند یا همخوانی نکنیم و آرامش مسجد را حفظ کنیم.^۱
۲۲. در صورت ضرورت، با اشاره و کمترین صدا سخن بگوییم تا آرامش مسجد حفظ شود.
۲۳. بی‌دلیل جابه‌جا نشویم و حواس دیگران را به خود جلب نکنیم.
۲۴. اگر خستگی یا کسالت ما باعث کاهش نشاط و آرامش اطرافیان می‌شود، شایسته است برای لحظاتی جای خود را عوض کنیم یا اندکی از جمع فاصله بگیریم تا این حال ناخوش به دیگران سرایت نکند.
۲۵. اگر کودک، یا فردی ناآشنا با فضای مسجد همراه ما است، او را بیش از حد در مسجد نگه نداریم و شرایطش را در نظر بگیریم.

۱. عَنْ أَبِي ذَرٍّ: فَقُلْتُ (لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ) كَيْفَ يُعْمَرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳).

آداب خروج از مسجد

الف) قبل از خروج

مسجد خانه و پناهگاه پرهیزگاران است؛^۱ جایی که آرامش روحی و لذت حضور در آن با هیچ مکان دیگری سنجیدنی نیست. از این رو شایسته است مؤمن تا می‌تواند این محیط قدسی را بی‌جهت ترک نکند و قدر لحظه‌های حضور در آن را بداند؛ بنابراین خروج از مسجد بر پایه نیاز و ضرورت باشد، نه بی‌حوصلگی یا بی‌توجهی به حرمت این مکان مقدس.

۱. شایسته است اهل مسجد هم‌زمان و یک‌باره از مسجد خارج نشوند؛ زیرا خالی ماندن ناگهانی مسجد از جمع مؤمنان، با شأن این مکان مقدس سازگار نیست.

۲. بهتر آن است که خروج به تدریج و آرام، یکی پس از دیگری انجام گیرد تا حرمت و حیات مسجد همچنان محفوظ بماند.

۳. با اینکه اندازه مشخصی برای مدت ماندن در مسجد تعیین نشده و در عین حال سفارش به ماندگاری دائمی نیز نشده است؛ اما شتاب‌زدگی در خروج از مسجد ناپسند دانسته شده تا آنجا که شتاب‌زدگی در ترک مسجد، اسباب فقر شمرده شده^۲ و آخرین نفر بودن، فضیلتی ویژه دارد.^۳

۱. عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ وَمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲).

۲. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ عَشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ ... وَ تَعْجِلُ الْخُرُوجَ مِنَ الْمَسْجِدِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۲۴).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِحَبْرَتَيْهِ: يَا حَبْرَيْلُ أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا وَآخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹).

آنچه بیش از زمانِ ماندن اهمیت دارد، رفت‌وآمد مستمر و پیوند قلبی با مسجد است.^۱

۴. وقتی از جای خود در مسجد برمی‌خیزیم، شایسته است لحظه‌ای مکث کرده و اطراف خود را با دقت بنگریم. مناسب است رفتار ما همراه با نظم، احترام و رعایت حقوق دیگران باشد.

الف) مطمئن شویم مهر، تسبیح، قرآن، گوشی همراه و کیف جا نگذاشته‌ایم تا موجب بی‌نظمی در مسجد و ایجاد زحمت برای دیگران نشویم.

ب) برخاستن ما مزاحمتی برای اطرافیان ایجاد نکند. گاه ممکن است پای ما به سجاده یا مهر دیگران برخورد کرده، یا ناخواسته عبادت او را بر هم بزنیم. آرام برخاستن، نشانه ادب در خانه خداست.

پس این مکث کوتاه، هم از جهت اخلاقی پسندیده است و هم از نگاه فقهی در راستای رعایت حقوق مؤمنان و حفظ حرمت مسجد قرار می‌گیرد.

۵. هر رفتاری که به‌طور غیرمستقیم مردم را وادار به ترک مسجد کند مانند خاموش کردن چراغ‌ها یا کولر، یا انجام سلام‌های دسته‌جمعی^۲ که

۱. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَبْعَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ رَبِّي ... وَ رَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ بِالْمَسَاجِدِ (نسائی، سنن الکبری، ج ۴، ص ۱۹۰).

۲. واداشتن مردم به برخاستن برای سلام‌دادن، با شأن مسجد سازگار نیست چون موجب برهم‌زدن نظم و ایجاد فشار بر دیگران می‌شود. سلام به اهل بیت علیهم‌السلام بدون تحمیل آرام و فردی باشد به‌گونه‌ای که حرمت و آرامش مسجد آسیب نبیند.

عملاً پایان حضور را القا می‌کند، شایسته فضای مسجد نیست و با حرمت و آرامش این خانه الهی ناسازگار است.

۶. قصد رفتن خود از مسجد را آشکار نکنیم تا موجب خروج دیگران از مسجد نشویم.

۷. هرگاه در مسجد چیزی ناسازگار با شأن و پاکیزگی آن (مثل آشغال یا زباله)، دیدیم شایسته است آن را بیرون ببریم تا حرمت و طهارت مسجد پاس داشته شود.^۱

۸. با سرعت به سمت در خروجی هجوم نبریم و مثل کسانی نباشیم که از مسجد فرار می‌کنند.^۲

۹. با این اندیشه خارج شویم که شاید فرصت بازگشتی دیگر نصیبمان نشود و این آخرین بهره‌مندی ما از مسجد باشد.

۱۰. از توفیق حضور در مسجد خرسند و شاکر باشیم و این فرصت را قدر بدانیم.

۱۱. اگر شیئی نا مرتب یا نا به‌جایی در مسجد مشاهده کردیم، مرتب کنیم.

۱. عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِثْقَ رَقَبَةٍ وَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يَقْذِي عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ (شیخ صدوق، الأمالی، ص ۱۸۰).

۲. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ عَشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ ... وَ تَعْجِلُ الْخُرُوجَ مِنَ الْمَسْجِدِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۲۴).

ب) هنگام خروج

۱. اگر کسی قصد خروج دارد، او را به رفتن تعارف نکنیم؛ زیرا هر لحظه ماندن در مسجد بهره‌مند شدن از الطاف ویژه الهی است و شایسته نیست ما سبب محرومیت کسی از این فیوضات شویم.
۲. دعا‌های وقت خروج از مسجد^۱ را آهسته بخوانیم.^۲
۳. به قصد بازگشت مجدد خارج شویم.^۳
۴. باور کنیم که مسجد از حضور ما خوشحال و از رفتن ما دل‌تنگ می‌شود.^۴
۵. با پای چپ خارج شویم.^۵
۶. کفش‌هایمان را آهسته روی زمین بگذاریم تا غبار آن، فضا را آلوده نکند.

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، فَإِذَا خَرَجَ قَالَ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ (شیخ طوسی، الامالی، ص ۵۹۶).
۲. عَنْ أَبِي ذَرٍّ: فَقُلْتُ (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) كَيْفَ يُعَمَّرُ مَسَاجِدُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۳).
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَبْعَةٌ فِي ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ ... وَ رَجُلٌ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ فِي يَتِيهِ أَنْ يَرْجِعَ إِلَيْهِ ... (شیخ صدوق، الخصال، ص ۳۴۳).
۴. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْمَسْجِدَ لَيَشْكُو الْخَرَابَ إِلَى رَبِّهِ وَ أَنَّهُ لَيَتَبَشَّشُ بِالرَّجُلِ مِنْ عَمَارِهِ إِذَا غَابَ عَنْهُ ثُمَّ قَدِمَ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَحَدُكُمْ بِعَائِنِهِ إِذَا قَدِمَ عَلَيْهِ (نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۸).
۵. عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الَّتِي مَنَى إِذَا دَخَلْتَ وَ بِالْيُسْرَى إِذَا خَرَجْتَ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۶).

ج) پس از خروج

۱. پس از خروج از مسجد، تلفن همراهی را که در داخل مسجد بی صدا کرده بودیم، دوباره در حالت معمول قرار دهیم.^۱
۲. اندکی در پیرامون مسجد درنگ کنیم تا نشان دهیم دل بستگی مان به مسجد، زیاد و جدا شدن از آن بر ما دشوار است. همچنین نگذاریم اطراف مسجد خلوت و بی رونق شود چراکه شلوغی اطراف مسجد دلپسند و از شعائر است.
۳. در عین حضور در اطراف مسجد، مزاحم رهگذران نباشیم و اگر با وسیله نقلیه هستیم، از ایجاد ترافیک و اختلال در رفت و آمد پرهیز کنیم.
۴. سعی کنیم از مغازه های اطراف مسجد خرید کنیم.

۱. همان گونه که هنگام ورود یادآور بی صدا کردن تلفن همراه هستیم، شایسته است در محل خروج تابلویی برای یادآوری فعال کردن صدا نصب شود تا از پیامدهای بعدی پیشگیری گردد.

فصل یازدهم

خواسته‌های مسجد از ما

مسجد از این منظر که خانه خداست دارای جایگاه و قداست ویژه و منحصر به فرد است. این جایگاه قدسی، به تمامی مساجد تعلق دارد و هیچ خانه‌ای از خانه‌های خدا، از حیث جایگاه و شرافت ذاتی، بر دیگری برتری ندارد. بنابراین، هرگونه رتبه‌بندی مساجد با اصل تساوی مساجد سازگاری ندارد. تمامی مساجد مشترک المنافع هستند و طبق آیات و روایات، تکریم و تعظیم همه آن‌ها بدون نگاه‌گزینی ضروری است.^۱

اما امروز، شاهد رواج عنوانی هستیم که هرچند با نیت خیر به کار می‌رود، اما در عمل، شأن دیگر مساجد را کمرنگ می‌سازد. زبان، ابزاری مقایسه‌گر است و اتصاف عنوان «نمونه» به یک مسجد، ناگزیر مفهوم «غیرنمونه» بودن را به سایر مساجد القا می‌کند و به شکلی ضمنی، به تنزل شأن و جایگاه سایر خانه‌های خدا می‌انجامد.

از سوی دیگر، معیارهای رایج سنجش مانند متراژ، امکانات رفاهی، تحصیلات مأمومین و یا کثرت جمعیت، نمی‌توانند ملاک اعتبار یا برتری یک مسجد بر مسجد دیگر باشد.

به نظر می‌رسد به جای تمرکز بر رتبه‌بندی مساجد و «مطالبه‌گری از مسجد»، رویکرد خود را به «مسئولیت‌پذیری در قبال مسجد» تغییر داده

۱. «أَقِمْوْا وُجُوْهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (اعراف: ۲۹).

و هر یک از ما وظیفه و مسئولیت خود را در قبال خانه خدا به رقابت و مسابقه در خیرات بگذاریم.

امکانات و تجهیزات

۱. نمای آن همیشه تمیز و زیباست.
۲. ورودی مسجد متناسب و در دسترس است؛ نه تنگ و نه دارای پله‌های متعدد. همچنین اگر پله‌ای وجود دارد، تعداد آن اندک، ارتفاع آن کوتاه و کف آن کشیده و امن است.
۳. کف مسجد هم‌تراز کوچه و خیابان و یا پایین‌تر است تا هم نشانه فروتنی باشد و لحظه ورود، کل جمعیت قابل مشاهده باشد.
۴. از آب‌نما و آب، سبزه و گل مناسب و کافی برخوردار است. به واسطه وجود گل‌های خوشبو، همیشه معطر باشد.
۵. امکانات حضور هر چه بیشتر مردم در آن فراهم است.^۱
۶. از حاضرین در ابتدای ورودشان و یا قبل از نماز پذیرایی می‌شود تا سرحال باشند، نه در حال خروج.
۷. مسجد به گونه‌ای است که مردم بتوانند زود بیایند و دیر بروند.
۸. پارکینگ در دسترس دارد.
۹. همیشه باز است.

۱. وسایل سرمایشی و گرمایشی و تهویه مناسب.

۱۰. کاشی‌کاری‌های مسجد زیبا و نوشته‌ها خوانا و مرتبط با فضایل و آداب مسجد است، نه آثاری ناخوانا، یا بی‌ارتباط با فضایل مسجد.
۱۱. نورپردازی ملایم و غیر مستقیم است.
۱۲. مسجد چشم‌اندازی گسترده به داخل و بیرون داشته باشد.
۱۳. بدون سقف یا دارای سقفی بلند باشد.

برگزاری نماز

۱. سه وعده نماز جماعت در آن برقرار است.
۲. همه امور و برنامه‌ها تابع نماز است.
۳. نماز آن خلاصه و با ابهت است.
۴. بین دو نماز فاصله نمی‌اندازند.
۵. تعقیبات را آهسته می‌خوانند.
۶. قبل از نماز همه حضور دارند.
۷. کمتر کسی نماز را فرادا می‌خواند.
۸. نمازگزاران بعد از نماز با سرعت از مسجد خارج نمی‌شوند.
۹. هیچ‌گاه نماز تأخیر یا تعطیلی ندارد.

برنامه‌ها

۱. مراسم فاتحه و فعالیت‌های کانون، بسیج و کتابخانه تابع نماز است.
۲. غیر از اذان، صدایی از مسجد پخش نمی‌شود حتی اقامه و تکبیر.
۳. اذان‌ها و صلوات‌ها تکرار نمی‌شود، زیرا با یک اذان قطعاً نماز صحیح است؛ ولی تکرار اذان نیاز به دلیل محکم داشته و چه بسا تکرار، توهین اذان باشد چرا که معمولاً مردم مراعات اذان را نمی‌کنند (سکوت و حکایت اذان).

هزینه‌ها

۱. هزینه‌های مسجد چنان سامان یافته است که نیازی به جمع‌آوری وجوه میان صفوف و درخواست‌های رودربایستی گونه نباشد.
۲. مردم مخارج مسجد را با میل و رغبت می‌پردازند.

مدیریت

۱. امام مسجد، افزون بر اقامه نماز، مدیر همه امور است.
۲. خادم مسجد، همیاران فراوان دارد.
۳. امام مسجد و خادم مورد احترام قرار می‌گیرند.
۴. وحدت در مسجد حاکم است و از جناح‌گرایی، قشر‌گرایی و طایفه‌گری پرهیز می‌شود.
۵. همه مردم احساس مسئولیت می‌کنند و هیچ‌کس احساس غربت نمی‌کند.

۶. به زنان و جوانان نیز در مسجد، مسئولیت داده و به آنان کمک می‌شود.

۷. کودکان در مسجد تحقیر نمی‌شوند و کهن‌سالان توهین نمی‌شوند.

امام مسجد

امامت مسجد یکی از برترین و اصیل‌ترین مناصب دینی است که از جایگاه‌های اداری فراتر رفته و به دلیل ماهیت «تبلیغ عملی» و نقش محوری در هدایت اجتماعی، تأثیری عمیق‌تر از تبلیغ زبانی دارد. امام مسجد، حجت‌الاسلام و اسوه مردم، محور انسجام و ناخدای مسجد است و حضور او بیش از هر عامل دیگری در پویایی مسجد اثر دارد. امام آگاه و دلسوز می‌تواند بسیاری از کمبودها را جبران کند و در مقابل مسجد بدون امام، کارکرد کامل خود را نمی‌یابد. اعتماد عمومی به ائمه مساجد چنان است که مردم آنان را نزدیک‌ترین مرجع برای مشورت‌های دینی و حتی انتخاب مرجع تقلید می‌شمارند.

الف) جایگاه و فضایل امام مسجد

امام مسجد در منظومه اجتماعی و عبادی اسلام، شخصیتی امانت‌دار دین مردم و پاسدار حدود و ثغور شریعت است؛ الگویی عملی در رفتار و عبادت که با هدایت‌گری خود، تعادل میان دنیا و آخرت را در جامعه ایجاد می‌کند. او سفیر میان خالق و مخلوق و واسطه‌ای برای پیوند فقیر و غنی، پیر و جوان است و با پیشوایی در نماز - از تکبیر تا رکوع و سجود -

نظم عبادی جامعه را سامان می‌دهد و به‌مثابه موتور حرکت‌های جمعی در قیام و قعود عمل می‌کند. امام مسجد هادی «صراط مستقیم»، نخستین برانگیزاننده عروج معنوی مؤمنان، واعظِ مواعظِ عملی و پشتیبان مردم در مشکلات است. او محرم اسرار خانواده‌ها، ارائه‌دهنده سبک زندگی صحیح، مربی کودکان، مشوق جوانان و همراه مجاهدان عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی است.

در فتنه‌ها شخصیتی متین و در امور ضروری فردی چالاک و تصمیم‌گیر است؛ مشاوری دانا و امین که با تدبیر خویش مانع رشد جریان‌های آسیب‌زا و رفتارهای ضارگونه شده و در نهایت، نقش ستون معنوی، اجتماعی و اخلاقی مسجد و محله را ایفا می‌کند.

ب) پیوند امام مسجد با مردم

یکی از تلاش‌های رسانه‌ها آن است که پیام دین را با زبان جدید و میانجی‌گری روحانیان و کارشناسان رسانه‌ای عرضه کرده و اعتماد مخاطبان را جلب کنند؛ با این حال، تجربه اجتماعی نشان می‌دهد که پیوند مردم با امامان مسجد همچنان عمیق و پایدار است.

از همین رو، رسانه‌ها با وجود نفوذ گسترده نتوانسته‌اند جایگزین جایگاه ریشه‌دار امام و مسجد شوند و بیشتر در تقابل و رقیبی موازی ظاهر شده‌اند، نه جانشینی واقعی. همچنین دعوت رسانه‌ای به مسجد به‌ندرت با برنامه‌ریزی و تدبیر همراه است و اغلب در قالب گزارش‌های سرد و کم‌اثر ظاهر می‌شود؛ این واقعیت نشان‌دهنده پایداری ساختارهای

معنایی و اجتماعی مسجد و امامان آن و محدودیت‌های پیام‌رسانی رسانه‌ای در ایجاد تعلقات دینی عمیق است.

۱. روحانیان چه بخواهند و چه نخواهند وابسته به دین و خادم مردم هستند.

۲. موفقیت مساجد فعال و آباد، با امام مسجد است.

۳. امامان مساجد همانند طبیب دوّار برای شناخت آسیب‌ها ولی طبابت دوّار نیست و بهترین مکان برای طبابت روحی و روانی، مسجد است چنانچه دکتر قلب در کوچه و خیابان راه می‌رود ولی جراحی انجام نمی‌دهد.^۱

۴. امامانی که دغدغه مشاغل اداری دارند، از موفقیت کمتری برخوردارند.

۵. روحانیونی که سه وعده در مسجد حضور دارند، گرچه امام جماعت نباشند، اعتماد و اعتبار بیشتری دارند.

۶. مردم به مسجد و امامان آن دل‌بسته‌اند، درحالی‌که چنین وابستگی به روحانیون دیگر ندارند.

۷. همچنان روحانیون مساجد پیشتاز تبلیغ و ارشاد هستند و فریب پست و مقام و تشکیلات را نمی‌خورند.

۸. ائمه مساجد به دلیل دسترسی آسان و اعتماد عمومی، جایگاه مهمی در همراهی و مشاوره با مردم را دارند. هرچند آنان توان حل همه

۱. مکان مسجد در طبابت امراض روحی تأثیرگذارتر است.

مشکلات را ندارند، اما نقش عاطفی و معنوی آنان در شنیدن درد دل‌ها، کاهش فشار روانی و تقویت تاب‌آوری افراد، تأثیر قابل‌توجهی در تحمل و مدیریت مشکلات دارد.

۹. روحانیانی که نگاه ابزاری به مسجد نداشته و از سرِ اعتقاد به امامت و شناخت عمیق از کارکردهای مسجد فعالیت می‌کنند، حتی اگر در عرصه هدایت به موفقیت چشمگیر نرسند، دست‌کم منشأ انحراف نخواهند بود؛ به شرط آنکه گرفتار دغدغه‌ها و گرایش‌های شخصی و جهت‌دار نشوند.

۱۰. گرچه بعضی از روحانیان، امام جماعت نیستند، ولی با حضور مرتب و پررنگشان کارکرد امام مسجد دارند.

ج) پیوند مردم با امام مسجد

۱. در اندیشه و عبادت، همراه یا اندکی پس از امام باشیم و از پیشی گرفتن پرهیز کنیم؛ زیرا تندروی دست‌کمی از کندروی ندارد.

۲. اگر در امور دینی به ائمه مساجد نیازمندیم و از هدایت و خدمات معنوی آنان بهره‌مند می‌شویم، شایسته است که در برابر، نیازهای مادی و معیشتی آنان را نیز تأمین کنیم تا با آرامش و کارایی بیشتر به انجام مأموریت‌های دینی و اجتماعی خود بپردازند. نگاه ما به آنان باید نگاه به «امام» باشد، نه «اجیر»؛ تا جایگاه معنوی و نقش رهبری آنان در جامعه حفظ شود.

۳. اگر گاهی تندی کردند، شکیبا باشیم؛ آنان معصوم نیستند، اما دلسوزی و خیرخواهی دارند.

۴. اگر خطایی از روحانیون سر زد، باید دانست که آنان به سبب توجه کمتر به تعلقات دنیوی و تمرکز بر وظیفه دینی، معمولاً کمتر دچار لغزش می‌شوند و عملشان در گرو مزد و پاداش الهی است، چنانکه در قرآن کریم آمده: «إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ».^۱

۵. بی‌موقع مزاحم آنان نشویم.

۶. آنان را خادم دین و مسجد بدانیم.

۷. بدانیم عالم دین – همانند مسجد – روز قیامت شکایت می‌کند.^۲

۱. هود: ۲۹.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يُصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالَمٌ بَيْنَ جُهَالٍ وَ مُضَحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳).

(د) آداب امامت مسجد

۱. امامت مسجد غیر از امامت جماعت است.^۱
۲. تا زمانی که روحانی ملبس حضور دارد، دیگران، اگرچه از اهل علم باشند، امامت نکنند.^۲
۳. همان‌گونه که مسجد در همه زمان‌ها و برای همه مردم و امورشان جایگاهی عمومی و فراگیر دارد، امام مسجد نیز باید در همه عرصه‌ها پیشرو و راهبر باشد؛ نه اینکه تنها در نماز پیش‌قدم و در سایر مسائل میان‌دار یا فراموش شود.
۴. امامت مسجد با صرفاً امام جماعت بودن تفاوت دارد؛ مردم در همه شئون زندگی به مسجد و امام آن نیازمندند. نماز امری موقت است، اما امامت نقشی دائمی است و حتی در زمان‌هایی که نماز واجب برگزار نمی‌شود نیز مسجد و امام آن ضرورت و کارکرد خود را حفظ می‌کنند، لذا امامت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی همه مردم، چه حاضرین در مسجد و چه غایبانی که یا به مسجد نمی‌آیند و یا فقط در مناسبت‌ها می‌آیند را به عهده دارد.

۱. ر.ک. تقی قرآتی، «آیین امامت مسجد».

۲. اگر روحانی بعد از شروع نماز به مسجد وارد شود، ادامه نماز جماعت توسط غیر روحانی بلا اشکال است چون بطلان نماز در چنین شرایطی نیاز به دلیل محکم دارد. حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که: اقتدا کردن طلبه ملبس به طلبه غیر ملبس چه حکمی دارد؟ می‌فرماید: مادام که طلبه ملبس واجد شرایط وجود دارد، امامت طلبه غیر معمم اشکال دارد.

۵. اگر درمان مشکلات جسمی مردم به صدها پزشک متخصص نیاز دارد، درمان مشکلات روحی آنان ده‌ها برابر بیشتر به متخصصان و مربیان روحانی نیازمند است؛ چه بسا ریشه بسیاری از بیماری‌های جسمی نیز در ناخوشی‌های روحی انسان نهفته باشد.

۶. از طولانی شدن نماز جماعت مذمت شده^۱ و همواره به کوتاه خواندن آن سفارش شده است.^۲ لذا در بیست دقیقه، بیست رکعت خواندن بهتر از دو رکعت خواندن است.

۷. با نشاط، طمأنینه، آرامش، ابهت و عظمت، نماز را به اختصار بخواند.

۸. مراعات حال ضعیف‌ترین نمازگزاران را - در خلاصه کردن و نه در طولانی کردن - بنماید.

۹. از انجام مستحباتی که وقت و حوصله مأمومان را می‌گیرد پرهیز کند؛ زیرا بیشتر مستحبات برای نمازهای مستحبی و فرادا تشریع شده‌اند، نه برای نماز جماعت. تنها مستحباتی مانند شانه زدن یا عطر زدن که زمان‌بر نیست و می‌توان آن را همراه اذکار انجام داد، مناسب این مقام است.

۱۰. در شرایط اضطراری مثل گریه بچه،^۳ قطع برق در سرما و گرما،

۱. عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ صَلُّوا بِهِمْ صَلَاةً أَوْعَفِهِمْ وَلَا تَكُونُوا فَتَانِينَ (نهج البلاغه، نامه ۵۲).

۲. مِنْ كِتَابِ التَّوْبَةِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ [فِي أَوْصَافِ النَّبِيِّ ﷺ] قَالَ: وَ كَانَ أَحَقَّ النَّاسِ صَلَاةً فِي تَمَامٍ وَ كَانَ أَقْصَرَ النَّاسِ حُطْبَةً (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۳).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَخَفَّفَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثٌ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صَرَخَ الصَّبِيِّ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸).

اقامه و اذان و نماز را مختصرتر و سریع‌تر،^۱ و سلام را نیز یک مرتبه بگوید^۲ تا مردم اذیت نشوند.

۱۱. کیفیت جماعت در کمیت آن است؛ بنابراین شاخص، تعداد نمازگزاران است و اشاره‌ای به عالم و غیر عالم، زن و مرد، کوچک و بزرگ نشده است. البته اگر امام جماعت عالم دینی باشد فضائل بسیار دارد.^۳

۱۲. امام بعد از اذان برای مردم مختصراً دعا کند؛ چون دعا بعد از اذان، به استجابت نزدیک است^۴ و بهتر آنکه در دعا به شرایط و مناسبت‌ها توجه شود.

۱۳. بهتر است تنها یک اذان گفته شود؛ زیرا تعدد اذان، هم از شأن اذان و مؤذن می‌کاهد و هم موجب خستگی مردم است، درحالی‌که یک اذان کفایت می‌کند و موافق احتیاط است.

۱۴. بهتر آن است که اذان با صدای زنده و حضور مؤذن، ادا شود؛ چراکه پخش اذان از رادیو و مانند آن -در صورتی که غیر مستقیم باشد- کفایت نمی‌کند^۵ و در حکم اذان واقعی نیست.

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْأَذَانُ يُقْصَرُ فِي السَّفَرِ كَمَا تُقْصَرُ الصَّلَاةُ وَالْأَذَانُ وَاحِدًا وَاحِدًا وَ الْإِقَامَةُ وَاحِدَةٌ وَاحِدَةٌ (شیخ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، ص ۳۰۸).
 ۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنْ كُنْتَ تَوُمُّ قَوْمًا أَجْزَأَكَ تَسْلِيمَةً وَاحِدَةً (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۱۶)؛ توجه داشته باشیم که اکثر اذکار مستحبی مخصوص نماز فراداست.
 ۳. عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ خَلْفَ الْعَالِمِ بِأَلْفِ رُكْعَةٍ وَ خَلْفَ الْقُرْشِيِّ بِمِائَةٍ وَ خَلْفَ الْعَرَبِيِّ خَمْسُونَ وَ خَلْفَ الْمُؤَلَى خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۷۳).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَدَّنَ الْمُؤَذِّنُ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ اسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْإِقَامَةِ لَمْ تَرُدْ دَعْوَةٌ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۸۵).

۵. کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده، چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین آن اذان و

۱۵. حتی‌الامکان اقامه را دیگران بگویند و امام بلافاصله تکبیره الاحرام بگوید و نماز را شروع کند؛ چون با «قد قامت الصلاة» معمولاً همه می‌ایستند و دعای بعد از اقامه، مردم را خسته می‌کند و عدم همراهی مردم ممکن است توهین به نماز و مسجد محسوب شود.

۱۶. بهتر آن است که در هنگام اقامه و پس از آن، از قبله روی نگرداند^۱ و از سخن گفتن یا خواندن دعا به‌گونه‌ای که موالات بین اقامه و نماز را به هم می‌زند، پرهیز کند.^۲

۱۷. از آنجایی که مردم با شنیدن «قد قامت الصلاة» می‌ایستند، با خواندن دعا و تکبیرات متعدد، بعد از اقامه، موجب بی‌نظمی و اذیت مردم می‌شود.

۱۸. اصل بر حفظ سکوت و آرامش در مسجد است؛ از این‌رو، امام جماعت تنها حمد و سوره را در نمازهای صبح، مغرب و عشا بلند

اقامه و نمازی که می‌خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید. اگر از تلویزیون یا رادیو بشنود هم این حکم جاری است، یا شامل آن نمی‌شود؟ «اگر مستقیم پخش شود، حکم مذکور را دارد، ولی اگر از نوار و مانند آن پخش شود این حکم را ندارد» (استفتاء دفتر مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۵۳۵۵۶)؛ یسقط الأذان و الإقامة إذا سمعها من مثل الراديو بشرط إذاعتها مستقيمة، و إن أذيعت من المسجلات لم یسقطا بسماعهما، و لا یستحب حکایتها فی الفرض، و لا یسقطا بحکایتها (امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۶۲۹)

۱. آیا هنگام خواندن اذان و اقامه، باید بی‌حرکت بود و طمأنینه کامل داشت یا می‌توان حرکت کرد و راه رفت؟ «راه رفتن اشکال ندارد؛ هر چند مستحب است هنگام گفتن اذان رو به قبله بایستد و هنگام گفتن اقامه بدن آرام باشد» (استفتاء مقام معظم رهبری، پرسش شماره ۷۲۵۴۵).

۲. اگر خواندن نماز را پس از اذان و اقامه، به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه این نماز محسوب نشود، مستحب است برای آن نماز، دوباره اذان و اقامه گفته شود (امام خمینی رحمته الله، توضیح المسائل، ص ۲۰۶، مسئله ۹۳۳).

می‌خواند و در دیگر نمازها حتی ذکر رکوع، سجده و تشهد آهسته قرائت می‌کند. بلند خوانی در مواردی که دلیل شرعی ندارد، شاید موجب هم‌خوانی نمازگزاران، ایجاد همهمه و آزار دیگران شود؛ درحالی‌که آهسته خوانی نه تنها نکوهش نشده، بلکه موافق احتیاط و شأن مسجد است.

۱۹. شایسته است امام، پیش و پس از نماز رو به مردم کرده و همه امور را نظاره می‌کند تا هیچ‌کس از نگاه او پنهان نماند. چنین رویکردی، جایگاه معنوی میان امام و نمازگزاران را استوار می‌کند. امامی که ماموم خود را نشانسد، بیش از مأمومی که امامش را نمی‌شناسد، در معرض آسیب و گسست ارتباط قرار می‌گیرد.

۲۰. در مواردی که برخی به رکعت اول نرسیده‌اند، تسبیحات رکعت سوم و چهارم را طول دهد تا آنان بتوانند حداقل حمد را بخوانند.

۲۱. سجده آخر را طولانی نکند تا کسانی که در غیر رکعت اول اقتدا کرده‌اند، معطل نشوند.

۲۲. تشهد را کوتاه کند تا آنان که در حال تجافی (نیم‌خیز) هستند و یا دارای چاقی و اضافه وزن می‌باشند، اذیت نشوند.

۲۳. بین دو نماز به اندازه‌ای فاصله بیندازد که کسانی که در رکعت آخر نماز قبلی، اقتدا کرده‌اند، بتوانند به نماز دوم برسند.

۲۴. در قنوت از دعا‌هایی بهره گیرد که در آن‌ها صیغه جمع به کار رفته^۱ تا دعا، همه حاضران را در برگیرد.^۱

۱. مثل: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَثِّ أَقْدَامَنَا...» (بقره: ۲۵۰)؛ «رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً...» (آل عمران: ۸).

۲۵. میان تکبیره‌الاحرام و آغاز «بسم‌الله» اندکی مکث کند^۲ تا مأمومین فرصت کامل برای گفتن تکبیره‌الاحرام و پیوستن به جماعت داشته و از ثواب درک تکبیره‌الاحرام بهره‌مند شوند.

۲۶. بعد از حمد و بعد از سوره، کمی سکوت کند.^۳

۲۷. در هنگام گفتن تکبیرات، قبل و بعد از رکوع و سجده، دست‌ها را بلند کند.^۴

۲۸. در قرائت حمد و سوره نمازهای صبح و مغرب و عشا، اعتدال در صوت داشته باشد.^۵

۲۹. هر شغل، فنون و رموزی دارد. امام مسجد به خود اعتماد نکند و از تجربه دیگران استفاده کند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ فَأَخْتَصَّ نَفْسَهُ بِالدُّعَاءِ دُونَهُمْ فَقَدْ خَانَهُمْ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۰).

۲. حَدَّثَ سَمُرَةُ أَنَّهُ حَفِظَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَكَّتَيْنِ سَكَنَةً إِذَا كَبَّرَ وَ سَكَنَةً إِذَا فَرَعَ مِنْ قِرَاءَتِهِ عِنْدَ رُكُوعِهِ ثُمَّ إِنَّ قَتَادَةَ ذَكَرَ السَّكَنَةَ الْأَخِيرَةَ إِذَا فَرَعَ مِنْ قِرَاءَةِ «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۲۷).

۳. عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ﷺ أَنَّ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اخْتَلَفَا فِي صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَكَتَبَا إِلَى أَبِي بَنِي كَعْبٍ كَمْ كَانَتْ - لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ سَكَنَةٍ قَالَ كَانَتْ لَهُ سَكَنَتَانِ إِذَا فَرَعَ مِنْ أَمِّ الْقُرْآنِ وَ إِذَا فَرَعَ مِنَ السُّورَةِ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۹۷).

۴. قَالَ الْكَاطِمُ ﷺ: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَرْفَعَ يَدَيْهِ فِي الصَّلَاةِ وَ لَيْسَ عَلَى غَيْرِهِ أَنْ يَرْفَعَ يَدَيْهِ فِي التَّكْبِيرِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۵۱۲).

۵. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْإِمَامِ إِذَا قَرَأَ فِي الصَّلَاةِ هَلْ يَسْمَعُ مَنْ خَلْفَهُ وَ إِنْ كَثُرُوا قَالَ: يَفْقَرُ قِرَاءَةً مُتَوَسِّطَةً لَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تُخَافِتْ بِهَا» (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۰۰).

۳۰. اقامه نماز در اول وقت سزاوارتر است هرچند جمعیت کمتر باشد، زیرا پایبندی به جماعت و حفظ انسجام عبادی اولویت دارد. تأخیر در اقامه ممکن است جمعیت را افزایش دهد، اما هم‌زمان باعث می‌شود برخی نماز را فرادا بخوانند یا در میانه نماز، مسجد را ترک کنند؛ بنابراین برای جلوگیری از اعراض از مسجد و جماعت و آسیب‌های آن، بهتر است نماز در اول وقت و با همان جمعیت اندک برگزار شود.^۱ همچنین کسانی که دیر می‌رسند تا زمانی که صفوف به هم نخورده ثواب نماز جماعت را برده‌اند چراکه به قصد جماعت آمده‌اند.

۳۱. اگر نمازش قصر و شکسته است، سلام را آهسته بگوید تا مأمومینی که نمازشان کامل است، متوجه شوند و نماز را ادامه دهند و با امام سلام ندهند و نمازشان باطل نشود.

۳۲. سالی یک‌بار اطلاعات مرتبط با مساجد جهان را به‌روز کرده و همچنین برنامه‌های مسجد را بر اساس نیازهای جدید سامان دهد؛ و با به‌کارگیری روایات مسجد، مسیر عمل مسجد را هدفمند سازد؛ پیوند دانسته‌ها و عمل، مسجد را زنده و راه آینده را تعیین می‌کند.

۱. لازم به ذکر است که مناسب است برخی مساجد سازمانی، کارخانه‌ها، ایستگاه‌های راه آهن و... در اقامه نماز، تابع جمعیت باشد، چون گاهی اول وقت، جمعیت کم است و در وقت‌های بعدی، جمعیت زیاد می‌شود.

اول. آداب امامت اجتماعی

۱. پیش‌قدمی در سلام، نوعی اقتدار آرام و تربیتی ایجاد می‌کند. سزاوار است امام مسجد آغازگر سلام باشد؛ همان سنتی که پیامبر ﷺ همواره در آن پیشی می‌گرفتند و بدین‌سان اجازه نمی‌دادند کسی بر ایشان سلطه روحی یابد.
۲. به همه توجه کند و حتی یک نفر از حاضرین در مسجد از نظر او غایب نباشد.
۳. وابستگان سببی و نسبی به او اعتماد داشته، گرچه امکان همراهی نداشته باشند،
۴. همیشه در دسترس باشد.
۵. از مسجدی‌های بیمار عیادت کند.
۶. امام جماعت بعد از سال‌ها، مقبولیت اجتماعی خاصی پیدا می‌کند. به همین خاطر نباید قبل آن چنین توقعی داشته باشد.
۷. در مراسم‌های مسجد شرکت داشته باشد.
۸. در برنامه‌های مسجد، گاه خود او پیش‌قدم و بانی باشد تا الگوی عملی برای دیگران شود و فضای مشارکت و همکاری را در مسجد تقویت کند.
۹. در مسجد او هیچ‌کس غریبه به شمار نیاید و برای هیچ‌کس امتیاز ویژه قائل نباشد.^۱

۱. «سَوَاءُ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِئُ» (حج: ۲۵).

۱۰. مسجد او محل تکریم اغنیا و ثروتمندان و محل تحقیر فقرا و نیازمندان نباشد.

دوم. آداب امامت فرهنگی

۱. حتی الامکان سه وعده در مسجد حضور داشته باشد و اگر در یک مژده داده امام جماعت هست در سایر وعده‌ها به عنوان مأوم در مسجد حضور داشته باشد.

۲. حداقل سالی یک‌بار، احکام و احادیث مربوط به مسجد را مطالعه کند و در درجه نخست، بینش و منش خود را درباره مسجد و مسجدی‌ها ارتقا بخشد.

۳. از ابزار تبلیغاتی مثل پروژکتور یا تابلو اعلانات برای ترویج احکام و آداب مسجد استفاده کند چراکه کارایی آن از سخنرانی کمتر نیست به خصوص اگر محتوای آن جدید بوده و مرتب تعویض شود.^۱

۴. دعوت مغازه‌ها و خانه‌ها و ارگان‌های اطراف مسجد را بپذیرد و ضمن سرکشی، از شرایط و احوالات آن‌ها باخبر شود.

۵. از وقایع خوب و پیشامدهای بد اطراف مسجد باخبر باشد.

۶. به دیگران بدگمان و در پی آشکار کردن عیوب نباشد و بداند که مسجد و اهل آن، خوبی‌ها را آشکار و عیوب را می‌پوشاند.

۱. متأسفانه در بسیاری از مساجد، به جای نوشتن آداب مرتبط با حضور و رفتار در مسجد، نوشته‌هایی نصب می‌شود که نه خواندنی‌اند و نه با فضای مسجد تناسب دارند.

۷. بر رفتارها، برنامه‌ها و موضع‌گیری‌هایش اعتدال داشته باشد و از افراط و تفریط بپرهیزد.

۸. وعده‌گاه و قرار ملاقات خود با مردم را در مسجد قرار دهد نه در دفتر و خانه. چون قداست مکان تأثیر بسزایی دارد.

۹. دلایل نیامدن بعضی‌ها را به مسجد بداند و در برطرف کردن آن، کوشا باشد.

۱۰. محور فعالیت‌هایش رضایت خداوند باشد، نه خواسته‌های مردم؛ از این‌رو برای جلب نظر دیگران، نباید اجازه انجام کارهایی را بدهد که با شأن و قداست مسجد سازگار نیست.

۱۱. بیش از نیمی از حواس و درک مردم از راه چشم صورت می‌گیرد و سهم گوش در این میان اندک است. از این‌رو امام جماعت پیش از آنکه سخن گو باشد، الگوی عملی است و مردم اسلام را نه فقط در گفتار، بلکه در رفتار، منش و شیوه زندگی او مشاهده می‌کنند.^۱ کسانی که در دین‌داری منحرف می‌شوند، اکثراً کسانی هستند که با مطالعه و تفکر دین را شناخته و قبول کرده‌اند و کسانی که با معاشرت با علماء، دین را پذیرفته‌اند کمتر دچار افراط و تفریط شده‌اند. هرچند در حوزه اعتقادات، تقلید جایز نیست، اما در عرصه عمل و رفتار، دین‌داری صحیح جز با نظارت و هدایت عالم بر عابد تحقق نمی‌یابد. لذا امام نیازی به سخنرانی ندارد و امام موفق کمتر اهل سخنرانی است (مگر روضه امام حسین علیه السلام)

۱. نتایج تحقیقات در مورد سهم حواس در یادگیری انسان نشان داده که تقریباً حدود هفتاد و پنج درصد (سه چهارم) یادگیری از طریق دیدن، ۱۳ درصد از طریق شنیدن، ۶ درصد از طریق لمس کردن، سه درصد از طریق بوییدن و سه درصد از طریق چشیدن صورت می‌پذیرد.

که آن هم با کمترین کلمات و بیش‌ترین درس و عبرت است) او آنچه را می‌خواهد بگوید، پیش از زبان، با عمل خویش، سال‌های متمادی بیان کرده است.

هـ) مسجد و نماز

«مکان نماز» یکی از ارکان صحت و کمال عبادت است. به همین خاطر نماز در برخی مکان‌ها باطل یا مکروه بوده و این خود نشان می‌دهد که محل اقامه نماز، تنها یک ظرف فیزیکی نیست، بلکه بخشی از حقیقت عبادت است. مسجد شریف‌ترین و شایسته‌ترین مکان برای برپایی نماز معرفی شده است؛^۱ همان‌گونه که نماز خارج از وقت «قضا» محسوب می‌شود، نماز خارج از مسجد نیز به نحوی قضاء مکانی محسوب شده و از کمال و آثار معنوی اصلی خود دور می‌ماند و نوعی «اضاعه» و کاستی به‌شمار می‌آید.

مراد از «نماز»، نمازهای واجب و مقصود از «اقامه»، برپاداشتن آن در جایگاه اصلی و طبیعی‌اش، یعنی مسجد است. به بیان دیگر میان «خواندن نماز» و «اقامه نماز» تفاوتی اساسی وجود دارد. به همین خاطر ثواب نماز در مسجد چندین هزار برابر نماز در غیر مسجد است و خواندن نماز در غیر مسجد حتی به‌صورت جماعت^۲ مورد تهدید،^۱ مذمت و

۱. رَوِيَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَأَحَبُّ الْبُقَاعِ إِلَيْهِ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰)؛ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۳).

۲. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ... مَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغْبَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ، وَ لَا لِمَنْ صَلَّى مَعَهُ، إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ تَمْنَعُ مِنَ الْمَسْجِدِ (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۹۶).

نکوهش قرار گرفته است و نشان می‌دهد که پذیرش نماز در گرو قرار گرفتن آن در جایگاه حقیقی‌اش است؛ گویی بیش از خود فعل نماز، «محل و کیفیت» آن مورد توجه است.

توجه به این کلام امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: اول چیزی که در قیامت به آن رسیدگی می‌شود، نماز است^۲ و سخن امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرماید: نماز همسایه مسجد، نماز نیست مگر در مسجد،^۳ - گرچه به صورت جماعت خوانده شود- ما را به این مطلب رهنمون می‌کند که نماز ترک‌کننده مسجد «هَبَاءٌ مَّنْثُورٌ»^۴ بوده و حقیقتی ندارد تا مورد محاسبه قرار گیرد.

تذکرات الهی نیز متوجه بی‌توجهی به آداب و جایگاه نماز است، نه ترک مطلق آن. تعبیراتی مانند «إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى»؛^۵ «أَضَاعُوا

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: هَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِاخْرَاقِ قَوْمٍ فِي مَنَازِلِهِمْ كَانُوا يُصَلُّونَ فِي مَنَازِلِهِمْ وَلَا يُصَلُّونَ الْجَمَاعَةَ فَأَتَاهُ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي ضَرِيرُ الْبَصَرِ وَرَبِّمَا أَسْمَعُ النَّدَاءَ وَلَا أَجِدُ مَنْ يَقُودُنِي إِلَى الْجَمَاعَةِ وَالصَّلَاةَ مَعَكَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله شُدَّ مِنْ مَنَزِلِكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبْلًا وَ احْضُرِ الْجَمَاعَةَ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۶۶)؛ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَتَى ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُنْزِلِي شَاسِعٌ، وَأَنَا مَكْفُوفُ الْبَصَرِ، وَأَنَا أَسْمَعُ الْأَذَانَ، قَالَ: فَإِنْ سَمِعْتَ الْأَذَانَ فَأَجِبْ، وَلَوْ حَبْوًا أَوْ رَحْقًا (احمد ابن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۶۷).

۲. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۸).

۳. عَنْ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

۴. سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ... وَالصَّلَاةُ فِي مَنَزِلِكَ فَرْدًا هَبَاءً مَّنْثُورٌ، لَا يَصْعَدُ مِنْهُ إِلَى اللَّهِ شَيْءٌ (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۶۹۶).

۵. نساء: ۱۴۲.

الصَّلَاة»؛^۱ «لَمْ تَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛^۲ و «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»؛^۳ حاکی از آن است که بسیاری از مذمت‌ها درباره کسانی است که اصل نماز را انجام می‌دهند، اما اعتنایی به شرایط و مکان آن ندارند. این نکته خود تأکیدی است بر این که نماز صرفاً یک عمل نیست، بلکه مجموعه‌ای از ادب، حضور، زمان‌شناسی و مکان‌شناسی است که در اوج خود، در مسجد معنا و کمال می‌یابد.

۱. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْتَهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»؛^۴ شامل نماز در خانه نمی‌شود؛ چراکه فحشا و منکر از آسیب‌های اجتماعی هستند، نه فقط از آسیب‌های فردی و اخلاقی و شخصی.

۲. اگر نماز، معراج مؤمن است مسجد، معراج گاه و محل عروج است.

۳. اگر نماز، ستون دین است مسجد، خیمه دین است.

۴. اگر نماز، وجه (صورت) دین است، نماز در مسجد، آبروی دین است.

۵. از «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ»^۵ فهمیده می‌شود که مراد، جایگاه نماز است.^۶

۱. مریم: ۵۹.

۲. مدثر: ۴۳.

۳. ماعون: ۴.

۴. عنکبوت: ۴۵.

۵. نساء: ۴۳.

۶. قوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ... مَا تَقُولُونَ» المراد بالصلاة، المسجد (سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۶۰).

آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» ناظر به «موضع و جایگاه نماز» است، نه صرف خود فعل نماز؛ زیرا «صلاة» به عنوان عبادت، نه مکان است و نه امری که تقرب مکانی به آن معنا داشته باشد تا تعبیر «لَا تَقْرَبُوا» بر آن حمل شود. قرینه روشن آیه، استثنای «إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» است؛ چراکه عبور، وصف مکان است نه عمل. از این رو، مراد از «الصلاة» در این سیاق، مسجد و محل اقامه نماز است.

اول. آداب نماز جماعت مسجد

۱. مراد از نماز در مسجد، نمازهای واجب است که معمولاً با جماعت خوانده می‌شود؛ نه نمازهای مستحبی^۱ که جماعت در آن جایز نیست و بهتر است در غیر مسجد و سرّی و مخفیانه خوانده شود.^۲
۲. گرچه نماز با مسجد آمیخته شده است، لکن وقف مسجد فقط برای نماز، جایز نیست؛ چراکه مسجد کارکردهای متعددی دارد.
۳. نماز در هر شرایطی (صبح و ظهر و شب، خسوف و کسوف) واجب است، لذا حضور و تردد در مسجد در هر شرایطی لازم است.
۴. در ادیان دیگر نماز در غیر معبد ممنوع بوده است؛^۳ اما اسلام نماز در غیر مسجد را در مواردی کمیاب و نادر جایز دانسته است،^۴ چه رسد به

۱. مناسب است نمازهای مستحب به جز نماز تحیت مسجد، در خانه خوانده شود.

۲. قال رسول الله ﷺ: وَ فَضْلُ صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فِي الْبَيْتِ عَلَى فِعْلِهَا فِي الْمَسْجِدِ كَفَضْلِ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى الْمُنْفَرِدِ (جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۱۴).

۳. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُ سَلْ قَالَ «رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا» يَعْنِي بِالْإِصْرِ الشَّدَائِدُ الَّتِي كَانَتْ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْ قَبْلِنَا فَأَجَابَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَ قَالَ تَبَارَكَ اسْمُهُ قَدْ رَفَعْتَ عَنْ أُمَّتِكَ الْإِصَارَ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْأُمَمِ السَّالِفَةِ كُنْتُ لَا أَقْبَلُ صَلَاتَهُمْ إِلَّا فِي بَقَاعٍ مَعْلُومَةٍ مِنَ الْأَرْضِ اخْتَرْتُهَا لَهُمْ وَ إِنْ بَعُدَتْ وَ قَدْ جَعَلْتُ الْأَرْضَ كُلَّهَا لِأُمَّتِكَ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا (أحمد بن علي طبرسي، الإحتجاج على أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۲۱).

۴. الف) نماز مستحبی به جز نماز تحیت ب) نماز جماعت در مواردی همچون: (۱) زمینی برای مسجد معین شده ولی موضع مسجد به طور دقیق معین نشده باشد. (۲) حضور در مسجد خطر داشته باشد (مثلاً احتمال ریزش سقف) (۳) تمام مسجد در حال تعمیر بوده و نتوان در هیچ بخشی از آن حضور یافت. (۴) اقامه جماعت در غیر مسجد موجب ایجاد انگیزه برای ساخت مسجد در آن مکان می‌شود. (۵) امام یا مأموم کثیر الشک است و در نماز جماعت شک نمی‌کند و جماعت هم در غیر مسجد برگزار می‌شود. (۶) نمازگزاران به قدری از مسجد فاصله دارند که صدای

جماعت که در غیر مسجد تصور نشده است.

۵. برپایی نماز جماعت در غیر از مسجد، پسندیده نبوده^۱ و در مواردی حتی نکوهش شده است. از همین رو، نماز در مسجد - اگرچه فرادا باشد^۲ - بر نماز جماعت در غیر مسجد^۳ - گرچه در مکان مذهبی مثل مصلأ، حسینیه یا نمازخانه خوانده شود - ترجیح دارد؛ بنابراین نماز در مسجد را در جماعت منحصر ندانیم و خواندن نماز فرادا در مسجد را کم‌ارزش ندانیم.

۶. اصل تقدّم «نماز در مسجد» است، به گونه‌ای که حتی نماز فرادا بر فعالیت‌های جمعی همچون قرائت قرآن یا سخنرانی مقدّم شمرده می‌شود. از این رو، در هرگونه تراجم^۴ میان اقامه نماز و سایر برنامه‌های عبادی یا فرهنگی، اولویت با اقامه نماز است.

اذان به آنجا نمی‌رسد و اگر هم می‌رسد امکان حضور در مسجد نیست (مثلاً مسجد در آن طرف اتوبان است و امکان تردّد وجود ندارد) (۷) نماز جماعت هیچ‌گونه تعرضی به مسجد ندارد که کمتر اتفاق می‌افتد.

۱. برگزاری نماز جماعت در بیرون مسجد در مواردی جایز نیست، از جمله: (۱) نماز جماعت بیرون از مسجد از شمار حاضر شوندگان به مسجد بکاهد (گرچه حتی یک نفر باشد) (۲) نماز جماعت بیرون از مسجد احساس بی‌نیازی از ساخت مسجد و بی‌توجهی به این امر را در مردم ایجاد کند. (۳) نماز جماعت بیرون از مسجد در محدوده‌ای باشد که اذان مسجد به آنجا می‌رسد.

۲. اگر خواندن نماز فرادا به هنگام برپایی نماز جماعت، موجب تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست (سید علی خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ص ۱۱۵، س ۵۵۵).

۳. صحت اقامه نماز جماعت در غیر مسجد مشروط به آن است که تعرضی به مساجد نداشته باشد که معمولاً این‌گونه نیست.

۴. ایجاد مزاحمت در مسجد جایز نیست ولو اینکه با قرآن و نماز خواندن باشد. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا إِنَّ كَلِمَتَ مَنَاجِرٍ رَبِّهِ فَلَا يُؤْذِنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ: فِي الصَّلَاةِ (ابی داود، سنن، ج ۱، ص ۲۹۹).

۷. با توجه به اینکه شرعاً در مسجد باید همواره گشوده باشد و امکان برگزاری جماعت در همه اوقات فراهم نیست، و از سوی دیگر، اطلاق روایات مربوط به «فضیلت نماز در مسجد» و عدم انحصار آن به جماعت، نشان می‌دهد که مقصود اصلی این فضیلت، همان نماز فرادا در مسجد است^۱ و فضایل جماعت، مرتبه‌ای افزون بر آن به شمار می‌آید.

افزون بر این، به تأخیر انداختن نماز برای رسیدن به مسجد، بر خواندن نماز در اول وقت در غیر مسجد برتری دارد.^۲

دوم. آداب جماعت

در احکام و آداب جماعت، بیش از هر چیز به نظم، تسویه صفوف و کیفیت آن توجه شده است که متأسفانه کمتر بدان توجه می‌شود لذا:

۱. صفوف جماعت، صاف و منظم باشند.^۳ بیشترین سفارش نماز به نظم است و عباراتی همچون راسوا، تراسوا، استوا،^۴ اعتدلوا، حاذوا منابکم،^۵ ... آمده است.

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۳).

۲. قد مر أن الأفضل في كل صلاة تعجيلها فنقول يستثنى من ذلك موارد ... السادس لانتظار الجماعة إذا لم يفيض إلى الإفراط في التأخير و كذا لتحصيل كمال آخر كحضور المسجد (سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۲۶).

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَوُّوا صُفُوفَكُمْ فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ تَمَامُ الصَّلَاةِ (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۰).

۴. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَوُوا تَسْتَوِ قُلُوبُكُمْ وَ تَرَاوُوا تَرَحَّمُوا (جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۲۹۴).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَابِكُمْ لَا يَسْتَحْذُو عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳).

۲. صفوف به ترتیب کامل شوند و تا زمانی که صف جلوتر تکمیل نشده، کسی در صف بعدی نایستد.^۱
۳. افراد درون صف، کاملاً به یکدیگر متصل باشند و کمترین فاصله بین آنها نباشد.^۲ بنابراین بازوها و پاها به افراد کناری چسبیده باشد.
- در صورت کمبود فضا، شایسته است نمازگزاران با رعایت ادب، به دیگران جای دهند، به‌ویژه در صفوف اول و هنگام درخواست دیگران.^۳
۴. بین دو پای هر فرد به اندازه عرض شانه فاصله باشد.
۵. فاصله بین صفوف حداقل به اندازه طول قامت انسان باشد که نمازگزاران برای سجده مشکل نداشته باشند.
۶. فاصله بین صف اول با امام به‌گونه‌ای تنظیم شود که امام در شعاع دید صف اول باشد؛ از این‌رو در منابع فقهی بین سجده‌گاه صف اول و ایستادن امام می‌تواند یک متر فاصله یا به اندازه‌ای باشد که امکان عبور و مرور فراهم شود.^۴
۷. شایسته است امام جماعت، خود عهده‌دار تنظیم و استواری صفوف نمازگزاران باشد، یا دست‌کم پیش از آغاز نماز، به تسویه و نظم صفوف مأمومین سفارش کند.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أُولُهَا، وَ شُرُّهَا آخِرُهَا (ابن ابی جمهور احسائی، عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۱۱۰).
۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سَوُّوا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ وَ حَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لَا يَسْتَحْوِذُ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانُ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۳).
۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ...» (مجادله: ۱۱).
۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَقَلُّ مَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الْقُبْلَةِ مَرَبُضٌ عَنَرٍ وَ أَكْثَرُ مَا يَكُونُ مَرَبُطٌ فَرَسٌ (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۷).

۸. کودکان نه تنها از صفوف جلو به عقب رانده نشوند، بلکه می‌توانند در صف اول بین بزرگ‌ترها جا داده شوند.^۱

مسجد و حضور مردم

حضور مردم، مهم‌ترین شاخص زنده‌بودن مسجد و پیوند واقعی آن با بافت اجتماعی پیرامون خویش است. مسجدی که افزون بر محل عبادت، در متن زندگی روزمره مردم جای دارد، کانون تعلق، همبستگی و احساس مسئولیت جمعی خواهد بود.

۱. حداقل یک‌سوم ساکنان پیرامون، دسترسی آسان به مسجد داشته، طوری که با آغاز اذان از خانه یا محل کار حرکت کنند و پیش از پایان اذان -معمولی نه طولانی- به مسجد برسند.

۲. نسبت حضور زن و مرد و پیر و جوان در آن یکسان باشد.

۳. همسایه‌ها حضور بهتری دارند.

۴. اهالی مسجد و محله دلبسته و وابسته مسجد باشند و هر وقت توفیق حضور نیابند، احساس زیان کنند.

وظایف مأمومین

۱. به هنگام برپایی جماعت، نماز فرادا نخوانده و مشغول کار دیگری نشوند و اگر در حال خواندن نماز هستند، نمازشان را خلاصه کنند.

۲. حتی‌الامکان کیف، کفش و وسایل همراه خود را در دو طرف خود یا جلو خود قبل از سجده‌گاه نگذارند.

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيَّانِ إِذَا صَفُّوا فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ قَالَ لَا تَوَخَّرُوهُمْ عَنِ الصَّلَاةِ وَفَرَّقُوا بَيْنَهُمْ (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۸۰).

۳. همین که «قد قامت الصلاة» گفته شد، از جای خود برخیزند مگر اینکه بدانیم امام جماعت اقامه را طول داده و یا بعد از اقامه و قبل از تکبیره الاحرام دعا می‌خواند. در این صورت نشستن اشکال ندارد.

۴. بعد از تکبیره الاحرام امام و قبل از آغاز سوره حمد به امام اقتدا کنند.^۱

۵. جلوتر از امام به رکوع و سجده نروند بلکه هم‌زمان یا کمی پس از امام به رکوع و سجده بروند.

۶. دور هم نشستن در مسجد در غیر وقت نماز اشکال ندارد، خصوصاً اگر مزاحم نمازگزاران نباشند و بهتر است روبه‌روی هم و حلقه‌وار بنشینند چنانچه پیامبر ﷺ این گونه بود.^۲

۷. حمد و سوره امام را استماع [گوش] کنند.

۸. صدای ذکر آنان به امام جماعت نرسد.

۹. قبل و بعد از جماعت در صف و کنار هم بودن ضرورتی ندارد و هر کس می‌تواند در جای دلخواه خود بنشیند.^۳

۱. بعضی تا امام «بسم الله» نگوید، اقتدا نمی‌کنند و فضیلت بزرگی را از دست می‌دهند. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: التَّكْبِيرَةُ الْأُولَىٰ مَعَ الْإِمَامِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۷).

۲. عَنْ أَبِي تَمِيمَةَ الْهَجِيمِيِّ قَالَ: وَقَدْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَوَجَدْتُهُ قَاعِدًا فِي حَلَقَةٍ فَقُلْتُ: أَيُّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَا أَذْرِي؟ أَشَارَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْ أَشَارَ إِلَيَّ بَعْضُ الْقَوْمِ فَقَالُوا هَذَا

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۵۵).

۳. فَإِذَا فُضِّيتِ الصَّلَاةُ فَاتَّشَرُوا فِي الْأَرْضِ (جمعه: ۱۰).

فصل دوازدهم

مسجد و ماه مبارک رمضان

اگر ماه مبارک رمضان، میهمانی خداوند است، مسجد، مهمان خانه و محل پذیرایی آن است. کسی که روزه می‌گیرد اما به مسجد نمی‌رود، همچون میهمانی است که دعوت را پذیرفته ولی به مجلس میزبان قدم نهاده است؛ و آن‌که به هر دلیل نتواند روزه بگیرد، اما در مسجد حضور دارد، در حقیقت میهمان خداست؛ زیرا حضور در خانه او، نشانه اجابت دعوت ربّ رحیم است.

در مجموعه ادعیه ماه رمضان - افزون بر دعای افتتاح و ابوحمره - بارها و در مواضع مختلف، از شب‌ها و روزهای ماه گرفته تا پس از هر نماز و به‌ویژه هنگام افطار، درخواست زیارت مسجدالحرام و حج تکرار شده است؛ تکراری که گاه شمار آن در طول یک ماه به صدها و حتی نزدیک به هزار بار می‌رسد و با تعبیرهای گوناگون، همان سال و هر سال را در بر می‌گیرد.^۱

۱. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ماه مبارک رمضان).

همچنین در ادعیه، یکی از مقدرات الهی در شب قدر که بر آن تأکید شده دعا برای توفیق انجام زیارت مسجدالحرام است.^۱ این برجستگی نشان می‌دهد که در سنت عبادی مسلمانان، پیوندی ژرف و دائمی میان ماه رمضان و مسجدالحرام - و به‌طور کلی میان رمضان و فرهنگ مسجد - مورد توجه بوده است؛ پیوندی که روح دعاها را از آغاز تا پایان این ماه مبارک معطر می‌سازد و معنویت رمضان را با حضور در مسجد درهم می‌تند.

۱. اگر رمضان، مبارک است مسجد، هم خودش و هم اطرافش مبارک است.

۲. اگر نفس کشیدن در ماه رمضان، تسبیح است،^۲ نفس کشیدن در مسجد هم عبادت است.^۳

۱. أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَقُولُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ كُلِّ لَيْلَةٍ... اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيهَا تَقْضِي وَفِيمَا تُقَدَّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتَمُونَ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتُهُمْ... (شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲).

۲. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَظَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ... أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ... (شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷).

۳. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنْ اللَّهُ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَتُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَيُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ (حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۶۷).

۳. اگر شیطان در ماه رمضان در غل و زنجیر است،^۱ در مسجد هم همین گونه است.^۲
۴. اگر ماه رمضان ماه نزول قرآن است، مسجد هم اولین مکان نزول قرآن^۳ و محل تلاوت و عمل به قرآن است.^۴
۵. اگر ماه رمضان بهترین زمان عبادت است، مسجد هم بهترین مکان عبادت است.^۵
۶. اگر ماه مبارک رمضان ماه خداست، مسجد هم خانه و زیارتگاه خداست.^۶

۱. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَطَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ.... وَ الشَّيَاطِينُ مَغْلُوبَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَلَّا يَسْلُطَ عَلَيْكُمْ (شيخ صدوق، الأمالي، ص ۹۵).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلَ الْعَبْدُ الْمَسْجِدَ وَ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ قَالَ الشَّيْطَانُ كُسِرَ ظَهْرِي وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِبَادَةَ سَنَةٍ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۶۸): إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَقُلْ: ... وَ اصْرِفْ عَنِّي الشَّيْطَانَ وَ وَسْوَستِهِ (حسام الدین متقی هندی، كنز العمال، ج ۷، ص ۶۶۰).

۳. سئِلَ الصَّادِقُ عليه السلام عَنْ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ كَيْفَ كَانَ، وَ إِنَّمَا أُنْزِلَ الْقُرْآنُ فِي طُولِ عَشْرِينَ سَنَةً فَقَالَ إِنَّهُ نَزَلَ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ نَزَلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله ص فِي طُولِ عَشْرِينَ سَنَةً (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۶۶).

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ... وَ مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ... (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يَنْشُدُ الشَّعْرَ فِي الْمَسَاجِدِ فَقُولُوا فَضَّ اللَّهُ فَاكْ إِنَّمَا نَصَبَتِ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹).

۵. عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله جِبْرِئِيلَ أَيُّ الْبَقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ... فَقَالَ أَحَبُّ الْبَقَاعِ إِلَى الْمَسَاجِدِ... (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۴).

۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: أَنَّ يَبُوتَى فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدِ... (شيخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۸).

۷. ماه مبارک رمضان موسم فزونی پاداش عبادات است؛ به گونه‌ای که ارزش انفاق به اندازه کوهی از طلا^۱ و ثواب خواندن یک آیه برابر ثواب ختم قرآن است.^۲ با این همه، برای مسجد فضیلتی ویژه و افزون‌تر در ماه رمضان ذکر نشده، زیرا اصل جایگاه مسجد فراتر از موسمه‌هاست. مسجد نیاز دائمی جامعه بوده و ضرورت و فضیلت حضور در آن در همه ایام یکسان است؛ همین استمرار، نشانه مقام ثابت و همیشگی مسجد در زندگی دینی است.

در بسیاری از کشورهای اسلامی، ماه رمضان با افزایش چشمگیر حضور مردم در مساجد همراه می‌شود. این حضور باید نقطه آغاز باشد، نه استثنا؛ زیرا پیوند با مسجد منحصر به یک ماه نیست و شایسته است مؤمنان با خود عهد کنند که رفت‌وآمد به مسجد را به برنامه‌ای پایدار در زندگی روزانه تبدیل کنند و این حضور را با هیچ مشغله‌ای جایگزین ن سازند.

۸. به سبب روزه‌داری، حضور در مسجد - به ویژه برای نماز صبح - برای مردم آسان‌تر می‌شود و هنگام مغرب و افطار، مساجد به‌طور چشمگیری مملو از جمعیت است و عبور و مرور در بیرون کاهش می‌یابد. این وضعیت نشان می‌دهد که در ماه رمضان، فضای عمومی جامعه زیر نفوذ معنویت مسجد قرار می‌گیرد.

۱. سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: ... مَنْ تَصَدَّقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِصَدَقَةٍ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فَمَا فَوْقَهَا كَانَ أَثَقَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ جِبَالِ الْأَرْضِ ذَهَبًا تَصَدَّقَ بِهَا فِي غَيْرِ رَمَضَانَ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۲۲).

۲. عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَظَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ... وَ مَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ حَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ (شیخ صدوق، الامالی، ص ۹۵).

۹. سیره ائمه اطهار علیهم السلام نشان می‌دهد که در شب‌های قدر حضور در مسجد را ترک نمی‌کردند و با رفتار خویش، اهمیت این مکان مقدس را به پیروان می‌آموختند. امام صادق علیه السلام با حال بیماری شب قدر را در مسجد گذراندند.^۱ حضرت زهرا علیها السلام فرزندان خود را در مسجد نگاه می‌داشتند.^۲

۱۰. رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه مبارک رمضان در مسجد معتکف می‌شدند.^۳

۱۱. در احادیث وارد شده در شب‌های ماه مبارک رمضان مأمور به آباد کردن مسجد هستیم؛ لذا از خداوند بخواهیم ما را از آبادگران مساجد خود قرار دهد.^۴

۱۲. با توجه به اینکه احیای شب عید فطر و قربان کمتر از شب‌های قدر نیست، در مفاتیح‌الجنان، احیاء مقید به حضور در مسجد است به‌گونه‌ای که گویی بیداری در غیر مسجد احیاء و شب‌زنده‌داری نیست.^۵

۱. امام صادق علیه السلام در شب بیست و سوم سخت مریض بودند، با این حال دستور دادند وی را به مسجد ببرند و آن شب را تا صبح در مسجد ماندند: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَرِيضًا مُدْنِفًا فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَكَانَ فِيهِ حَتَّى أَصْبَحَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۴).

۲. كَانَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام لَا تَدَعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تَدَاوِيَهُمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَ تَنَاهَبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْزُومٌ مَنْ حَرَّمَ خَيْرَهَا (میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۰).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ اغْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ ثُمَّ اغْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى ثُمَّ اغْتَكَفَ فِي الثَّالِثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَغْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ (علامه مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۱۶، ص ۴۲۷).

۴. دعاء آخر فی الیلۃ السابعة عشر مروی عن النبی صلی الله علیه و آله: اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ، الَّذِي أُنْزِلَتْ

فِيهِ الْقُرْآنُ، وَ أَمُرَتْ بِعِمَارَةِ الْمَسَاجِدِ... (ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۳۰۵).

۵. شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان.

قدر در زمان و مکان

شب قدر جلوه‌ای از «قدر زمانی» است؛ شبی یگانه در سال که در میان چند شب پنهان شده و ارزشی فراتر از هزار ماه دارد. در روایات مربوط به مسجد می‌توان نمونه‌ای از «قدر مکانی» را نیز دریافت؛ مکانی که هرچند بارها در شبانه‌روز تکرار می‌شود، اما فضیلتی دارد که با معیارهای معمول سنجیده نمی‌شود.

بر اساس سخنان معصومان علیهم‌السلام، اصل حضور در مسجد ارزشی عظیم دارد و یک نماز در مسجد - به‌ویژه با جماعت - برتر از چهل سال عبادت پیوسته در غیر مسجد شمرده شده است.^۱ در نتیجه پنج نماز روزانه، در مقیاس فضیلت، ارزشی فراتر از دویست سال عبادت می‌یابد؛ مرتبه‌ای که درک آن با محاسبه‌های معمول آسان نیست.

بنابراین همان‌گونه که قرآن کریم در بیان فضیلت شب قدر از «هزار ماه» سخن می‌گوید بی‌آنکه نوع فضیلت را تعیین کند، روایات فضیلت مسجد نیز از حقیقتی سخن می‌گویند که فراتر از شمارش متعارف است.

۱. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَاةُ يَوْمٍ فَقَالَ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۷۷).

